

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله عزَّ وجلَّ:

{إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا}

خدا فقط می خواهد پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و کاملاً شما را پاک سازد

(سورة الأحزاب: الآية 33)

تعداد بسیار زیادی از احادیث شریف نبوی در منابع شیعه و سنی بر این امر دلالت دارند که این آیه مبارکه در خصوص پنج تن آل عبا بوده، و واژه «اهل بیت» ویژه ایشان است و اینان: محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین<sup>^</sup> می باشند. به عنوان مثال رجوع کنید به:

مسند احمد (241 هـ): 1 : 331، 4 : 107، 6 : 292 و 304؛ صحیح مسلم (261 هـ): 7 : 130؛ سنن ترمذی (279 هـ): 5 : 361 و ...؛ السنن الکبری نسائی (303 هـ): 5 : 108 و 113؛ الذریة الطاهرة النبویة دولابی (310 هـ): 108؛ المستدرک علی الصحیحین حاکم نساپوری (405 هـ): 2 : 416، 3 : 133 و 146 و 147؛ البرهان زرکشی (794 هـ): 197؛ فتح الباری شرح صحیح البخاری ابن حجر عسقلانی (852 هـ): 7 : 104؛ اصول الکافی کلینی (328 هـ): 1 : 287؛ الامامة والتبصرة ابن بابویه (329 هـ): 47، ح 29؛ دعائم الاسلام مغربی (363 هـ): 35 و 37؛ الخصال صدوق (381 هـ): 403 و 550؛ الامالی طوسی (460 هـ): ح 438 و 482 و 783. و نیز به تفسیر آیه در منابع زیر ر.ک: جامع البیان طبری (310 هـ): أحكام القرآن جصاص (370 هـ): أسباب النزول واحدی (468 هـ): زاد المسیر ابن جوزی (597 هـ): الجامع لأحكام القرآن قرطبی (671 هـ): تفسیر ابن کثیر (774 هـ): تفسیر ثعالبی (825 هـ): الدر المنثور سیوطی (911 هـ): فتح القدر شوکانی (1250 هـ): تفسیر عیاشی (320 هـ): تفسیر قمی (329 هـ): تفسیر فرات کوفی (352 هـ) ذیل آیهی اولوا الامر: مجمع البیان طبرسی (560 هـ) و بسیاری از منابع دیگر.

نقش اهل بیت ^

در بنیان گذاری جماعت صالحان (6)

(ساختار کلی روابط اجتماعی)

قال رسول الله ' :

إني تاركٌ فيكم الثقلين: كتاب الله وعترتي أهل بيتي ما إن تمسكتُم  
بهما لن تضلّوا أبداً، وإنهما لن يفترقا حتى يردا عليَّ الحوض.

پیامبر اکرم ' می فرمایند:

من دو [چیز] گرانسنگ در میان شما برجای می گذارم، کتاب  
خدا و خاندانم، اهل بیتم، تا زمانی که به این دو تمسک جوئید،  
هرگز گمراه نخواهید شد و به درستی که این دو هیچگاه از هم  
جدا نمی شوند تا در کنار حوض [کوثر] بر من وارد شوند.

صحیح مسلم: ج 7: 122، سنن الدارمی: ج 2: 432، مسند أحمد: ج 3:  
14، 17، 26 و ج 4: 371 و ج 5: 182، 189. مستدرک الحاکم: ج 3:  
109، 148، 533 و جز آن.

نقش اهل بیت <sup>^</sup>  
در بنیان گذاری جماعت صالح - 6  
(ساختار کلی روابط اجتماعی)

آیه الله سید محمد باقر حکیم

مترجم: کاظم حاتمی طبری

مجمع جهانی اهل بیت <sup>^</sup>

1387



• نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان (6)

(ساختار کلی روابط اجتماعی)

تالیف: آیه الله سید محمد باقر حکیم

ترجمه: کاظم حاتمی طبری

ویراستاری: مصطفی اسکندری

تهیه کننده: معاونت امور فرهنگی، اداره ترجمه

ناشر: مجمع جهانی اهل بیت <sup>^</sup>

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: 1391 ش / 1433 هـ

تعداد: 3000 نسخه

چاپخانه: اعتماد - قم

شابک: 4-324-529-964-978

شابک دوره‌ای: 3-318-529-964-978

[www.ahl-ul-bayt.org](http://www.ahl-ul-bayt.org)

[info@ahl-ul-bayt.org](mailto:info@ahl-ul-bayt.org)

حقوق چاپ محفوظ است



## بحث های مقدماتی

### (1) تعریف روابط اجتماعی

نظام روابط گسترده اجتماعی و واجبات و حقوق مترتب بر آن، یکی از ارکان اصلی و پایه‌های مهمی به شمار می‌رود که از دیدگاه اسلام، جامعه انسانی بر آن استوار است.

منظور از روابط اجتماعی، مجموعه وظایف، آداب و سنن، حقوق و پای بندی‌هایی است که روابط کلی عموم مردم و جماعت صالح به عنوان اعضای جامعه بزرگ انسانی، همچنین شکل ارتباط و رفتار انسانی درون گروهی در میان اعضای جماعت صالح را تنظیم می‌کند.

این دسته از ارتباطات غیر از ارتباطاتی است که از پاره‌ای عهد و پیمان‌ها و عقود ناشی می‌شود؛ زیرا چنین روابطی به طور طبیعی حقوق، آثار و لوازم خاص به خود را دارد، مانند عقد ازدواج، خرید و فروش، اجاره، ولاء و غیره، یا حقوق و مسئولیت‌هایی که انسان ممکن است در اثر داشتن جایگاه یا شغل معینی به عهده بگیرد، مانند امامت، ولایت، بیعت، مدیریت، ضمانت و ...

بنابر این نظام روابط اجتماعی عبارت از حدود، موازین و ضوابطی است که انسان، به وسیله آن، درک و فهم خود را از زندگی اجتماعی انسانی و مسئولیت متقابل خود را در قبال جامعه و تکامل آن ابراز می‌کند.

بدین ترتیب می‌توان گفت که نظام روابط اجتماعی چارچوب یا زیربنایی است که سایر ارتباطات خاص ناشی از عقود و التزامات ویژه یا مسئولیت‌های کلی، همه بر اساس آن استوار می‌شود و از این طریق است که این ارتباطات خاص می‌توانند نقش مطلوب خود را در زندگی انسان ایفا نموده، تکامل وی را محقق سازند؛ چرا که نظام روابط کلی خود تصحیح کننده روابط اجتماعی و روابط انسانی است.

## (2) خانواده و نظام ارتباطات

خانواده و ازدواج، بنیان تاریخی نظام روابط گسترده اجتماعی بوده که بعدها به نظام عشیره‌ای، قبیله‌ای و ملی تبدیل شده است، همچنان که قرآن کریم نیز به این نکته اشاره فرموده است:

{يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ} (1)

ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی تردید، خداوند دانای آگاه است.

و فرموده است:

{يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً} (2)

---

1. حجرات / 13.

2. نسا / 1.



ای مردم، از پروردگارتان که شما را از (نفس واحدی) آفرید و جفتش را  
تیز از او آفرید، و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد، پروا دارید

چه اینکه خانواده در عین حال خشت اول و شالوده نظریه اسلام،  
همچنین نظریه اهل بیت <sup>^</sup> در ساختن جامعه انسانی صالح است:  
آنجا که اسلام به خانواده اهمیت داده و برای روابط داخلی آن نظامی  
دقیق، استوار و فراگیر وضع نموده که تنظیم کننده تمام روابط داخلی  
خانواده با دقیق ترین جزئیات و شئون مختلف آن است.

نظریه اهل بیت <sup>^</sup> در رابطه با خانواده و رابطه زوجیت، دارای  
ویژگی‌ها و امتیازاتی است که توان مقابله با همه مشکلات و همراهی  
با همه تحولات اجتماعی را به آن اعطا می نماید.

اما با همه این احوال ما به دو دلیل در این کتاب به بحث پیرامون  
مسئله نظام روابط خانوادگی نمی پردازیم:

اول: اینکه این موضوع به جهت گستردگی و فراگیری و همچنین،  
اهمیت ویژه‌ای که از جنبه اجتماعی و انسانی از آن برخوردار است،  
سزاوار بحث و بررسی مستقل و گسترده‌ای است و از لحاظ اهمیت  
در حد نظام اقتصادی، نظام عقود و معاملات، نظام عبادات و سایر  
نظام‌های تفصیلی اسلام است که نیازمند بحث خاصی است.

دوم: از آنجا که موضوع این کتاب جماعت صالحان است، بحث ما در  
اینجا نیز در رابطه با نظام روابط کلی این جماعت است، بنابر این بدون  
ورود در جزئیات و بحث در باره روابط خاصی که از عقود ناشی

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان‌گذاری جماعت صالحان 6.

---

می‌شود، تنها به جنبه‌ عام مربوط به جماعت صالحان، خواهیم پرداخت. به همین دلیل است که به زودی در مبحث نظام روابط عام جماعت صالحان بر این نکته تأکید خواهیم کرد که یکی از ارکان و قواعد مهم این نظام، تقیّد و التزام به عهدها، پیمان‌ها، عقود و ادای حقوق است.

چه اینکه اشاره‌ای نیز به وجود اصلی تحت عنوان **برخوردهای ویژه**، در میان ابعاد نظریه روابط عام اجتماعی نیز خواهیم نمود. منظور از **برخوردهای ویژه**، وجود ویژگی‌هایی در رفتار و برخورد می‌باشد که به حسب وجود وضعیت‌های طبیعی در انسان‌ها مانند اُبوت، اخوت و کهنسالی، یا به سبب مضمون انسانی ویژه‌ای همچون دانش و جهاد، یا به واسطه عقود و التزاماتی چون عقد ازدواج و... تغییر می‌کند.

و از آنجا که خانواده در نظام اسلامی در پرتو قوانین تشریعی مخصوص به خود از ترکیبی پیشرفته و ویژه برخوردار گشته، از حالت ابتدایی و فطری خود خارج شده است.

اما با همه این احوال باید در همین جا تأکید کنیم که استحکام بنای خانواده و تقویت و تبدیل آن به یک خانواده صالح، نقش بزرگی در استحکام و پیشرفت روابط کلی اجتماعی دارد.

### **(3) پای بندی به اخلاق در روابط اجتماعی**

با وجود این که نظام اجتماع و روابط اجتماعی، مجموعه‌ای از قوانین تشریعات، وظایف، حقوق، فعالیت‌ها، آداب، رسوم و شعائر است، اما در عین حال نشان از میزان نفوذ جنبه اخلاقی در رفتار اجتماعی

مردم و نوع شناخت عقیدتی آنان از جهان هستی، زندگی انسان و مبدأ و معاد او دارد.

و شاید همین موضوع سرّ پرداختن به این مطلب در مباحث و کتاب های اخلاقی را بر ما آشکار کند. اما به زودی خواهیم دید که بحث گسترده تر از این بوده و تکالیف و التزاماتی دارد که به موضوعات مهم تری در شریعت اسلام مربوط می شود.

#### (4) شیوه بحث در روابط اجتماعی

با بررسی همه ابعاد این موضوع از دیدگاه اسلام خواهیم دید که بحث در رابطه با آن، بحثی گسترده و مهم است، اما در اینجا سعی خواهیم نمود به گونه ای به بررسی آن بپردازیم که با این کتاب و اهداف آن متناسب باشد. ما تنها به قدری به این کار خواهیم پرداخت که اشاره ای گذرا به دیدگاه اهل بیت <sup>^</sup> در رابطه با دیدگاه اسلام در باره روابط اجتماعی در سطح نظری و قواعد و اصول کلی و بعضی از نمونه های تطبیقی و ساختاری آن داشته باشیم.

به زودی در خلال این بحث خواهیم دید که در ارائه چارچوب های کلی مشترک بین دیدگاه عموم مسلمانان و ویژگی های مطرح شده توسط اهل بیت <sup>^</sup> در بنای ساختار اجتماعی جماعت صالحان تداخل وجود دارد. البته این تداخل امری طبیعی است چرا که اهل بیت <sup>^</sup> می خواستند جماعت صالح، اسوه و الگو و نمونه شایسته یک جماعت مسلمان باشد و در این راه تنها بر اسلام اصیل تکیه داشتند؛ اسلام کاملی که آن را از قرآن کریم برگرفته و از جد بزرگوار خود رسول خدا ' به میراث برده بودند. و

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

به خواست خدا گاه گاه در بیان مباحث به بعضی از این ویژگی‌ها اشاره خواهیم کرد.

ما بحث در این زمینه را به دو قسمت اصلی تقسیم کرده‌ایم:

اول: زیر بنای روابط اجتماعی در پرتو دیدگاه اسلام.

که در دو بخش ارائه شده است:

(1) ابعاد روابط اجتماعی از دید اسلام.

(2) قواعد زیر بنای دیدگاه اسلام در روابط اجتماعی.

دوم: ساختار و جزئیات شکلی این روابط و اجزای آن، شامل قوانین تشریحی که جزئیات این روابط اجتماعی را بیان می‌کند، انواع رفتارهای مختلف را مشخص می‌نماید به گونه‌ای که اهداف محقق شده، قواعد و چارچوب‌ها مشخص گشته، ابعاد متعدد این نظریه ترسیم شود که شرح و توضیح این نکات به زودی خواهد آمد.

1

زیربنای  
روابط اجتماعی



## ابعاد روابط اجتماعی

با توجه به این نکته بعضی از ابعاد نظریه روابط اجتماعی در برخی از بخش‌های گذشته بیان شده است، مهم‌ترین ابعاد آن را می‌توان در امور ذیل خلاصه نمود:

### [1] برخورد باز در روابط

اولین بُعد تئوری روابط، گشودگی و برخورد باز در روابط اجتماعی در مقابل برخورد بسته، عزلت و رهبانیت است. دیدگاه اسلام در زمینه روابط اجتماعی - البته با بیان اهل بیت <sup>^</sup> - در جهت تأکید فطرت انسانی و سوق آن در جهت تکامل در این زمینه مهم بوده، در این عرصه نیز همان رویکردی را دارد که ابعاد دیگر این نظریه در دیگر عرصه‌های زندگی دارای آن هستند.

پیداست که فطرت انسانی، انسان را به همین جهت سوق می‌دهد: معاشرت با دیگران، ارتباط با آنان و یاری جستن از آنها در برآوردن نیازها و آشنایی با سایر افراد. می‌توان این مطلب را از قرآن کریم نیز فهمید آنجا که از خلقت همسر برای انسان سخن گفته است:

{وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

مَوَدَّةٌ وَرَحْمَةٌ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ<sup>(1)</sup>

و از نشانه‌های او اینکه از انواع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این انعمت برای مردمی که می‌اندیشند، قطعاً نشانه‌هایی است.

واضح‌تر از این، اشاره‌ای است که قرآن کریم در بیان هدف از تقسیم مردم به ملت‌ها و قبایل مختلف، علی‌رغم سرچشمه گرفتن همه انسان‌ها از یک اصل و ریشه ذکر کرده است و آن هدف شناخت انسان‌ها از یکدیگر و برقراری ارتباط میان آنها بوده است که در سوره حجرات بدان اشاره رفته است:

{ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ }

ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت‌ها و قبایله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.

و در این رابطه ده‌ها مثال و مورد قرآنی وجود دارد که تأکید کننده این حقیقت فطری است.

این جهت‌گیری را در روایات اهل بیت <sup>^</sup> نیز به وضوح می‌توان یافت و تأکید بر این موضوع، در تئوری روابط اجتماعی ارائه شده توسط آن بزرگواران وارد شده است، مانند روایتی که در حدیث معتبری از مزارم، از



## زیربنای روابط اجتماعی

---

امام صادق × وارد شده است. وی گوید: امام صادق × فرموده‌اند:

بر شما باد به اقامه نماز در مساجد و حسن معاشرت با مردم، اقامه شهادت در محاکم عمومی و حضور در مراسم تشییع مردگان؛ زیرا شما را از مردم گزیری نیست. هیچ کس در طول زندگی خود از مردم بی نیاز نبوده و همواره مردمان را از یکدیگر گزیری نیست.<sup>(1)</sup>

بهره مندی از برادران: همچنین می‌یابیم ائمه اهل بیت <sup>^</sup> در همین راستا بر شیعیان خود تأکید می‌کردند که هرچه بیشتر به دوست یابی پرداخته و دوستان و اصحاب خود را افزایش دهند.

از حضرت امام رضا × نقل است که همواره می‌فرمود:

هر کس برای رضای خدا از برادری دینی بهره مند گردد، گویا از خانه‌ای در بهشت بهره مند گشته است.<sup>(2)</sup>

و از امام صادق × است که فرمود:

در دنیا هرچه بیشتر دوست پیدا کنید که دوستان در دنیا و آخرت موجب منفعت هستند، اما در دنیا برای رفع نیازهای دوستان خود اقدام می‌کنند و در آخرت هم همین بس که جهنمیان می‌گویند: {شفاعتگرانی نداریم \* و نه دوستی نزدیک}.<sup>(3)</sup>

همچنین در تأکید این نکته از امام صادق × رسیده است که:

برادران دینی خود را هرچه بیشتر کنید که هر مؤمنی را دعای مستجابی

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 399 ح 5، ابواب احکام العشرة، ب 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 407 ح 1 ب 7.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 407 ح 5 ب 7.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

است.

و فرمود:

برادران دینی خود را هرچه بیشتر کنید که هر مؤمنی در قیامت شفاعت می‌کند.

و فرمود:

هرچه بیشتر با مؤمنان برادری کنید که آنان در نزد خداوند اعمال شایسته‌ای دارند که خداوند در روز قیامت به واسطه آن اعمال، آنان را پاداش می‌دهد.<sup>(1)</sup>

و این شعر که از حضرت امیرالمؤمنین × نقل شده است:

بر تو باد به برادران یکدل که آنان، هرگاه که به یاریشان بخوانی تکیه گاه و پشتیبان تواند.

اگر کسی هزار دوست و رفیق داشته باشد بسیار نیست، اما یک دشمن هم بسیار زیاد است.<sup>(2)</sup>

برحذر بودن از قطع رابطه و کینه ورزی: در همین راستا می بینیم که اهل بیت <sup>^</sup> پیروان خود را از قطع رابطه یا کینه ورزی با مردم و جدال و خصومت با آنان برحذر داشته اند آنجا که این نهی را بدین سان تفسیر کرده اند که این گونه اعمال موجب بروز اختلال در روابط اجتماعی می گردد.

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 408 ح 6، ب 7.

2. عَلَيْكَ يَا خِرَانَ الصَّقَاءِ فَإِنَّهُمْ \*\*\* عِمَادٌ إِذَا اسْتَنْجَدْتَهُمْ وَظَهَرُ  
و لَيْسَ كَثِيرًا أَلْفٌ خَلٌّ وَ صَاحِبٍ \*\*\* وَ إِنَّ عَدُوًّا وَاحِدًا لَكَثِيرٌ

از امام معصوم روایت شده است که فرمود:

قطع رابطه با مردم موجب ایجاد دشمنی‌ها می‌گردد.

و از حضرت امام صادق × روایت شده است که فرمود:

امیرالمؤمنین × فرموده است: از جدال و دشمنی پرهیزید که دل‌ها را بیمار نموده و نفاق را در آن می‌رویاند.

و از همان حضرت روایت شده است که فرمود:

پیامبر اکرم ' فرموده است: نشد که جبرئیل بر من نازل شود مگر اینکه گفت: ای محمد، از کنیه‌ورزی و دشمنی با مردمان پرهیز. <sup>(1)</sup>

و به زودی نیز در بخش قاعده کنترل عواطف و عکس العمل‌ها توضیح بیشتری در باره این موضوع خواهیم داد.

**مدارا:** مطلب دیگری که در راهنمایی‌های اهل بیت ^ به آن اشاره شده است، مدارای با مردم است. در حدیث صحیح از حضرت امام صادق × چنین آمده است:

پروردگرم همان گونه که مرا به واجبات فرمان داده است، به مدارا کردن با مردم نیز فرمان داده است. <sup>(2)</sup>

در بیان قاعده حسن خلق با مردم توضیح بیشتری در این باره خواهد آمد.

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 406، باب کراهة الاتقیاض مع الناس ح 1 و ص 576 ح

2. و ص 569 و در باب 135 و 136 نیز روایاتی هست که با این بخش مناسبت دارد.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 540، ب 121 ح 1.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

عزلت گزیدن از مردم و رهبانیت: از بعضی روایات چنین بر می آید که عزلت گزینی و دوری از فعالیت‌های اجتماعی و عدم رابطه با مردم شیوه برگزیده زندگی است.

در روایتی از امام صادق × که شیخ کلینی آن را با سند معتبر از حفص بن غیاث نقل می‌کند، از قول آن حضرت چنین آمده:

اگر توانستی از خانه خود خارج نشوی این کار را بکن، چون در صورت خروج از خانه، بر تو است که مراقب باشی تا غیبت نکنی، دروغ نگویی، حسادت نوری، ریا‌تمایی و راه‌سازش و مداهنه با بدان را در پیش نگیری.

سپس فرمود:

آری، بهترین صومعه برای مسلمان خانه او است که در آن، چشم، زبان، نفس و شهوت جنسی خود را مهار می‌کند.<sup>(1)</sup>

در تفسیر علی بن ابراهیم از حضرت امیرالمؤمنین × در حدیثی چنین نقل شده است:

خوشا به احوال کسی که همواره در خانه خود نشسته، نان خشکیده خود را بخورد و بر گناهان خویش بگریزد، خود از دست خویشتن در سختی و مردم از دست او در آسایش باشند.<sup>(2)</sup>

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 283 ح 1، در باورقی همان صفحه ادامه این حدیث نیز آمده است.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 284 ح 5، در همین باب احادیث دیگری نیز در همین زمینه آمده است.

لکن می‌توان این روایات را مانند صاحب وسائل الشیعه در حاشیه‌ای که بر همین احادیث نوشته است، این گونه تفسیر کرد که این احادیث، ویژه حالت‌های استثنایی است که انسان خود را در آن حالات در برابر فشارها و فریبندگی‌ها، ناتوان و ضعیف می‌بیند و چون رو به رو شدن با مفسد بر وی گران می‌آید، با گزیدن کنج عزلت جانب احتیاط را نگاه می‌دارد.

یا می‌توان این احادیث را این گونه تفسیر کرد که برگزیدن راه عزلت و کناره‌گیری از مردم یکی از شیوه‌های تربیتی بوده و بازداشتن، هشدار دادن و آگاه کردن مردم از خطرات احتمالی معاشرت با مردمی که چاره‌ای جز معاشرت با آنها نبوده و نیست، امری لازم و ضروری است که همگان به دانستن و توجه به آن نیازمند هستند. بنابر این بر انسان است که همواره از عواقب و آثاری که ممکن است از معاشرت با مردم برایش بیاید بر حذر باشد و در روایت اولی به همین نکته اشاره دارد که می‌گوید: «اگر توانستی از خانه خود خارج نشوی این کار را بکن...»

و مؤید این تفسیر، روایت پیشین است که در بخشی از آن آمده است:

هیچ کس در طول زندگی خود از مردم بی‌نیاز نبوده و همواره مردمان را از یکدیگر گزیری نیست.

وگرنه، خداوند اصلاً بشر را برای امتحان و ابتلا و فتنه آفریده است تا در اثر تحمل مسئولیت و برگزیدن حق در برابر باطل، و صالح در مقابل فاسد تکامل یابد و همه اینها در مسیر حرکت انسان در جهان هستی و جامعه بشری است و فرار از امتحان به وسیله فرار از زندگی

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

و مردم با این هدف تکاملی منافات دارد.

صرف نظر از دو احتمال یاد شده که می‌توان به وسیله آنها تنافی ظاهری میان این دو دسته از روایات را برطرف کرده، به اصطلاح علمی آنها را با هم جمع کرد، می‌یابیم که التزام به مضمونی که از اطلاق و عموم روایات دسته دوم بر می‌آید عملاً امکان پذیر نیست؛ آنجا که دسته اول از روایات با قرآن کریم و سنت شریف نبوی تطبیق داشته از لحاظ تعداد بیشتر و از لحاظ سند مطمئن تر و در میان دانشمندان جماعت صالح مشهورتر بوده، سیره عملی عموم دانشمندان و صالحان بر آن تعلق گرفته است. مرحوم علامه طبرسی در تفسیر شریف مجمع البیان این موضوع را این گونه بیان فرموده است: «در احادیث شریف از ترک ازدواج و تشکیل خانواده و قطع رابطه با مردم و بریدن از آنها نهی شده، همچنین هم از رهبانیت و گوشه گیری و هم از سیاحت و گشت و گذار نهی شده است»<sup>(1)</sup>.

آیه کریمه:

{ وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا  
حَقَّ رِعَايَتِهَا... }<sup>(2)</sup>

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 285 ح 7، ب 51، استحباب لزوم المنزل. و برای تحقیق بیشتر در این زمینه ر.ک همین منبع: 8 / 248 - 249، باب عدم جواز السفر فی غیر الطاعات و المباحات و عدم جواز السیاحة و الترهّب خصوصاً ح 4 - مترجم.
2. و [اما] ترك دنيايی که از پیش خود درآوردند ما آن را بر ایشان مقرر نکردیم مگر برای آنکه کسب خشنودی خدا کنند، با این حال آن را چنان که حق رعایت آن بود منظور نداشتند.

نیز مؤید همین مطلب می‌باشد: چرا که ترهیب از ماده رهب به معنای ترس است و رهبانیت به معنی صحیح آن، ترس از خداوند و خشوع و بندگی در برابر او است که بر پیروان عیسی مسیح × واجب شده بود، اما آنان چنان که باید و شاید آن را مراعات نکرده، بلکه رهبانیت را تنها در بریدن از مردم، دوری کردن از زنان و شانه خالی کردن از وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی دانسته و آن را نه برای حفاظت از جان خود در برابر خطرها، که به عنوان شغل و پیشه برگزیدند.

## [2] تقویت ساختار اجتماعی

هدف از روابط اجتماعی علاوه بر تکامل ذاتی در حرکت فردی انسان ها به سوی خداوند متعال، استوار ساختن پایه‌های جامعه اسلامی و تقویت بنیه اجتماعی آن برای سیر در راه تکامل اجتماعی و مهیا ساختن عوامل قدرت، توانایی، رفاه، ثبات و توان رویارویی و حل مشکلات مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و روحی نیز هست.

اهمیت این بُعد از ابعاد نظریه روابط اجتماعی در اسلام که هدف کلی آن را نیز تشکیل می‌دهد، از ملاحظه دقیق محتوا و مضمون روابط اجتماعی که بر پایه اصل ولایت استوار شده است و همچنین از مراجعه به جزئیات و تفصیلات این نظریه در بخش دوم این قسمت به وضوح آشکار خواهد گشت

در رابطه با موضوع تقویت ساختار اجتماعی می‌توان چند اصل اساسی را به وضوح ملاحظه نمود که تئوری روابط آنها را مورد تأکید قرار داده است

---

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

و ما در اینجا به شکلی گذرا به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

1. یکی از این اصول، تعاون و همیاری و همکاری میان عموم مسلمانان و مؤمنان (شیعیان) است.

در حدیث صحیح از امام صادق  $\times$  آمده که فرمود:

و بر هر مسلمان واجب است که در راه همبستگی با دیگر مسلمانان کوشیده، در راه مهربانی با یکدیگر و رسیدن به داد نیازمندان باهم هم پیمان گردند، تا چنان شوید که خداوند متعال فرموده است: با یکدیگر مهربان، و از مصایب یکدیگر، غمناک؛ همان رویه‌ای که انصار در زمان پیامبر اکرم <sup>'</sup> مقید به انجام آن بودند.

و از حضرت امام صادق  $\times$  است که پیامبر اکرم <sup>'</sup> فرموده‌اند:

و هرکس که بشنود مردی فریاد می‌زند: آی مسلمانان، و به یاری او نشتابد، مسلمان نیست.<sup>(1)</sup>

و باز از خود حضرت صادق  $\times$  روایت شده است که فرمود:

هرکس که به حل و فصل امور مسلمانان همت نگمارد، مسلمان نیست.<sup>(2)</sup>

2. اصل امر به معروف و نهی از منکر که از بزرگ‌ترین واجبات الهی و بلند مرتبه‌ترین و با شرافت‌ترین فرایض است. در حدیث شریف از امر به معروف و نهی از منکر چنین تعبیر شده است:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 559 - 560، ب 18 ح 3.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 559، ب 18 ح 1.



«... سبیل الأنبياء ومنهاج الصلحاء فريضة عظيمة بها تُقام الفرائض وتأمين المذاهب وتُحلّ المكاسب وتُردّ المظالم وتعمّر الأرض ويُنتصف من الأعداء ويستقيم الأمر...»<sup>(1)</sup>

راه پیامبران، روش صالحان، واجب عظیمی که سایر واجبات به واسطه آن برپا می‌شوند، امنیت راه‌ها بدان تحقق یافته، کسب و کارها در مجرای حلال قرار گرفته، حقوق پایمال شده به صاحبانش بازگردانده شده، زمین آباد گشته، دشمنان به سزای اعمال خود رسیده و کارها در مجرای درست قرار خواهد گرفت.

در مباحث بعدی کتاب، نقش امر به معروف و نهی از منکر در تأمین ثبات و اجرای احکام اسلام را بیشتر توضیح خواهیم داد.

**3.** اصل تکافل اجتماعی و حقوق طرفینی در روابط که در مبحث نظام اقتصادی به تفصیل از آن سخن گفتیم و در آینده نیز در ضمن بیان نمونه‌های تطبیقی باز اشاره‌ای بدان خواهیم کرد.

**4.** اصل حسن ظن به دیگران و توجیه و حمل بر صحت کارهای برادران مؤمن و چشم پوشی از خطاها و پوشاندن عیب‌های آنان، که این امر طبیعتاً در حفظ پیوستگی ساختار اجتماع و جلوگیری از بروز خلل در آن مؤثر است.

از حضرت امام باقر از پدر بزرگوارش از جدش <sup>^</sup> چنین روایت شده است:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 395، ب 1 ح 6.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

کار برادر مؤمن خود را به بهترین حالت توجیه کن، تا آنجا که دلیلی قاطع بر سوء نیتش بیابی، و مبادا کلمه ناپسندی که از برادر مؤمن خود می‌شنوی تو را وا دارد که در باره او گمان بد ببری، در حالی که می‌توانی به نحوی آن را حمل بر صحت کنی.<sup>(1)</sup>

و از ابوبصیر روایت شده است: امام صادق × فرموده است:

در جستجوی عیوب مردم نباش که بدون دوست خواهی ماند.<sup>(2)</sup>

و از ضحاک بن مخلد چنین نقل است که: از امام صادق × شنیدم که می‌فرمود:

توقع جوانمردی و انصاف داشتن از دوستان، جوانمردی نیست.<sup>(3)</sup>

5. اصل مشورت و استفاده از نظریات و تجربیات دیگران، همچنین ضرورت دلسوزی و نصیحت برای مسلمانان در انجام کارها یا در برخورد با آنها.

از ابوهریره نقل است که گفت: از ابوالقاسم ' شنیدم که می‌گفت:

با عاقل مشورت کرده و از رأی او سرپیچی نکنید که پشیمان خواهید شد.<sup>(4)</sup>

و از سلیمان بن خالد روایت شده است: از حضرت امام صادق ×

---

1. کلینی، الکافی 2 / 362 ح 3\* صدوق، امالی 380 ح 483، و به نقل از آن: بحار 75 / 196 ح

11.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 458، ب 56 ح 2.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 458، ب 56 ح 3.

4. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 409، ب 9 ح 1.

شنیدم که می فرمود:

با شخص عاقل و پرهیزگار مشورت کن که او تو را جز به خیر و نیکی راهنمایی نخواهد کرد و مبدا با نظر چنین شخصی مخالفت ورزی که مخالفت با نظر شخص عاقل با تقوا، دین و دنیای تو را فاسد خواهد کرد.<sup>(1)</sup>

و از امام صادق × است که فرمود:

مشورت کردن با شخص عاقل دلسوز، موجب رشد، میمنت و توفیقی از جانب خداوند است، پس اگر شخص دلسوز عاقل تو را در امری راهنمایی کرد، مبدا بر خلاف آن رفتار کنی، که این کار هلاکت به دنبال خواهد داشت.<sup>(2)</sup>

و برای اینکه مشورت به اهداف یاد شده برسد، شارع مقدس در کسی که صلاحیت قرار گرفتن در مقام مشاوره را دارا می باشد، شرایط مهمی را در نظر گرفته است؛ مانند: عقل، تقوا، رازداری، و دیگر ویژگی هایی که با سلامت شخصیتی مشاور ارتباط دارد.

در همین رابطه از حلی از امام صادق × روایتی نقل شده است:

مشورت را حدود و شرایطی است که اگر آن حدود و شرایط در آن مراعات گردید به درستی انجام شده و اگر این حدود و شرایط در آن لحاظ نگردید، زیان چنین مشورتی بر مشورت کننده از منفعت آن بیشتر خواهد بود.

اولین شرط این است که مشاور باید عاقل باشد.

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 426 ح 5.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 426 ح 6.

دومین شرط این است که باید آزاده و دیندار باشد.

سومین شرط این است که باید دوستی وی با تو برادرانه باشد.

چهارمین شرط این است که باید همه اسرار خود را با چنین مشاوره در میان بگذاری به گونه‌ای که آگاهی او از درون تو مانند آگاهی خود تو از درون خودت باشد.

حال اگر مشاور عاقل بود از مشورت با او سود خواهی برد، و اگر آزاده و دیندار باشد، در راه خیر خواهی برای تو خود را به زحمت خواهد افکند، و اگر دوستی برادروار با تو داشته باشد، چون وی را از اسرار خود آگاه کردی، راز تو را پوشیده نگاه خواهد داشت، و در نهایت اگر به چنین مشاوره اطلاعات صحیح دادی چنان که گویی آگاهی او از درون تو مانند آگاهی خودت از درونت شد، این مشورت و خیر خواهی به درجه کمال رسیده است.<sup>(1)</sup>

### [3] محتوای روابط: مساوات و برادری

بعد سوم تئوری روابط ارزیابی مضمون و محتوای آن است. این امر موجب می‌گردد تا روابط اجتماعی از یک سو بر اساس دیدگاهی واقعی مبتنی بر حقیقت و ارزش واقعی انسان و از دیگر سو، بر اساس طبیعت روابط و تکوین ساختار اجتماعی استوار گردد.

اسلام نیز در همین راستا بهترین روابط را در میان مردم ایجاد کرده است: روابطی بر این اساس که مردم در اصل خلقت با یکدیگر

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 426 - 427 ح 8.

## زیربنای روابط اجتماعی

مساوی و هم‌رتبه‌اند، و در خلقت همه شبیه و مانند یکدیگر بوده و از لحاظ خلقت هیچ یک از آنان بر دیگری برتری ندارد:

{إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى}

ماشما را از یک مرد و یک زن آفریدیم.

و کلکم من آدم و آدم من تراب.

همه شما از آدم و آدم نیز از خاک آفریده شده است.

و امتیازات و اختلافات میان انسان‌ها از اسباب و عواملی ناشی می‌شود که در اثر تحول انسان و جامعه بر حقیقت ذات او عارض می‌شوند، که برخی از این امتیازات، همچون تقوا، دانش، جهاد و صفات ارادی حاصل از تربیت و ممارست، چون صبر و نیکوکاری، برحق و صحیح، و پاره‌ای دیگر از این امتیازات باطل و غیر واقعی می‌باشند، همچون بسیاری اموال و اولاد، قدرت و سلطهٔ مادی یا امتیازات ناشی از مواهب الهی که به صورت تصادفی نصیب برخی از افراد می‌گردد.

اما طبیعت رابطهٔ اجتماعی که می‌بایست ساختار و محتوای اجتماع بر آن بنا نهاده شود، همان رابطهٔ برادری اسلامی و ایمانی و همچنین رابطهٔ مساوات و برابری میان افراد جامعه‌ای است که بر اساس اسلام و عقیدهٔ اسلامی بنیاد نهاده شده است.

بنابر این همهٔ مسلمانان با هم برادر و برابر بوده از لحاظ ارزش‌های معنوی با هم مساوی می‌باشند، چه اینکه در عین حال، رشته‌های پیوند میان آنان نیز به گونه‌ای است که گویا زاده یک پدر و مادر هستند. بدین ترتیب اسلام توانسته است رابطهٔ اجتماعی مبتنی بر عقیده را از لحاظ

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

ارزش و اهمیت با رابطه نسبی تکوینی همسنگ و برابر سازد.

در تعدادی از احادیث معتبر در رابطه با موضوع ازدواج و زناشویی بر این نکته تأکید شده است؛ موضوعی که شرایطی مادی و معنوی قرار داده شده برای آن در جامعه عربی و بلکه جوامع انسانی، ربطی به این مفهوم ندارد.

از جمله این روایات معتبر که مرحوم شیخ کلینی در کافی آن را نقل کرده است، جریان ازدواج جویر است که جوانی از اهالی یمامه بوده، اسلام آورده و مسلمانی با ایمان، اما در عین حال، کوتاه قد، بدقیافه، فقیر و سیاه پوست بوده است. پیامبر اکرم ' به وی فرمان داد تا به نزد زیاد که یکی از رؤسای قبایل مدینه بود رفته، دختر وی را برای خود خواستگاری کند. آن حضرت به جویر فرمود:

ای جویر، خداوند متعال به واسطه اسلام، کسانی را که در زمان جاهلیت دارای شرافت بودند، پست کرد و کسانی را که در زمان جاهلیت از طبقات پست به شمار می آمدند، شریف گردانید. خداوند متعال همچنین کسانی را که در آن دوران ذلیل و خوار بودند، به واسطه اسلام عزیز و محترم گردانید. خداوند متعال با اسلام غرور جاهلی و فخر فروشی آنان به نسب و عشیره را از میان برداشت. حال مردم همه از سیاه، سفید، قریشی، عرب و عجم از آدم هستند و آدم نیز از خاک آفریده شده است، و در روز قیامت محبوب ترین مردم در نزد خداوند کسی است که بیشترین فرمانبرداری را از خداوند متعال داشته و پرهیزگارتر باشد.

در ادامه این روایت آمده است که پیامبر اکرم ' به زیاد که پدر دختر بود نیز فرمود:

ای زیاد، جویر مؤمن است، و مرد مؤمن همتای زن مؤمن و مرد مسلمان همتای زن مسلمان است، پس دختر خود را به ازدواج او درآور. (1)

احترام به انسان در روابط کلی: البته دین اسلام که ایمان را چارچوب اصلی روابط اجتماعی قرار داده است، در عین حال، از جنبه انسانی این رابطه - یعنی رابطه انسان با انسان دیگری نظیر خود - غفلت نورزیده و در تصور نظری اجمالی خود از این رابطه، برای این جنبه نیز اعتبار قائل شده است، همچنان که می‌توان این مطلب را از کلام حضرت امیرالمؤمنین × در عهد نامه مالک اشتر که با سند معتبر روایت شده است، ملاحظه نمود:

«و أشعر قلبك الرحمة للرعية و المحبة لهم و اللطف بهم، و لا تكوئن عليهم سبعا ضارياً تغتتم أكلهم، فإئهم صنفان: إما أخ لك في الدين أو نظير لك في الخلق» (2)

جان خود را لباسی از مهربانی و لطف و محبت به مردم بیوشان و هرگز در برابر آنان چون درنده‌ای خون آشام مباش تا خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا آنان دو دسته‌اند، اگر مسلمانند برادران دینی تواند و اگر مسلمان نیستند انسانند و از نظر خلقت با تو یکسان.

این مطلب در ضمن روایاتی که در رابطه با ترغیب پیروان اهل

---

1. ر.ك: کلینی، الکافی 5 / 339 - 343 ، در این قضیه، و همچنین در جریان ازدواج حبیب، پندها و حکمت‌های درخشانی وجود دارد؛ چه اینکه در همین باب از الکافی، و باب‌های بعد از آن قضایای دیگری نقل شده است که همین مفهوم را تأکید می‌کند و مطالعه آنها شایسته است.

2. نهج البلاغه، نامه 53.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

بیت × به مردم داری و خوش اخلاقی با عموم مردم وارد شده است به صورت آشکار وجود دارد، و بدین معنی است که تا وضعی استثنایی رخ نداده که نوع برخورد خاصی از قبیل قطع رابطه یا بیزاری جستن را لازم آورد، اصل کلی و طبیعی، حفظ رابطه اجتماعی در سطح انسانی آن می باشد.

از سماعه از امام صادق × نقل است که فرمود:

مردمداری یک سوم عقل است.<sup>(1)</sup>

و از ابوبصیر، از امام باقر × یا امام صادق × چنین روایت شده است:

اعرابی به نزد پیامبر اکرم ' آمد و به آن حضرت عرضه داشت: مرا نصیحت کن، از جمله سفارشات پیامبر به او این بود: مردم را دوست بدار تا تو را دوست بدارند.<sup>(2)</sup>

و باز در تأیید این نکته می توان به موضع اسلام در برابر کافران اشاره کرد؛ آنجا که قرآن کریم در موضوع روابط کلی، میان کافران و دشمنان فرق گذاشته و حساب دشمنان را که مواضع سیاسی و نظامی بر ضد مسلمانان اتخاذ می کنند، از کافران عادی که مواضع دشمنی جویانه ندارند، جدا کرده است.

قرآن کریم از دوستی با دسته اول نهی کرده، اما دوستی با گروه دوم و احسان نسبت به آنان را جایز دانسته است:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 434، ب 30 ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 433 ح 1.



{لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ \* إِيْمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ} (1)

اما خدا شما را از کسانی که در اکارا دین با شما نچنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد \* فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد که در اکارا دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه هایتان بیرون رانده و در بیرون راندنتان با یکدیگر همپشتی کرده‌اند. و هر کس آنان را به دوستی گیرد، آنان همان ستمگرانند.

پاره‌ای از روایات نیز به همین مطلب اشاره دارد؛ روایاتی که بر اهمیت دعوت به خدا و مباحثه و مناظره بر اساس عقلانیت و حفظ روابط کلی اجتماعی، و از طریق حکمت و پند نیکو با کافران و به طور کلی همه مردم، از مسلمان و غیر مسلمان تأکید دارد.

همچنین آیاتی از قرآن کریم و احادیث شریف که در نهی از سب (توهین) کفار وارد شده و هدف از این آیات و روایات، جلوگیری از تشدید و بالا گرفتن مواضع منفی آنان در برابر مسلمانان می‌باشد؛ چرا که توهین به طور طبیعی عکس العمل مشابهی خواهد داشت.

و هنگامی که اسلام برادری را به عنوان محتوای روابط اجتماعی در جامعه اسلامی مطرح می‌کند، می‌خواهد که از طریق این روابط، این

مضمون انسانی را در کنار برادری نسبی قرار داده و مزایای آن را مانند ولأء، یاری، احساسات و عواطف انسانی، حقوق اجتماعی و... عیناً به این روابط نیز منتقل نماید.

#### [4] سطح روابط

اگرچه اسلام در اصل روابط انسانی، معتقد به نظریه مساوات می باشد که در روحیه اخوت و برادری میان افراد جامعه اسلامی نمود پیدا کرده است، اما در این راستا از واقعیت های موجود جامعه و واقع گرایی در ملاحظه حقیقت موجود در جوانب مختلف روابط اجتماعی نیز غفلت نکرده است؛ آنجا که می بینیم اسلام برای روابط اجتماعی، دو سطح اصلی قرار داده و این کار، برخاسته از واقعیت موجود جامعه و دگرگونی هایی است که در اثر این واقعیت، به سبب وضع روحی و فکری جامعه، برای جنبه های طرفین رابطه حاصل می شود:

**سطح اول:** رابطه عام با کلیت جامعه که این نوع از ارتباط را نفس وجود انسان در جامعه و همزیستی او با افراد موجود در آن، بر وی لازم آورده و انسان از این طریق می تواند با سایر افرادی که در این جامعه با او زندگی کرده و همگی اجزای این پیکره را تشکیل می دهند، تحت یک چارچوب کلی، رابطه برقرار کند.

در اینجا این اسلام است که نقش این چارچوب کلی را ایفا کرده، در جامعه ای که بر اساس التزام به اسلام و پذیرش این دین برپا شده، نقطه جمع و فصل مشترک میان دو طرف ارتباط می باشد.

در این سطح از روابط، خون ها، اموال، عهدها و پیمان ها، مشارکت و

## زیربنای روابط اجتماعی

همیاری در مسئولیت‌های اجتماعی از قبیل امر به معروف و نهی از منکر، پای بندی به انجام شعائر اسلامی و آداب اجتماعی همچون حضور در نمازهای جماعت، مراسم تشییع جنازه، عیادت از بیماران، و سایر مراسم اجتماعی مانند ازدواج و غیره، حفظ شده و محترم می‌ماند.

در روایت صحیح از معاویة بن وهب چنین نقل شده است:

به حضرت امام صادق  $\times$  عرضه داشتم: در رابطه با نحوه برخورد و تعامل ما با قوم خود و سایر کسانی که در میان مردم با آنها ارتباط داریم، شایسته است چگونه رفتار کنیم؟

فرمودند:

امانات آنان را به درستی نگاه دارید، در محاکم برای شهادت به سود یا زیان آنان حضور یابید، بیماران آنها را عیادت نموده و در مراسم تشییع جنازه آنان حضور به هم رسانید.<sup>(1)</sup>

چه اینکه اهل بیت  $\wedge$  در این سطح از روابط، برای شیعیان خود شرایط زیادی هم وضع نکرده و تنها به بیان بعضی از شرایط کلی مانند اجتناب از مواضع تهمت و پرهیز از همنشینی با اهل بدعت و کسانی که علناً به فسق و فجور می‌پردازند یا کسانی که به مشاغل حرام اشتغال دارند، اکتفا کرده‌اند. که مشروح این مطلب در قسمت دوم خواهد آمد.

از فُجِيعِ عَقِيلِي روایت شده است که حضرت امیرالمؤمنین  $\times$  در

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 398، ابواب احکام العشرة، ب 1 ح 1.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

وصیت خود به فرزندش حضرت امام حسن مجتبی  $\times$  فرموده است:  
و إياك و مواطن التهمة، و المجلس المظنون به السوء، فإن قرین السوء یغترّ  
جلیسه. (1)

از مواضع تهمت و مجالسی که گمان بدی و زشتی به آن می‌رود بر حذر  
باش، زیرا همنشین بد همنشین خود را فریب خواهد داد.

و از عمر بن یزید از حضرت امام صادق  $\times$  نقل است که فرمود:  
لا تصحبوا أهل البدع، و لا تجالسوهم فتكونوا عند الناس كواحد منهم، و قال  
رسول الله ' المرء علی دین خلیله و قرینه. (2)

با اهل بدعت همنشین نشوید که در نزد مردم یکی از آنها شناخته  
خواهید شد، و پیامبر اکرم ' فرموده است: هر انسانی بر دین دوست و  
همنشین خویش است.

و از حماد بن عمرو و انس بن محمد از پدرش، همگی از امام صادق،  
از پدران <sup>^</sup> روایت شده است که پیامبر اکرم ' در وصیت خود به  
حضرت علی  $\times$  فرمود:

ای علی، کسی که از دین یا دنیای او سودی به تو نرسد، در همنشینی او  
تو را خیری نخواهد بود. (3)

و البته بعید نیست که در بعضی از این موارد، نهی فقط به همنشینی با

- 
1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 422، ابواب احکام العشرة، ب 19 ح 4.
  2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 430، ابواب احکام العشرة، ب 27 ح 1.
  3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 431، ابواب احکام العشرة، ب 28 ح 1.

## زیربنای روابط اجتماعی

این گروه از مردم تعلق گرفته و برقرار کردن روابط ساده با این دسته از مردم مورد نهی واقع نشده باشد، لکن بر فرض اینکه این نهی عمومیت نیز داشته باشد می‌توان احتمال داد که این امر یا به دلیل ترس از تبدیل این ارتباطات ساده و جزئی به همنشینی و ارتباط نزدیک در دراز مدت بوده، یا - چنان که از بعضی از این روایات استنباط می‌شود - به این دلیل بوده که حتی همین روابط جزئی نیز ممکن است، شیعیان را مورد تهمت و سوء ظن عموم مردم قرار دهد.

**سطح دوم:** روابط خاص که نوعی ارتباط نزدیک است و در عرف به آن رفاقت و دوستی می‌گویند.

این سطح از روابط، در آثار کلی، نتایج و لزوم پای بندی به آنها، نسبت به سطح اول دارای نقاط مشترکی است، اما در بعضی از شرایط، حقوق و مسئولیت‌های اضافی، تفاوت‌هایی نسبت به سطح اول دارد - که بیشتر بعضی از آنها را دانستیم - مانند برخی ویژگی‌های مالی، پاره‌ای از حقوق فرهنگی مانند مذاکره در باره امور دینی و آموزش و فراگیری آن، یا امور سیاسی مانند بررسی اوضاع عمومی جامعه خصوصاً در وقتی که این روابط در سطح بالایی باشد، که به زودی توضیح آنها خواهد آمد.

از خیمه از امام صادق × روایت شده است که فرمود:

أبلغ موالینا السلام و أوصهم بتقوي الله و العمل الصالح و أن يعوذ  
صحيحهم مريضهم، و ليعذ غنيهم علي فقيرهم، و أن يشهد حيهم جنازة  
ميتهم، و أن يتلاقوا في بيوتهم، و أن يتفاوضوا علم الدين، فإن في لقاء

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

بعضهم بعضاً حياة لأمرنا، رحم الله عبداً أحميا أمرنا.<sup>(1)</sup>

سلام مرا به اهل ولایت ما برسان و آنها را به پرهیز از خداوند و کردار شایسته سفارش کن، و اینکه تدرستانشان از بیماران عیادت کرده، اغنیای آنان به وضع فقرایشان رسیدگی کرده، قدرتمندان دست ضعیفان را گرفته و زندگان به تشییع جنازه مردگانشان بروند، به خانه‌های یکدیگر رفته و باهم دیدار کرده در باره علم دین با یکدیگر به گفتگو بپردازند، که دیدار میان آنها سبب زنده شدن امر ما می‌باشد، خداوند بنده‌ای را که امر ما را زنده نگاه دارد مورد رحمت خود قرار دهد.

و در حدیث معتبری از میسرة، از حضرت امام محمد باقر × چنین نقل شده: امام باقر × به من فرمود:

آیا در کنار هم خلوت کرده با هم حدیث گفته و در باره هرچه بخواهید به بحث می‌پردازید؟

گفتم: به خدا سوگند چنین است.

آن حضرت فرمودند:

به خدا سوگند بسیار دوست می‌دارم که در بعضی از این مجالس همراه شما باشم، بدانید که به خدا سوگند، من بوی شما و ارواح شما را دوست می‌دارم؛ شما که بر دین خدا و دین ملائکه خدا هستید، پس با پرهیزگاری و سخت کوشی مرا در این راه یاری کنید.<sup>(2)</sup>

برادری برای رضای خدا: اهل بیت <sup>^</sup> برای پیشرفت روحی این

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 400، ابواب احکام العشرة، ب 1 ح 7.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 567، ابواب فعل المعروف، ب 23 ح 5.

## زیربنای روابط اجتماعی

روابط تلاش بسیاری به خرج دادند تا به بالاترین درجه رسیده، از لحاظ محتوای انسانی، اجتماعی و روحی، از برادری نسبی نیز پیشی گیرد؛ به گونه‌ای که محبت و مودت در این نوع از روابط تنها برای رضای خداوند متعال و با اخلاص کامل به انجام رسد و در نتیجه، انسان برادر مسلمان خود را مانند خود دانسته، بلکه پا را فراتر نهاده و برادر دینی خود را بر خویشتن ترجیح دهد.

احادیث اهل بیت <sup>۸</sup> نشان از این روند تکاملی این دسته از روابط در روابط اجتماعی جماعت صالحان دارد.

حسن بن محمد طوسی در کتاب خود، مجالس، با سند معتبر در حدیثی از حضرت امام ابو جعفر باقر، از پدران بزرگوارش <sup>۸</sup>، از رسول خدا <sup>۹</sup>، چنین نقل کرده است:

چون روز قیامت فرا رسد، ندا کننده‌ای از جانب خداوند متعال ندایی در می‌دهد که از اول تا آخر اهل محشر همه صدایش را به صورت یکسان می‌شنوند، وی چنین ندا می‌کند: کجا ایند همسایگان خداوند در خانه‌اش؟

در این هنگام گروهی از مردم به پا می‌خیزند. دسته‌ای از ملائکه به استقبال آنها رفته و به آنان می‌گویند: شما در دنیا چه عملی انجام می‌دادید که امروز از همسایگان خدا در خانه‌اش گردیدید؟

آنان در پاسخ می‌گویند: ما برای رضای خدا به یکدیگر محبت ورزیده، و برای رضای خدا به یاری یکدیگر می‌شتافتیم.

پیامبر اکرم <sup>۱۰</sup> فرمودند: در این هنگام ندا کننده‌ای از جانب خداوند متعال ندا می‌کند که: بندگانم راست می‌گویند، راهشان را باز کنید. آنگاه

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

آنان، بدون حساب به جوار خدا در بهشت می‌روند.

سپس حضرت ابو جعفر × فرمودند: اینان همسایگان خدا در خانه‌اش هستند، مردم همه در هراسند اما آنان را هراسی نیست و مردم همه مورد محاسبه قرار می‌گیرند اما آنان از محاسبه معاف هستند.<sup>(1)</sup>

مرحوم کلینی در کافی به طریق معتبر از حضرت امام صادق × نقل کرده که فرمود:

شش خصلت است که اگر در بنده‌ای باشد در نزد خداوند متعال و راست او جایگاه خواهد داشت.

ابن ابی یعفور به آن حضرت عرض کرد: فدایت شوم، آن شش خصلت چه هستند؟

آن حضرت فرمودند: خداوند بنده‌ای را دوست می‌دارد که برای برادر دینی خود همان چیزی را بیسندد که برای خود می‌پسندد، و برای او نخواهد چیزی را که برای خود نمی‌خواهد، دلسوزانه دوستش بدارد...

اگر مؤمنی به این درجه رسید، نگرانی برادر دینی او غمگینش می‌نماید و در این حال اگر برادر او شاد شود، شاد و اگر محزون باشد، محزون می‌گردد، اگر امکان برآوردن حاجت او را داشته باشد، حاجتش را برآورده و اگر از دست او کاری ساخته نباشد، برای او دعا می‌کند...

پیامبر اکرم ' فرموده است: خداوند متعال بندگانی دارد که در برابر خداوند و سمت راست عرش جایگاه دارند، چهره هایشان سفیدتر از

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 434، ابواب الامر و النهی، ب 15 ح 15.



برف، و درخشان‌تر از آفتاب تابان است.

سؤال کننده‌ای می‌پرسد: اینها چه کسانی هستند؟

و پاسخ داده خواهد شد: اینها کسانی هستند که برای رضای خدا با یکدیگر محبت می‌ورزیدند.<sup>(1)</sup>

از نکاتی که در باره این دسته از روابط که روابط خاص است به چشم می‌خورد، این است که اهل بیت <sup>^</sup> در این سطح از روابط نیز اختلاف سطح را از نظر دور نداشته‌اند؛ به گونه‌ای که می‌توان این روابط را نیز به دو قسمت عام و خاص تقسیم کرد. این اختلاف در سطح روابط برخاسته از میزان پای بندی عقیدتی و اصولی و میزان عمق و ریشه دار بودن ارزش‌ها و الگوهای دینی در عمل و رفتار مؤمنان است.

و اینجاست که ایمان و اعتقاد به ولایت اهل بیت <sup>^</sup> و وابستگی به جماعت صالح، نقش مهمی در ریشه دار کردن این رابطه و بار کردن حقوق و مسئولیت‌ها بر آن، پیدا می‌کند. و روایات پیشین آشکارا بر این امر دلالت دارند.

دوستان بگو و بخند و دوستان مورد اعتماد: اهل بیت <sup>^</sup> در بیان یک بُعد دیگر از اختلاف در سطح روابط اجتماعی، میان دو دسته از مردم فرق گذاشته‌اند: این دو دسته، دوستان سطحی و ظاهری که تنها برای خنده و شوخی مناسب هستند و دوستان مورد اعتماد که از هر لحاظ شایسته رفاقت می‌باشند.

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 542، ابواب احکام العشرة، ب 122 ح 3.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

در برخورد با دسته اول، رعایت شرایط کلی که قبلاً به بعضی از آنها اشاره کردیم، کافی است، اینها کسانی هستند که انسان در فعالیت‌های روزمره خود با آنان برخورد داشته و خواسته یا ناخواسته با آنان همراه و همکار شده و در اثر اخلاق خوش و رفتار شایسته انسان مؤمن با وی دوست می‌شوند و در روایات اهل بیت <sup>^</sup> از این دسته به **اخوان مکاشره** تعبیر شده است.

اما دسته دوم از مردم که دوستان مورد اعتماد می‌باشند، کسانی هستند که انسان مؤمن باید آنان را از طریق تجربه و آگاهی از صداقت، امانت و اخلاقشان، به دقت برگزیند، و در این صورت می‌تواند به آنان اعتماد و اطمینان کند؛ زیرا چنین دوستانی در آسایش و سختی با وی بوده و چون اهل سرّ و امین او هستند می‌تواند در موارد خاص بر آنان تکیه کند.

از یونس بن عبدالرحمان، از حضرت ابوجعفر ثانی (امام محمد تقی) × روایت شده است که فرمود:

مردی در بصره به نزد حضرت امیرالمؤمنین × رفت و به آن حضرت عرض کرد: ما را از برادران (دوستان) آگاه کن.

آن حضرت فرمودند: دوستان بر دو گونه‌اند: دوستان مورد اعتماد، و دوستان مکاشره (بگو و بخند).

اما دوستان مورد اعتماد برای انسان همچون دست و بال، و خاندان و اموال هستند، پس اگر دوست مورد اعتمادی یافتی، خود و مال خود را در راه او خرج کن، خیرخواه کسی باش که خیر خواه او است و کسی را

که با او دشمن است را دشمن بدار، اسرارش را پنهان بدار، یاری اش کن و خوبی هایش را آشکار ساز.

ای مرد پرسشگر، بدان که این دسته از دوستان کمیاب‌تر از کبریت احمر (زر سرخ یا یاقوت سرخ) می‌باشند.

اما دسته دوم کسانی هستند که برای گفت و شنود و خنده و شادمانی مناسب هستند و تنها می‌توانی از مصاحبت با آنها لذت ببری، پس این امر را از آنان دریغ نکن، اما بیش از این مقدار را از آنان نخواه، و به همان مقدار بدیشان روی خوش نشان داده و شیرین زبانی کن که آنان برای تو می‌کنند.<sup>(1)</sup>

و یکی از شرایط مهم این دسته از دوستان (دوستان مورد اعتماد)، ایمان است و تمامی حقوق خاصی که در روایات برای دوستان قرار داده شده و مورد تأکید اهل بیت<sup>^</sup> قرار گرفته است، مربوط به همین دسته از دوستان می‌باشد.

مجموعه‌ای از روایات اهل بیت<sup>^</sup> به همین نوع دسته بندی و تفاوت در میزان ارتباط و شرایط عمومی و خصوصی آن اشاره دارد؛ روایاتی که از شرایط و ویژگی‌های دیگری غیر از ایمان سخن به میان آورده‌اند و اینکه میزان شدت رابطه به میزان پای بندی به آن شرایط بستگی دارد، چه ویژگی‌های مثبتی که وجود آنها موجب استحکام رابطه و ریشه داری آن می‌شود، مانند تقوا پرهیزگاری، عقل، حکمت، بزرگواری یا دوستی با خوبان جامعه، و چه ویژگی‌های منفی که

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 404، ابواب احکام العشرة، ب 3 ح 1.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

وجود آنها موجب قطع رابطه و اجتناب از دوستی می‌گردد، مانند حماقت، فسق و فجور، دروغ‌گویی، بخل و...<sup>(1)</sup>

در قسمت دوم از همین بحث نیز به زودی مطالبی در همین راستا خواهد آمد.

### [5] برخوردهای ویژه

بعد پنجم تئوری روابط اجتماعی در اسلام از دیدگاه اهل بیت <sup>^</sup> این است که باید با بعضی از طبقات جامعه و گروه‌های خاصی از مردم به گونه ویژه‌ای برخورد کرد.

اگر چه اسلام در نظریه اجتماعی خود قائل به تساوی مردم در برادری اسلامی است، اما در عین حال مشاهده می‌شود که اهل بیت <sup>^</sup> طبقاتی از جامعه را امتیازی خاص بخشیده، دیگران را موظف کرده‌اند تا با این طبقات، ارتباط ویژه‌ای برقرار نمایند، این امر به جهت وجود دلایلی بوده که از واقعیت‌های جامعه برخاسته است؛ دلایلی که مورد پذیرش فطرت انسانی و معیارهای عقلی و واقعی است، معیارهایی برخاسته از مصالح کلی اجتماع.

این اسباب و عوامل گاه انسانی، گاه دینی یا سیاسی بوده و یا به صورت کلی با ابعاد مختلف نظریه اجتماعی اسلام، در ارتباط بوده یا

---

1. ر.ک: حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 409 - 432، ابواب احکام العشرة، باب های 8 و 9 و 11 و 15 و 16 و 17 و 18 که از روایات موجود در این ابواب چنین بر می آید که ائمه اهل بیت <sup>^</sup> در هر دو سطح از روابط خاصه (دوستی) شرایط معینی را قید کرده اند که دقیقاً به همان اصولی باز می گردد که در متن به آنها اشاره کردیم. ضمناً در: بحار 74 / 173 - 220 نیز مانند همین روایات موجود است.

به صورت خاص در ارتباطات اجتماعی موجود می‌باشند: امری که سبب می‌شود تا در ساختار نظام کلی جامعه و طرفین ارتباطات اجتماعی هر چیز جایگاه و حد و اندازه خاص خود را داشته باشد. قرآن کریم نیز در موارد متعددی به این نوع رابطه ویژه اشاره نموده است مانند این آیه کریمه:

{وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْأَجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْأَجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فَخُورًا<sup>(1)</sup>}

و خدا را پرستید، و چیزی را با او شریک مگردانید: و به پدر و مادر احسان کنید: و در باره خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و همنشین و در راه مانده و بردگان خود انیکی کنید؛ که خدا کسی را که متکبر و فخر فروش است دوست نمی‌دارد.

## 1. خویشاوندان

یکی از موارد این امر، خویشاوندان، به ویژه و خصوصاً اقوام نزدیک و بالأخص پدر و مادر هستند که در روابط اجتماعی از امتیازات خاص خود برخوردار می‌باشند؛ آنجا که محافظت از این رابطه اجتماعی از واجبات شمرده شده، قطع آن جایز نبوده، تکریم و بزرگداشت والدین و نیکی نسبت به آنها واجب دانسته شده است، حتی اگر به صورت پای بندی و تقید به خدمت گذاری و فرمانبرداری از آنها البته در محدوده شرع باشد.

## تقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

از ابو حمزه ثمالی چنین نقل است: حضرت امیرالمؤمنین × در یکی از خطبه‌های خود فرمودند:

از گناهانی که نیستی را سرعت می‌بخشد به خدا پناه می‌برم.

در این هنگام عبدالله بن کواء یشکری به پا خواست و عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین، آیا گناهی هست که نیستی انسان را تسریع کند؟

حضرت فرمودند:

وای بر تو، آری، قطع رحم. ممکن است خانواده‌ای گنهکار در کنار هم جمع آیند و به یاری و غمخواری هم بپردازند و خداوند روزی آنان را زیاد کند، خانواده‌ای هم هستند که در عین پرهیزگار بودن از یکدیگر جدا و متفرق بوده بعضی از آنان رابطه خود را با بعضی دیگر قطع کرده‌اند و خداوند آنان را محروم می‌نماید.<sup>(1)</sup>

و از عنبسه عابد نقل است که گفت:

مردی به نزد امام صادق × آمد و از خویشاوندان خود شکایت کرد.

امام × به وی فرمودند:

خشم خود را فرو نشان، و به آنان خوبی کن.

مرد عرض کرد: آنها چه و چه می‌کنند، امام فرمودند:

آیا تو هم می‌خواهی مانند آنها شوی، و در نتیجه خداوند به هیچ کدام از

شما نظر رحمت نیفکنند؟<sup>(1)</sup>

و در رساله حقوق حضرت امام زین العابدین × آمده است:

و اما حق مادرت این است که بدانی تو را در شکم خود حمل کرده، جایی که هیچ کس دیگری را در آن، جای ندهد، و تو را از شیرۀ جان خود غذایی داده که هیچ کس به دیگری ندهد،<sup>(2)</sup> و با همه اعضای خود تو را نگاه داشته، سیری و نوشیدن تو را با گرسنگی و تشنگی خود خریده، خود برهنه مانده و تو را پوشانیده، آفتاب خورده و بر تو سایه انداخته، برای خاطر تو بی خوابی کشیده و تو را از سرما و گرما نگهداری کرده تا فرزند او باشی، و تو جز با یاری و توفیق خدا نتوانی شکر او گزاری.

حق پدرت این است که بدانی ریشه تو است و اگر نبود تو هم نبود و هر گاه در خود چیزی یافتی که آن را پسندیدی، بدان که اصل آن نعمت از ناحیه پدرت به تو رسیده است، خدا را به همان اندازه شکر کن، و هیچ توانائی جز از ناحیه خدا نیست.

حق فرزندان این است که بدانی وی خوب باشد یا بد، در زندگانی زودگذر دنیا از تو و وابسته تو است، و تو مسئولیت پرورش، هدایتش به شناخت خدا و یاریش در فرمان برداری خداوند را بر عهده داری. با در نظر داشتن این نکته با او رفتار کن که با نیکویی با وی پاداش یافته و به

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 593، ابواب احکام العشرة، ب 149 ح 3.

2. در کتاب تحف العقول این عبارت چنین آمده است: «و أطعمك من ثمرة قلبها ما لا يطعم أحدٌ أحداً؛ و از شیرۀ جان خود به تو غذایی خورانیده که هیچ کس به کسی نمی خوراند».

بدی کردن بر او کیفر خواهی دید.

و حق برادرت این است که بدانی او دست تو و مایه عزت و توانائی تو است، او را وسیله معصیت خداوند و ستم بر آفریدگان خدا قرار مده، در برابر دشمن وی را یاری کرده و برای او خیر خواهی کن، البته در صورتی که مطیع خدا باشد و گرنه، باید که خداوند در نزد تو از او محترم تر باشد و توانائی نیست جز به خدا.<sup>(1)</sup>

این تعامل ویژه با خویشاوندان از یک بُعد انسانی سرچشمه گرفته که رابطه نسبی را امتداد وجود و تحرک انسان می‌داند که به صورت فطری توسط وی درک و احساس می‌شود، علاوه بر این، جنبه اخلاقی این کار نیز در خصوص توجه به پدر و مادر نمود پیدا می‌نماید، به این عنوان که این کار، یکی از انواع شکر نعمت، حق‌گزاری و از موارد لطف و مهربانی با پیران و ناتوانان است.

{وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا \* وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِی صَغِيرًا }<sup>(2)</sup>

و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را میرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو، در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها [حتی] «اوف» مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی \* و از سر مهربانی، بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 135، ابواب جهاد النفس، ب 3 ح 1.

2. اسراء / 23 - 24.



پروردگارا، آن دو را رحمت کن چنان که مرا در خردی پروردند.

به علاوه که موضوع تعامل ویژه با خویشاوندان، یکی از ابعاد اجتماعی و تشکیلاتی مهم در دیدگاه اسلام نسبت به ساختار کلی جامعه است؛ جامعه‌ای که بر اساس این تفکر پایه گذاری شده، که خانواده اولین خشت بنا و آغازین واحد اجتماعی بنیادین است و ساختار جامعه بر روی آن برپا می‌شود، که در آغاز این مبحث به آن اشاره کردیم.

## 2. دانشمندان

دسته دیگری که اسلام به سبب ملاحظات اخلاقی و اجتماعی، امتیاز ویژه‌ای برای آنان قائل شده و دیگران را به تعامل ویژه با آنان واداشته، دانشمندان و اهل فضیلت می‌باشند.

ملاحظه اخلاقی این عمل به این است که از دیدگاه اسلام نفس علم و دانش ارزش واقعی دانسته شده و انسان را به درجه‌ای از رفعت و کمال می‌رساند:

{يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ} (1)

خدا [رتبه] کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند [بر حسب] درجات بلند گرداند.

{قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ} (2)

---

1. مجادله / 11.

2. زمر / 9.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

بگو: «آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟»

جنبه اجتماعی تعامل ویژه با علما نیز این است که علما و دانشمندان در نظریه اجتماعی اسلام از منظر اهل بیت <sup>^</sup>، از جایگاه خاصی برخوردار هستند، و آن رهبری حرکت اسلام و ولایت بر امت است.

اهل بیت <sup>^</sup> نیز تنها بدان سبب در نزد خداوند متعال مقام ولایت بر امت را به دست آوردند، که - مطابق فرموده خود آن بزرگواران - این خصوصیت (علم) به میزان عالی و ممتازی در آنان موجود است.

چه اینکه ولی امر امت پس از ائمه اهل بیت <sup>^</sup> نیز حتماً باید عالم به اسلام و در استنباط احکام شرعی مجتهد باشد، که کمی پیشتر در مبحث نظام کلی سیاسی از آن بحث کردیم.

شیخ صدوق در خصال در زمینه ویژگی دانشمند در تعامل اجتماعی از حضرت امیرالمؤمنین  $\times$  چنین نقل کرده است:

از حقوق عالم این است که از او زیاد سؤال نکنی و در پاسخ دادن به سؤالات بر وی پیشی نگیری.

اگر از کاری روی گردان شد، اصرار نکنی.

و در هنگام کسالت و بی حالی دامانش را نگیری.

با دست به سویس اشاره نکنی، با حرکات گوشه چشم در باره او کنایه‌ای به کار نبری.

در مجلسش با وی سخن خصوصی نگویی.

در پی عیبجویی از او نباشی.

سخن سایر دانشمندان را که بر خلاف سخن او است با بی احترامی به وی خاطر نشان نکنی.

اسرار وی را فاش نسازی.

در نزد او از کسی غیبت نکنی.

در پیش رو و پشت سر، وی را پاس داری.

اگر به همه مردم سلام می کنی به او سلام به همراه تحیت بگویی.

همواره در برابر او بنشیننی.

اگر عالم نیاز به انجام خدمتی داشت از دیگران در انجام آن پیشی بگیری.

و از طول کشیدن مصاحبتش ملول نگردی: زیرا عالم مانند نخله خرمایی است که انسان در پای آن انتظار می کشد تا چه وقت از منافع آن بهره مند شود.

عالم به منزله برپا دارنده نماز، روزه و جهاد در راه خدا است.

و چون عالمی می میرد، رخنه ای در اسلام پدید می آید که تا روز قیامت اصلاح نخواهد شد، و هفتاد هزار فرشته از فرشتگان مقرب آسمان، جوینده علم را تشییع می کنند.<sup>(1)</sup>

و در رساله حقوق حضرت امام زین العابدین × نیز آمده است:

حقوق امامان و پیشوایان تو بر سه دسته است، لازم ترین آنها حق کسی است که به سلطنت تو را اداره و تربیت می کند، سپس حق کسی که تو را بدانش پرورش می دهد، سپس حق کسی که تو را از راه

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 551، ابواب احکام العشرة، ب 123 ح 2.

ملکیت خود پرورش می‌دهد [در باره بردگان]<sup>(1)</sup>

تا آنجا که می‌فرماید:

و حق کسی که عهده دار پرورش علمی تو می‌باشد این است که او را تعظیم کنی، وقار مجلس او را نگاه داری، خوب به سخنانش گوش فرا دهی، به وی رو آوری، صدایت را بر او بلند نگردانی و اگر کسی از وی پرسشی کند، پاسخ ندهی تا خود پاسخ دهد، در مجلس او با کسی صحبت خصوصی نکنی، بد کسی را نزد او نگوئی و اگر نزد تو از وی به بدی یاد شد از او دفاع کنی، عیب‌های او را بپوشانی، فضایلش را آشکار کنی، با دشمنان وی ننشینی و با دوستانش دشمنی نورزی، و چون چنین کنی فرشتگان بر تو گواه باشند که تو او را تنها برای رضای خدا انتخاب کرده و از وی دانش آموخته‌ای نه برای خاطر مردم.<sup>(2)</sup>

### 3. همسایگان

همسایگان نیز در نظام کلی روابط، مستحق برقراری روابط ویژه می‌باشند، واضح است که سبب این تعامل ویژه بعد اجتماعی آن است؛ آنجا که از این طریق، به واسطه رعایت موقعیت‌های مکانی در جامعه و رسیدن به نوعی همدلی در ایجاد یک ساختار محلی سالم و توانمند، پایه‌های روابط اجتماعی استحکام می‌یابد.

تأکید بر اهمیت این ارتباط ویژه در احادیث چندی از سوی اهل بیت <sup>^</sup> وارد شده است، حتی در وصیت حضرت امیرالمؤمنین <sup>x</sup> به فرزندانش به

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 131، ابواب جهاد النفس، ب 3 در پاورقی.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 134، ابواب جهاد النفس، ب 3 ح 1.

وصیت پیامبر اکرم ' در باره همسایگان اشاره شده است.

چه اینکه حدیث دیگری نیز به همین مضمون وارد شده است که مرحوم شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه و کتاب عقاب الأعمال آن را از حضرت امام صادق × از پدرانش از حضرت امیرالمؤمنین × از پیامبر اکرم ' نقل نموده است که فرمود:

هر کس همسایه خود را بیازارد خداوند متعال بوی بهشت را بر وی حرام کرده، جایگاهش دوزخ است و چه بد جایگاهی است.

هر کس حق همسایه خود را ضایع گرداند از ما نیست، و جبرئیل همواره مرا در باره همسایه سفارش می‌کرد تا جایی که گمان کردم همسایه را از میراث همسایه نیز بهره‌ای خواهد داد...<sup>(1)</sup>

و از حضرت امام صادق از پدر بزرگوارش ÷ نقل است که فرمود:

در کتاب علی × خواندم که پیامبر اکرم ' در میان مهاجرین و انصار و کسانی که از اهل یثرب به آنها پیوسته بودند [بخشنامه‌ای] نوشت، که همسایه هر کس، تا به حد زیان رسانی به همسایه خود نرسیده و یا به معصیت خداوند مبتلا نشده باشد، مانند خود او است و حرمت همسایه بر همسایه مانند حرمت مادر او می‌باشد.<sup>(2)</sup>

و از آن حضرت روایت شده است که فرمود:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 488، ابواب احکام العشرة، ب 86 ح 5.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 487، ابواب احکام العشرة، ب 86 ح 2.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

بدانید، هر کس با همسایگان خود به نیکی رفتار نکند، از ما نیست. (1)

و از حضرت امام باقر × نقل است که فرمود:

إعلموا أنه ليس منّا من لم يُحسن مجاورة جاره.

قال رسول الله: ' ما آمن بي من بات شبعان و جاره جائع. (2)

پیامبر اکرم ' فرمود: هر که شب سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد به من ایمان نیاورده است.

معاویة بن عمار می گوید: به امام صادق × حضرت عرض کردم: فدایت شوم، حد همسایگی چه اندازه است؟

فرمود:

چهل خانه از هر طرف. (3)

## 4. ناتوانان

مردمان ناتوان و ضعیف نیز از جمله طبقاتی هستند که باید با آنان برخوردی ویژه داشت، چه این ضعف به سبب وضع طبیعی ترکیب جسمی آنان باشد، مانند زنان و کودکان و پیران یا از کسانی باشند که ناتوانی آنان به صورت عارضی باشد، مانند عقب ماندگان ذهنی و...، که بعد انسانی این جنبه از تعامل اجتماعی کاملاً آشکار است.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 489، ابواب احکام العشرة، ب 87 ح 5.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 490، ابواب احکام العشرة، ب 88 ح 1.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 490، ابواب احکام العشرة، ب 90 ح 3.

## زیربنای روابط اجتماعی

---

از حضرت امیرالمؤمنین × در حدیثی روایت شده است:

بر ناتوانان خود رحمت آورید و بدین وسیله رحمت خداوند را به سوی خود جلب نمایید.<sup>(1)</sup>

و یا اینکه ناتوانی آنان، ناشی از اوضاع نا بسامان اقتصادی‌شان باشد، مانند فقرا و مساکین، در راه ماندگان و دیگر نیازمندان.

در همین رابطه از حضرت امیرالمؤمنین × از پیامبر اکرم ' روایت شده است که در خطبه‌ای فرمود:

و بر فقیران و مسکینان خود تصدق کنید، بزرگان خود را احترام کرده، خردسالان خود را مورد مهربانی قرار داده و با خویشاوندان خود ارتباط برقرار نمایید.<sup>(2)</sup>

و یا این ناتوانی از اوضاع اجتماعی ناشی شده باشد مانند یتیمان، بردگان، کارگران، اجیران و خدمتکاران که شرایط اجتماعی آنان را واداشته تا زیر دست، یا تحت ولایت افراد دیگر باشند.

در همین زمینه از امام صادق × از پدران بزرگوارش نقل است که پیامبر اکرم ' در وصیتی به حضرت علی × فرمودند:

ای علی، چهار چیز است که اگر در کسی باشد، خداوند در بهشت خانه‌ای برایش خواهد ساخت: کسی که یتیم را پناه دهد، بر ضعیف رحمت آورد، با پدر و مادرش دلسوزانه رفتار کرده، با بردگان خود مدارا نماید،

---

1. اربلی، کشف الغمة 3 / 142 و به نقل از آن: بحار 78 / 83 ح 85.

2. صدوق، عیون أخبار الرضا 2 / 265 ح 53 و به نقل از آن: بحار 96 / 356 ح 25.

سپس فرمود: ای علی، هر کس، از مال خود یتیمی را سرپرستی کند تا بی نیاز شود، خداوند حتماً بهشت را بر او واجب خواهد کرد. ای علی، هر کس دست نوازش بر سر یتیمی بکشد خداوند متعال در روز قیامت، به تعداد موهای سر آن کودک به او نور عطا خواهد نمود.<sup>(1)</sup>

### 5. ذریه پیامبر اکرم

رابطه ویژه دیگر مختص به نسل و ذریه رسول خدا ' از فرزندان علی و فاطمه ÷ است که بسیار مورد تأکید قرار گرفته است، و دلیل این امر نیز وابستگی این طبقه به رسول خدا و لزوم بزرگداشت آن حضرت، حق شناسی نسبت به آن حضرت و تقدیس مقام آن بزرگوار است. از حضرت امام صادق × نقل است:

بوسیدن سر و دست کسی جز رسول خدا '، یا کسی که به نیت آن حضرت سر و دستش بوسیده شود، سزاوار نیست.<sup>(2)</sup>

و از حسین بن خالد، از حضرت امام رضا × چنین نقل شده است:

نگریستن به چهره نسل و ذریه ما عبادت است.

عرض کردم: آیا نگاه کردن به چهره ائمه این چنین است یا همه ذریه‌ی پیامبر اکرم '؟

فرمودند:

نه تنها ائمه، بلکه نگریستن به چهره همه ذریه آن حضرت عبادت است البته مادام که در راه آن حضرت بوده و به گناه آلوده نشده باشند.<sup>(3)</sup>

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 560، ابواب فعل المعروف، ب 19 ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 565، ابواب احکام العشرة، ب 133 ح 3.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 620، ابواب احکام العشرة، ب 165 ح 1.



## 2

### قواعد زیر بنایی روابط اجتماعی

دومین جنبه از بحث در رابطه با دیدگاه اسلام در روابط اجتماعی، بحث از پایه‌ها و زیرساخت‌های کلی است که این روابط به ناچار باید بر آنها استوار شده و نیز تعیین مسیر و گرایش‌ات آنها می‌باشد.

این قواعد و چارچوب‌ها تعیین کننده خط مشی‌های کلی است که جهت دهنده مسیر حرکت‌های اجتماعی، به سوی تکامل ذاتی رفتارهای فردی، و تکامل اجتماعی در فعالیت‌های جمعی است.

چه اینکه همین قواعد، در عین حال، نشان از پس زمینه این رفتار فردی و اجتماعی دارد؛ آنجا که بر اهمیت نقش اخلاق در تکامل فردی و اجتماعی انسان تأکید کرده، اهداف واضح و روشنی را در زمینه تکامل فردی و اجتماعی به اخلاق اعطا می‌نماید.

باید دانست که بدون این ضوابط اخلاقی، روابط اجتماعی به مسئله‌ای صوری و ایزاری، همچون عرفیات و سنن میبدل خواهد گردید، به گونه‌ای که با قرار گرفتن بنیادهای اجتماعی در معرض تزلزل و تغییر، این روابط نیز در معرض فروپاشی خواهد گرفت.

همان گونه اکنون عملاً در بعضی از حالات هجرت و انتقال از

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

جامعه‌ای به جامعه دیگر یا قرار گرفتن جامعه‌ای در معرض تهاجم فرهنگی اجتماعی یا تغییر نظام سیاسی مشاهده می‌شود، یا همان گونه که در بعضی از جوامع غربی که اخلاق در آنها به قوانین و عرفیات صرف و بدون مضامین مرتبط به اخلاق، نفس، روح و وجدان تبدیل شده است ملاحظه می‌گردد.

می‌توان این قواعد و چارچوب‌های کلی را در دیدگاه اهل بیت <sup>^</sup> در نکات ذیل تلخیص کرد:

1. پای بندی به واجبات شرعی و عرفیات عمومی.
  2. کنترل و جهت دهی عواطف و عکس العمل‌ها.
  3. رعایت عدل و انصاف به عنوان پایین‌ترین حدّ توازن میان خود و دیگران.
  4. اخلاق خوش و مدارا با مردم.
  5. نیکوکاری و داشتن دست‌بخشندگی در فرایند تکامل اجتماعی.
  6. ارائه رفتار برجسته و الگوی شایسته در وضع عمومی جامعه.
- این ضوابط با مجموعه ابعاد دیگر این نظریه که قبلاً گذشت، چه در جهت گیری‌های کلی، چه در اهداف و چه در شکل و محتوا هماهنگ است.
- و ما برای توضیح همین انسجام و ارتباط میان این ضوابط و ابعاد پیش گفته، به پرداختن به این ضوابط به شکل تقریباً تحلیلی نیازمند هستیم.

## [1] احکام شرعی و عرفی

اولین قاعده، تعهد و پای بندی به احکام شرعی، پیمان ها و عقود عقلایی، همچنین آداب و رسوم عرفی مورد تأیید شارع مقدس است. و در حقیقت، به معنی تعهد اخلاقی در برابر خداوند متعال و خالق و ولی نعمت انسان می باشد؛ چرا که خداوند متعال از همه انسان ها عهد و پیمان گرفته تا به توحید وی معتقد شده، تنها از او اطاعت کرده و از امرها و نهی هایش پیروی نمایند:

{وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ \* أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ} (1)

و هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستیم؟ گفتند: «چرا، گواهی دادیم» تا مبدا روز قیامت بگویند ما از این امر غافل بودیم \* یا بگویند پدران ما پیش از این مشرک بوده اند و ما فرزندان پس از ایشان بودیم. آیا ما را به خاطر آنچه باطل اندیشان انجام داده اند هلاک می کنی؟.

بنابر این، چنین پای بندی به احکام شرعی از یک جهت به منزله وفای به همان عهد و میثاق، و پذیرش دین و نظام سلامی است که

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

خداوند متعال بر بنده و پیامبر خود فرو فرستاده، بشریت را هدایت و اصلاح نموده، جامعه انسانی صالح را بنا نهاد و در نتیجه تبدیل به: {بهترین امتی که برای مردم پدیدار شده} <sup>(1)</sup> گردند.

و از جهت دیگر، احکام شرعی یعنی همان اوامر و نواهی خداوندی، تابع مصالح و مفاسد واقعی و حاکی از واقعیت وجود این مصالح و مفاسد در زندگی فردی و اجتماعی انسان است، پس پای بندی به این احکام، موجب تحقق آن مصالح و اجتناب از آن مفاسد و زیان‌های مترتب بر آنها خواهد بود.

این مسئله، دقیقاً مطابق با بُعد دوم دیدگاه اسلام است که قبلاً گذشت: یعنی تقویت ساختار اجتماعی از طریق رسیدن به مصالح و اجتناب از زیان‌ها و مفاسد.

چه اینکه آداب عرفی کلی نیز، حاکی از پای بندی‌های اجتماعی مشروعی است که مردم و جامعه در برابر آنها سر تسلیم فرود آورده، و همراه شدن با آن التزامات در واقع همراه شدن با مردم و جامعه است و این نکته مطابق با بعد اول این نظریه است.

پای بندی های واجب و حرام: تجسم این ضابطه و چارچوب را در مجموعه گسترده‌ای از مصادیق بیرونی روابط اجتماعی که نظریه روابط اجتماعی اسلام چه در جنبه مثبت و چه در جنبه منفی بر آنها تأکید کرده است، می‌توان یافت.

---

1. {خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ}.

## زیربنای روابط اجتماعی

بعد مثبت روابط مانند تشویق به وفای به عهد و پیمان، امانتداری، حضور در مراسم تشییع جنازه، نمازهای جماعت و اجتماعات عمومی، یا اموری مانند عیادت از بیماران و سایر اموری که در قسمت دوم به آنها اشاره خواهیم کرد.

بعد منفی روابط نیز مانند نهی از آزار مردم، ضرر زدن به آنها، هتک حرمت مردم، عیب جویی کردن از مردم، اشاعه فحشا در میان جامعه و سایر مواردی که بعداً به آنها اشاره خواهیم کرد.

### [2] کنترل و جهت دهی عواطف

دومین قاعده در روابط اجتماعی عبارت از کنترل عواطف و احساساتی است که ممکن است به سبب برخورد با رویدادها و تعامل با آثار و نتایج آنها بر نفس انسان عارض گردد.

و این ضابطه از یک دیدگاه به نحوی نشان از تکامل ذاتی انسان در حرکت به سوی خداوند متعال دارد.

در روایات اهل بیت <sup>^</sup> برای رسیدن به این تکامل عموماً بر پای بندی به همین ضابطه تأکید شده است: آنجا که مرحوم شیخ صدوق (قدس سره) در کتاب‌های من لا یحضره الفقیه و ثواب الأعمال با سند معتبر از شعیب عفرقوفی از حضرت امام صادق × نقل کرده است که فرمود:

هر کس بتواند در حالت‌های اشتیاق، ترس، تمایل، خشم و خرسندی، نفس خویش را در اختیار گیرد، خداوند متعال بدنش را بر آتش دوزخ

حرام خواهد نمود.<sup>(1)</sup>

و در روایت دیگری که مرحوم شیخ کلینی + در کافی، با سند معتبر از صفوان جمّال نقل کرده چنین آمده است: امام صادق × فرمود:

مؤمن کسی است که چون خشم گیرد خشم وی، او را از مسیر حق برون نبرد، و چون خشنود گردد خشنودی اش وی را در ورطه باطل نیاندازد، و چون قدرت یافت بیشتر از حق خود نگیرد.<sup>(2)</sup>

کنترل احساسات و مسئله مبارزه با نفس: شک نیست که مبارزه با نفس یکی از بزرگ‌ترین اعمالی است که انسان در روند تکاملی خویش به انجام آن مبادرت می‌ورزد؛ تا بدان حد که در حدیث صحیح مروی از رسول خدا از این عمل به جهاد اکبر تعبیر شده است.<sup>(3)</sup>

و یکی از ابعاد این جهاد در حقیقت همان ضبط و کنترل عواطف و احساسات، تسلط بر آنها و جهت بخشیدن به این احساسات به سمت و سوی صحیح و مطابق با احکام شرع و اهداف مقدس الهی می‌باشد.

اهمیت ذاتی این ضابطه نیز از مسئله تربیت و تقویت اراده انسان ناشی می‌شود؛ به گونه‌ای که اراده انسان در تأثیرگذاری و اختیار خود، همواره با عقل و حکم شرع هماهنگ باشد؛ زیرا شارع مقدس اهمیت خاصی برای عقل قائل شده و خداوند متعال در سیر انسان و سوق دادن اراده وی به

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 123، ابواب جهاد النفس، ب 1 ح 8.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 286، ابواب جهاد النفس، ب 53 ح 1.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 122، ابواب جهاد النفس، ب 1 ح 1.

## زیربنای روابط اجتماعی

---

سوی خیر و نیکی و رسیدن او به مصلحت نهایی و کنترل احساسات و واکنش‌هایش، نقش اصلی و اساسی را به عقل واگذار فرموده است.

در حدیث شریف صحیح چنین آمده است که:

خداوند متعال چون عقل را آفرید به او فرمود: پیش بیا، سپس فرمود:  
بازگرد، آنگاه فرمود:

به عزت و جلالم سوگند چیزی را از میان آفریدگان خود به اندازه تو دوست نمی‌دارم، و جز در کسانی که دوستشان می‌دارم تو را کامل نخواهم نمود. بدان که من تنها به واسطه تو امر و نهی کرده، به واسطه تو مردمان را کیفر و پاداش خواهم داد.<sup>(1)</sup>

و در حدیث معتبر دیگری از عبدالله بن سنان چنین آمده است:

از حضرت امام جعفر صادق × پرسیدم: آیا فرشتگان برتر هستند یا آدمیان؟

پاسخ دادند:

حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب × فرموده‌اند: خداوند متعال در ملائکه عقل قرار داد، اما به آنان شهوت نداد، و در حیوانات شهوت نهاد و عقل نداد، اما در آدمیان، این هردو را به کار برد، در نتیجه هر انسانی که جنبه عقلانی وی بر جنبه شهوانیش غالب شود از فرشتگان برتر بوده، و هر کس جنبه شهوانی وی بر جنبه عقلانی‌اش غالب شود از حیوانات

---

1. ر.ک: کلینی، الکافی 1 / 10 ح 1 و حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 160 ح 1.

پست‌تر خواهد بود. (1)

**کنترل احساسات و مسئله حسن خلق:** اهمیت اجتماعی این ضابطه نیز در این است که تکامل ذاتی هر یک از افراد جامعه، طبیعتاً بر تکامل ذاتی کلیت آن جامعه نیز تأثیرگذار است؛ زیرا گذشته از این نکته که جامعه از همین افراد تشکیل می‌شود، وجود یک انسان صالح و ممتاز در میان جامعه می‌تواند تأثیر آشکاری بر سایر افراد داشته باشد؛ چرا که چون نفس چنین شخصی واقعاً به خیر و صلاح آراسته گردید، نمود این خوبی ضرورتاً در رفتار اجتماعی و روابط وی با دیگران نیز انعکاس خواهد یافت، چون آنچه در درون جان هر کس نهفته است از رفتار اجتماعی وی قابل تفکیک نیست.

و به همین دلیل است که خداوند متعال پیامبر خود را این گونه ستایش می‌نماید که:

{وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ} (2)

و این تأکید دیگری بر جنبه اخلاقی رفتار اجتماعی است.

### **[3] پای بندی به انصاف حتی به ضرر خود**

سومین قاعده در روابط اجتماعی عبارت از پای بندی به عدل و انصاف در روابط اجتماعی است حتی در مواردی که یک طرف این موازنه خود

---

1. علل الشرایع 4 / 1 - 5 ح 1 و حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 164 ح 2.

2. و راستی که تو را خوبی والا است.



## زیربنای روابط اجتماعی

انسان باشد، چه رسد به اینکه هر دو طرف این قضیه، سایرین باشند. این ضابطه و قانون، نشان دهندهٔ پس‌زمینهٔ اخلاقی و عقیدتی نظریهٔ روابط اجتماعی اسلام است که به عنوان یکی از جوانب مهم نظام اجتماعی، همهٔ روابط باید بر اساس آن استوار گردد. چون اسلام تمامی نظام‌های خود را بر اساس عقیدهٔ عدل در دیدگاه اهل بیت<sup>۸</sup> استوار نموده است. چه در مسئلهٔ ارزش انسان، چه در زمینهٔ رابطهٔ انسان با خدا که دومین عامل مؤثر در این رابطه پس از رحمت خداوندی، عدالت است، چه در مسئلهٔ تولید و توزیع ثروت، چه در نظام قضایی و حتی در رابطهٔ انسان با خودش.

از این رهگذر درمی‌یابیم که اهل بیت<sup>۸</sup> به عنوان پایه و اساس نظام اجتماعی عموماً و روابط اجتماعی خصوصاً، بر مسئلهٔ عدالت تأکید کرده‌اند؛ این تأکید در سرفصل‌های ذیل وارد شده است:

### 1- عدالت در میان مردم

اولین مسئلهٔ تأکید بر وجوب رعایت عدالت در تعامل با عموم مردم می‌باشد.

در این رابطه از حضرت امام صادق  $\times$  روایت شده که فرمود:

از خدا بپرهیزید و عدالت را پیشهٔ خود سازید که شما خود، مردمانی را که پای بند به عدالت نیستند مورد سرزنش قرار می‌دهید پس اگر خود

مبتلای به آن شوید بیشتر مورد نکوهش خواهید بود.<sup>(1)</sup>

و نیز از آن حضرت روایت شده است که:

عدالت شیرین تر از شهد، نرم تر از کره و خوشبو تر از مشک است.<sup>(2)</sup>

## 2- جلوگیری از ستمگری

تحریم روا داشتن ظلم و ستم در تعامل با مردم، که تقیض عدل و داد می‌باشد؛ چون ظلم و ستم معمولاً جز از راه انحصارطلبی و ایجاد اختلال در موازین صحیح روابط اجتماعی، در جامعه‌ای رواج نمی‌یابد.

از حضرت امام محمد باقر × روایت است که فرمود:

هیچ کس نسبت به دیگران مرتکب ستم نخواهد شد، مگر اینکه خداوند او را در جان و مالش به واسطه آن عمل مجازات خواهد کرد، اما ظلمی که بر خویشان روا داشته و میان او و خدای او است در اثر توبه بخشیده خواهد شد.<sup>(3)</sup>

حضرت امام صادق × نیز فرموده است:

هیچ ظلمی بدتر از ستم کردن بر کسی که در برابر آن، جز خدا یاوری ندارد نیست.<sup>(4)</sup>

- 
1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 233، ابواب جهاد النفس، ب 37 ح 1.
  2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 233، ابواب جهاد النفس، ب 37 ح 3.
  3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 238، ابواب جهاد النفس، ب 77 ح 3.
  4. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 338، ابواب جهاد النفس، ب 77 ح 1.

و از ابوبصیر نقل است که گفت:

دو نفر که با یکدیگر بر سر معامله‌ای درگیری داشتند بر حضرت امام صادق  $\times$  وارد شدند، آن حضرت پس از اینکه سخن هردو را شنید فرمود:

بدانید، آن کس که از راه ظلم به مراد خود می‌رسد خیر نخواهد دید، و هشیار باشید که ستم‌دیده بیش از آنچه که ستمگر از مال او به دست می‌آورد از دین آن ستمگر بهره مند خواهد گردید.

سپس فرمود:

کسی که به مردم بدی می‌کند، اگر از جانب دیگران مورد بدی واقع شد نباید ناراحت شود. بدانید که فرزند آدم هرچه بکارد همان را درو خواهد کرد، و هیچ کس از تلخی شیرینی و از شیرینی تلخی برداشت نمی‌نماید. آن دو مرد پیش از اینکه از جای خود برخیزند با یکدیگر صلح کردند.<sup>(1)</sup>

### 3- از خود گذشتگی در راه رعایت انصاف با مردم

دیگر از این موارد، تشویق مردم به رعایت انصاف در حق دیگران ولو به ضرر خویش است که این امر اساس مسئله عدالت در روابط اجتماعی را تشکیل می‌دهد و تأکید بر این نکته که انسان مؤمن به صفت عدالت متصف نمی‌گردد، مگر اینکه در تعامل با مردم بر اساس این ضابطه رفتار نماید.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

اهمیت این جنبه از مسئله از اینجا آشکار می شود که بدانیم ظلم و حق کشی در روابط اجتماعی از آنجا آغاز می شود که انسان همواره خود را بر دیگران ترجیح داده و حق خود را بر حق دیگران مقدم بدارد، این حالت رفته رفته پیشرفت کرده و به مقدم داشتن بی جهت حقوق بعضی از مردم بر بعضی دیگر نیز منجر خواهد شد. از این رو تحقق از خود گذشتگی در رعایت عدل و انصاف با مردم، سرآغاز تحقق عدالت در میان همه مردم است.

از اینجا است که می بینیم اهل بیت <sup>^</sup> نیز بر این اصل اخلاقی تأکید فراوان کرده اند.

از حضرت امام صادق  $\times$  نقل است که فرمود:

پیامبر اکرم ' فرمودند: سرور اعمال، انصاف دادن مردم بر خود یا همان ترجیح حق دیگران بر حق خود، کمک مالی به برادران دینی در راه خدا و به یاد خدا بودن در همه حالات است.<sup>(1)</sup>

و از همان حضرت روایت است که فرمود:

هر کس فقیری را با مال خود یاری کند و حق مردم را بر حق خویشتن مقدم بدارد، مؤمن واقعی است.<sup>(2)</sup>

و از ابو عبیده حذّاء از حضرت ابو جعفر باقر  $\times$  نقل شده که فرمود:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 225، ابواب جهاد النفس، ب 34 ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 225، ابواب جهاد النفس، ب 34 ح 5.

آیا تو را به مهم‌ترین چیزی که خداوند بر بندگان خود واجب کرده است آگاه نکنم؟ مقدم داشتن حق مردم بر حق خود، یاری کردن برادران دینی از لحاظ مالی برای رضای خداوند عزّ و جلّ و یاد کردن خداوند عزّ و جلّ در همه حال، بدان سان که اگر اطاعت خدا برایش پیش بیاید به آن عمل نموده و اگر معصیت خداوند بر او عارض شود آن را ترک کند.<sup>(1)</sup>

در روایات اهل بیت <sup>^</sup> علاوه بر ارتقا و پیشرفت حالت اخلاقی در روابط اجتماعی و در همین راستا، بر این نکته نیز تأکید شده است، انسان باید هرچه برای خود می‌خواهد برای برادر دینی خود یا برای مردم نیز همان را بخواهد.

و در وصیت حضرت امیرالمؤمنین × به فرزند گرامی اش حضرت امام حسن مجتبی × در همین رابطه چنین آمده است:  
فأحب لغيرك، ما تحب لنفسك، و اكره له ما تكره لها.<sup>(2)</sup>

برای غیر خود همان چیزی را بپسند که برای خود می‌پسندی و چیزی را که برای خود نمی‌پسندی برای دیگری نیز بپسند

همچنین در حدیثی از امام صادق × وارد شده است که فرمود:

خداوند متعال به حضرت آدم × وحی کرد و فرمود: من تمام سخن را برای تو در چهار جمله جمع خواهم کرد.

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 226، ابواب جهاد النفس، ب 34 ح 10.

2. نهج البلاغه / نامه 31.

آدم عرض کرد: این جملات کدام هستند؟

فرمود: جمله‌ای مربوط به من، جمله‌ای مربوط به تو، جمله‌ای مربوط به آنچه میان من و تو می‌گذرد و جمله‌ای مربوط به آنچه میان تو و مردم جریان دارد.

آدم عرض کرد: این جملات را برایم بیان کن تا آنها را فراگیرم.

فرمود: اما جمله‌ای که مربوط به من است این است که مرا بپرستی و برایم شریک قرار ندهی.

اما جمله‌ای که مربوط به تو است این است که من پاداش کار نیک تو را در هنگامی به تو می‌دهم که بیشترین نیاز را به آن داشته باشی.

اما جمله‌ای که مربوط به رابطه من با تو است این است که بر تو دعا کردن است و بر من اجابت دعا.

اما جمله‌ای که مربوط به رابطه تو با مردم است این است که برای مردم همان چیزی را بپسندی که برای خود می‌پسندی و چیزی را که برای خود نمی‌پسندی برای آنان نیز نپسندی.<sup>(1)</sup>

#### [4] مدارا و خوش اخلاقی

چهارمین قاعده در روابط اجتماعی عبارت از مدارا و خوش اخلاقی است که بنیان و شالوده اخلاقی رویه برخورد باز در روابط اجتماعی است؛ آنجا که جز بر اساس این قاعده اخلاقی در تعامل با دیگران،

---

1. کلیبی، الکافی 2 / 146 ح 13.

هرگز نمی‌توان به این گشودگی دست یافت.

در اینجا باید بدانیم که مضمون اخلاقی روابط اجتماعی در دیدگاه اجتماعی اسلام عبارت از عشق و دوستی است، بنابر این، این رابطه تنها یک رابطه صوری بی محتوا، یا رابطه ابزاری دارای مصالح و منافع متقابل نیست، بلکه ارتباطی عاطفی و احساسی است؛ چرا که روابط اجتماعی تنها از راه منافع و مصالح شخصی یا عمومی به تکامل نمی‌رسد، بلکه تکامل و استحکام این روابط از راه دوستی، عشق و محبت میان طرفین ارتباط به دست می‌آید.

و شکی نیست که حسن خلق، محبت، مردم‌داری و مدارا با مردم نشانه وجود این محبت در درون انسان است و اولین و مهم‌ترین گام در این راه به حساب آمده، موانع و آثار منفی که حتی در صورت فراهم آمدن سایر شرایط و ارکان این عشق و دوستی از ابراز آن جلوگیری می‌کنند را از میان بر می‌دارد؛ شرایط و ارکانی که به بیان آنها خواهیم پرداخت.

روایاتی از پیامبر اکرم ' نقل شده است که همه در تأکید همین مضمون و بیان آثار آن می‌باشد:

اعرابی به نزد پیامبر اکرم ' آمد و به آن حضرت عرضه داشت: مرا نصیحت کن، از جمله سفارشات پیامبر به او این بود: مردم را دوست بدار تا تو را دوست بدارند.<sup>(1)</sup>

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 433، ابواب احکام العشرة، ب 29 ح 1.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

صاحب وسائل نیز در أبواب أحكام العشرة (آداب معاشرت) دو باب در رابطه با حسن خلق و مدارا با مردم باز کرده و احادیث متعددی در این دو باب آورده که همه بر این نکته تأکید دارند که کامل شدن ایمان وابسته به این محبت و دوستی است.<sup>(1)</sup> و نیز به این دلیل که بعضی از روایات دیگر اصلاً ایمان حقیقی را چیزی جز محبت نمی دانند و یا دین را عبارت از محبت گرفته اند.

اکنون به بعضی از این دسته از روایات که بر این حقایق تأکید دارند، اشاره می کنیم:

از حضرت امام باقر × چنین نقل شده است:

إن أكمل المؤمنين إيماناً أحسنهم خلقاً.<sup>(2)</sup>

خوش اخلاق ترین مؤمنان از کامل ترین ایمان برخوردار هستند

و از حضرت امام صادق × روایت شده است که فرمود:

إن الخلق الحسن يبيث الخطيئة كما تبيث الشمس الجليد.<sup>(1)</sup>

اخلاق نیکو خطاها را ذوب می کند چنان که خورشید یخ را آب می کند

---

1. ر.ك: حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 503 - 539، احكام العشرة، ب 104 و 121 مضافاً به روایات دیگری که در دو باب 29 و 30 از همین کتاب آمده و بر محبت و دوستی با مردم و مردم داری تأکید دارند.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 503، ابواب احكام العشرة، ب 104 ح 1.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 504، ابواب احكام العشرة، ب 104 ح 6.



و از آن حضرت نقل است که فرمود:

إِنَّ حَسْنَ الْخَلْقِ يَبْلُغُ بِصَاحِبِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ.<sup>(1)</sup>

همانا اخلاق خوش، صاحب خود را به درجه نمازگزاران و روزه داران می‌رساند

و فرمود:

أَكْمَلُ النَّاسِ عَقْلاً أَحْسَنُهُمْ خَلْقاً.<sup>(2)</sup>

عاقل‌ترین مردم خوش اخلاق‌ترین آنها هستند.

و فرمود:

خداوند تبارک و تعالی به آن دسته از بندگان خود که دارای اخلاق خوش هستند، اجر و پاداش مجاهدانی را خواهد داد که شبانه روز در راه او به جهاد پردازند.<sup>(3)</sup>

و نیز از آن حضرت نقل است که:

پیامبر اکرم ' فرمودند: خداوند متعال همان گونه که مرا به انجام واجبات فرمان داد، به مدارا کردن با مردم نیز فرمان داده است.<sup>(1)</sup>

و فرمود:

- 
1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 503، ابواب احکام العشرة، ب 104 ح 4.
  2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 504، ابواب احکام العشرة، ب 104 ح 9.
  3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 505، ابواب احکام العشرة، ب 104 ح 15.
  1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 540، ابواب احکام العشرة، ب 121 ح 1.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

قال رسول الله ' مداراة الناس نصف الإيمان و الرفق بهم نصف العيش. <sup>(1)</sup>

مدارا کردن با مردم نیمی از ایمان و دوستی کردن با آنها نیمی از زندگی است

همچنین از سفیان بن عیینه نقل است که گفت:

به زهری گفتم: آیا حضرت علی بن الحسین (امام سجاد) × را ملاقات کرده‌ای؟

گفت: آری او را ملاقات کرده‌ام، و هرگز با کسی برتر و با فضیلت‌تر از وی ملاقات نکرده‌ام، وی کسی است که من هیچ دوست پنهان و دشمن آشکاری برایش نمی‌شناسم.

کیفیت این امر از زهری سؤال شد، پاسخ داد: من کسی را ندیدم که گرچه او را می‌دارد اما از شدت معرفتی که به فضل او دارد بر وی رشک برد و کسی را نیافتم که علی رغم دشمنی با وی از فرط مدارایی که او با دشمنان خود دارد با او مدارا نکند. <sup>(2)</sup>

و از فضیل بن یسار روایت شده که گفت:

از حضرت امام صادق × پرسیدم آیا حب و بغض در راه خدا جزء ایمان است؟

در پاسخ فرمودند:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 540، ابواب احکام العشرة، ب 121 ح 5.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 542، ابواب احکام العشرة، ب 121 ح 10.

آیا ایمان چیزی جز دوستی و دشمنی است؟

سپس این آیه را به عنوان شاهد تأویل کردند:

{حَبِّ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَ زَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَهُ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ  
الْعَصِيَانَ أَوْلَيْكُمْ هُمُ الرَّاشِدُونَ}

لیکن خدا ایمان را برای شما دوست داشتی گردانید و آن را در دل‌های  
شما بیاراست و کفر و پلیدکاری و سرکشی را در نظر تان ناخوشایند  
ساخت. آنان [که چنین اند] ره یافتگانند.<sup>(1)</sup>

و از صفوان جمّال، از ابو عبیده، زیاد حدّاء، از حضرت ابو جعفر باقر ×  
روایت است که به او فرمود:

ای زیاد، وای بر تو آیا دین چیزی جز دوست داشتن است؟ آیا به کلام  
خدای متعال نمی‌نگری که می‌فرماید: {بگو: «اگر خدا را دوست دارید،  
از من پیروی کنید تا خدا دوستان بدارد و گناهان شما را بر شما  
بیخشد»}؟

و فرموده است:

هر کس را که به سوی آنان کوچ کرده دوست دارند

آنگاه فرمود: الدین هو الحبّ و الحبّ هو الدین: دین، محبت و محبت،  
دین است.<sup>(1)</sup>

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعة 11 / 435، ابواب الامر و النهی، ب 15 ح 16.

1. حر عاملی، وسائل الشیعة 11 / 435، ابواب الامر و النهی، ب 15 ح 17.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

اگر چه مراد از محبت در این روایات محبت نسبت به ذات اقدس خداوند متعال می باشد، اما شکی در این نیست که محبت و دوستی مسلمانان و مؤمنان برای رضای خدا نیز بخشی از ایمان به شمار می رود چرا که این محبت نیز - چنان که در روایات گذشت - به محبت خداوند متعال باز می گردد.

و از همین قبیل است روایت سلام بن مستنیر از حضرت امام محمد باقر × که فرمود:

دوستی و مودت مؤمن نسبت به مؤمن دیگر از بزرگ ترین شاخه های ایمان است. بدانید که هر کس برای رضای خدا دوست بدارد، برای رضای خدا دشمن بدارد، برای رضای خدا بخشنده کند و برای رضای خدا دست از داد و دهش بردارد، از کسانی است که خداوند متعال آنان را برای خود خالص کرده است.<sup>(1)</sup>

چه اینکه از حضرت امام صادق × نیز روایت شده است:

من أوثق عرى الإيمان أن تحب في الله و تبغض في الله و تُعطي في الله و تمتنع في الله.<sup>(1)</sup>

اگر برای رضای خدا محبت بورزی، دشمنی کنی، بدهی یا دست از دهش بازداری، به محکم ترین رشته های ایمان چنگ انداخته ای.

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعة 11 / 431، ابواب الامر و النهی، ب 15 ح 3.

1. حر عاملی، وسائل الشیعة 11 / 431، ابواب الامر و النهی، ب 15 ح 2.

## [5] احسان و بخشندگی

پنجمین قاعده در روابط اجتماعی عبارت از احسان و نیکی کردن به مردم و سخاوت و بخشندگی نسبت به آنان است که می‌توان آن را در دو بخش مجزا تصور کرد:

### 1. نیکوکاری عام

نیکوکاری نسبت به عموم مردم بدون ملاحظه رابطه خاص میان نیکوکار و کسی که مورد نیکوکاری واقع می‌شود، مانند امور عام المنفعه‌ای که نیکوکاران در جامعه به انجام می‌رسانند، همچون اصلاح وضع راه‌ها، حفر چاه، ساختن زائرسراها و مهمانخانه‌ها، تأسیس اماکنی به عنوان وقف عام به جهت اطعام مردم یا کمک به فقرا و نیازمندان تأسیس می‌شود، ساخت مدارس علمیه یا مؤسسات آموزشی، بهداشتی و فرهنگی و سایر امور خیریه‌ای که نشان از اهتمام خیرین نسبت به مسائل عموم مسلمانان داشته و در تحت عنوان کلی فی سبیل الله داخل می‌شود.<sup>(1)</sup>

این دسته از کارها اگر چه از برترین نوع کارهای خیر و منابع احسان و نیکوکاری بوده است، دارای اجر و پاداش بزرگ و آثار تکاملی برای فرد و جامعه بوده و اسلام نیز مسلمانان را بر انجام آنها تشویق

---

1. می‌توان تشویق و ترغیب اهل بیت<sup>^</sup> نسبت به این اعمال و اجر و پاداش مترتب بر آن را در کتاب حر عاملی، وسائل الشیعه جلد یازدهم باب های: 16، 18، 19 و 20 از ابواب المعروف، همچنین در ابواب: الصدقات و الزراعة و الوقف ملاحظه نمود.

کرده است، اما در عین حال این گونه کارها در فرهنگ اسلام تنها از مصادیق فعل معروف یا نیکوکاری بوده و ارتباط مستقیمی با مسئله روابط اجتماعی پیدا نمی‌کند؛ لذا، گرچه این جنبه از مسئله احسان و نیکوکاری به صورت کلی به نظام اجتماعی مربوط است و در بعضی از مباحث پیشین نیز بدان پرداخته‌ایم، در این مبحث به آن نخواهیم پرداخت.

## 2. نیکوکاری در روابط اجتماعی

نیکوکاری و احسان مستقیم نسبت به افراد، یا عموم مردم در جامعه اسلامی؛ این گونه نیکوکاری بنیان و رکن اساسی روابط اجتماعی و مستحکم کننده آن بوده، تکامل و پیشرفت این روابط از این طریق حاصل می‌گردد؛ چرا که این گونه از احسان و نیکوکاری علاوه بر دارا بودن مضمون و محتوای حقیقی روابط اجتماعی؛ یعنی محبت و دوستی خالصانه، ابزاری کارآمد برای جلب محبت و دوستی دیگران نیز هست، چه اینکه در عین حال وسیله خوبی برای حل مشکلات و بی اثر کردن عکس العمل‌های منفی در روابط اجتماعی نیز بوده، نشان از بالا بودن سطح اخلاقی انسان نیکوکار دارد؛ و همه این موارد به وضوح در روایات شریفه‌ای که به صورت مطلق در تأکید بر لزوم نیکوکاری با مردم وارد شده است، ملاحظه می‌شود.

در همین رابطه از حضرت امام صادق × روایت شده که فرمود:

با مردم نیکوکاری روا دار چه سزاوار آن باشند یا سزاوار آن نباشند، چرا

که اگر آنان سزاوار نیکوکاری نباشند، تو شایسته انجام آن می‌باشی.<sup>(1)</sup>

و باز از همان حضرت:

با همگان نیکی کنید، اگر سزاوار آن بودند که هیچ و اگر سزاوار آن نبودند، کاری کرده اید که خود سزاوار انجام آن بوده اید.<sup>(2)</sup>

نیکی به خود: در همین رابطه می‌یابیم که اسلام اصولاً نیکی کردن به دیگران را نیکی کردن به خود دانسته است چنان که در آیه شریف چنین آمده است:

{إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا}

اگر نیکی کنید، به خود نیکی کرده اید، و اگر بدی کنید، به خود اید نموده اید.

لذا اهل بیت <sup>^</sup> در این زمینه تنها به تأکید بر اصل نیکوکاری بسنده نکرده، بلکه از پیروان خود خواسته‌اند همواره در این راه دست بالا را داشته باشند؛ آنجا که گذشتن از حق خود در برابر دیگران، یا بخشش و نیکویی نسبت به آنان در دیدگاه اهل بیت <sup>^</sup> یکی از حقوق اجتماعی واجب بر عهده هر مسلمان و از موجبات تکامل فرد در خویشتن خویش دانسته شده و در عین حال موجب تکامل روابط اجتماعی نیز می‌باشد.

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 528، ابواب فعل المعروف، ب 3 ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 528، ابواب فعل المعروف، ب 3 ح 2.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

در همین زمینه از حضرت امام باقر × روایت شده است:

به هر میزان که بتوانی با معاشران خود احسان و بخشندگی روا بداری از انجام آن دریغ نکن.

و از حضرت امام صادق × در تفسیر آیه کریمه {إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ} <sup>(1)</sup> (که در باره حضرت ابراهیم × است) نقل شده که فرمود:

از نشانه‌های نیکوکاری او این بود که [خوان احسان خود را گشاده می‌داشت، به نیازمندان قرض می‌داد و ناتوانان را یاری می‌کرد.] <sup>(2)</sup>

و فرموده است:

در معاشرت با مردم، سعی کن به درجه‌ای برسی که با کسی معاشرت نکنی مگر اینکه از نظر احسان و بخشندگی نسبت به او دست بالا را داشته باشی؛ چرا که بنده خدا، گاه از لحاظ عبادت دچار کاستی و نقصان می‌شود، اما در عین حال با مردم خوب معاشرت می‌کند و خداوند متعال به سبب همین حسن معاشرت، او را به درجه روزه داران و نمازگزاران می‌رساند. <sup>(1)</sup>

و در سایر روایات أبواب العشرة (آداب معاشرت) نیز بر موارد بسیاری از مصادیق این نیکوکاری تأکید شده است، که به خواست خدا در قسمت دوم به آنها اشاره خواهیم کرد.

---

1. ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 405، ابواب احکام العشرة، ب 4 ح 1.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 504، ابواب احکام العشرة، ب 104 ح 7.



## [6] الگو سازی و رفتار برجسته

ششمین قاعده در روابط اجتماعی، الگو سازی در رفتارهای اجتماعی است، این کار یکی دیگر از ارکان اساسی در استحکام و تکامل روابط اجتماعی و ایجاد بهترین ابزار برای آموزش سلوک اخلاقی به دیگران به شمار می‌آید. البته ما در تحقیق دیگری جداگانه به مسئله الگو، آثار روحی و نقش اجتماعی آن پرداخته‌ایم که شاید توفیق چاپ آن را هم بیابیم، چه اینکه در چند جا از همین کتاب نیز در بیان اهداف، ویژگی‌ها و محتوای روحی و اخلاقی به این مطلب اشاره نموده‌ایم و نیازی به تکرار آنها نیست.

در راستای تحکیم این قاعده و بیان اهمیت نقش آن در روابط اجتماعی، احادیث مؤکدی از اهل بیت <sup>۸</sup> وارد شده است؛ آنجا که همواره شیعیان خود را به پای بندی بر این مسئله به عنوان یک مسئله مهم و علامت ویژه در ساختار جماعت صالح وصیت و سفارش می‌کرده‌اند که در احادیث ذیل نمونه‌هایی از آن را ملاحظه می‌کنید:

از حضرت صادق  $\times$  در سفارشی به یکی از شیعیان آمده است:

هرگاه یکی از شما در امور دینی خویش پرهیزگار بوده، راستگویی و امانت پیشه خود ساخته و با اخلاق خوب با مردم برخورد کند، مردم خواهند گفت: این یک جعفری است و من از این قضیه شادمان خواهم گردید و شادی افتخار آن از آن من خواهد بود چرا که گفته خواهد شد این نتیجه تربیت جعفر بن محمد است. اما اگر رفتار آنان غیر از این باشد ننگ و ناراحتی آن بر من وارد خواهد گردید که باز خواهند گفت: این

نتیجه تربیت جعفر بن محمد است.

به خدا سوگند که پدرم × بر من روایت کرد که: در گذشته چنین بود که اگر مردی از شیعیان علی × در قبیله‌ای بود، زینت آن قبیله به حساب می‌آمد. وی امانت دارترین، راستگوترین و بهترین شخص در میان آنان برای ادای حقوق مردم بود. آنان وصیت‌ها و امانت‌های خود را در نزد او می‌سپردند. و اگر از آن عشیره در باره او می‌پرسیدی، پاسخ می‌دادند: که چه کسی مانند فلانی است؟! او امین‌ترین و راستگوترین ما است.<sup>(1)</sup>

و از کثیر بن علقمه روایت شده است: به حضرت امام صادق × عرض کردم: مرا نصیحت کن. ایشان فرمودند:

تو را به تقوای الهی، ورع و عبادت سفارش می‌کنم همچنین به طول دادن سجده، ادای امانت، راستگویی و حسن معاشرت با دیگران که این امور توسط پیامبر اکرم ' آورده شده است، نمازهای خود را در میان در عشیره هایتان به جا آورید.<sup>(1)</sup> مریضان خود را عبادت کنید، و در تشییع مردگان خود حضور یابید، همواره مایه زینت و افتخار ما باشید و مایه ننگ و عار ما نباشید، محبت ما را در دل مردم بیاندازید و کینه آنان را نسبت به ما زیاد نکنید، همه محبت‌ها را به سوی ما بکشید و همه بدی‌ها

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 398، ابواب احکام العشرة، ب 1 ح 2.

1. یا «با افراد عشیره‌های خود پیوند برقرار نمایید». در دو مورد از روایات همین کتاب عبارت به صورت «صلوا عشاترکم» آمده است - مترجم.

را از ما دور کنید.<sup>(1)</sup>

و نیز از آن حضرت روایت است که فرمود:

كونوا دعاة للناس بالخير بغير السنتكم. ليروا منكم الاجتهاد و الصدق و الورع.

با کردار شایسته خود دعوت کننده مردم به سوی خوبی‌ها باشید. مردم

باید از شما سخت کوشی، صداقت و پرهیزگاری ببینند.

و در روایت دیگری از آن حضرت آمده است:

... ليروا منكم الورع، و الإجتهد، و الصلوة، و الخير، فإن ذلك داعية.

مردم باید از شما پرهیزگاری، سخت کوشی، نماز و کارهای خوب ببینند

که این امر، برای مردم ایجاد انگیزه می‌کند.<sup>(2)</sup>

\* \* \*

با بیان این اصول و قواعد، مبانی نظری روابط اجتماعی تکمیل می‌گردد؛ آنجا که می‌بینیم ابعاد پنجگانه‌ای که از آنها سخن به میان آوردیم، هر کدام بر زیرساخت‌ها و پایه‌های محکمی استوار می‌باشد و این حقیقت در قسمت دوم این باب در هنگام مراجعه و بررسی مصادیق و جزئیات این روابط که رو بنای نظریه روابط اجتماعی اسلام را تشکیل می‌دهد آشکار خواهد گردید.

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 400، ابواب احکام العشرة، ب 1 ح 8.

2. کلینی، الکافی 2 / 105 ح 10 و 78 ح 14.



2

ساختار

روبنای روابط اجتماعی



## پیش در آمد

منظور از روبنای ساختار روابط اجتماعی، مصادیق و جزئیات نظام معاشرت یا همزیستی اجتماعی است که کتاب‌های حدیثی به بیان آنها پرداخته‌اند. این ساختار، مجموعه‌ای از احکام واجب، یا آداب و سنت‌های مستحب اسلامی است که به بیان جزئیات و شکل‌های مختلف آداب معاشرت پرداخته، ساختار صحیح و آرمانی روابط اجتماعی میان مردم را مشخص نموده است.

و از آنجا که اسلام به موازات اینکه به لحاظ نظری، مسئله روابط اجتماعی را با ابعاد مختلف و اصول و قواعد مشخص پایه ریزی نموده است، در عمل نیز ساختار مناسب و راهکارهای عملی مشخصی را برای پیاده کردن این ابعاد، و استوار نمودن این بنا بر آن پایه‌ها وضع کرده است، مجموعه این راهکارهای عملی را روبنای نظام روابط اجتماعی می‌خوانیم.

حال به شکلی گذرا به پاره‌ای از مصادیق این نظریه می‌پردازیم و سعی می‌کنیم تا تصویری کلی از نوع رابطه میان این مصادیق و جزئیات با ابعاد نظری و اصول روابط اجتماعی در اسلام که پیشتر گذشت؛ ارائه

## ساختار کلی روابط اجتماعی

---

نماییم، تا از یک سو پیوستگی میان قواعد و ابعاد نظریه و از دیگر سو پیوستگی این دو با مصادیق و جزئیات آشکار گردد. اما شرح و تفصیل بیشتر در باره این ساختار و توضیح آن را به کتابی که در خصوص دیدگاه اسلام در باره روابط اجتماعی تألیف نموده‌ایم و می‌گذاریم.<sup>(1)</sup>

این بخش دوم نیز خود دارای دو فصل می‌باشد:

**فصل اول:** ابعاد نظری روابط اجتماعی.

**فصل دوم:** اصول بنیادین روابط اجتماعی.

در این بخش، بر حسب همان چینشی که در قسمت اول در بیان خود ابعاد و قواعد داشتیم به بیان مصادیق و جزئیات آنها خواهیم پرداخت.

---

1. در این مبحث بیشتر بر روایاتی که مرحوم شیخ حرّ عاملی در جلد هشتم کتاب جامع خود وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، کتاب الحج، ابواب احکام العشره ذکر نموده، به علاوه بعضی از موارد که در کتاب الجهاد، ابواب جهاد النفس و کتاب الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر در جلد یازدهم آورده، تکیه کرده ایم.



# 1

## ابعاد روابط اجتماعی

بیشتر برای تئوری اسلام در باب روابط اجتماعی پنج بُعد ذکر کردیم. در این بخش به ترتیب به بیان مصادیق و ساختار روبنایی هریک از این پنج بُعد خواهیم پرداخت.

### (1) برخورد باز

#### نشانه های بیشتری از گشودگی در روابط

در رابطه با بیان مصادیق و جزئیات این بُعد از ابعاد تئوری اسلام در روابط اجتماعی در روایات اهل بیت <sup>^</sup> نشانه هایی بیشتر از آنچه قبلاً متعرض آن شدیم، خواهیم یافت.

از آن جمله، روایاتی است که در آنها بر مسئله سلام کردن مردم به یکدیگر با صدای بلند تأکید شده است؛ چرا که سلام معمولاً کلید و سرآغاز همه روابط در میان مردم است.

حضرت امام محمد باقر × چنین فرموده است:

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَحِبُّ إِفْشَاءَ السَّلَامِ.<sup>(1)</sup>

خداوند عزّ و جلّ آشکارا سلام کردن را دوست می‌دارد.

و از حضرت امام صادق × روایت است که فرمود:

من التواضع أن تسلّم علی من لقیته.<sup>(2)</sup>

از نشانه‌های تواضع این است که هر کس را ملاقات کردی بر او سلام

کنی.

و در وصیت پیامبر اکرم ' به حضرت علی × نیز آمده است:

ای علی، سه چیز است که پوشاننده گناهان است: آشکارا سلام کردن،

غذا دادن به مردم و نماز گزاردن در دل شب، آنگاه که مردم در

خوانند.<sup>(3)</sup>

و از جمله این روایات، آن دسته روایاتی است که در آنها بر این نکته

تأکید شده است که از صفات انسان مؤمن این است که با دیگران گرم

گرفته و اهل انس و الفت با دیگران می‌باشد و طبیعی است که این

حالت جز در اثر معاشرت گسترده و دراز مدت با مردم حاصل

نخواهد شد.

در همین رابطه از حضرت امام صادق × نقل است که فرمود:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 438/8 (ابواب احکام العشره، ب 34 ح 1).

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 438/8 (ابواب احکام العشره، ب 34 ح 54).

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 439 / 8 (ابواب احکام العشره، ب 34 ح 5).

برترین شما کسی است که خوش اخلاق تر باشد، کریمانی میهمان نواز، آنان که با مردم الفت گرفته و مردم نیز با آنان انس می‌گیرند و دیگران را بر بساط ایشان راه باز است.<sup>(1)</sup>

و از نمونه‌های دیگر این روایات، روایاتی است که در بیان حرمت قهر و هجران و قطع رابطه در میان مسلمانان وارد شده است: آنجا که حکم به حرمت قطع رابطه، تنها در حالت برخورد باز در روابط اجتماعی شکل می‌گیرد، و از حکم قاطع شرع به حرمت قهر و جدایی، حتی در صورتی که یکی از طرفین مظلوم واقع شده باشد، چنین بر می‌آید که در اسلام، اصل بر باز بودن باب روابط در هر شرایط است.

در همین رابطه از حضرت امام صادق × نقل شده است:

لا خير في المهاجرة.<sup>(2)</sup>

در جدایی خیری نیست.

و حضرت امام محمد باقر × نیز فرموده:

هرگاه دو مؤمن بیش از سه روز با هم قهر باشند، من در روز سوم از هردوی آنها ابراز بیزاری خواهم کرد.

به آن حضرت عرض شد: این فرمایش شما در باره ظالم است، گناه مظلوم چیست که شما از هردو ابراز بیزاری می‌نمایید؟ فرمود: مظلوم را

---

1. حر عاملی وسائل الشیعه 8 / 510 (ابواب احکام العشرة، ب 105 ح 1).

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 584 (ابواب احکام العشرة، 144 ح 2).

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

چه می‌شود که به نزد ظالم نرفته و تقصیر را به گردن نمی‌گیرد تا بدین وسیله صلح و سازش میان آنها برقرار شود؟<sup>(1)</sup>

حضرت امام صادق × در وصیت خود به مفضل فرموده:

هیچگاه دو مرد با قهر از یکدیگر جدا نمی‌شوند مگر اینکه یکی از آن دو و بلکه هر دو مستحق بیزاری و لعنت خواهند گردید.

معتب گفت: فدایت شوم، حال ظالم معلوم است، مظلوم را چه می‌شود که مستحق این کیفر می‌شود؟

فرمود: چون این مظلوم، برادر دینی خود را به پیوند فرا نخوانده، سخنان درشت او را نشنیده نمی‌گیرد. از پدرم × شنیدم که می‌فرمود: هرگاه دو نفر با یکدیگر نزاع کرده، یکی بر دیگری ستم روا داشت، بر مظلوم است که به نزد طرف مقابل خود رفته و به او بگوید: ای برادر من بر تو ستم کرده‌ام، یعنی خود را مقصر جلوه دهد تا جدایی میان او و دوستش پایان یابد. چون خداوند تبارک و تعالی حاکمی عادل است و خود حق مظلوم را از ظالم خواهد ستاند.<sup>(2)</sup>

نیز از آن حضرت نقل است که فرمود:

پدرم × فرمود: رسول خدا ' فرموده است: دو مسلمان که با یکدیگر قهر می‌کنند و سه روز از قهر آنان می‌گذرد، هر دو از اسلام خارج شده و میان آن دو ولایتی نخواهد بود. پس هر کدام از آنها که به سخن گفتن با برادر خود پیشی گیرد، در روز قیامت نیز در رفتن به بهشت بیشتر

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 586 (ابواب احکام العشره، ب 144 ح 10).

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 584 (ابواب احکام العشره، ب 144 ح 3).

خواهد بود.<sup>(1)</sup>

و از دیگر انواع این روایات، احادیثی است که در رابطه با لزوم پذیرش عذرخواهی دیگران وارد شده است؛ آنجا که دیگران پس از ارتکاب خطا و نادرستی، در برابر انسان به پوزش و اعتذار برمی‌خیزند، و این مسئله نشان دهنده میزان اهمیت بقا و استمرار روابط اجتماعی، بستن همه درهای جدایی و تفرقه و محو همه اسباب و علل و آثار آن است. چنان که در مبحث احسان و نیکوکاری توضیح بیشتری در رابطه با این نکته خواهد آمد.

#### موارد استثنا

در کنار این تأکیدات مضاعف که بر موضوع گشودگی در روابط تأکید دارد، می‌بینیم که اسلام مواردی را هم از این قانون کلی استثنا کرده است؛ امری که در حقیقت از یک سو مکمل این بعد از نظریه بوده و از دیگر سو تأکیدی دوباره بر لزوم گشودگی و برخورد باز است؛ چون همان گونه که استثنا مورد خود را از دایره حکم کلی خارج می‌کند، تأکیدی بر شمول آن حکم بر غیر موارد استثنا نیز می‌باشد.

ما نیز در ضمن بیان روایات مربوط به بعد چهارم از ابعاد نظریه روابط اجتماعی اسلام به بعضی از این موارد استثنا در سطح کلی روابط اشاره کرده‌ایم و در اینجا ضمن خلاصه کردن این موارد در چهار محور ذیل به بیان همه آنها خواهیم پرداخت.

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 585 (ابواب احکام العشره، ب 144 ح 5).

### 1. پرهیز از مواضع تهمت

مواردی که مصداق روابط مشکوک بوده، موجب برانگیخته شدن شک و شبهه در باره طرفین رابطه می‌گردد؛ این امر می‌تواند زیان‌های قابل توجهی را متوجه انسانی نماید که قصد ایجاد رابطه با مردم جامعه را دارد و موجب از بین رفتن وجهه او در جامعه می‌گردد. از جمله این روابط است:

الف - روابطی که باعث تهمت‌های رفتاری می‌شود، مانند رابطه با بعضی از زنان که انگیزه ایجاد تهمت روابط نامشروع در ذهن مردم می‌شود، حتی اگر آن زن در واقع همسر یا مادر انسان باشد، یا رابطه داشتن با ثروتمندان و مرفهان بی درد. و این گونه تهمت‌ها گاه برخاسته از اصل رابطه و گاه برخاسته از شکل و شیوه آن می‌باشد و در روایات از همه این موارد نهی شده است.

در این رابطه از حضرت امام صادق  $\times$ ، از پدران بزرگوارش - که درود خداوند بر آنان باد - نقل است که فرمود:

پیامبر اکرم ' فرمودند:

سه دسته‌اند که همنشینی با آنان دل را می‌میراند: همنشینی با فرومایگان،

هم سخن شدن با زنان و همنشینی با ثروتمندان.<sup>(1)</sup>

و نیز حضرت امیرالمؤمنین  $\times$  فرموده‌اند:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 421 (ابواب احکام العشره، ب 18 ح 1).

هر کس خود را در معرض تهمت قرار دهد نباید در صورت قرار گرفتن در مورد تهمت کسی را جز خود ملامت کند، و کسی که راز خود را بیوشاند، اختیارش به دست خود او است.<sup>(1)</sup>

و امام صادق × فرموده‌اند:

از موارد شک برانگیز پروا کنید، هرگز کسی از شما با مادر خود در راه نایستد، چرا که همه مردم نمی‌دانند این زن مادر او است.<sup>(2)</sup>

ب - روابطی که باعث پیدایش تهمت انحرافات عقیدتی، فکری یا سیاسی می‌گردد؛ مانند برقراری روابط با اهل بدعت و گمراهی و همنشینی با آنان، حضور در مجلس در چنین افرادی یا پذیرفتن آنان به شاگردی، که در این موارد نیز نهی از جانب اهل بیت <sup>^</sup> وارد شده است.

از حضرت امام صادق روایت است که:

لا تصحبوا أهل البدع، ولا تجالسوهم فتكونوا عند الناس كواحد منهم، و قال رسول الله: 'المراء علی دین خلیله و قرینه'<sup>(3)</sup>

با اهل بدعت مصاحبت نکرده و با آنان همنشین نشوید، که در صورت ارتکاب این عمل، در نزد مردم مانند یکی از آنان جلوه خواهید کرد. پیامبر اکرم ' نیز فرموده است: هر انسانی بر دین دوست و همنشین خود است.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 422 (ابواب احکام العشره، ب 19 ح 1).

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 423 (ابواب احکام العشره، ب 19 ح 5).

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 430 (ابواب احکام العشره، ب 27 ح 1).

## 2. دوری از همنشینان بد

افرادی که رفتار و کردار ناشایست دارند و از آنان به دوستان ناباب تعبیر شده است؛ چون انسان از مصاحبت و معاشرت با آنان متضرر شده و رفته رفته تحت تأثیر رفتارهای ناپسند آنان قرار خواهد گرفت، زیرا طبیعت انسان دارای اقتضای تأثیر پذیری از اطرافیان خویش است.

پیامبر اکرم ' فرمود:

در معاشرت با افراد دقت کنید؛ چون هنگامی که مرگ شخصی فرا می‌رسد دوستانش در برابر دیدگان او حاضر خواهند شد، خوب باشند یا بد، و هیچ کس نیز نمی‌میرد مگر اینکه تو (علی ×) در برابرش حاضر خواهی بود.<sup>(1)</sup>

و از حضرت ابوالحسن × روایت شده است:

حضرت عیسی × فرموده است: فرد شرور با تو دشمنی روا می‌دارد و دوست ناباب تو را پست می‌کند، پس بیندیش که با چه کسی همنشین می‌شوی.<sup>(2)</sup>

بلی اگر برقراری رابطه با چنین افرادی با نیتی پاک و به قصد ارشاد و هدایت آنان باشد، یا مصلحت دینی یا دنیایی مشروعی در ورای آن

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 411 (ابواب احکام العشره، ب 11 ح 1).

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 412 (ابواب احکام العشره، ب 11 ح 2).



## روبنای روابط اجتماعی

---

باشد، مانعی نخواهد داشت. اما همنشینان بد که اسامی و عناوین آنان در روایات وارد شده اینها هستند:

یکی: کسانی که به لحاظ اخلاقی و رفتاری از جاده شرع منحرف شده‌اند مانند: فاجر، دروغگو، قطع کننده رحم، بخیل، ترسو و احمق. از حضرت صادق × نقل است که فرمود: حضرت امیر المؤمنین × چون بالای منبر می‌رفت، می‌فرمود:

سزاوار است هر مسلمان از همنشینی با سه دسته پرهیز کند.

فاجر بی شرم هرزه گو، احمق و دروغگو.

اما فاجر بی شرم هرزه در، کارهای خود را در نظر تو خوب جلوه داده، دوست می‌دارد که تو هم کارهایی مانند کارهای او انجام دهی و تو را در راه امور دین و آخرت هیچ یاری نمی‌رساند، نزدیک شدن به چنین شخصی موجب خشونت و قساوت و رفت و آمدش باعث بی‌آبرویی تو است.

و اما احمق، هیچگاه مشاور خوبی برای تو نخواهد بود، و امید آن نمی‌رود که بتواند شری را از تو دفع نماید اگرچه خود را در این راه به زحمت بیندازد، چنین شخصی مرگش برای تو بهتر از زندگانی، سکوتش بهتر از سخن گفتن و دوریش بهتر از نزدیکی است.

و اما دروغگو، پس با همنشینی او زندگی هرگز به تو خوش نخواهد گذشت، او سخنان تو را به نزد دیگران برده و سخنان دیگران را به نزد تو خواهد آورد و هرگاه که یکی از فتنه هایش پایان یابد، فتنه دیگری را

بنیان خواهد نهاد، تا بدان حد که اگر راست هم بگویند دیگر کسی او را تصدیق نخواهد نمود، وی با پاشیدن بذر دشمنی و رویاندن نهال کینه در دل‌های مردم آنان را از یکدیگر جدا می‌کند. پس از خدا پروا کرده، فکری به حال خویشتن کنید.<sup>(1)</sup>

ود دیگری: جاهلان و افراد پست جامعه، یا عقب ماندگان عقلی و فرهنگی همچون دیوانگان، احمقان، سفلگان، فرومایگان، بادیه نشینان، زنازادگان و...

در این رابطه عمار بن موسی می‌گوید که حضرت امام صادق  $\times$  به من فرمود:

ای عمار، اگر دوست داری که همواره نعمت افزونی یابد، مروت و مردانگی کامل شده و امر معیشت تو اصلاح گردد، بردگان و سفلگان را در کارهای خود دخالت نده، چرا که اگر به آنان اعتماد کنی، به تو خیانت خواهند کرد، اگر با تو سخنی بگویند، دروغ خواهند گفت، اگر به بدبختی مبتلا شدی، تنهایت خواهند گذاشت و اگر وعده‌ای به تو دهند، به آن عمل نخواهند نمود.

عمار همچنین گوید: و باز از همان حضرت شنیدم که می‌فرمود:

محبت ابرار نسبت به ابرار موجب پاداش ابرار، محبت فاجران و گنهکاران نسبت به ابرار مایه فضیلت ابرار و کینه فاجران نسبت به ابرار

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 416 (ابواب احکام العشره، ب 15 ح 1).

مایه زینت ابرار بوده، کینه ابرار از فاجران مایه رسوایی فاجران است.<sup>(1)</sup>

و پیامبر اکرم ' فرموده است:

پنج دسته هستند که در هر حال باید از معاشرت با آنان اجتناب کرد:  
جذامی، مبتلا به بیماری برص، دیوانه، زنازاده و اعراب بادیه نشین.<sup>(2)</sup>

### 3. دوری از کسانی که دارای حرفه های حرام هستند

کسانی که به حرفه ها و مشاغل حرام یا کارهای فاسد پرداخته یا با کار خود احکام شرع و آداب و سنن کلی اسلام را مورد تمسخر قرار می دهند، مانند عناوینی که در روایت ذیل آمده است:

از حضرت امام صادق X، از پدران بزرگوارش نقل است:

شش دسته هستند که نباید به آنها سلام کرد: یهودی، نصرانی، کسی که در حال قضای حاجت است، کسی که بر سفره شراب نشسته است، شاعری که زنان شوهردار را مورد قذف و تهمت قرار می دهد، و کسانی که خود را با نکته پرانی در باره نوامیس مردم سرگرم می کنند.<sup>(3)</sup>

البته مراد از سلام نکردن در روایت فوق، به کار بردن عبارت معروف «سلام علیکم» است که به تحیت سلام معروف می باشد و ظاهراً به کار بردن عبارات دیگر همچون صبح به خیر و عصر به خیر مانعی نداشته

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 418 (ابواب احکام العشره، ب 16 ح 1).

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 431 (ابواب احکام العشره، ب 28 ح 4).

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 432 (ابواب احکام العشره، ب 28 ح 5).

باشد.

و نیز حضرت علی × فرمود:

شش دسته هستند که نباید به آنها سلام کرد: یهود، نصارا، کسانی که به بازی نرد و شطرنج می‌پردازند، شرابخواران و بربط و تنبور نوازان، کسانی که سرگرمی آنان سخن گفتن در باره نوامیس مردم است و شاعران.<sup>(1)</sup>

و روشن است که مراد از شاعران در روایت فوق، آن دسته از آنان است که در اشعار خود نام زنان شوهردار را به تهمت برده و از حد و مرز شرع خارج شوند، همچون شاعرانی که در مدح حاکمان ستمگر شعر گفته و یا در اشعار خود فساد را ترویج نمایند؛ چه اینکه قرآن کریم نیز به این نکته چنین اشاره کرده است:

{وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ \* أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ \* وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ \* إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا \* وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ }

و شاعران را گمراهان پیروی می‌کنند \* آیا ندیده‌ای که آنان در هر وادی‌ای سرگردانند؟ \* و آنانند که چیزهایی می‌گویند که انجام نمی‌دهند \* مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و خدا را بسیار به یاد آورده و پس از آنکه مورد ستم قرار گرفته‌اند یاری خواسته‌اند. و کسانی که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 432 (ابواب احکام العشره، ب 28 ح 6).

برخواهند گشت.

#### 4. دوری از اختلاط با مبتلایان به بیماری های مسری

نزدیک شدن به کسانی که دارای بیماری های مسری هستند که در روایات گذشته نیز به این موارد اشاره شده بود و از جمله روایاتی که در این رابطه وارد شده، روایتی است که از حضرت امام صادق  $\times$  از پدرانش <sup>^</sup> نقل شده و به حدیث مناهی مشهور است:

و سخن گفتن با شخص مبتلا به جذام مکروه است مگر اینکه حداقل یک ذراع میان آنها فاصله باشد و فرموده است: چنان که از شیر می‌گریزی، از شخص مبتلا به جذام فرار کن.<sup>(1)</sup>

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 431 (ابواب احکام العشره، ب 28 ح 2).

## (2) بُعد تقویت ساختار اجتماعی

در رابطه با این بعد از تئوری روابط اجتماعی اسلام نیز علاوه بر اصول و شیوه‌هایی که قبلاً بیان داشتیم می‌توان اصول و شیوه‌های دیگری را نیز ملاحظه کرد که اسلام و اهل بیت <sup>^</sup> به صورت خاص آنها را مورد تشویق قرار داده‌اند:

### اصول تقویت ساختار اجتماعی

**1. برپایی اجتماعات:** شیوه برپایی اجتماعات منظم برای انجام مباحثات در باره امور دین و دنیا، به عنوان یکی از بهترین شیوه‌ها برای استحکام بخشیدن به ساختار جماعت صالحان. شاید این شیوه بهترین راهکاری باشد که مخصوص اهل بیت <sup>^</sup> بوده و همواره شیعیان خود را به انجام آن تشویق و ترغیب می‌نموده‌اند.

ایشان همچنان تأکید کرده‌اند که این اجتماعات دارای آثار متعدد دینی، روحی و اخلاقی بوده و موجب نزدیک شدن به خداوند متعال می‌باشد و اینکه این امر موجب زنده نگاه داشتن امر اهل بیت <sup>^</sup>، آرامش روح و آمرزش گناهان بوده، اهل بیت <sup>^</sup> این گونه مجالس را دوست داشته و امیدوار به شرکت شیعیان در آنها هستند.

از حضرت امام صادق  $\times$  نقل است که فرمود:

به دیدار یکدیگر بروید که دیدار شما با یکدیگر موجب زنده شدن دل‌های شما و یاد کردن از احادیث ماست و احادیث ما گرایش شما را به یکدیگر بیشتر می‌کند، پس اگر به برپا نمودن چنین مجالسی اقدام

نمودید، به رشد رسیده و نجات خواهید یافت، و اگر این کار را ترک نمودید گمراه گشته و هلاک خواهید شد، پس به این کار بپردازید که در این صورت من ضامن نجات شما هستم.<sup>(1)</sup>

امام باقر × به میسر فرمود:

آیا در کنار هم خلوت کرده با هم حدیث گفته و در باره هرچه بخواهید به بحث می‌پردازید.

گفتم: به خدا سوگند چنین است ما با هم خلوت کرده و با یکدیگر حدیث گفته و آنچه بخواهیم می‌گوییم

آن حضرت فرمودند: به خدا سوگند بسیار دوست می‌دارم که در بعضی از این مجالس همراه شما باشم، بدانید که به خدا سوگند، من بوی شما و ارواح شما را دوست می‌دارم؛ شما که بر دین خدا و دین فرشتگان خدا هستید پس با پرهیزگاری و سختکوشی مرا در این راه یاری کنید.<sup>(2)</sup>

حضرت امام صادق × می‌فرماید:

هیچگاه سه نفر از مؤمنان یا بیشتر با هم جمع نمی‌شوند، مگر اینکه به تعداد آنها از ملائکه با آنان همراه خواهند شد، آنگاه اگر آنها در رابطه با خیری دست به دعا بردارند، این فرشتگان به دعای آنان آمین می‌گویند، و اگر از

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 567 (ابواب فعل المعروف، ب 23 ح 3).

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 567 (ابواب فعل المعروف، ب 23 ح 5).

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

شری به خدا پناه برند آنان نیز از خداوند متعال می‌خواهند تا آن شر و بدی را از آنان دور کند، و اگر از خدا حاجتی بخواهند، این فرشتگان در پیشگاه خداوند عزّ و جلّ در برآورده شدن حاجت آنان شفاعت خواهند نمود.<sup>(1)</sup>

معتب - غلام حضرت صادق × - می‌گوید که آن حضرت به داود بن سرحان فرمود:

ای داود، سلام مرا به موالیان و دوستان ما برسان، و به آنها ابلاغ کن که من گفته‌ام: خداوند رحمت کند بنده‌ای را که با دیگری اجتماع نماید و باهم به مذاکره امر ما بپردازند، زیرا در این صورت سومین شخص مجلس آنان فرشته‌ای است که برای آنها طلب مغفرت می‌کند، و هرگز دو مؤمن بر ذکر و یاد ما با یکدیگر جمع نمی‌شوند مگر اینکه خداوند متعال به آنان بر فرشتگان مباحثات می‌کند، پس چون با یکدیگر اجتماع کردید به ذکر مشغول شوید که در اجتماع و مذاکره شما زنده نگه داشتن ما است، و بهترین کس پس از ما کسی است که در باره امر ما مذاکره کرده و دیگران را نیز به ذکر و یاد کردن ما بخواند.<sup>(2)</sup>

و نیز امام باقر × به خیثمه فرمود:

أبلغ موالینا السلام، و أوصهم بتقوی الله العظیم أن یعود غنیم علی فقیرهم، و قویهم علی ضعیفهم، و أن یشهد حیهم جنازة میتهم، و أن یتلاقوا فی بیوتهم، فإن فی

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 568 (ابواب فعل المعروف، ب 23 ح 7).

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 568 (ابواب فعل المعروف، ب 23 ح 10).



لقاء بعضهم بعضاً حياة لأمرنا.<sup>(1)</sup>

سلام مرا به اهل ولایت ما برسان و آنها را به پرهیز از خداوند بزرگ سفارش کن که اغنیای آنان به وضع فقرایشان رسیدگی کرده، قدرتمندان دست ضعیفان را گرفته و زندگان به تشییع جنازه مردگانشان بروند، و سفارش کن که به خانه‌های یکدیگر رفته و باهم دیدار کنند، که دیدار میان آنها سبب زنده شدن امر ما می‌باشد، سپس فرمود: رحم الله عبداً أحیا أمرنا ؛ خداوند بنده‌ای را که امر ما را زنده نگاه دارد مورد رحمت خود قرار دهد.

شعیب عقرقوفی نیز می‌گوید از امام صادق × شنیدم که به اصحاب خود چنین سفارش می‌کردند:

اتقوا الله و كونوا إخوة بررة متحابين في الله، متواصلين متراحمين، تزاوروا و تلاقوا و تذاكروا أمرنا و أحبوه<sup>(2)</sup>

تقوای الهی پیشه خود سازید، و در راه خدا با یکدیگر چون برادرانی نیکوکار باشید برادرانی که یکدیگر را دوست بدارند و همواره با هم در ارتباط باشند، با هم دیدار کنید و در باره امر ما مذاکره کرده، آن را زنده نگاه دارید.

2. خیرخواهی برای مسلمانان: امر کردن شیعیان به اتخاذ شیوه‌ای است تحت عنوان نصیحت که به معنی تعامل مخلصانه و صادقانه با

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 410 / 8 (ابواب احکام العشره، ب 10/ح 6).

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 410 / 8 (ابواب احکام العشره، ب 10 ح 8).

## تقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

مسلمانان و خیرخواهی برای آنان در انجام کارها و دلسوزی کردن برای آنان و تشویق آنان به پذیرش همین گونه امور از سوی دیگران و سپاسگزاری از کسانی است که به انجام این امور مبادرت میورزند، به ویژه هنگامی که این گونه نصیحت و دلسوزی موجب رفع عیوب و نواقص کار انسان شود.

و شکی نیست که این اصل یکی از مهم ترین اصولی است که تقویت کننده روابط در میان افراد به شمار رفته، این روابط را بر پایه ای از احساس مسئولیت، اطمینان و تفاهم برای رسیدن به حقیقت استوار می نماید. بدیهی است که این فرایند هنگامی ثمربخش خواهد بود که بر اساس حکمت و موعظه حسنه قرار گیرد.

حضرت امام صادق × فرمود:

يجب للمؤمن على المؤمن أن ينصحه<sup>(1)</sup>

بر هر مسلمان در ارتباط با برادر مسلمان خود واجب است که خیرخواهانه رفتار نماید.

و نیز فرموده است:

يجب للمؤمن على المؤمن النصيحة له في المشهد و المغيب<sup>(2)</sup>

بر هر مسلمان در ارتباط با برادر مسلمان خود واجب است که در پیش

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 594 / 11 (ابواب فعل المعروف، ب 35 ح 1).

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 594 / 11 (ابواب فعل المعروف، ب 35 ح).

رو یا پشت سر خیرخواهانه رفتار نماید.

همچنین پیامبر اکرم ' فرموده است:

دین عبارت از نصیحت یعنی خیرخواهی است

عرض شدای رسول خدا، خیرخواهی برای چه کسی؟

فرمود: برای خدا، پیامبر خدا، پیشوایان دینی و عموم مسلمانان.<sup>(1)</sup>

حضرت امام باقر × فرمودند:

اتبع من يبكيك و هو لك ناصح، و لا تتبع من يضحكك و هو لك غاش، و  
ستردون على الله جميعاً فتعلمون<sup>(2)</sup>

از کسی پیروی کن که تو را بگریاند اما دلسوز تو باشد، اما از کسی که تو  
را می‌خنداند، ولی سر فریب دادنت را دارد تبعیت مکن، به زودی همگی به  
نزد خداوند متعال باز خواهید گشت و همه چیز را خواهید فهمید.

و از حضرت صادق × چنین روایت است که فرمود:

أحب إخواني إليّ من أهدى إليّ عيوي<sup>(3)</sup>

محبوب‌ترین برادران من در نزد من آن است که عیوب مرا به من  
پیشکش کند.

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 595 (ابواب فعل المعروف، ب 35 ح 7).

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 413 (ابواب احکام العشره، ب 12 ح 1).

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 413 (ابواب احکام العشره، ب 12 ح 2).

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

آن حضرت همچنین فرموده است:

مؤمن هیچگاه از یک خصلت خالی نبوده و همواره به سه خصلت نیازمند است: توفیق از جانب خداوند متعال، پند دهنده‌ای از درون نفسش و روحیه پذیرش در برابر کسانی که او را از سر خیرخواهی پند می‌دهند.<sup>(1)</sup>

**3. مهربانی، محبت و دیدار:** فرمان دادن به شیعیان در باره مهربانی کردن، دوستی، دید و بازدید و انس و الفت داشتن با یکدیگر؛ چرا که یکی از عناصر مهم جهت تقویت و استواری روابط - چنان که قبلاً نیز به آن اشاره کردیم - محتوای روحی و عاطفی روابط، و تجسم عینی همان عواطف و احساسات به واسطه این گونه برخوردهای گرم و صمیمانه است.

قرآن کریم جماعت صالح را در میان اصحاب پیامبر اکرم ' بدین گونه مورد توصیف قرار داده است که: آنان {با همدیگر مهربانند} و آنان {با مؤمنان، فروتن می‌باشند} و {و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند}; و ما در مباحث گذشته به این اصل پرداخته‌ایم. در کتاب **وسائل الشیعه** باب مخصوصی به این اختصاص داده شده است که در اینجا بعضی از روایات این باب را ذکر می‌کنیم:

از حضرت امام صادق × نقل است که فرمودند:

بر هر مسلمان واجب است که در راه همبستگی با دیگر مسلمانان

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 413 (ابواب احکام العشره، ب 12 ح 3) و در کتاب المحاسن، برقی: این عبارت به این صورت آمده: «و قبول من ینصحه».

کوشیده، در راه مهربانی با یکدیگر و رسیدن به داد نیازمندان به یاری هم بشتابند، تا چنان شوید که خداوند متعال فرموده است: با یکدیگر مهربان، و از مصایب یکدیگر، غمناک؛ همان رویه‌ای که انصار در زمان پیامبر اکرم<sup>1</sup> مقید به انجام آن بودند.

و از حضرت امام باقر × نیز روایت است که:

رحم الله امرء آلف بين وليين لنا. يا معشر المؤمنين تألفوا و تعاطفوا<sup>(2)</sup>

خداوند کسی را که میان دو تن از یاران ما انس و الفت ایجاد کند رحمت کند. ای گروه مؤمنان با یکدیگر انس گرفته، و مهربان باشید.

**4. ایجاد صلح و آشتی:** ترغیب شیعیان به آشتی دادن میان سایر مؤمنان؛ تا بدان پایه که فضیلت این عمل از فضیلت یک سال نماز و روزه بیشتر دانسته شده است؛ آنجا که روایات فراوانی در رابطه با فضیلت و اهمیت این عمل و آثاری که می‌تواند در استحکام و تقویت روابط کلی اجتماعی در میان مردم و رفع موانع و مشکلات این کار، داشته باشد از اهل بیت<sup>^</sup> وارد گردیده است.

تعدادی از فقهای گران قدر نیز در کتاب‌های خود بخشی را به عنوان کتاب الصلح باز کرده‌اند که در آن به تفصیل، احادیث شریف وارد در این موضوع را آورده‌اند.

در حدیث معتبری از حضرت امام امیرالمؤمنین و حضرت امام

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 552 (ابواب احکام العشره، ب 124 ح 2).

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 552 (ابواب احکام العشره، ب 124 ح 5).

## تقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

صادق ' نقل شده است که این دو بزرگوار چنین فرموده‌اند:

لأن أصلح بين اثنين أحب إلي من أن أتصدق بدينارين.<sup>(1)</sup>

اگر میان دو نفر صلح و آشتی ایجاد کنم در نزد من محبوب‌تر است از اینکه در راه خدا دو دینار صدقه بدهم.

و نیز از آن حضرت نقل است که فرمود:

صدقه‌ای که خداوند متعال آن را دوست می‌دارد، آشتی دادن میان مردمان است آنگاه که روابط میان آنها تیره شود و نزدیک کردن آنان به یکدیگر است آنگاه که از هم دور گردند.<sup>(2)</sup>

چه اینکه نقل است وقتی ابن ملجم حضرت امیرالمؤمنین × را مضروب نمود آن حضرت در بستر مرگ به دو فرزند خود حضرت امام حسن و امام حسین ' وصیت‌هایی فرمود، از آن جمله اینکه:

فإني سمعت جدكما ' يقول: صلاح ذات البين أفضل من عامة الصلاة و الصيام.<sup>(3)</sup>

من از جد شما پیامبر اکرم ' شنیدم که می‌فرمود: آشتی دادن میان مسلمانان از نماز و روزه یک سال برتر است.

شخصی به نام ابوحنیفه کاروان دار حج می‌گوید:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 13 / 162 (ابواب احکام العشره، ب 1/ح 1 و 163/ح 6).

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 13 / 162 (ابواب احکام العشره، ب 1 ح 2).

3. نهج البلاغه / نامه 47.

من و دامادم در حال مشاجره بر سر ارث و میراث بودیم که مفضیل از اصحاب امام صادق × به ما برخورد کرد، وی مدتی نزد ما ایستاد و سپس گفت: بیاید تا به خانه من برویم، ما به خانه او رفتیم و او با چهارصد درهم که از نزد خود به ما داد، میان ما را صلح داد، و پس از آنکه هر کدام از ما از دیگری اطمینان حاصل کردیم به ما گفت: بدانید که این پول از مال خودم نبود، بلکه از جانب حضرت امام صادق × بوده و آن حضرت مرا فرمان داده است تا وقتی دو تن از شیعیان بر سر مسئله‌ای با هم اختلاف کردند، آنان را سازش و آشتی دهم.<sup>(1)</sup>

گذشته از این، شارع مقدس در این زمینه اقدام مهم تری را به مرحله اجرا در آورده و آن اجازه استفاده از دروغ مصلحت آمیز در مقام صلح دادن میان افراد، همچنین عدم جواز راستگویی در جایی است که موجب فتنه و فساد در روابط میان مؤمنان شود.

با وجود اینکه دروغ از بزرگ‌ترین گناهان به شمار می‌رود، اما در عین حال در چارچوب حدود شرعی که فقها آن را مشخص می‌کنند، در مقام آشتی دادن میان مردم و حل اختلافات و نزاع‌ها جایز شمرده شده است.

در همین رابطه از حضرت امام جعفر صادق از پدران بزرگوارش <sup>^</sup> از حضرت پیامبر اکرم ' نقل شده است:

سه چیز است که دروغ گفتن در آنها جایز است: حيله کردن در جنگ، وعده دادن به زوجه و صلح دادن میان مردم، و سه چیز است که راست

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 13 / 162 / ب / 1 / ح / 4.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

گفتن در آنها زشت و ناپسند است: خبرچینی، دادن اخبار ناپسند به یک مرد از خانواده‌اش و دروغ گفتن در مقام تکذیب کسی که خبری [مفسده انگیز] آورده است.<sup>(1)</sup>

و از حضرت امام صادق × روایت شده است که فرمود:

سخن سه شعبه دارد: دروغ، راست و اصلاح کردن در روابط میان مردم. روای گوید: از آن حضرت سؤال شد: فدایت شوم اصلاح میان مردم چگونه است؟

فرمود: اینکه مثلاً از کسی در باره دیگری سخنی می‌شنوی و بعداً وی از آن سخن خبردار و دل چرکین می‌شود، آنگاه، تو بگویی: از فلانی شنیدم که در باره تو چنین ذکر خیر می‌کرد و سخنان خوبی بر خلاف آنچه شنیده‌ای به این شخص تحویل دهی.<sup>(2)</sup>

5. همسایگان و تقویت ساختار اجتماعی: همت گماشتن به مسئله همسایگان و حسن همجواری با آنان، که این مسئله را در بُعد برخورد‌های ویژه بیان کرده‌ایم، این اصل در محکم کردن شالوده‌های اجتماع از اهمیت خاصی برخوردار است؛ چرا که رابطه همسایگی در کنار روابط پر اهمیت خانوادگی و نسبی یکی از روابط مهم طبیعی را در جامعه تشکیل می‌دهد. و هرچه تعاون و همیاری در میان ساکنان یک منطقه بهتر باشد، امکان تحقق رفاه و امنیت و ثبات برای کل

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 578، ب 141 ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 579، ب 141 ح 6.



## روبنای روابط اجتماعی

---

جامعه بیشتر خواهد بود.

تمام جزئیاتی که شارع مقدس در رابطه با مسئله همسایگان به آنها اشاره فرموده است در همین راستا بوده و در بخش برخوردهای ویژه به آنها خواهیم پرداخت.

**6. اقدامات بازدارنده:** اتخاذ مجموعه‌ای از اقدامات بازدارنده و عملی در راه استحکام هرچه بیشتر روابط اجتماعی، از جمله:

● پرهیز از برانگیختن کینه و دشمنی مردم، ستیزه جویی، ناسزاگویی و دشمنی با آنان.

در این رابطه حضرت امام صادق  $\times$  فرموده: پیامبر اکرم ' فرمود:

هیچگاه جبرئیل بر من فرود نیامد، مگر اینکه مرا این گونه سفارش کرد که: ای محمد، از کینه و دشمنی مردمان پرهیز.<sup>(1)</sup>

و نیز پیامبر اکرم ' فرمود:

هیچگاه جبرئیل بر من فرود نیامد مگر اینکه مرا موعظه کرد و پند داد و آخرین پند او این بود که: از ستیزه جویی کردن با مردمان بر حذر باش که این کار عیوب انسان را آشکار نموده و عزت وی را از بین می‌برد.<sup>(2)</sup>

و همچنین پیامبر اکرم ' فرمودند:

بدانید که در دشمنی کردن، تراشنده‌ای است، منظورم تراشنده مو نیست،

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 569، ب 136 ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 569، ب 136 ح 6.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

بلکه تراشنده و از بین برنده دین است.<sup>(1)</sup>

● وجوب پاسخ به سلام، و به نامه و پیغام، و همچنین تشویق به نامه نگاری به جای ملاقات و دیدار.

در این زمینه حضرت امام صادق × فرمود:

پاسخ دادن به نامه واجب است همان گونه که جواب سلام واجب است، و کسی که اول سلام می‌کند به خدا و رسول او سزاوارتر است.<sup>(2)</sup>

و نیز همان حضرت فرموده:

التواصل بين الإخوان في الحضر التزاور، و في السفر التکاتب<sup>(3)</sup>

پیوند میان برادران دینی در وطن، ملاقات و دیدار است و در سفر، نامه نگاری.

● تشویق مؤمنان به وفای به عهد و پیمان و لو بعد از یک سال، البته با توجه به اینکه این کار از لحاظ شرعی واجب نیست.

در این رابطه پیامبر اکرم ' فرمودند:

هر کس که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید به وعده و پیمان خود وفا کند.<sup>(1)</sup>

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 579، ب 141 ح 7.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 437، ب 33 ح 1.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 494، ب 93 ح 2.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 515، ب 109 ح 2.

● وضع کردن شرایطی چند برای دوستانی که انسان می‌تواند به آنها اعتماد و اطمینان کند.

از حضرت امام صادق × روایت شده است:

الصدقة محدودة، فمن لم تكن فيه تلك الحدود فلا تنسبه إلى كمال الصدقة، و من لم يكن فيه شيء من تلك الحدود فلا تنسبه إلى الصدقة. أولها أن تكون سريره و علانيته لك واحدة، و الثانية أن يرى زينك زينه و شينك شينه، و الثالثة لا يغيره عنك مال و لا ولاية، و الرابعة أن لا يمنعك شيئاً مما تصل إليه مقدرته، و الخامسة لا يسلمك عند النكبات<sup>(1)</sup>

دوستی دارای شرایطی است، پس هر کس که تمامی این شرایط در وی جمع نبود او را به نهایت دوستی نسبت نده، و هر کس که هیچ یک از این شرایط در وی موجود نبود، او را اصلاً دوست خود ندان: اول اینکه آشکار و پنهان او با تو یکسان باشد، دوم اینکه زینت و آبروی تو را زینت و آبروی خود دانسته، رسوایی و ننگ تو را ننگ خویش بدانند، سوم اینکه به دست آوردن مال و مقام در دوستی وی با تو تغییری ایجاد نکند، چهارم اینکه از آنچه در توان دارد در راه یاری تو دریغ ندارد و پنجم اینکه در هنگام بدبختی‌ها تو را تنها نگذارد.

● کنترل عواطف و احساسات که در مبحث رعایت توازن در روابط، به آن خواهیم پرداخت، به گونه‌ای که حرمت‌ها و احترامات در روابط محفوظ بوده، روابط با از میان رفتن حرمت‌ها به تیرگی نگراید.

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 502، ب 102 ح 3.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

همچنین بر حذر داشتن شیعیان از زیاده روی در اعتماد و اطمینان به افراد، تا در اثر این کار طرفین رابطه به ناکامی کشیده نشوند. و دیگر مواردی که به چنین اقداماتی مربوط بوده و می بینیم که در جای جای احکام و آداب معاشرت به صورت پراکنده آمده و ما هم در جای خود به برخی دیگر از آنها اشاره خواهیم نمود.

### مشورت و شرایط و آثار آن

در پایان بحث از تقویت ساختار اجتماعی پسندیده است کمی هم در باره موضوع مشورت و احکام و شرایط و آثار مترتب بر آن، به عنوان یکی از پایه های مهم تقویت ساختار اجتماعی بحث کنیم. همچنان که مشورت یکی از افق های مهم در روابط اجتماعی به حساب می آید.

#### 1. اهمیت شورا:

اسلام و اهل بیت <sup>^</sup> اهمیت خاصی به مسئله شورا داده اند؛ به گونه ای که می توان گفت: از دیدگاه اهل بیت <sup>^</sup> نظریه حکومتی اسلام در مرحله عمل و اجرا، بر اساس اصل شورا استوار می باشد<sup>(1)</sup>، در سطح روابط اجتماعی نیز می بینیم که اهل بیت <sup>^</sup> بر مسئله شورا تأکید ویژه ای کرده اند.

حضرت امام صادق × فرمود:

مشاورة العاقل الناصح رشد و ین و توفیق من الله، فإذا أشار عليك

---

1. ر.ك: سید محمد باقر حکیم، الحکم الإسلامی بین النظریه و التطبيق / 113 - 136

الناصح العاقل فإياك و الخلاف فإن في ذلك العطب<sup>(1)</sup>

مشورت کردن با شخص عاقل دلسوز موجب رشد، میمنت و توفیقی از جانب خداوند است، پس اگر شخص دلسوز عاقل تو را در امری راهنمایی کرد، مبادا بر خلاف آن رفتار کنی، که این کار هلاکت به دنبال خواهد داشت.

و حضرت امام محمد باقر × فرمود:

چهار جمله در تورات آمده است: هر که مشورت نکند پشیمان شود، تهیدستی بزرگ‌ترین مرگ است، هر عملی که با دیگران انجام دهی، همان با تو انجام خواهد شد و هر که به قدرت رسید خود خواه می‌شود.<sup>(2)</sup>

و از حضرت امیر المؤمنین × روایت شده:

الإستشارة عين الهداية<sup>(3)</sup>

مشورت چشمه هدایت است.

حال برای شناخت اهمیت شورا، می‌توان ابعاد ذیل را که اهل بیت <sup>^</sup> در رابطه با آن بیان فرموده‌اند، مورد ملاحظه قرار داد:

**1. توان و پشتگرمی:** مشورت بهترین پشتیبان انسان در عمل و

---

1. برقی، المحاسن 2 / 438.

2. برقی، المحاسن 2 / 436.

3. نهج البلاغه / حکمت 211.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

حرکت او موتور حقیقی روابط اجتماعی می باشد.

یکی از وصایای پیامبر اکرم ' به حضرت علی × این سخن بود که:

لا مظاهره أوثق من المشاورة، و لا عقل كالتدبير<sup>(1)</sup>

هیچ پشتگرمی اطمینان بخش تر از مشورت نبوده و عقلی چون تدبیر نیست.

در نهج البلاغه نیز بر این معنی تأکید شده است؛ که:

لا غنى كالعقل، و لا فقر كالجهل، و لا ميراث كالأدب، و لا ظهير كالمشاورة<sup>(2)</sup>

هیچ بی نیازی چون عقل، تهیدستی چون نادانی، میراثی همانند ادب و پشتوانه‌ای همچون مشورت نیست.

**2. دوران‌دیشی و قدرت اراده:** مشورت موجب تقویت اراده و استواری در کار است؛ چون کسی که مشورت می‌کند طبیعتاً از موضعی که اتخاذ کرده و عملی که به مقتضای مشورت به انجام رسانده، احساس اطمینان می‌کند.

امام محمد باقر × فرمود:

به پیامبر اکرم ' عرض شد: دوران‌دیشی چیست؟

فرمود:

---

1. برقی، المحاسن / 2 / 435.

2. نهج البلاغه / حکمت 54.

مشورت کردن با افراد صاحب نظر و پیروی کردن از آنان.<sup>(1)</sup>

**3. بهترین راه شناخت حقیقت:** مشورت برترین راه و روش برای دستیابی به حقیقت و انتخاب راه درست می‌باشد؛ آنجا که انسان با تکیه بر نظر اشخاص خبره و با تجربه، به دور از عواطف، امیال و هوس‌هایی که گاه بر وی چیره گشته، او را به اتخاذ شیوه‌ای، یا انجام کار معینی وا می‌دارد، به آنچه در نفس واقع حق و صواب است، برسد.

در احادیث اهل بیت <sup>^</sup> بر این ویژگی مشورت و شورا نیز تأکید شده است؛ در نهج البلاغه از حضرت امیرالمؤمنین <sup>x</sup> این گونه روایت شده است که:

من استبد برأیه هلك، و من شاور الرجال شاركها في عقولها<sup>(2)</sup>

هر کس بر نظر شخصی خود مستبدانه پافشاری کند هلاک شده و هر کس با دیگران مشورت کند در عقل آنان شریک و سهیم گشته است.

و پیشتر از آن نقل کردیم که:

الاستشارة عين الهداية

مشورت چشمه هدایت است.

همچنین امام صادق <sup>x</sup> فرمود:

استشر العاقل من الرجال الورع فإنه لا يأمر إلا بخير، و إياك و الخلاف

---

1. المحاسن 2 / 435.

2. نهج البلاغه / حکمت 161.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

فإن مخالفة الورع العاقل مفسدة في الدين و الدنيا<sup>(1)</sup>

با شخص عاقل و پرهیزگار مشورت کن که او تو را جز به خیر و نیکی راهنمایی نخواهد کرد و مبادا با نظر چنین شخصی مخالف ورزی که مخالفت با نظر شخص عاقل با تقوا، دین و دنیای تو را فاسد خواهد کرد.

حضرت امیرالمؤمنین × نیز کیفیت استفاده از نظریات عقلا و مشورت گرفتن از آنان، در جهت دست یافتن به حق و صواب را در وصیتی به فرزند خود محمد بن حنفیه، چنین تشریح فرموده است:

اضم آراء الرجال بعضها إلى بعض، ثم اختر أقربها من الصواب، و أبعدها من الارتباب؛

آرا و نظریات مختلف دیگران را در کنار یکدیگر قرار بده، سپس از میان آنها آن را که به درستی نزدیکتر و از شک و شبهه دورتر است، برگزین

...

تا آنجا که فرمود:

قد خاطر بنفسه من استغنى برأيه و من استقبل و جوه الآراء عرف مواقع الخطأ<sup>(2)</sup>

هر کس که تنها با اتکا به رأی خود، خویشتن را از نظریات دیگران بی نیاز بداند، خود را به مخاطره انداخته و کسی که از نظریات دیگران

1. برقی، المحاسن 2 / 437.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 429، ب 25 ح 2.



استقبال کند، از اشتباهات خود آگاه می‌گردد.

## 2. ویژگی مشاور

در راستای بررسی ابعاد مسئله مشورت، خوب است که ابتدا ویژگی‌ها و صفات کسانی را که می‌خواهیم با آنها مشورت کرده و از نظریات ایشان بهره‌مند گردیم، بشناسیم. این صفات و ویژگی‌ها چنان که در روایات آمده چنین است:

1. تدین، پرهیزگاری و ترس از خداوند متعال.
2. اخلاص در نصیحت؛ بدان سان که برای مشورت خواه همچون برادر مهربان و دلسوز باشد.
3. عقل و تجربه.
4. رازداری و پوشیده نگه داشتن اسرار مشورت کننده.
5. اعتدال اخلاق شخصی؛ به گونه‌ای که از صفاتی همچون بخل، ترس، حرص و ... تهی باشد؛ صفاتی که نشان از وجود خلل در شخصیت انسان دارد.
6. برخورداری از موقعیت اجتماعی استوار؛ در نتیجه، مشورت کردن با مردمان فرومایه و بردگان به مصلحت نخواهد بود.
7. اعتدال در وضع روحی و عاطفی، بنابر این مشورت با کسانی که بیش از اندازه تحت تأثیر عواطف و احساسات خود قرار می‌گیرند،

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

صحیح نیست.<sup>(1)</sup>

حال به مجموعه‌ای از روایات که علاوه بر روایات پیشین، می‌توان این ویژگی‌ها را از آنها برداشت کرد، اشاره می‌کنیم:

● از حضرت امام صادق × چنین نقل شده:

استشیروا فی أمرکم الذین یخشون ربهم<sup>(2)</sup>

در کارهای خود با کسانی مشورت کنید که از پروردگار خود می‌هراسند.

● از امیرالمؤمنین × نیز چنین نقل شده:

شاوور فی حدیثک الذین یخافون الله<sup>(1)</sup>

---

1. شاید دلیل نهی از مشورت با زنان در روایات نیز وجود همین خصوصیت در آنان باشد؛ چرا که این ویژگی، در میان زنان و خصوصاً در این عصر، پدیده‌ای فراگیر می‌باشد، همچنین است مسئله بردگان، زیرا تربیت اجتماعی که نسبت به این قشر جامعه اعمال می‌شده است به گونه‌ای بوده که صلاحیت مورد مشورت قرار گرفتن را از آنان سلب می‌کرده است، و بر فرض اینکه در میان آنان کسی پیدا شود که این شایستگی را داشته باشد قطعاً مشورت با او بی‌اشکال خواهد بود؛ از همین رو است که در بعضی از روایات آمده است که حضرت امام کاظم × گاه با غلامان سیاه خود نیز مشورت کرده و در این باره می‌فرمودند: «بسا که خداوند گشایش را در زبان او قرار داده باشد».

ر.ک: محاسن 2 / 437.

2. برقی، المحاسن 2 / 437.

1. برقی، المحاسن 2 / 436.

در سخنان خود با کسانی مشورت کن که از خداوند متعال واهمه دارند.

● حضرت امام صادق × فرموده است:

چه چیز مانع می‌شود از اینکه یکی از شما در هنگام رو به رو شدن با مشکلی که توان حل آن را ندارد با مردی عاقل، متدین و پرهیزگار مشورت کند؟!

بدانید که اگر او چنین کاری را بکند خداوند وی را هرگز تنها نگذاشته، بلکه بلند مرتبه‌اش گردانیده، او را در بهترین کار و نزدیک‌ترین راه به سوی خدا خواهد انداخت.<sup>(1)</sup>

● امام صادق × فرمود:

إن المشورة لا تكون إلا بحدودها، فمن عرفها بحدودها وإلا كانت مضرتها  
علي المستشير أكثر من منفعتها له.

فأولها أن يكون الذي تشاوره عاقلاً.

و الثانية أن يكون حراً متديناً.

و الثالثة أن يكون صديقاً مؤاخياً.

و الرابعة أن تطلع على سرّك فيكون علمه به كعلمك بنفسك، ثم يستر ذلك و يكتمه.

فإنه إذا كان عاقلاً انتفعت بمشورته، و إذا كان حراً متديناً جهد نفسه في

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

النصيحة لك، و إذا كان صديقاً مؤاخياً كتم سرّك إذا أطلعتك على سرّك، و إذا أطلعتك على سرّك فكان علمه به كعلمك تمت المشورة و كملت النصيحة<sup>(1)</sup>

مشورت را حدود و شرایطی است که اگر آن حدود و شرایط در آن مراعات گردید [به درستی انجام شده] و اگر این حدود و شرایط در آن لحاظ نگردید، زیان چنین مشورتی بر مشورت کننده از منفعت آن بیشتر خواهد بود.

اولین شرط این است که مشاور باید عاقل باشد.

دومین شرط این است که باید آزاده و دیندار باشد.

سومین شرط این است که باید دوستی وی با تو برادرانه باشد.

چهارمین شرط این است که باید همه اسرار خود را با چنین مشاورى در میان بگذاری، به گونه‌ای که آگاهی او از درون تو مانند آگاهی خود تو از درون خودت باشد و او نیز این اسرار را پوشانده و در پرده کتمان نگاه دارد.

حال اگر این مشاور عاقل بود از مشورت با او سود خواهی برد، و اگر آزاده و دیندار باشد، در راه خیر خواهی برای تو خود را به زحمت خواهد افکند، و اگر با تو دوستی برادر گونه داشته باشد، چون وی را از اسرار خود آگاه کردی، راز تو را پوشیده نگاه خواهد داشت، و در نهایت

اگر به چنین مشاوره اطلاعات صحیح دادی چنان که گویی آگاهی او از درون تو مانند آگاهی خودت از درونت شد، این مشورت و خیر خواهی به درجه کمال رسیده است.

● از حضرت امام رضا × از پدران بزرگوارش از حضرت امیرالمؤمنین × روایت شده است که فرمود:

قال رسول الله: يا علي، لا تشاورن جباناً فإنه يضيق عليك المخرج، و لا تشاورن بخيلاً فإنه يقصر بك عن غايتك، و لا تشاورن حريصاً فإنه يزئ لك شرها. و اعلم أن الجبن و البخل و الحرص غريزة يجمعها سوء الظن<sup>(1)</sup>

پیامبر اکرم ' فرموده است: ای علی، هرگز با ترسو مشورت مکن که راه چاره را بر تو تنگ می‌کند، و هرگز با بخیل مشورت مکن که تو را از مقصدی که داری باز می‌دارد و هرگز با حریص مشورت مکن که بدی این عمل را بر تو زیبا جلوه می‌دهد. و بدان که ترس، بخل و حرص صفاتی غریزی در انسان هستند که صفت سوء ظن همه آنها را باهم در درون خود دارد.

● حضرت امام صادق × به عمار ساباطی فرمودند:

ای عمار، اگر دوست می‌داری که نعمت بر تو تمام شده، مروتت کامل و امر معیشتت اصلاح گردد، با بردگان، و فرومایگان در کارهایت مشورت مکن، چرا که اگر به چنین افرادی اعتماد کنی به تو خیانت می‌کنند، اگر با

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 429، ب 26 ح 1. و این مضمون در نهج البلاغه در عهد نامه مالک اشتر نیز با اندک اختلاف در الفاظ آمده است.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

آنان هم سخن شوی به تو دروغ می گویند، اگر روزگار از تو برگشت تو را  
وا می نهند و اگر وعده ای به تو دادند، به آن وفا نمی کنند.<sup>(1)</sup>

● در وصیت پیامبر اکرم ' به حضرت علی × آمده است:

يا علي ليس على النساء جمعة... و لا تولى القضاء، و لا تستشار. يا علي  
سوء الخلق شؤم، و طاعة المرأة ندامة. يا علي إن كان الشؤم في شيء ففي  
لسان المرأة<sup>(2)</sup>

ای علی نماز جمعه بر زنان نیست... و از دیگر اموری که زنان را در آن  
مداخله ای نیست، عهده دار شدن امر قضاوت و مشورت است. ای علی، بد  
اخلاقی شوم و بدین است، پیروی کردن از زنان نیز شوم و بدین است. ای  
علی اگر بدینی در چیزی باشد در زبان زنان است.

و در روایت معتبر دیگری از حضرت امام صادق × آمده که فرمود:

ذكر رسول الله ' النساء فقال: اعصوهن في المعروف قبل أن يأمرنكم  
بالمنكر، و تعوذوا بالله من شرارهن وكونوا من خيارهن على حذر<sup>(3)</sup>

پیامبر اکرم ' روزی از زنان یاد کرد و فرمود: اگر آنان شما را به

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 429، ب 26 ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 429، ب 25 ح 1.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 14 / 128، ب 94 ح 1. البته قبلا هم اشاره کردیم که بعید  
نیست این احادیث به اعتبار شرایط محیطی و اختلافیاتی باشد که زنان در آن عصر  
وزمان با آن مواجه بوده اند، شاید هم به اعتبار خلیقات و عواطفی باشد که ذاتا و به  
صورت کلی در زنان وجود دارد.

کارهای خوب هم فرمان دادند از آنها اطاعت نکنید، مبدا که بعداً به انجام کارهای بد فرماتنان دهند، از زنان بد به خدا پناه برید و از خوبان ایشان بر حذر باشید.

### 3. وظایف مستشار

در بُعد دیگر این بحث باید بدانیم که مستشار یا همان کسی که مورد مشورت واقع می‌شود، وظیفه دارد در مشورت دادن به دیگران کمال دلسوزی و خیرخواهی را داشته و تمام تلاش و کوشش خود را به کار بندد تا مشورت کننده را به بهترین انتخاب رهنمون شود.

در حدیث آمده است که: «المستشار مؤتمن»<sup>(1)</sup> یعنی کسی که مورد مشورت واقع می‌شود، امین مردم است.

و در حدیث دیگری از حضرت امام صادق  $\times$  آمده است:

من استشار أخاه فلم ينصحه محض الرأي سلبه الله رأيه<sup>(2)</sup>

هر کس در مقام مشورت دادن به برادر دینی خود کمال دلسوزی و خرد خویش را به کار نبرد، خداوند خردش را از وی خواهد ستاند.

و علاوه بر به کار بردن کمال دلسوزی و خیرخواهی بر وی واجب است به مقتضای «المستشار مؤتمن» نهایت رازداری را به خرج داده و اسرار مشورت کننده را بیوشاند، که این نهایت خلوص و

---

1. برقی، المحاسن 2 / 436.

2. برقی، المحاسن 2 / 438.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

بکرنگی وی با مشورت کننده است و همه اینها با هم مفهوم و مقتضای امانت را تشکیل می دهد.

این امر از بند چهارم روایتی که در ابتدای این مبحث آوردیم، نیز به خوبی استفاده می شود: آنجا که امام فرموده اند:

چهارمین شرط این است که باید همه اسرار خود را با چنین مشاوره در میان بگذاری، به گونه ای که آگاهی او از درون تو مانند آگاهی خود تو از درون خودت باشد و او نیز این اسرار را پوشانده و در پرده کتمان نگاه دارد.

بدین ترتیب روشن شد که موضوع مشورت یکی از مهم ترین اصولی است که اهل بیت <sup>^</sup> در بحث روابط اجتماعی و به طور کلی در سازندگی اجتماعی، بر آن تأکید فرموده اند.

### (3) بُعد مساوات و برادری

سومین بُعد این است که مضمون و محتوای روابط اجتماعی در میان مؤمنان مساوات و برادری است و علایم و ویژگی های این بعد را می توان در بخش های مختلف نظام روابط اجتماعی یافت؛ نظامی که ابعاد مختلف روابط، همچنین پایه ها و بنیادهای آن را شامل می گردد؛ چه اینکه در مباحث گذشته و بیان مصادیق ویژگی های تشکیلاتی نظام روابط نیز به وضوح می توان این امر را ملاحظه کرد؛ ویژگی هایی چون افشای سلام، حرام بودن قهر میان مؤمنان، گشودگی گسترده در روابط که همه به همین بُعد یعنی مساوات و برادری در متن روابط اجتماعی اشاره دارد.

چنین است در موضوع تقویت ساختار اجتماعی، مانند گرد هم آمدن، دیدار،



## روبنای روابط اجتماعی

---

مهربانی و محبت متقابل، وجوب پاسخ دادن به نامه، و سایر مصادیق. و نیز در اصول و قواعد کلی خصوصاً در قاعده پای بندی به وظایف، دوستی و مردم داری.

آنجا که در قاعده اول آنچه موضوع رابطه شرعی کلی است، در میان همه مسلمانان مساوی است، مانند ادای امانت، اقامه شهادت، حقوق عام اجتماعی؛ مانند حضور در تشییع جنازه و عیادت بیماران. و چنین است حقوق مادی هر انسان مسلمان مانند: حرمت خون و مال که بنا بر آن، کسی حق تعرض به مال و جان و خانواده او را نداشته و حتی اجازه وارد شدن و یا نگاه کردن به داخل خانه او را بدون اجازه اش ندارد.

یا حقوق مادی انسان مسلمان مانند: حفظ آبرو و کرامت وی و عدم جواز تحقیر و اهانت کردن به او، خوار کردن، غیبت کردن، افشای اسرار و یا عیبجویی نمودن از او.

بلکه، ستم روا داشتن، تنها گذاشتن، نیت بد داشتن، متهم کردن، ترساندن، طعنه زدن، عیبجویی کردن نسبت به هیچ انسان مسلمانی به هیچ وجه صحیح نمی باشد؛ که تفصیل این مطلب در آینده خواهد آمد.

در قاعده چهارم نیز در همه راه و روش هایی که خداوند متعال وضع کرده و اهل بیت <sup>۸</sup> نیز بر آنها تأکید کرده اند، می توان همین اصل مساوات و برابری را ملاحظه نمود، اموری چون: افشای سلام، ابتدا به سلام، خوش صحبتی، احترام و بزرگداشت دیگران، ملاقات با مردم

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

با تبسم و خوشرویی، دست دادن و روبوسی کردن، و دیگر مواردی که در جای خود اشاره‌ای به آنها خواهیم داشت.

شاید یکی از آشکارترین علامت‌های این مسئله، روایاتی باشد که در باره وجوب پاسخ دادن به سلام و نامه - از هر کسی که باشد - وارد شده است:

امام صادق × فرمود:

رد جواب الكتاب واجب کوجوب رد السلام، و البادي بالسلام أولى بالله و برسوله<sup>(1)</sup>

پاسخ دادن به نامه مانند گفتن جواب سلام واجب است و کسی که در سلام کردن پیشدستی کند به خدا و پیامبر خدا سزاوارتر است.

همچنین است حرمت فرق گذاشتن در نحوه سلام کردن میان مسلمانان فقیر یا پولدار:

در این رابطه از حضرت امام رضا × روایت شده که فرمود:

هر کس فقیر مسلمانی را ملاقات نماید و به گونه‌ای به او سلام کند، که با سلامی که به یک شخص پولدار می‌کند تفاوت داشته باشد در روز قیامت خداوند را در حالتی ملاقات خواهد نمود که بر وی خشنماک است.<sup>(1)</sup>

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 437، ب 33 ح 1.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 442، ب 36 ح 1.

## روبنای روابط اجتماعی

---

و باز چنین است توهین به یک مسلمان به جهت فقر و تهیدستی: در همین رابطه از حضرت امام صادق از پدران<sup>^</sup> از رسول خدا 'نقل شده، که در حدیث مناهی فرمود:

من استخف بفقیر مسلم فقد استخف بحق الله، و الله يستخف به يوم القيامة  
إلا أن يتوب<sup>(1)</sup>

هر کس فقیر مسلمانی را پست و حقیر بشمارد، حق خداوند متعال را ناچیز دانسته و خداوند نیز در قیامت او را پست ناچیز خواهد دانست مگر اینکه توبه کند.

و نیز آن حضرت فرمود:

هر کس مسلمانی را به دلیل تهیدستی و فقرش خوار و ذلیل کند، خداوند متعال نیز او را در روز قیامت در برابر دیدگان همه خلائق رسوا و بی آبرو خواهد کرد.<sup>(2)</sup>

همچنین از حضرت رضا × از پدران<sup>^</sup> از پیامبر اکرم ' روایت شده است که فرمود:

خمس لا أدعهنّ حتى الممات: الأكل على الحضيض مع العبيد، و ركوب الحمار مؤكفاً، و حلبي العنز بيدي، و لبس الصوف، و التسليم على

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 588، ب 46 / ح 4.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 591، ب 147 ح 4.

الصبيان<sup>(1)</sup>

پنج چیز است که تا هنگام مرگ آنها را ترک نخواهم کرد: غذا خوردن با کودکان بر روی زمین، سوار شدن بر درازگوشی که خود پالان بر آن بسته باشم، دوشیدن شیر از بز با دست خودم و سلام کردن به کودکان.

همچنین مطالبی که قبلاً در باره شأنیت برای ازدواج بیان کردیم، نیز این بعد از ابعاد روابط اجتماعی، یعنی مساوات و برادری را هرچه بیشتر واضح و آشکار می نماید.

#### (4) بُعد سطوح مختلف روابط

در چهارمین بعد از ابعاد روابط اجتماعی به بررسی سطوح مختلف این روابط خواهیم پرداخت، گفتیم که در نظریه روابط اجتماعی اسلام با وجود اعتقاد به مساوات در مضمون و محتوای روابط، لازم است که روابط اجتماعی بنا به واقعیات موجود جامعه، در سطوح متفاوتی دسته بندی شود که ما آن را در سه سطح ارزیابی کرده ایم:

1. رابطه تشریفاتی با مردم.

2. رابطه آشنایی ساده

3. رابطه دوستی و رفاقت.

## 1. رابطه تشریفاتی با مردم

در روابط عام با مردم می‌توان به همان جزئیاتی اشاره کرد که در بخش گشودگی و انفتاح در معاشرت بیان داشتیم، همچنین قاعده دوستی با مردم، مردم‌داری و حسن معاشرت، قاعده کنترل عواطف و احساسات، قاعده احسان و نیکوکاری و... که در جای خود از آنها بحث می‌شود.

این مصادیق و جزئیات اگر چه مستقیماً به همان قواعد و اصولی که برای آنها ذکر کرده‌ایم مربوط می‌شود، اما در عین حال نشان دهنده این اصل و محور کلی در روابط اجتماعی نیز هست که عابرت از ضرورت مردم‌داری و حسن معاشرت با عموم افراد جامعه به صورت عام می‌باشد، البته به استثنای مواردی که قبلاً به آنها اشاره کردیم.

## 2. رابطه آشنایی ساده

از احادیثی که قبلاً در بحث سطوح روابط گذشت، چنین بر می‌آید که این نوع از رابطه نسبت به رابطه عام با مردم کمی پیشرفته‌تر بوده و رفته رفته، یا از راه همکاری در اموری چون: معاش و زندگی، همسفر شدن با یکدیگر، همسایگی، همدرسی، تعلیم و تعلم، اشتراک در حرفه و شغل و یا سایر اسباب و عوامل طبیعی که انسان‌ها را به هم نزدیک می‌کند، به حالت رابطه خاص و رفاقت در زندگی تبدیل می‌گردد: آنجا که پسندیده است انسان در ضمن چنین روابطی به کسب منافع مادی و حیاتی خود بپردازد؛ در حدیث شریف نیز آمده است:

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

تو تنها می‌توانی از مصاحبت با آنها لذت (منافع مادی ببری)، پس این امر را از آنان دریغ نکن، اما بیش از این مقدار را از آنان نخواه.<sup>(1)</sup>

و آنچه از این گونه روابط توقع می‌رود، کسب همین منافع و لذات است که فرموده‌اند:

و به همان مقدار بدیشان روی خوش نشان داده و شیرین زبانی کن که آنان برای تو می‌کنند.<sup>(2)</sup>

جزئیات این سطح از روابط را نیز می‌توان در احکامی همچون آداب سفر و کیفیت رابطه با همسفران پیدا کرد که در ابواب 30 تا 34 از ابواب «آداب السفر إلى الحج» یا دیگر ابواب کتاب وسائل الشیعه آمده است.<sup>(3)</sup>

یا در احکامی که به بیان کیفیت ارتباط کارفرمایان و کارگران، یا بیان آداب تعلیم و تعلم که به مسئله دوستی و رفاقت ارتباط پیدا می‌نماید، یا بعضی از احکامی که به آداب مجلس، خطابه و سخن گفتن مربوط می‌شود، مانند: جا باز کردن در مجالس عمومی برای دیگران، از جا برخاستن و احترام گذاشتن به افراد تازه وارد، و نامیدن افراد به کنیه یا بهترین نامی که خود می‌پسندند.

در همین رابطه پیامبر اکرم ' فرموده‌اند:

سه چیز محبت و دوستی انسان مسلمان را برای برادر دینی او پاک و

- 
1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 404، ب 3 ح 1.
  2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 404، ب 3 ح 1.
  3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 299 - 304.

خالص می‌کند: گشاده رویی در هنگام ملاقات، جا باز کردن برای او در هنگام نشستن در مجالس و نامیدن او به نامی که در نزد وی محبوب‌تر است.<sup>(1)</sup>

و باز پیامبر اکرم ' فرمود:

اگر کسی از شما برادر مؤمن خود را دوست می‌دارد باید که ابتدا نام وی، نام پدرش و نام قبیله و عشیره او را بپرسد، چرا که پرسیدن و دانستن این امور از حقوق لازمی است که نشان از صدق اُخوت و برادری او دارد و بدون آن، دوستی از روی حماقت خواهد بود.<sup>(2)</sup>

و چنین است احکامی که در باره صحبت خصوصی و درگوشی در میان جمع وارد شده است:

در این رابطه از حضرت امام صادق × آمده است:

إذا كان القوم ثلاثة فلا يتناجَ منهم اثنان دون صاحبهما، فإن في ذلك ما يحزنه و يؤذيه<sup>(3)</sup>

اگر تعداد همنشینان به سه تن رسید نباید دو نفر از آنها با یکدیگر خصوصی یا درگوشی صحبت کنند و سومی را در آن شریک نکنند، چرا که این کار موجب رنجش و آزار وی خواهد شد.

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 434، ب 30 ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 501، ب 101 ح 3.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 472، ب 72 ح 1.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

البته در باره موارد استثنا شده از این قواعد کلی هم وضع به همین منوال است و هر چه در آن موارد گفته شده در این بعد از روابط نیز جاری است؛ آنجا که شارع مقدس مؤمنان را به عدم رفاقت با فاجر، احمق، دروغگو یا مشارکت با بردگان، فرومایگان، گناهکاران، همچنین عدم دوستی با قاطع رحم، عدم همنشینی با اشخاص پست، مرفهان بی درد، و زنان نهی نموده است که قبلاً به روایات دال بر این امور اشاره کرده‌ایم. همچنین در بیان بعد تقویت ساختار اجتماعی نیز، مواردی که بعضی از سفارشات مطرح شده در آن، به این نوع از روابط اجتماعی مربوط می‌شود، نیز به بعضی از این ویژگی‌ها اشاره شده است.

### 3. رابطه خاص دوستی و رفاقت

اما در بالاترین سطح از روابط به رابطه دوستی صمیمانه و مبتنی بر اساس اعتماد و اطمینان می‌رسیم که عبارت از برادری حقیقی بوده و حقوق و وظایف مخصوصی نیز بر آن مترتب می‌گردد.

علایم و ویژگی‌های این نظام و احکام شرعی مربوط به این سطح از روابط را می‌توان در میان آن بخش از احکام شرعی جستجو کرد که از شرایط لازم برای دوست خوب و برادر دینی که یافتنش بر انسان واجب است، سخن به میان آورده‌اند؛ شرایطی همچون: عقل، تقوا، امانت، رازداری، یاری، تنها نگذاشتن، آمادگی دائم برای کمک، کرم، راستی در تعامل، اخلاص در دوستی و بالاخره اینکه هدف از این دوستی چیزی جز تقرب به خداوند متعال نباشد. همان مواردی



که قبلاً در بیان روایات بعد اول (گشودگی در روابط) در بحث از موارد استثنا، و همچنین در جاهای دیگر، روایاتی را که به لحاظ سطح روابط بیان کننده پاره‌ای از این صفات بود ذکر کرده‌ایم. حال به بعضی دیگر از این روایات اشاره می‌کنیم:

حضرت امیرالمؤمنین × فرموده است بر تو ایرادی نیست اگر با شخص عاقلی همدم شوی در حالی که می‌دانی از جود و کرم بهره چندانی ندارد: چرا که تو از قدرت عقل و درک او بهره مند خواهی شد، اما از اخلاق بدش بر حذر باش [مبادا که در تو تأثیر گذارد] و نیز همنشینی و رفاقت با شخص کریم و بخشنده را به دلیل کمبود قوای عقلی‌اش رها نکن: چرا که با قدرت عقل و فهم خود از جود و کرم وی بهره مند خواهی گردید، اما از شخصی که هم لئیم است و هم احمق یعنی نه از جود و کرم بهره‌ای دارد و نه از عقل و دانش، به شدت فرار کن.<sup>(1)</sup>

و نیز حضرت امام صادق × فرموده است:

عليك بالتلاد، و إياك كل محدث لا عهد له و لا امانة و لا ذمة و لا  
ميثاق<sup>(2)</sup>

بر تو باد به رفاقت و دوستی با مردمان اصیل و ریشه دار و برحذر باش از مردمان تازه به دوران رسیده‌ای که عهد و پیمان ایشان را اعتماد نشاید و اهل امانت و وفای به عهد و میثاق نیستند.

و به زودی در مبحث برخوردهای ویژه با مؤمنان نیز روایاتی خواهیم

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 409، ب 8 ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 412، ب 11 ح 3.

دید که تأکید کننده وجود این سطح از روابط هستند.

چه اینکه بخشی از احکام مهم شرعی در این سطح از روابط نیز در باره برگزاری اجتماعات و دیدارها می باشد که گردش کار مسلمانان و زنده نگاه داشتن امر دین و مسائل فکری، عقیدتی، سیاسی و اجتماعی جامعه شیعه وابسته به آنهاست.

### (5) بُعد برخوردهای ویژه

در این بُعد به جزئیات و مصادیق بسیاری بر می خوریم که در ابواب متعددی از فقه و شریعت اسلام وارد شده و می توان در جای مناسب هر کدام، از آنها آگاهی حاصل کرد. لکن در اینجا علاوه بر روایاتی که پیشتر ذکر کردیم و به این بُعد مربوط می شود، به عنوان نمونه به آن دسته از این روایات اشاره می کنیم که در ابواب آداب العشرة (آداب معاشرت) وارد شده، همچنین مواردی که می توان آنها را از قواعد و اصول روابط اجتماعی استخراج کرد که اگر چه نسبتاً محدود هستند، اما در به دست دادن تصویری نظری از این موضوع مفید می باشند:

#### 1. آل پیامبر

صلوات بر آل پیامبر: صلوات بر پیامبر و آل پیامبر در همه حالات و مکانها نشان از همین برخورد ویژه دارد، تا بدان حد که گفته اند آغاز کردن هر دعایی با صلوات بر پیامبر و آل پیامبر، موجب استجاب آن دعا خواهد گردید؛ چرا که خداوند متعال هیچگاه

صلوات را رد نمی‌کند، پس دعایی را که با صلوات توأم گردیده، نیز به جود و کرم خویش رد نخواهد نمود.

از حضرت علی × نقل شده که:

اگر حاجتی به درگاه خداوند متعال داشتی عرض حاجت خود را با صلوات بر پیامبرش آغاز کن، چرا که خداوند متعال بزرگوارتر از آن است که دو حاجت را همزمان از او بخواهند و او یکی را پذیرفته و دیگری را رد نماید.<sup>(1)</sup>

همچنان که شکر خدا پس از عطسه نیز می‌بایست با صلوات بر رسول خدا و آل او همراه باشد؛ بلکه همه احوال انسان مؤمن، حتی خصوصی‌ترین حالات او می‌بایست با یاد و ذکر صلوات بر آن بزرگواران توأم بوده باشد که این خود نشان از اهمیت این برخورد خاص و ویژه دارد.

کسی در نزد حضرت امام باقر × عطسه کرد و سپس گفت الحمد لله حضرت امام باقر × جمله معروف «یرحمک الله» را در پاسخ او فرموده و فرمودند: در حق ما کوتاهی کرد.

سپس فرمود:

هرگاه کسی از شما عطسه کرد باید بگوید: الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

---

1. نهج البلاغه، قسمت دوم، شماره: 361 و این حدیث با سند معتبر از حضرت امام صادق × نیز روایت شده است: راک جامع احادیث الشیعه 15 / 239 ح 13.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

محمد و اهل بیته

راوی گوید: مرد این جمله را گفت و حضرت امام باقر × نیز پاسخ او را با جمله مخصوص فوق دادند.<sup>(1)</sup>

و در نامه حضرت امام رضا × به مأمون آمده است:

الصلاة على النبي ' واجبة في كل موطن، و عند العطاس، و الذبائح و غير ذلك<sup>(2)</sup>

صلوات بر پیامبر در هر حالی واجب است، و هنگام عطسه، ذبح حیوانات

و...

نیکی به ذریه پیامبر اکرم ' : علاوه بر صلوات بر پیامبر و آل او، احادیث متعددی از طریق اهل بیت <sup>^</sup> از پیامبر اکرم ' وارد شده است که بر تعامل ویژه با ذریه آن حضرت از علویان و سادات، تأکید دارد.

امام صادق × فرمود:

قال رسول الله ' : من صنع إلى أحد من أهل بيتي يداً كافيته به يوم القيامة<sup>(3)</sup>

پیامبر اکرم ' فرموده‌اند: هرکس به یکی از اهل بیت من خوبی و

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 464، ب 63 ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 465، ب 64 ح 2.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 556، ب 17 ح 1.

احسانی روا دارد در روز قیامت خود پاداش عملش را خواهم داد.

و آن حضرت فرمود:

چون روز قیامت فرا رسد، منادی ندا می‌کند که: خلاق ساکت شوید و گوش فرا دارید که محمد با شما سخن می‌گوید، همه ساکت شده و پیامبر اکرم ' به آنها می‌گوید:

ای گروه آفریدگان خدا، هرکس بر گردن من حق خدمتی، منتی، یا احسانی دارد به پا خیزد تا پاداش عملش را به او بدهم.

آنان در پاسخ می‌گویند: پدر و مادر ما فدای تو باد، ما چه حق خدمت، چه منت و چه احسانی بر گردن تو داریم؟ بلکه منت، و حق نعمت از آن خدا و رسول خدا بر همه آفریدگان است.

پیامبر می‌گوید: چرا، هر کس به یکی از اهل بیت من پناه داده باشد، یکی از آنان را در حالت برهنگی لباسی پوشانده باشد یا کسی از آنان را در حالت گرسنگی غذایی خورانده باشد برخیزد تا وی را به جزای عملش پاداش دهم، آنگاه مردمانی که در دنیا چنین کارهایی کرده‌اند به پا می‌خیزند

در این وقت از جانب خداوند متعال ندا می‌آید که: ای محمدای حبیب من پاداش آنان را به تو واگذار نمودم، آنان را در هر کجای بهشت که خواهی مسکن ده

آن حضرت فرمودند: پیامبر اکرم ' آنان را در جایی به نام وسیله ساکن می‌نماید؛ آنجا محلی است که در آن هیچگاه از محمد و اهل بیت

## تقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

او <sup>^</sup> دور و پوشیده نخواهند بود.<sup>(1)</sup>

و از حضرت رضا × از پدرش از پدرانش <sup>^</sup> چنین روایت شده است:

قال رسول الله: 'أربعة أنا لهم شفيع يوم القيامة: المكرم لذريتي من بعدي، والقاضي لهم حوائجهم، والساعي لهم في أمورهم عندما اضطروا إليهم، و المحب لهم بقلبه و لسانه<sup>(2)</sup>

چهار دسته‌اند که من در روز قیامت شفیع آنها هستم: کسی که پس از من نسل و ذریه مرا محترم بدارد، کسی که حوائج آنان را برآورده کند، کسی که در راه انجام کارهای ضروری و مورد نیاز آنان تلاش کند و کسی که با دل و زبان خود آنان را دوست بدارد.

و نیز پیامبر اکرم ' فرمود:

هر کس که می‌خواهد دست توسل به دامان من زده و او را در روز قیامت حق خدمتی بر من باشد که به واسطه آن وی را شفاعت کنم، باید که با اهل بیت من پیوند داشته به آنها خدمت کرده و آنان را مسرور و خوشحال نماید.<sup>(3)</sup>

از حضرت امام باقر × نقل است که فرمود:

- 
1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 556، ب 17 ح 3.
  2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 557، ب 17 ح 6.
  3. وسائل الشیعه 11 / 558، ب 17 ح 7.

چون روز قیامت فرا رسد خداوند متعال خلق اولین و آخرین را جمع می‌کند و سپس منادی ندا می‌کند که: هر کس بر گردن رسول خدا حق خدمتی دارد به پا خیزد، در این هنگام گروهی از مردم برمی‌خیزند، به آنها خطاب می‌شود شما حق کدام خدمت را بر پیامبر خدا دارید؟ می‌گویند: ما پس از او به خاندان و اهل بیت وی خدمت کرده‌ایم، به آنها گفته می‌شود: بروید و در میان مردم بگردید و هر کسی را که حقی بر گردن شما دارد یافته، دستش را بگیرید و با خود به بهشت ببرید.<sup>(1)</sup>

## 2. پیران

از جمله کسانی که در اسلام برای آنان برخورد و احترام ویژه قرار داده شده است، پیران و ریش سفیدان هستند، که احترام به آنان نشان از وجوب رفتار ویژه با اقشار ضعیف جامعه دارد.

در این رابطه امام صادق × به عبد الله بن سنان فرمودند:

إن من إجلال الله عزّ وجلّ إجلال الشيخ الكبير<sup>(2)</sup>

بزرگداشت و رعایت احترام پیران سالخورده، در واقع بزرگداشت خداوند عزّ و جلّ می‌باشد.

و باز از آن حضرت روایت شده است که:

ليس منا من لم يوقّر كبيرنا و يرحم صغيرنا<sup>(1)</sup>

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 558، ب 17 ح 9.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 466، ب 67 ح 1.

کسی که پیران ما را احترام نکند و بر کودکان ما رحمت نیاورد از ما نیست.

### 3. حافظان و متخصصان در علوم قرآن

احترام گذاشتن به حاملان قرآن نیز به این عنوان است که چنین شخصی از نمونه‌های بارز عالم دین محسوب شده، مبلغ رسالت و تلاوت کننده قرآن است.

در همین رابطه امام صادق × فرمود: پیامبر اکرم ' فرموده است:

از رسولان و پیامبران خدا که بگذریم اهل قرآن از همه آدمیان برتر و بالاتر هستند، پس حق آنان را کوچک میندازید که آنان را در نزد خداوند عزیز جبار جایگاهی است.<sup>(2)</sup>

### 4. مؤمن

رفتار ویژه و خاص با مؤمن نیز از جمله این موارد است<sup>(3)</sup>: کارهایی از قبیل شاد نمودن و... در این رابطه احادیث معتبری وارد شده است، نظیر آنچه ابو حمزه ثمالی نقل می‌کند که از حضرت امام باقر × شنیدم که می‌فرمود:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 467، ب 67 ح 3.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 4 / 830، ب 4 ح 1.

3. ابواب زیاد و احادیث متعددی در کتاب وسائل الشیعه و دیگر کتاب های روایی موجود است که خوب است به آنها مراجعه شود، به عنوان مثال: جلد 11 از ص 569 - 601 در این قسمت نوع رفتار خاصی که باید نسبت به مؤمن صورت پذیرد توضیح داده شده که در عین حال بیانگر سطح بالای روابط در این قشر ممتاز نیز هست.



قال رسول الله: 'من سرّ مؤمناً فقد سرّني و من سرّني فقد سرّ الله'<sup>(1)</sup>

هر کس مؤمنی را خوشحال کند مرا خوشحال کرده و هر کس مرا خوشحال نماید در واقع خداوند متعال را خوشحال کرده است.

و حضرت امام صادق × فرمود:

از محبوب‌ترین کارها در نزد خداوند عزّ و جلّ شاد کردن مؤمن، سیر کردن مؤمن، رفع گرفتاری از وی و پرداخت بدهی‌های او است.<sup>(2)</sup>

همچنین است بر آوردن حاجت مؤمن، چنان که از حضرت امام صادق × در حدیثی آمده است:

هر کس حاجت برادر دینی خود را برآورده سازد، خداوند متعال در روز قیامت یکصد هزار حاجت او را برآورده خواهد کرد که اولین آنها بهشت است، و از جمله آن حاجت‌ها این است که همه دوستان، خویشاوندان و برادران خود را به شرط اینکه ناصبی (دشمن اهل بیت ^) نباشند وارد بهشت خواهد کرد.<sup>(3)</sup>

و از حضرت امام باقر × نقل است که:

گاه می‌شود که مؤمنی حاجت به نزد برادر مؤمن خود می‌برد، اما او امکان برآوردن نیاز وی را ندارد و به همین جهت اندوهگین می‌گردد، خداوند متعال نیز او را به واسطه همین اندوهگینی و تأسف، به بهشت

1. کلینی، الکافی 2 / 188.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 570، ب 24 ح 6.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 576، ب 25 ح 1.

خواهد برد. (1)

از دیگر موارد رفتار با مؤمن می توان به وجوب رفع گرفتاری و رسیدن به کمک خواهی وی اشاره کرد، در این زمینه زید شحام می گوید از حضرت امام صادق  $\times$  شنیدم که فرمود:

هر کس که به یاری برادر مؤمن خود بشتابد که از فرط گرفتاری ها ناله سر داده و مشکل او را حل کرده، وی را در رسیدن به آنچه می خواهد یاری رساند، خداوند عزّ و جلّ در برابر این کار، او را هفتاد و دو رحمت خواهد بخشید که یکی از آنها را زودتر در دنیا به وی عطا خواهد کرد که امر زندگی وی را با آن اصلاح می کند و هفتاد و یک رحمت دیگر را برای قیامت وی و مراحل سخت و وحشتناک آن، نگاه خواهد داشت. (2)

و چنین است دیگر رفتارها و برخوردهای خاص مانند تعاون و یاری و دلسوزی و...

## 5. همسایگان

برخورد با همسایگان نیز از همین نوع روابط ویژه مورد بحث شمرده می شود؛ امری که شرح و تفصیل زیادی در باره آن در ابواب آداب معاشرت آمده و در اینجا به پاره ای از آنها در ضمن بیان چند روایت اشاره می کنیم:

1- پیامبر اکرم ' فرمودند:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 576، ب 25 ح 3.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 586، ب 29 ح 1.

حسن همجواری با همسایگان شهرها را آباد و عمرها را طولانی  
می‌کند.<sup>(1)</sup>

و امام صادق × فرمودند:

حسن الجوار زیادة في الأعمار و عمارة الدیار<sup>(2)</sup>

برخورد خوب با همسایگان موجب طول عمر و آبادانی شهرها می‌گردد.

ابو ربیع شامی می‌گوید: در روزی که خانه امام صادق × مملو از  
جمعیت بود، فرمودند:

اعلموا أنه ليس منا من لم يحسن مجاورة من جاوره<sup>(3)</sup>

بدانید که هر کس با همسایه خود خوب رفتار نکند از ما نیست.

2. از حضرت امام باقر × روایت شده است:

حدّ الجوار أربعون دارا من كل جانب من بين يديه، و من خلفه، و عن  
يمينه، و عن شماله<sup>(4)</sup>

حدّ همسایگی تا چهل خانه از هر طرف است: جلو، عقب، سمت راست،  
و سمت چپ.

3. در حدیثی از امام صادق × آمده:

- 
1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 489، ب 87 ح 1.
  2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 489، ب 87 ح 3.
  3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 489، ب 87 ح 5.
  4. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 491، ب 90 ح 1.

مردی از انصار به نزد پیامبر اکرم ' آمد و عرض کرد: من خانه‌ای را از فلان قبیله خریداری کرده‌ام، حال می‌بینم که نزدیک‌ترین همسایگان من کسانی هستند که از شر آنها در امان نبوده و امیدی به خیرشان ندارم، وی گوید: رسول خدا ' به علی، سلمان، اباذر و کس دیگری که نام او را فراموش کرده‌ام و گمان می‌کنم مقدار بود فرمان داد تا با بلندترین فریاد در مسجد ندا کنند: کسی که همسایه او از بدی هایش در امان نباشد ایمان ندارد، آنها سه بار این سخن را در مسجد اعلام کردند، سپس پیامبر با دست خود به چهل خانه از جلو، عقب، راست و چپ اشاره فرمودند.<sup>(1)</sup>

4. و در روایتی آمده که:

ادای حق همسایگی تنها به اذیت نکردن همسایه نیست، بلکه به تحمل و صبر در برابر آزار و اذیت او نیز هست.<sup>(2)</sup>

و امام صادق × فرمود:

مؤمن را از یکی از این سه چیز گریزی نیست و چه بسا که هر سه با هم بر سرش بیاید: یا کسی از درون خانه در بر رویش می‌بندد و آزارش می‌دهد، یا همسایه کمر به اذیتش می‌بندد، و یا در بیرون و در راه کار و زندگی کسی پیدا می‌شود که او را اذیت کند. و اگر مؤمنی در قله کوهی سکونت گزیند، خداوند شیطانی را به سویش خواهد فرستاد تا او را

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 487، ب 86 ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 484، ب 85 ح 2.

اذیت کند، اما در مقابل در اثر ایمان مؤمن، به او انس و آرامشی خواهد بخشید که با داشتن آن، از هیچ کس دلتنگ و رنجیده نخواهد شد.<sup>(1)</sup>

5. از حضرت امام باقر × روایت است که:

از چیزهایی که کمر انسان را می‌شکند همسایه بد است؛ همسایه‌ای که اگر خوبی ببیند آن را پنهان نموده و اگر بدی ببیند آن را پخش و افشا می‌کند.<sup>(2)</sup>

\* \* \*

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 485، ب 85 ح 3.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 491، ب 89 ح 1.



## 2

### اصول بنیادین روابط اجتماعی

اصول بنیادین روابط اجتماعی اسلام را می‌توان در امور ذیل خلاصه کرد؛ اموری که در تکامل ذاتی انسان نیز دخیل و سهیم هستند، همان گونه که مبارزه با نفس در روابط اجتماعی نیز دارای نقش و تأثیر است:

#### (1) احکام شرعی و عرفی

ساختار روبنایی احکام شرعی و عرفی را می‌توان در اموری از قبیل وفای به عهد و پیمان، ادای امانت، حضور در مراسم تشییع جنازه، نمازهای جماعت و اجتماعات عمومی، عیادت بیماران، جواب سلام جواب نامه و... ملاحظه کرد.

علاوه بر اینها وظایف و تکالیف کلی هم هست که در بُعد تقویت ساختار اجتماعی به آنها اشاره کرده‌ایم، مانند: اصل وجوب همیاری میان مسلمانان، همت گماردن به امور یکدیگر، وجود روحیه تعاون میان مسلمانان، دلسوزی و خیرخواهی آنان برای یکدیگر، امر به معروف و نهی از منکر، حسن همجواری با همسایگان، مشورت کردن با یکدیگر و دیگر مسئولیت‌ها و تکالیف عام اجتماعی.

### پای بندی به تکالیف در واجبات

در کنار اموری که ذکر کردیم به بعضی از حقوق، وظایف و محرمات شرعی و عرفی بر می خوریم که مصادیق فراوانی دارند، از جمله:

1- بر هر انسان مسلمان واجب است که در خلال روابط اجتماعی، وقتی در مجلسی سخنی از برادر مسلمان خود می شنود، یا برادر مسلمانی وی را برای حفظ سرّ خود مورد اعتماد قرار می دهد اسرار وی را حفظ کند، که در حدیث شریف آمده است: «المجالس با لأمانة» لکن برای این حالت موارد استثنایی هم وجود دارد.

از حضرت امام باقر × نقل شده است:

پیامبر اکرم ' فرموده اند آنچه در یک مجلس روی می دهد، در نزد کسانی که در آن مجلس حضور دارند امانت است.<sup>(1)</sup>

و از حضرت امام صادق × روایت شده است:

آنچه در یک مجلس روی می دهد، در نزد کسانی که در آن مجلس حضور دارند امانت است و کسی از آنان حق ندارد سخنی را که هم صحبت وی قصد افشای آن را ندارد بازگو کند، مگر اینکه گوینده خود به وی اجازه چنین کاری را بدهد یا اینکه آن مطلب از این نظر که افشای آن برای گوینده ضرری ندارد، کاملاً مورد اطمینان باشد و یا اینکه

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 471، ب 71 ح 1.



ذکر خیری از او بوده باشد.<sup>(1)</sup>

و پیامبر اکرم ' نیز فرموده است:

آنچه در یک مجلس روی می‌دهد، در نزد کسانی که در آن مجلس حضور دارند امانت است، مگر در سه مجلس: مجلسی که خون ناحقی در آن ریخته شده باشد، مجلسی که عمل جنسی حرامی در آن صورت پذیرفته و حلال دانسته شده باشد و مجلسی که در آن مال حرامی به ناحق غصب شده باشد.<sup>(2)</sup>

2. تشویق شارع مقدس نسبت به وفا کردن به وعده‌ها در کنار وجوب وفای به عهدها و پیمان‌ها، تا جایی که وعده را نیز در حدّ عهد و پیمان بالا برده است.

در همین رابطه از حضرت امام صادق × نقل است که فرمود:

پیامبر اکرم ' فرموده‌اند: هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید به وعده‌ای که داده عمل کند.<sup>(3)</sup>

و هشام بن سالم گوید: از حضرت امام صادق × شنیدم که فرمود:

وعده مؤمن به برادر دینی‌اش نذری است که کفاره‌ای ندارد، پس هر کس خلاف وعده خود عمل نماید مخالفت با خدا را آغاز نموده و خود را در معرض نابودی و خشم الهی قرار داده و این است سخن خداوند که فرماید:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 471، ب 71 ح 3.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 471، ب 71 ح 4.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 515، ب 109 ح 2.

### نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

{ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا سخنانی می‌گویید که آن را انجام نمی‌دهید  
\* نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید که انجام نمی‌دهید} <sup>(1)</sup>

3. وجوب راستی و صداقت در رفتار و گفتار با دیگران.

در این باره از حضرت امام صادق × نقل است که فرمود:

مردمان را با چیزی غیر از زبان و گفتار (یعنی با عمل و کردار)، به  
سوی خوبی‌ها دعوت کنید، مردم باید در شما جدیت و سختکوشی و  
راستی و پرهیزگاری را مشاهده کنند. <sup>(2)</sup>

و از زید بن علی از پدرانش <sup>^</sup> نقل شده که پیامبر اکرم ' فرمودند:

نزدیک‌ترین کس از میان شما به من در روز قیامت و سزاوارترین شخص  
برای شفاعت من، راستگوترین، امانتدارترین و نزدیک‌ترین فرد شما به  
عموم مردم است. <sup>(3)</sup>

4. وجود مجموعه‌ای از تکالیف و پای بندی‌های حقوقی در میان مؤمنان  
که در بحث پیرامون بعد رفتارهای ویژه در میان مؤمنان، همچنین در  
مناسبت‌های متعدد به آنها اشاره کرده‌ایم و حال به نمونه‌ای از روایاتی که  
به یکی از جنبه‌های این موضوع پرداخته‌اند اشاره می‌کنیم:

معلی بن خنیس به حضرت امام صادق × عرض کرد:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 515، ب 109 ح 3.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 513، ب 108 ح 1.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 514، ب 108 ح 8.

حق مسلمان بر مسلمان دیگر چیست؟

فرمود:

مسلمان بر مسلمان هفت حق واجب دارد، هیچ یک از این هفت حق نیست مگر اینکه بر او واجب است، اگر هرکدام از آنها را ضایع کند از ولایت و اطاعت خداوند متعال خارج شده، و خداوند را در او نصیبی نیست.

به آن حضرت عرضه داشتم: فدایت شوم، آن هفت حق کدام است؟ فرمودند: ای معلى من نگران تو هستم، می‌ترسم آنها را ضایع کرده و حفظ نکنی و بدانی و به آن عمل ننمایی.

عرض کردم: لا قوة إلا بالله.

فرمود: آسان‌ترین حق از این هفت حق این است که آنچه برای خود می‌پسندی برای برادر مسلمان خود نیز بیسندی و آنچه برای خود نمی‌پسندی برای او نیز بیسندی.

دومین حق این است که از خشم و ناراحتی او بپرهیزی، به دنبال خشنودی او بوده و از فرمانش پیروی کنی.

سومین حق این است که برادر مسلمان خود را با جان، مال، زبان، دست و پای خود یاری کنی.

چهارمین حق این است که برای او همچون چشم، راهنما و آئینه باشی.

پنجمین حق این است که هیچگاه سیر نباشی و او گرسنه، سیراب نباشی و او تشنه، و در حالی که او برهنه است پوشیده نباشی.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

ششمین حق این است که اگر تو خدمتکار داری و او خدمتکار ندارد، خادم خود را بفرستی تا لباس‌های او را شسته، غذایش را پخته رختخوابش را پهن کند.

هفتمین حق این است که سوگندش را معتبر بدانی، دعوتش را بپذیری، در هنگام بیماری او را عیادت کنی، و در تشییع جنازه‌اش حاضر گردی، و اگر دانستی نیازی دارد به سرعت در برآوردن نیازش شتاب کنی و نگرانی تا از تو درخواست نماید، بلکه پیشاپیش در رفع نیازش بکوشی. پس اگر همه این موارد را انجام دادی ولایت تو به ولایت او، و ولایت او به ولایت تو پیوند خواهد خورد.<sup>(1)</sup>

### پای بندی به تکالیف در محرمات

در زمینه محرمات و امور ممنوع نیز در عرف موارد و مصادیق بسیاری وجود دارد که شارع مقدس برای تجسم بخشیدن به این نوع از پایبندی‌ها آنها را تأیید کرده است.

1- عدم جواز داخل شدن بدون اجازه به خانه مردم و بلکه وجوب اعلام ورود در هنگام داخل شدن با اجازه؛ زیرا مال و جان و آبرو و شئون خاص به هر فرد مسلمان دارای حرمت می‌باشد.

عبد الرحمان بن ابی عبدالله گوید:

در بارة معنى آية مبارك

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا }

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 544، ب 122 ح 7.

از حضرت امام صادق × پرسیدم.

آن حضرت در پاسخ فرمودند:

مراد از آشنایی دادن سلام کردن و کندن کفش در هنگام ورود است.<sup>(1)</sup>

سزاوار است مسلمان در خانه هر کس داخل می‌شود همان جایی بنشیند که صاحب خانه می‌گوید. در همین ارتباط از حضرت امام صادق، از پدرش حضرت امام باقر ' نقل شده است:

چون یکی از شما به خانه دیگری وارد شد باید در جایی بنشیند که صاحب خانه می‌گوید، چون صاحب خانه به خوب و بد خانه خود از این تازه وارد داناتر است.<sup>(2)</sup>

2. تحریم حيله ورزی، حسادت، فریب و خیانت.

در این باره از حضرت علی بن موسی الرضا، از پدر بزرگوارش از پدرانش ^ چنین نقل شده است:

پیامبر اکرم ' فرموده است.

کسی که مسلمان باشد هرگز مکر و خدعه نمی‌کند، از جبرئیل شنیدم که می‌گفت: مکر و خدعه در آتش است، سپس فرمود: هر کس با مسلمانی تقلب و حيله کند از ما نیست، هر کس به مسلمانی خیانت روا دارد از ما نیست.

سپس فرمود: جبرئیل روح الامین از جانب پروردگار جهانیان بر من

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 454، ب 50 ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 476، ب 78 ح 1.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

فرود آمد و گفت: ای محمد بر تو باد به اخلاق نیکو که بد اخلاقی خیر دنیا و آخرت را از بین می‌برد، آگاه باشید هر کس از میان شما که اخلاق بهتری داشته باشد به من شبیه‌تر است.<sup>(1)</sup>

و از حضرت امام علی × روایت شده است که فرمود:

اگر نبود که مکر و خدعه در آتش است من حيله گرتين مردم بودم.<sup>(2)</sup>

3- تحریم دروغگویی به همه اشکال آن و در زمینه‌های مختلف به ویژه در برقراری رابطه با مردم، البته به استثنای بعضی از موارد مانند صلح دادن اختلافات مردم که بیشتر به آنها اشاره کردیم.

از حضرت امام باقر × نقل است که فرمود:

خداوند عزّ و جلّ بر شر و بدی قفل‌هایی نهاده و کلید همه این قفل‌ها شراب است، اما دروغ از شراب هم بدتر است.<sup>(3)</sup>

وامیرالمؤمنین × فرمود:

بر مسلمان سزاوار است که از دوستی با دروغگو اجتناب کند؛ چرا که او دروغ می‌گوید تا آنجا که اگر حرف راستی هم بزند از وی پذیرفته نخواهد شد.<sup>(4)</sup>

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 570، ب 137 ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 571، ب 137 ح 4.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 572، ب 138 ح 3.

4. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 573، ب 138 ح 6.

و از حضرت امام باقر × چنین نقل شده است:

حضرت علی بن الحسین «امام سجاد» به فرزندان خود می‌فرمود:  
از دروغ بپرهیزید، چه بزرگ باشد یا کوچک؛ زیرا چون کسی دروغ  
کوچکی گفت: بر گفتن دروغ بزرگ‌تر جرأت پیدا می‌کند. آیا نمی‌دانید  
که پیامبر اکرم ' فرموده است: بنده خدا همواره مورد تصدیق بوده،  
راستگو تلقی می‌شود تا اینکه در اثر راست گفتن مستمر خداوند او را در  
زمره راستگویان می‌نویسد، و بنده‌ای از بندگان خدا نیز هست که در اثر  
استمرار در دروغ گفتن به جایی می‌رسد که خداوند متعال نام وی را در  
زمره دروغگویان می‌نویسد.<sup>(1)</sup>

و حضرت امیرالمؤمنین علی × فرمود:

دروغ به شوخی یا جدی صحیح نیست، و همچنین است اگر کسی از  
شما به فرزند خردسال خود وعده‌ای بدهد و به آن وفا نکند. دروغ انسان  
را به سوی فجور می‌کشاند و فجور انسان را به آتش دوزخ رهنمون  
می‌گرداند، ممکن است یکی از شما آن قدر دروغ بگوید که بگویند:  
دروغ گو و فاجر شد، و گاه آن قدر پیش برود که که به اندازه سر  
سوزنی از راستی در او [در نسخه دیگر در قلب او] باقی نماند، و آنگاه  
در نزد خدا کذاب نامیده می‌شود.<sup>(2)</sup>

4. نهی از دورویی و اینکه انسان در روابط اجتماعی خود با دو چهره و

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 576، ب 140 ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 577، ب 140 ح 3.

## تقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

دو زبان با مردم برخورد کند. در این رابطه از حضرت امام صادق × چنین نقل شده است که:

هر کس مردمان مسلمان را با دو چهره و دو زبان ملاقات نماید، در روز قیامت با دو زبان از جنس آتش برانگیخته خواهد شد.<sup>(1)</sup>

و امام باقر × فرمود:

بدترین بندگان خدا کسی است که دو رو و دو زبان باشد، در حضور، برادر دینی خود را مدح و ستایش می‌کند اما در پشت سر با غیبت کردن گوشت وی را می‌خورد، اگر نعمتی به وی برسد به او حسادت می‌کند و اگر مبتلا به بلایی گردد او را تنها می‌گذارد.<sup>(2)</sup>

5. حرمت قطع ولایت و دوستی مؤمنان یا ابراز دشمنی و داشتن سوء نیت نسبت به برادران ایمانی. در این رابطه به طرق مختلف از حضرت امام صادق × روایت شده است که فرمود:

اگر مردی به برادر دینی خود بگوید: از تو بیزارم، از ولایت و دوستی او خارج شده است، و اگر به او بگوید: تو دشمن من هستی، یکی از آن دو کافر شده است، و خداوند متعال عمل مؤمنی را که نیت بدی برای برادر دینی خود در سر داشته باشد قبول نخواهد کرد.<sup>(3)</sup>

6. نهی از سوء ظن به مؤمن یا متهم کردن او.

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 581، ب 143 ح 1.
2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 582، ب 143 ح 2.
3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 611، ب 159 ح 2.



در این زمینه از حضرت امام صادق × روایت شده است که فرمود:

هنگامی که مؤمنی برادر دینی خود را متهم می‌کند، ایمان در دل او ذوب می‌شود چنان که نمک در آب حل می‌شود.<sup>(1)</sup>

و نیز از همان حضرت نقل است که فرمود:

حضرت امیرالمؤمنین × در سخنی فرموده‌اند:

کار برادر خود را به بهترین صورت ممکن حمل (توجیه) کن تا جایی که بدگمانی تو را از او برطرف سازد، و تا وقتی که می‌توانی برای سخن برادر دینی خود وجه خیری بیابی هرگز به خاطر کلمه‌ای که از دهان او خارج شده به او سوء ظن پیدا نکن.<sup>(2)</sup>

\* \* \*

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 613، ب 161 ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 613، ب 161 ح 3.

## (2) کنترل و جهت دهی عواطف و هیجانات

محورهای مختلف ساختار روینایی موضوع کنترل عواطف و هیجانات را می توان به صورت گسترده در مبحث مبارزه با نفس - چنان که قبلاً بدان اشاره کردیم - همچنین در مبحث احکام و آداب معاشرت پیدا کرد:

### کنترل احساسات و صفات پسندیده

در این رابطه می بینیم، هر کجا شارع مقدس از صفات پسندیده انسانی و ویژگی هایی که یک انسان برای رسیدن به مقام ایمان باید به آنها آراسته باشد سخن به میان آورده، بیشتر بر صفاتی تأکید شده که مربوط به این جنبه از روح انسان است؛ یعنی همان عواطف و هیجانات.

در این زمینه از حضرت امام صادق  $\times$  روایت شده است که فرمود:

سزاوار است که مؤمن دارای هشت خصلت باشد: در برابر آشوبها با وقار، در برابر سختیها و ناملایمات بردبار، در هنگام آسایش شکرگزار، قانع به آنچه خداوند متعال به او ارزانی داشته، بر دشمنان خود نیز ستم روا نمی دارد، و با دوستان خود جز به عدالت رفتار نمی نماید، بدنش از وی در رنج و مردم از او در آسایش اند. دانش دوست مؤمن، بردباری وزیر او، عقل فرمانده قوای او، مدارا برادرش و نیکویی پدر او است.<sup>(1)</sup>

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 143، ب 4 ح 9.

و از حضرت رسول خدا ' چنین نقل شده است که:

سه خصلت است که اگر در کسی جمع شد همه ویژگی‌های ایمان در او جمع شده است: چون خشم گیرد خشم وی، او را از مسیر حق برون نبرد، و چون خشنود گردد خشنودیش وی را در ورطه باطل نیاندازد، و چون قدرت یافت بیشتر از حق خود نخواهد.<sup>(1)</sup>

و پیامبر اکرم ' فرموده است:

آیا به شما خبر ندهم که چه کسی شباهت بیشتری به من دارد؟

عرضه داشتند: چرا ای رسول خدا، فرمود: کسی که خوش اخلاق‌تر، نرم خوتر، به خویشاوندان خود نیکی کننده‌تر، دارای بیشترین محبت و دوستی نسبت به برادران دینی، بیشترین صبر و بردباری در راه حق، در هنگام خشم، خودنگهدارتر، دارای عفو و بخشش بیشتر و بالاخره کسی که در حالت خشم و خشنودی انصاف را سرلوحه کار خود قرار دهد.<sup>(2)</sup>

**1. صبر در طاعت و صبر بر معصیت:** با ملاحظه روایات این باب می‌یابیم که صبر و بردباری در مقام طاعت و بندگی خداوند، همچنین بردباری در برابر معصیت و نافرمانی ذات اقدس حق در صدر کارهای شایسته قرار دارند.

در این رابطه در حدیث صحیح از حضرت امام صادق × آمده است که فرمود:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 148، ب 4 ح 20.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 150، ب 4 ح 28.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

چون روز قیامت فرا رسد گروهی از مردم به پا خاسته و به سوی در بهشت می‌روند، از آنها سؤال می‌شود: شما که هستید؟ پاسخ می‌دهند: ما اهل صبر و بردباری هستیم، باز سؤال می‌شود: شما بر چه چیز صبر می‌کردید؟ و آنان در پاسخ می‌گویند: ما بر فرمانبرداری خدا و در راه عدم نافرمانی او از خود صبر و تحمل به خرج می‌دادیم، اینجا است که خداوند عزّ و جلّ می‌فرماید: راست می‌گویند، آنها را به بهشت داخل کنید، و این همان کلام خداوند در قرآن است که: {بسی تردید، شکیبایان پاداش خود را بی حساب [و] به تمام خواهند یافت}.<sup>(1)</sup>

**2. عفت:** در همین زمینه باز می‌بینیم که بعضی از اعمال، مانند: عفت فرج (قوای تناسلی)، عفت شکم و عفت چشم از برترین عبادات دانسته شده است.

امام باقر × فرمود:

ما عبادة أفضل عند الله من عفة بطن و فرج.<sup>(2)</sup>

عبادتی در درگاه خداوند برتر از رعایت عفت در خوردن و شهوت رانی نیست.

و نیز از همان حضرت نقل است که فرمود:

در روز قیامت همه چشم‌ها گریان است مگر سه چشم: چشمی که در راه خدا شب بیداری کشیده باشد، چشمی که از ترس خدا اشک از آن

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 186، ب 19 ح 1 در همین باب از وسائل، روایات متعددی در همین رابطه موجود است که مطالعه و اطلاع از آنها توصیه می‌شود.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 197، ب 22 ح 1.

جاری شود و چشمی که از نگاه به آنچه خداوند حرام کرده است پوشیده شود.<sup>(1)</sup>

3. حلم «بردباری»): از دیگر صفاتی که در این زمینه مورد توجه قرار می‌گیرد صفت حلم و بردباری است؛ به این معنی که انسان در حال خشم و در عین قدرت بر اعمال آن، از انجام کارهای خشن نسبت به دیگران خود داری کرده و از این کار چشم پوشی نماید؛ آنجا که گفته‌اند تا مرد به درجه بردباری نرسد به مقام عبادت دست نخواهد یافت، و گفته‌اند: که بردباری بهترین یار انسان در فعالیت‌های اجتماعی و رابطه او با مردم است.

محمد بن عبدالله گوید: از حضرت رضا × شنیدم که می‌فرمود:

تا مرد حلیم و بردبار نباشد عابد نخواهد شد، و در بنی اسرائیل رسم چنین بود که چون کسی به عبادت می‌پرداخت او را عابد نمی‌خواندند، مگر اینکه پیش از آن ده سال را به سکوت گذرانده باشد.<sup>(2)</sup>

و از حضرت امام باقر × نقل است که:

علی بن الحسین (حضرت امام سجاد) می‌فرمود: من از مردی خوشم می‌آید که در هنگام خشم، بردباری او به یاریش بیاید.<sup>(3)</sup>

و حضرت امام صادق × فرموده است:

- 
1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 200، ب 23 ح 1.
  2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 210، ب 26 ح 1.
  3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 210، ب 26 ح 2.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

پیامبر اکرم ' فرموده‌اند:

خداوند متعال هرگز کسی را به جهت نادانی عزت نبخشیده و هرگز کسی را به دلیل داشتن حلم و بردباری خوار و ذلیل ننموده است.<sup>(1)</sup>

**4. مدارا:** و چنین است صفت رفق، یا مدارا که تعامل همراه با نرمی و ملایمت با مردم است و نقطه مقابل آن عنف، خشونت و شدت است؛ آنجا که می‌بینیم این صفت، نقش مهمی در ابعاد مختلف زندگی انسان دارد.

در همین رابطه پیامبر اکرم ' فرموده است:

مدارا کردن باعث یمن و برکت و درستی کردن شوم است.<sup>(2)</sup>

و نیز پیامبر اکرم ' فرمودند:

مدارا با امری همراه نشد مگر اینکه باعث زینت آن گردید، و از امری جدا نشد مگر اینکه باعث زشتی آن شد.<sup>(3)</sup>

و از هشام بن احمر نقل شده است که گفت:

میان من و یکی از مردان قوم بحثی درگرفت، حضرت امام کاظم × به من فرمودند:

با آنان مدارا کن؛ چرا که کفر هر یک از ایشان در اثر خشمناک شدن حاصل می‌شود و کسی که در اثر خشم و غضب به وادی کفر بیافتد

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 211، ب 26 ح 6.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 213، ب 27 ح 1.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 214، ب 27 ح 9.

خیری در او نیست.<sup>(1)</sup>

**5.** فروتنی: به همین منوال است صفت تواضع که راه بلند مرتبه شدن و صعود به درجات عالییه است.

از معاویة بن عمار چنین روایت شده است که گفت: از حضرت امام صادق × شنیدم که فرمود:

خداوند متعال در آسمان دو فرشته دارد که مأمور به نظارت بر اعمال بندگان خدا هستند، آنان هر کس را که فروتنی پیشه کند بلند مرتبه گردانده و هر کس را که تکبر کند، خوار و پست می‌نمایند.<sup>(2)</sup>

در تعریف تواضع در روایات آمده است:

التواضع أن تعطي الناس ما تحب أن تعطاه

تواضع آن است که با دیگران آن کنی که دوست داری با تو آن کنند

و در بیان درجات آن در روایات آمده است:

التواضع درجات، منها أن يعرف المرء قدر نفسه فيزنها منزلتها بقلب سليم، لا يحب أن يأتي إلى أحد إلاّ مثل ما يؤتى إليه، إن رأى سيئة درأها بالحسنة. كاظم الغيظ، عاف عن الناس، والله يحب المحسنين.

تواضع را درجات و مراتبی است، از آن جمله اینکه انسان قدر و منزلت نفس خود را بشناسد و با دلی مبرای از ناهنجاری‌ها، خود را در جایگاه

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 214، ب 27 ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 215، ب 28 ح 1.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

واقعی خویش قرار دهد، دوست ندارد چیزی به کسی برسد مگر همان چیزی که دوست دارد به خودش برسد، اگر ناروایی از مردم ببیند آن را با خوبی پاسخ می‌گوید. فروخورنده خشم خویش و بخشنده تقصیرات مردم است که خداوند نیکوکاران را دوست دارد

و نیز در توصیف تواضع آمده است که:

أَنْ يَرْضَى بِالْمَجْلِسِ دُونَ الْمَجْلِسِ، وَأَنْ يَسْلَمَ عَلَيَّ مِنْ يَلْقَى، وَأَنْ يَتْرَكَ الْمِرَاءَ  
وَأَنْ كَانَ مُحَقَّقًا، وَلَا تَحِبَّ أَنْ تَحْمَدَ عَلَيَّ التَّقْوَى.

از موارد تواضع این است که انسان به هر جایی که برای نشستن وی پیدا شد راضی شود، هر کس را ملاقات کند بر او سلام کند، حتی اگر حق با او باشد از جدل کردن بپرهیزد کوتاه بیاید، و دیگر اینکه دوست نداشته باشی که به جهت داشتن تقوی ستایشت کنند.<sup>(1)</sup>

از حضرت امام صادق × روایت است که فرمود:

نجاشی (پادشاه حبشه) جعفر بن ابی طالب و یاران او را اکه به حبشه هجرت کرده بودند<sup>1</sup> به حضور طلبید. چون جعفر و یارانش به حضور وی رسیدند وی را چنین یافتند که در اطاقی با لباس‌های کهنه بر خاک نشسته بود

جعفر × گوید: وقتی او را در آن حال دیدیم ناراحت شدیم، چون او

---

1. امثال این روایات را می‌توان در جلد یازدهم وسائل الشیعه، ابواب جهاد النفس، باب بیست و هشتم (استحباب التواضع) مطالعه کرد.



تغییر چهره و حالت ما را دید گفت: سپاس خدای را که محمد را پیروز کرد و چشمان او را روشن ساخت، آیا شما را بشارت ندهم؟  
گفتم: چرا ای پادشاه.

گفت: الآن یکی از جاسوسانم در سرزمین شما به نزد من رسیده و خبر آورده است که خداوند عزّ و جلّ پیامبر شما محمد ' را پیروز گردانده، دشمن او را هلاک نموده و فلانی و فلانی و فلانی هم به اسارت او در آمده‌اند، آنان در سرزمینی که بدر نامیده می‌شود و گیاه اراک در آن بسیار است با هم درگیر شدند، گویا در زمانی که من برای سرور خود که مردی از بنی ضمیره بود چوپانی می‌کردم این سرزمین را دیده باشم جعفر به او گفت: ای پادشاه، چگونه است که شما را با این لباس‌های کهنه و نشسته بر خاک می‌بینم؟

نجاشی پاسخ داد: ای جعفر، ما در آنچه خداوند بر عیسی × نازل کرده است چنین یافته‌ایم که: از جمله حقوق خداوند بر مردمان این است که چون نعمتی از جانب خداوند بر آنان نازل می‌گردد، برای او تواضع کنند، پس چون خداوند عزّ و جلّ با یاری محمد بر من نعمتی داده، من نیز به این ترتیب برای خدا تواضع می‌کنم.

چون این خبر به پیامبر اکرم ' رسید به اصحاب خود فرمود: صدقه برای صاحب خود فراوانی مال می‌آورد، پس صدقه بدهید تا خداوند بر شما رحمت آورد، و فروتنی صاحبش را بلند مرتبه می‌کند، پس تواضع پیشه کنید تا خداوند متعال شما را بلند مرتبه گرداند، و عفو و گذشت بر عزت صاحب خویش می‌افزاید، پس ببخشید تا خداوند متعال عزیزتان

نماید.<sup>(1)</sup>

و از معاویة بن وهب نقل است که از حضرت امام صادق × شنیدم که فرمود:

دانش بجوید و خود را به همراه دانش با وقار و بردباری زینت دهید، با کسانی که به آنها دانش می آموزید، همچنین با کسانی که از آنها کسب دانش می نمایید، فروتنی کنید و دانشمندانی متکبر و جبار نباشید که اخلاق باطل شما دانش حقتان را از بین خواهد برد.<sup>(2)</sup>

و از محمد بن سنان حدیث مرفوعه ای نقل شده است که گفت:

حضرت عیسی بن مریم به حواریون خود فرمود: حاجتی دارم، حاجت مرا برآورید

گفتند: ای روح الله حاجتت برآورده است، آنگاه برخاست و پای حواریون خود را شست.

حواریون گفتند: سزاوار بود ما پاهای تو را بشویم.

فرمود: سزاوارترین کس به خدمت مردم، دانشمندان هستند، من امروز با شما چنین تواضع کردم تا شما نیز پس از من با مردم چنین تواضع نمایید.

سپس حضرت عیسی × فرمود: با تواضع است که حکمت آباد می شود،

---

1. کلینی، الکافی 2 / 121 ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 219، ب 30 ح 1.

نه با تکبر و چنین است که زراعت در دشت فرودست می‌روید نه بر فراز  
کوه.<sup>(1)</sup>

و امام صادق × فرمود:

پیامبر اکرم ' غروب پنجشنبه‌ای در مسجد قبا افطار می‌کردند، فرمودند: آیا  
نوشیدنی هست؟

اوس بن خولی انصاری قدحی از شیر آمیخته با عسل برای آن حضرت  
آورد، چون پیامبر لب بر قدح نهادند آن را از دهان خود دور کرده و  
فرمودند: دو نوشیدنی که هر کدام از آنها برای نوشیدن کافی است، من از  
این نمی‌آشامم ولی نوشیدن آن را هم حرام نمی‌کنم، لکن برای پروردگار  
تواضع می‌کنم، هر کس برای خدا تواضع کند خدا او را بالا می‌برد، و هر  
کس تکبر نماید خداوند خوار و پستش می‌سازد، هر کس در زندگی  
خود اقتصاد و میانه روی را پیشه خود سازد خداوند وی را روزی  
می‌دهد، و هر کس راه اسراف و تبذیر در پیش گیرد محرومش خواهد  
نمود، و کسی که زیاد به یاد مرگ باشد محبوب خداوند خواهد  
گردید.<sup>(2)</sup>

6. خوش نیتی و باطن پاک: از دیگر صفات نیکو، داشتن نیت خیر و  
اصلاح باطن خویش در تعامل با دیگران است؛ آنجا که در مقام تعامل  
با مردم همواره خداوند در برابر دیدگان مؤمن بوده و رابطه خود را با

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 219، ب 30 ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 219، ب 31 ح 1.

آنان بر این اساس استوار نماید.

در این رابطه از حضرت امیرالمؤمنین  $\times$  نقل است که فرمود:

هرکه رابطه میان خود و خدا را اصلاح نماید خداوند رابطه میان او و مردم را اصلاح می‌کند، و هرکه به اصلاح امر آخرت خویش پردازد، خداوند متعال امر دنیایش را اصلاح می‌کند، و هرکه در درون جان خود پنددهنده و واعظی داشته باشد، حافظی از جانب خداوند متعال برایش خواهد بود.<sup>(1)</sup>

#### کنترل احساسات و صفت های ناپسند

در جنبه دیگر این قضیه، مجموعه‌ای از گرایش‌ها و هیجانات روحی و عاطفی مرتبط با روابط اجتماعی را می‌یابیم که شارع مقدس آنها را تحریم نموده و مؤمنان را به شدت از آنها بر حذر داشته است؛ چرا که این امور تأثیرات منفی بسیاری بر حرکت تکاملی اجتماعی بشر دارد.

**1. مقام پرستی:** به عنوان مثال می‌توان به حب ریاست یا مقام پرستی اشاره کرد، گرایشی نفسانی که نشان از وجود هوا و هوس و شهوت در عواطف و احساسات انسان دارد و اهل بیت <sup>^</sup> به شدت از مبتلا شدن به آن هشدار داده‌اند، به ویژه با ملاحظه شرایط فاسدی که حاکمان و رؤسای جامعه اسلامی در آن زمان در آن می‌زیسته‌اند.

به همین جهت است که ریاست و حکومت در نظر بعضی از فقها،

## ساختار روینایی روابط اجتماعی

---

بدون اطمینان به وجود عدالت و یا با احتمال کشیده شدن به آثار خطرناکی چون ظلم و کبر، کار حرامی دانسته شده است.

نزد حضرت کاظم × سخن از مردی به میان آمد که مقام پرست بود، امام × فرمودند:

زیان ریاست طلبی برای دین مؤمن بیشتر از آن است که دو گرگ درنده به گله گوسفندی که چوپانانش متفرق شده باشند حمله کنند.<sup>(1)</sup>

و از عبدالله بن مسکان نقل است که گفت از حضرت امام صادق × شنیدم که فرمود:

از این رؤسایی که خود را رئیس می‌پندارند بر حذر باشید، به خدا سوگند که صدای کفش‌های مردم پشت سر کسی بلند نمی‌شود مگر اینکه هم خود هلاک می‌شود و هم دیگران را نابود می‌کند.<sup>(2)</sup>

و پیامبر اکرم ' در حدیث مناهی فرمود:

بدانید که هر کس ریاست قومی را به عهده بگیرد در روز قیامت وی را در حالی می‌آورند که دست هایش با غل به گردنش بسته شده، اگر در میان آن قوم به فرمان خدا قیام کرده باشد خداوند او را آزاد می‌کند، و اگر ستمگر بوده باشد وی را در جهنم سرنگون خواهد نمود که بد

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 279، ب 50 ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 279، ب 50 ح 4.

جایگاهی است.<sup>(1)</sup>

**2. خشم:** همچنین شارع مقدس و اهل بیت <sup>^</sup> در باره خشم و آثار آن در روابط اجتماعی و تکامل شخصیتی انسان هشدار داده و بعضی از راه‌های علاج این حالت روحی و هیجان خطرناک را در زندگی اجتماعی انسان بیان داشته‌اند.

و در روایات چنین تعبیراتی در باره خشم آمده است که:

بدان سان که سرکه عسل را فاسد می‌کند غضب ایمان را فاسد می‌نماید.

و غضب کلید همه بدی‌ها است

و به تحقیق مؤمن کسی است که خشمش او را از راه حق بدر نبرد.

و هر کس خشم خود را از مردم باز دارد خداوند متعال عذاب قیامت را از وی باز خواهد داشت.

و هر مردی که بر گروهی خشم گرفت اگر ایستاده است فوراً بنشیند که این کار پلیدی شیطان را از وی دور می‌گرداند، و هر مردی که بر یکی از خویشاوندان خود خشم گرفت به او نزدیک شده و وی را با دست خود لمس کند چرا که خویشاوند با تماس بدنی آرامش می‌یابد.<sup>(2)</sup>

و از روایات شگفت‌انگیز این باب روایتی است که شیخ کلینی در کافی از مُعَلِّی بن خنیس از حضرت امام صادق  $\times$  نقل می‌کند:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 282، ب 50 ح 14.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 286، 287، ب 53 / ح 1، 2، 3، 4، 6.

مردی به پیامبر اکرم ' عرض کرد: ای پیامبر خدا مرا چیزی بیاموز

پیامبر اکرم ' به او فرمودند: برو و خشمگین مشو

مرد گفت: این نصیحت مرا کافی است، آنگاه به نزد قوم خویش رفت، اما مشاهده کرد که در میان قوم وی ابا قوم دیگری [ جنگ درگرفته و آنان سلاح به بر، در برابر یکدیگر صف کشیده‌اند، مرد چون این حالت را دید به سرعت سلاح برداشت و در کنار قوم خود ایستاد، اما به ناگاه به یاد سخن پیامبر افتاد که به او فرموده بود: خشمگین مشو، مرد سلاح بر زمین انداخت و به نزد دشمن رفت و به آنان گفت: هر چه به غرامت قتل و ضرب و جرحی که حتی اثری از آن نیز پیدا نباشد از ما می‌خواهید بر عهده من بوده، و من از مال خود آن را به شما خواهم پرداخت.

آنان در پاسخ وی گفتند: ما هم هر چه بود به شما بخشیدیم که ما به این کار از شما سزاوارتر هستیم.

مرد گفت: دو گروه با هم صلح کردند و خشم از میان رفت.<sup>(1)</sup>

**3. حسادت:** شارع مقدس همچنین همگان را از حسادت کردن بر حذر داشته، که عبارت از این است که انسان همواره توقع داشته باشد نعمت‌هایی که خداوند متعال به سایر افراد جامعه داده است از بین رفته یا از آنان سلب شده و به او داده شود.

در همین رابطه حضرت امام صادق × فرمود:

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

إن الحسد يأكل الايمان كما تأكل النار الحطب<sup>(1)</sup>

حسادت ورزیدن ایمان را می‌خورد، همان گونه که آتش هیزم را می‌خورد.

و باز از آن حضرت نقل است که: پیامبر اکرم ' فرمودند:

خداوند عزّ و جلّ به حضرت موسی × فرمود: ای فرزند عمران هرگز بر آنچه از فضل خود بر مردم می‌دهم حسادت مکن، و هرگز چشمان خود را به آنچه مردم داده‌ام مدوز و دلت را به دنبال آن مفرست؛ زیرا حسود از نعمت من خشمگین شده و با تقسیم که میان بندگان خود می‌کنم مخالف است، و هر کس چنین باشد نه از من است و نه من از او هستم.<sup>(2)</sup>

و البته باید به این نکته توجه داشت که حسادت با غبطه خوردن تفاوت دارد و انسان در حالت غبطه از نعمت‌هایی که خداوند متعال بر بندگان خود تفضل می‌کند خوشحال و شادمان می‌شود.

در این باره از حضرت امام صادق × نقل است که:

إن المؤمن یغبط و لا یحسد، و المنافق یحسد و لا یغبط<sup>(3)</sup>

مؤمن غبطه می‌خورد اما حسادت نمی‌کند، اما منافق به جای غبطه

---

1. کلینی، الکافی 2/306/2 ح.

2. کلینی، الکافی 2/307 ح.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11/293، ب 55 ح.



خوردن حسادت می‌نماید.

4. قومیت‌گرایی: همچنین شارح مقدس در روابط اجتماعی از قرار گرفتن تحت تأثیر تعصبات قومی و کشیده شدن به راه عواطف و احساسات نهی کرده‌اند.

و قوم‌گرایی که موجب به بار آمدن گناه برای صاحب خود می‌گردد، بنا بر آنچه در تفسیر و توضیح آن از حضرت امام زین العابدین × وارد شده، این است:

قومیت‌گرایی که برای صاحب خود موجب گناه می‌شود، این است که انسان بدان قوم خود را از خوبان دیگر اقوام بهتر بداند، قوم‌گرایی به معنی دوست داشتن قوم و قبیله خود نیست، بلکه به این معنی است که انسان قوم و قبیله خود را در اعمال ظلم و ستم بر دیگران یاری کند.<sup>(1)</sup>

از این حدیث، همچنین از خود مفهوم قومیت‌گرایی برمی‌آید که این حالت عبارت است از نوعی تعصب کورکورانه، تحزب و نوعی وفاداری در غیر طریق حق.<sup>(2)</sup>

---

1. کلینی، الکافی 2 / 308 ح 7.

2. در تأیید این مطلب می‌توان به روایت ذیل از حضرت امام زین العابدین × اشاره کرد که شیخ کلینی در کلینی، الکافی 2 / 308 ح 5 آن را ذکر کرده است: «لم یدخل الجنة حمیة غیر حمیة حمزة بن عبد المطلب، و ذلك حين أسلم غضباً للني» فی حدیث السلا الذی ألقى علی النبی «؛ قومیت‌گرایی باعث به هشت رفتن کسی نمی‌شود، مگر تعصب خویشاوندی که حمزة بن عبدالمطلب از خود بروز داد؛ آنجا که به انگیزه همین مسئله و در دفاع از برادرزاده خود پیامبر اکرم ' اسلام آورد، که در حدیث

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

این مسئله از یک جهت در موضوع عدل و انصاف داخل می شود که به زودی از آن بحث خواهیم نمود، اما در عین حال به مسئله عواطف و احساسات نیز مربوط می باشد؛ احساساتی که انسان می باید به کنترل و تسلط بر آنها اقدام نماید.

احادیث متعددی هم در تحریم این عمل وارد شده است مانند حدیث صحیحی که حضرت امام صادق  $\times$  آن را از جدش پیامبر اکرم <sup>'</sup> نقل فرموده است که فرمود:

من تعصب أو تعصب له فقد خلع ريق الايمان من عنقه.<sup>(1)</sup>

هر کس که قومیت گرایی کند، یا دیگران به نفع او این کار را انجام دهند، کمند ایمان را از گردن خود برداشته است.

**5.** تکبر، غرور و خودبینی: از دیگر موارد احساسات و هیجانات روحی حرام، احساس خود بزرگ بینی، تکبر و غرور و تعامل با مردم بر اساس این احساس می باشد.

در حدیث صحیح از یکی از دو امام بزرگوار، حضرت امام باقر یا حضرت امام صادق <sup>'</sup> چنین روایت شده است که:

لا يدخل الجنة من كان في قلبه مثقال حبة من خردل من الكبر.<sup>(2)</sup>

---

«سلا» که بر پیامبر القا نمود آمده است» و حدیث سلا در کلینی، الکافی 1 / 449 باب مولد النبی <sup>'</sup> ح 30 آمده است.

1. کلینی، الکافی 2 / 308، ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 306/11، ب 60 ح 1.

کسی که به اندازه وزن دانه خردلی از تکبر در دلش باشد به بهشت وارد نمی‌شود.

و در روایات آمده است:

نخستین چیزی که خداوند متعال به آن معصیت شد تکبر است که گناه ابلیس بود؛ آنگاه که از سجده بر آدم سر باز زد، تکبر ورزید و از کافران شد.<sup>(1)</sup>

در تعریف تکبر نیز آمده است:

تکبر آن است که مردم را کوچک شمرده، حق را ناچیز پنداری و در بعضی از روایات معتبر آمده است که این نوع از تکبر، بدترین نوع آن می‌باشد.

در این رابطه پیامبر اکرم ' فرمود:

بدترین نوع تکبر این است که مردم را کوچک شمرده و حق را شناسایی [راوی گوید] عرض کردم: کوچک شمردن مردم و شناختن حق چگونه است؟

فرمود: اینکه حق را شناسد و بر اهل حق خرده گیری کند، پس هر که اینچنین باشد تکبر داشته باشد با خداوند عزّ و جلّ در صفتی که مختص به او است کبر یایی همچشمی و معارضه کرده است.<sup>(2)</sup>

---

1. حرعاملی، ر.ک وسائل الشیعه 11 / 308، ب 61 ح 2.

2. حرعاملی، وسائل الشیعه 11 / 306، ب 60 ح 3.

و در حدیث دیگر عمر بن یزید به حضرت امام صادق  $\times$  عرض کرد:

من غذاهای خوب می‌خورم، از عطرهاى خوب استفاده می‌نمایم، بر مرکب رهوار سوار می‌شوم و غلامی در پشت اسب من حرکت می‌نماید، آیا در این کارهای من نشانه‌ای از اخلاق جباران تکبر مشاهده می‌نمایم تا من آن را ترک کنم؟

حضرت امام صادق  $\times$  لختی درنگ کرده و فرمودند:

تنها کسی از زمره جباران لعنت شده است که مردم را حقیر شمارد و حق را نشناسد.

عمر گوید: به آن حضرت عرض کردم: من حق را می‌شناسم اما در باره تحقیر مردم نمی‌دانم که آیا کار من این نتیجه را در پی دارد یا نه؟

فرمود: هر کس مردم را کوچک شمرد و بر آنان فخر فروشی کند جبار است.<sup>(1)</sup>

اهل بیت <sup>^</sup> علت تکبر، خود بزرگ بینی و غرور را - چنان که از احادیث نقل شده از ایشان برمی‌آید - احساس کمبود و ذلت روحی دانسته‌اند.

از حضرت امام صادق  $\times$  در این باره روایت شده است که:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 307، ب 60 ح 5.

ما من أحد يتكبر إلا من ذلة يجدها في نفسه.<sup>(1)</sup>

کسی به فخر فروشی نمی افتد مگر به جهت ذلتی که در نفس خود می یابد.

و در حدیث دیگری از آن حضرت آمده:

ما من رجل تكبر أو تجبر إلا لذلة يجدها في نفسه.<sup>(2)</sup>

هیچ مردی تکبر نمی کند مگر به دلیل ذلتی که در نفس خود می یابد.

از دیگر مصادیق تکبر، لجبازی و احترام نگذاشتن به دیگران است.

در حدیث معتبری از حسین بن ابی العلاء آمده است: از حضرت امام صادق × شنیدم که:

تکبر ممکن است در میان مردمان شرور از هر جنسی مرد یا زن یافت شود. تکبر ردای خداوند است از صفات مختص به ذات اقدس حق است، پس هر کس با خدا بر سر ردایش همچشمی و منازعه کند وی را جز پستی نخواهد افزود.

روزی رسول خدا از یکی از کوچه‌های مدینه می‌گذشت، زنی سیاه پوست در وسط راه نشسته بود و به جمع آوری سرگین مشغول بود، یکی از همراهان پیامبر به او گفت: از سر راه رسول خدا کنار برو، وی در پاسخ گفت: عرض راه زیاد است! یکی از همراهان پیامبر خواست متعرض او شود، اما پیامبر اکرم ' فرمود: او را وا گذارید که وی زنی

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 303/11، ب 59 ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 303 / 11، ب 59 ح 3.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

متکبر است.<sup>(1)</sup>

**6. طمع، تنبلی و حماقت:** در زمینه حالات ناپسند نفسانی تعدادی از احساسات ناپسند دیگر نیز وجود دارد که جنبه اجتماعی داشته و از دید شارع مقدس ناپسند می‌باشد؛ چون دارای آثار و نتایج منفی و زیان باری برای حرکت و تکامل شخصی و اجتماعی انسان است؛ زیرا انسان با داشتن این صفات یا اسیر دیگران شده یا حقوق دیگران را ضایع کرده و یا از جامعه به دور افتاده و منزوی می‌گردد.

از جمله این حالات که دارای تأثیر رفتاری منفی است طمع می‌باشد.

در حدیث از حضرت امام باقر  $\times$  وارد است که فرمود:

بدترین بندگان خدا، بنده‌ای است که طمع رهبر وی باشد و بنده‌ای که امیالش وی را به خواری بکشانند.<sup>(2)</sup>

و حضرت امام سجاد  $\times$  فرموده‌اند:

همه خیرات را در بریدن طمع از آنچه در دست مردم است، گرد آمده دیدم.<sup>(3)</sup>

دیگر از جمله این خلقیات ناپسند، کسالت و تنبلی است که از بُعد اجتماعی به ضایع کردن حق دیگران منجر می‌شود.

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 303، ب 59 ح 4.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 321، ب 67 ح 2.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 321، ب 67 ح 3.

## ساختار روینایی روابط اجتماعی

---

در وصیت پیامبر اکرم ' به حضرت علی × آمده است:

و إن کسلت لم تؤدّ حقا.<sup>(1)</sup>

و اگر تنبلی کنی هیچ حقی را ادا نخواهی کرد.

و باز در حدیثی از پیامبر اکرم ' آمده است:

و چون انسان تنبلی پیشه کرد حقوق را ضایع می‌گرداند.<sup>(2)</sup>

و در حدیثی آمده که حضرت امام کاظم × به یکی از فرزندان خود فرموده است:

و از تنبلی و ترشروی پرهیز که این دو صفت تو را از بهره مندی دنیا و

آخرت محروم می‌کنند.<sup>(3)</sup>

از دیگر مصادیق این حالات ناپسند روحی حماقت و نادانی است، این دو صفت حالتی را در انسان به وجود می‌آورند که باعث تجاوز از حدود و آداب اجتماعی در سخن گفتن با مردم گشته انسان را و می‌دارد تا بدون تفکر و تعقل به گفتن سخنان و انجام اعمالی مبادرت نماید و این از بارزترین مصادیق سوء خلق می‌باشد.

از حضرت امام صادق × این سخن وارد شده است که:

حماقت اخلاق پستی است، چنین شخصی بر زیردستان تعدی کرده و در

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 320، ب 66 ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 320، ب 66 ح 3.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 320، ب 66 ح 4.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

برابر مافوق کرنش می نماید.<sup>(1)</sup>

و فرموده است:

لا تسفهوا فإن أئمتكم ليسوا بسفهاء.<sup>(2)</sup>

سفیه نباشید که پیشوایان شما هیچ یک از زمره سفیهان نبوده و نیستند.

و باز به طریق معتبر از آن حضرت نقل شده است که فرمود:

إن أبغض خلق الله عبد اتقى الناس لسانه<sup>(3)</sup>

منفورترین خلق خدا کسی است که مردم از گزند زبان وی پروا کنند.

من كافأ السفیه بالسفه فقد رضی بما أتى إليه حیث احتدی مثاله<sup>(4)</sup>

کسی که با نادان نادانی کند به آنچه از او به وی رسد راضی شده

است، چون پا جای پای او نهاده است.

### کنترل احساسات در معاشرت

در زمینه آداب معاشرت و روابط اجتماعی نمونه‌ها و مصادیقی را می‌یابیم که شارع مقدس و اهل بیت <sup>^</sup> به ارائه آنها پرداخته و این موارد نمود عینی این قاعده مهم در نظریه روابط اجتماعی اسلام می‌باشند:

---

1. کلینی، الکافی 2 / 322 ح 1.

2. کلینی، الکافی 2 / 322 ح 2.

3. کلینی، الکافی 2 / 322 ح 4.

4. کلینی، الکافی 2 / 322 ح 2.



1. حسن مصاحبت: اولین نمونه از این مصادیق حسن مصاحبت با دوستان و تحمل اخلاق رفیقان و یاران و حتی دیگر مردمان است: کسانی که انسان عادتاً به صورت کلی با آنها ارتباط برقرار می‌کند. ابی ربیع شامی گفت:

بر حضرت امام صادق × وارد شدم، در حالی که خانه آن حضرت مملو از مردمی بود که در میان آنها خراسانی، شامی و مردم شهرهای مختلف وجود داشت، من جایی برای نشستن پیدا نکردم، امام صادق × نشستند و در حالی که تکیه کرده بودند فرمودند:

ای پیروان آل محمد ' بدانید هر کس که در هنگام خشم قادر به خویشتن داری نباشد، و نتواند برای کسانی که با او هم صحبت می‌شوند هم صحبتی خوب بوده، با کسانی که با او با اخلاق خوش برخورد می‌کنند رفتاری نیکو داشته، برای رفیقان خود رفیقی خوب، برای همسایگان خود همسایه‌ای خوب بوده، حق نان و نمک کسانی را که با هم نان و نمک خورده‌اند به نیکی به جای آورد، از ما نیست.<sup>(1)</sup>

اگر در کسی که پوینده این راه راه اهل بیت ^ است، سه خصلت موجود نباشد شخص قابل اعتنایی نخواهد بود، تقوایی که او را از نافرمانی خدا باز دارد، بردباری که با آن خشم خود را در اختیار گیرد و حسن مصاحبت با دوستان.<sup>(2)</sup>

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 402 ح 3.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 402 ح 4.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

اهل بیت <sup>^</sup> در این راستا به بیان بعضی از نمونه‌های این حسن مصاحبت نیز پرداخته‌اند.

مانند آنچه در کتاب محاسن از حضرت امام صادق  $\times$  نقل شده است:

ليس من المروءة أن يحدث الرجل بما يلقى في السفر من خير أو شر. (1)

از جوانمردی نیست که مرد آنچه در سفر یا بیرون از خانه برایش اتفاق افتاده را، خوب یا بد برای خانواده خود تعریف کند.

یا پرس و جو از احوال همسفران پس از جدا شدن از یکدیگر؛ در این باره از مفضل بن عمر نقل است که:

بر حضرت امام صادق  $\times$  داخل شدم، آن حضرت به من فرمودند: با چه کسی آمدی؟

عرض کردم: با مردی از برادران دینی.

امام  $\times$  فرمودند: پس از اینکه رسیدید او چه کرد؟

عرض کردم: از وقتی داخل خانه شدم، نمی دانم کجا است آن حضرت فرمودند: آیا نمی دانی که هر کس به اندازه چهل قدم با مؤمنی همراه شود خداوند متعال در روز قیامت از او در باره احوال آن مؤمن سؤال خواهد کرد؟ (2)

و چنین است پرسیدن همنشین از نام و نسب و کنیه و احوال همنشین

---

1. برقی، المحاسن 103/2 و سائل الشیعه 403 / 8 ح 6.

2. حر عاملی، و سائل الشیعه 403 / 8 ح 8.

خود و کراهت ترک این عمل البته تا حدی که به فضولی کردن و به زحمت انداختن طرف مقابل منجر نشود، شاید این حدیث شریف که حضرت امام زین العابدین × آن را از جد بزرگوار خود پیامبر اکرم ' نقل کرده است قدری مصادیق و نمونه‌های این مسئله را روشن‌تر کند:

پیامبر اکرم ' روزی به اهل مجلس خود فرمود: آیا می‌دانید عجز و ناتوانی چیست؟

عرض کردند: خدا و رسول خدا داناتر هستند

فرمود: ناتوانی در سه چیز است:

یکی اینکه یکی از شما برای برادر خود غذایی آماده کند اما او در سر وعده حاضر نشود.

دوم اینکه مردی از شما با کسی همنشین یا همراه شود و دوست داشته باشد که بداند او کیست و از کجا آمده است، اما بدون این کار از یکدیگر جدا شوند.

و سوم مربوط به زنان است که یکی از شما با همسر خود درآمیزد و حاجت خود را برآورد اما نیاز او را بر نیاورده از وی جدا شود.

عبدالله بن عمرو بن عاص گفت: ای رسول خدا این کار چگونه است؟

فرمود باید او را تحریک کند و آقدر طول بدهد تا هر دو باهم ارضا شوند.<sup>(1)</sup>

و در حدیث دیگری که حضرت امام باقر × آن را از پیامبر اکرم ' نقل کرده از این سه مورد با عنوان جفا تعبیر شده است: پیامبر

## تقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

اکرم ' فرموده‌اند:

سه چیز از موارد جفا است:

یکی اینکه مردی با مرد دیگر همراه شود و از نام و کنیه او سؤال نکند.

دوم اینکه به خوردن غذایی دعوت شود اما نرود، یا برود و نخورد.

و سوم اینکه کسی با همسر خود بدون ملاحظه نزدیکی کند.<sup>(1)</sup>

و در حدیث دیگری که حضرت امام صادق  $\times$  آن را از پیامبر اکرم ' نقل کرده است، پرسیدن نام و هویت اشخاص از حقوق واجب و نشانه صداقت در برادری دانسته شده است:

اگر کسی از شما برادر مؤمن خود را دوست می‌دارد باید که ابتدا نام وی، نام پدرش و نام قبیله و عشیره او را بپرسد، چرا که پرسیدن و دانستن این امور از حقوق لازمی است که نشان از صدق اخوت و برادری او دارد و بدون آن، دوستی از روی حماقت خواهد بود.<sup>(2)</sup>

2. خنده و مزاح: از جمله این مصادیق، یکی این است که انسان در زندگی اجتماعی خود گاه با اموری مواجه می‌شود که باعث خنده او می‌گردد، چه از راه شوخی باشد یا از راه دیدن صحنه‌های خنده دار، و این عکس العمل باید حتماً در تحت اختیار شخص درآید؛ چه از نظر شکل ظاهری، مثلاً اینکه با صدای بلند و به صورت قهقهه نباشد،

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 501 ح 4.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 501 ح 3.

که از حضرت امام صادق × روایت شده:

التقهة من الشيطان. <sup>(1)</sup> قهقهه زدن از کارهای شیطانی است.

و در حدیث دیگری فرموده است:

ضحك المؤمن تبسم. <sup>(2)</sup> خندیدن مؤمنان فقط به صورت تبسم است.

و نیز از حضرت امام باقر × روایت شده که فرمود:

إذا قهقهت فقل حين تفرغ: اللهم لا تمقتني. <sup>(3)</sup>

چون به صورت قهقهه خندیدی، پس از پایان خنده بگو: خداوندا بر من خشم نگیر.

و چه از لحاظ اسباب و علل خنده، که از حضرت امام صادق × وارد است که فرموده‌اند:

إن من الجهل الضحك من غير سبب. <sup>(4)</sup> خندیدن جز از روی تعجب از نادانی است.

بلکه فراتر از این، پیشوایان اهل بیت <sup>^</sup> پیروان خود را به کم کردن خنده و شوخی دعوت کرده‌اند؛ زیرا کارهایی از این دست، علاوه بر آثار نامطلوب شخصی، آثار اجتماعی نامطلوبی نیز به همراه دارد.

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 479/8 ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 479/8 ح 3.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 479/8 ح 2.

4. حر عاملی، وسائل الشیعه 479/8، ب 82 ح 1.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

در حدیث معتبری از حضرت امام صادق × آمده است:

از مزاح بهره‌یز که آبرو را می‌برد.

و نیز فرموده است:

خنده زیاد دل را می‌میراند.

و اینکه:

زیاد خندیدن دین را نابود می‌کند چنانکه آب نمک را در خود حل می‌کند.<sup>(1)</sup>

و از حضرت امیرالمؤمنین × است که فرمود:

از مزاح و شوخی بر حذر باش که موجب کینه و به جا گذارنده دشمنی، و در واقع فحش کوچک است.<sup>(2)</sup>

و حضرت امام صادق × فرمود:

لا تمازح فیجترء علیک.<sup>(3)</sup>

**3. حفظ حریم و عدم زیاده روی در اطمینان:** از دیگر موارد پای بندی به حفظ حریم‌ها در دوستی و معاشرت و کشیده نشدن به محبت‌های افراطی، دخالت ندادن دوستی در تصمیم‌گیری‌ها، همچنین عدم

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 480 - 481، ح 1 و 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 482، ح 9.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 482، ح 11.

## ساختار روینایی روابط اجتماعی

---

زیاده روی در اطمینان به اشخاص یا دوستی و دشمنی با آنها می‌باشد. آنجا که باید این امور تحت نظارت عقل و منطق و رعایت ویژگی‌های قید شده در باره رفیق و هم صحبت باشد و البته این کار طبیعتاً با اصل حسن ظن و گشودگی در روابط منافاتی نخواهد داشت.

در حدیث معتبر از حضرت امام موسی کاظم × روایت شده که فرمود:

حریم میان خود و برادرت را از بین نبر، و آن را نگاه دار که با از میان رفتن آن حیا از میان خواهد رفت.<sup>(1)</sup>

و امام رضا × در تفسیر آیه شریفه: { وَ تَأْتُونَ فِي نَادِيكُمْ الْمُنْكَرَ } درپاورقی نقل شده است که:

آنان بدون رعایت حرمت و حیا در مجالس عمومی از خود صداهای ناهنجار<sup>(2)</sup> ایجاد می‌کردند.<sup>(3)</sup>

همچنین در رابطه با زیاده روی در اعتماد به افراد از حضرت امام صادق × روایت شده است که فرمود:

لا تثق بأخيك كل الثقة، فان سرعة الإسترسال لن تقال.<sup>(4)</sup>

به برادر خود کاملاً اعتماد نکن، چون شکستی که از این طریق به انسان

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 501، ح 2.

2. منظور رها کردن گازهای درون شکم است.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 503، ح 8 به نقل از مجمع البیان.

4. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 501، ح 1.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

وارد می شود جبران ناپذیر است.

و از حضرت امیرالمؤمنین × نیز نقل است که فرمود:

در دوستی با دوست خود افراط نکن شاید که روزی دشمنت شود و در دشمنی با دشمن خود نیز افراط نکن باشد که روزی دوستت گردد.<sup>(1)</sup>

و قبلاً حدود و ویژگی های مطلوب در دوست و رفیق را که معیار اعتماد و اطمینان است بیان کرده ایم.<sup>(2)</sup>

**4.** کراهت جدل و خصومت: از دیگر مصادیق این امر، همراه نشدن با احساس برتری جویی در مباحثات و مناظرات است؛ به گونه ای که بحث و مناظره را به نزاع و خصومت تبدیل نماید، و شارع مقدس از این کار نهی کرده است.

در حدیث معتبر از حضرت امام صادق × آمده است:

از جدل کردن و خصومت پرهیزید که وجود این دو خصلت دل های برادران دینی را نسبت به یکدیگر بیمار کرده، نفاق و دورویی از این دو خصلت سرچشمه می گیرد.<sup>(3)</sup>

**5.** حفظ زبان و سکوت جز در امر خیر: از دیگر صفاتی که شارع

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 502، ح 7.

2. حر عاملی، ر.ک وسائل الشیعه 8 / 502، ح 3.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 567، ب 135 ح 1، در همین رابطه حدیث دوم نیز ملاحظه شود.



مقدس از آن نهی کرده است همراه شدن با شهوت سخن گفتن و تأکید بر لزوم کنترل هر سخنی که بر زبان انسان جاری شده و مراقبت دقیق از آن می‌باشد. شارع مقدس به جهت آگاهی از وجود چنین غریزه‌ای در ذات انسان، و زیان‌های بسیاری که خصوصاً در زمینه روابط اجتماعی از ناحیه لغزش‌های زبان متوجه وی می‌گردد، هشدارهای زیادی داده است، حکمتی که در این زمینه از لقمان حکیم نقل شده است به صورت ضرب المثل نیز درآمده است. حضرت امام صادق × فرماید:

لقمان به پسرش گفت:

پسرم اگر گمان داری که سخن گفتن به منزله نقره است، بدان که سکوت همچون طلا است.<sup>(1)</sup>

و در روایت معتبر از حضرت امام رضا × نقل است که فرموده‌اند:

دانایی، بردباری و سکوت از نشانه‌های فقه است: سکوت دری از درهای حکمت است، سکوت جلب‌کننده محبت و راهنمای به هر خیر است.<sup>(2)</sup>

و امام صادق × فرمود:

پیامبر اکرم ' به مردی که به نزد آن حضرت آمده بود فرمودند: آیا تو را به کاری راهنمایی کنم که خداوند به واسطه آن تو را داخل بهشت کند؟

عرضه داشت: آری ای رسول خدا.

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 528، ح 5.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 527، ح 1.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

فرمود: از آنچه خداوند به تو داده است به دیگران بده.

عرض کرد: اگر خود از کسی که می‌خواهم به او بدهم محتاج‌تر باشم چه؟

فرمود: ستم‌دیده‌ای را یاری کن.

عرض کرد: اگر من خود از آن مظلوم ضعیف‌تر باشم؟

فرمود: نادانی را هدایت کن.

عرض کرد اگر من از آن نادان هم نادان‌تر باشم چه کنم؟

فرمود: پس زبان خود را جز از سخن گفتن در امر خیر ببند و سکوت

پیشه کن. آیا خشنود نمی‌شوی که یکی از این خصلت‌ها در تو باشد و

تو را به بهشت بکشاند؟<sup>(1)</sup>

البته با همه این احوال می‌بینیم که اهل بیت <sup>^</sup> بر اهمیت سخن

گفتن در جای مناسب که نتایج خوبی به بار بیاورد، تأکید کرده‌اند.

در همین رابطه از حضرت امام صادق  $\times$  نقل شده است که فرمود:

سخن گفتن در راه حق بهتر از سکوتی است که در راه باطل باشد.<sup>(2)</sup>

و از حضرت علی بن الحسین امام سجاد  $\times$  روایت شده است که فرمود:

گفتن سخنان خوب مال را زیاد، روزی را فراوان، عمر را طولانی کرده،

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 527، ح 4.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 529، ح 10.

انسان را در نزد خانواده‌اش محبوب کرده و به بهشت داخل می‌کند.<sup>(1)</sup>

و در وصیت پیامبر اکرم ' به ابوذر، میان سخن گفتن و سکوت اینچنین موازنه برقرار شده است:

ای اباذر، انسان ذاکر در میان غافلان همچون مجاهد در راه خدا در میان فراریان از جنگ است

ای اباذر، داشتن همنشین خوب از تنهایی بهتر، و تنهایی از داشتن همنشین بد بهتر است. ای اباذر، سخنان نیکو گفتن از سکوت بهتر، و سکوت از سخنان بد گفتن بهتر است.

ای اباذر، سخنان بیهوده را ترک کن که سخن گفتن به اندازه نیاز، تو را پس است.

ای اباذر، هیچ چیز به اندازه زبان مستحق زندان طولانی مدت نیست. ای اباذر، خدا در کنار زبان هر گوینده‌ای است پس هر کس باید از خدا بپرهیزد و بداند چه می‌گوید.<sup>(2)</sup>

امام صادق × به مردی که در نزد آن حضرت زیاد صحبت کرده بود، فرمود:

ای مرد، سخن را کوچک و حقیر شمردی؛ در حالی که خداوند متعال هنگامی که پیامبران خود را فرستاد، طلا و نقره‌ای با آنان همراه نکرد،

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 530، ح 16.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 531، ح 1.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

بلکه آنان را با کلام مبعوث نمود، و خود را با سخنان و نشانه‌ها به خلق خود شناساند.<sup>(1)</sup>

**6.** فرو بردن خشم و تحمل حسادت دیگران: از دیگر موارد کنترل احساسات، خودداری در هنگام عصبانیت و خشم و برانگیخته شدن حس دفاع از خود و انتقام گرفتن از دیگران است، خصوصاً که انسان محق بوده یا مظلوم واقع شده باشد؛ آنجا که رفتن عقل و حکمت و اراده او زیر سلطه این احساس قوی و هیجان شدید، ضروری می‌نماید. به طریق معتبر از حضرت امام صادق  $\times$  نقل شده است که فرمود:

بهترین جرعه‌ای که کسی آن را فرو برد، خشم است برای کسی که بر آن صبر کند؛ زیرا پاداش بزرگ در برابر امتحان بزرگ به دست می‌آید، و خداوند قومی را دوست نمی‌دارد مگر اینکه آنان را به بلا مبتلا می‌گرداند.<sup>(2)</sup>

و همچنین به طریق معتبر از حضرت امام صادق  $\times$  نقل است که فرمود:

حضرت علی بن الحسین  $\prime$  همواره می‌فرمود: هرگز دوست نمی‌دارم به قیمت ذلت و خواری نفس خود صاحب شتران سرخ مو شوم، هیچ جرعه‌ای ننوشیده‌ام که گواراتر از جرعه خشمی باشد که شخص مورد

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 533، ح 5، باب های 117 و 118 و 119 و 120 از

جلد هشتم از ابواب احکام العشره که ده ها روایت در این مورد در آنها یافت می‌شود.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 523، ح 1.

خشم خود را به مجازات نرسانده و آن را فرو خورم.<sup>(1)</sup>

خداوند سبحان نیز بندگان صالح خود را با همین صفت در قرآن توصیف کرده است:

وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْأَعَابِينَ عَنِ النَّاسِ.

و همانانکه خشم خود را فرو می‌برند؛ و از مردم در می‌گذرند.

و در وصیت پیامبر اکرم ' به حضرت علی × نیز آمده است:

ای علی، تو را به وصیتی سفارش می‌کنم، که تا این وصیت مرا حفظ کنی همیشه در خیر و خوشی خواهی بود

ای علی، کسی که بتواند به مقتضای خشم خود عمل کند اما خشم خود را فرو برد، خداوند به پاداش این کار، وی را امنیت و ایمانی خواهد بخشید که طعم آن را احساس کند.<sup>(2)</sup>

از همین باب است صبر بر حسادت حسودان و دشمنان نعمت که با کارهای خود انواع احساسات و هیجانات را در انسان بر می‌انگیزانند؛ به همین دلیل است که این نوع بلا، از شدیدترین امتحانات اجتماعی دانسته شده است که مؤمنان به صبر در برابر آن فرا خوانده شده‌اند.

از طریق معتبر از حضرت امام صادق × نقل است که:

بر اقدامات دشمنان نعمت صبر کن، زیرا تو برای مجازات کردن کسی که

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 523، ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 524، ح 11.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

در راه ضربه زدن به تو به معصیت خدا متوسل شده است، راهی بهتر از فرمانبرداری خداوند در باره او نداری.<sup>(1)</sup>

و باز با سند معتبر از همان حضرت × نقل است که فرمود: پیامبر اکرم ' فرمودند:

خداوند از مؤمن بر تحمل چهار بلا پیمان گرفته است که آنها را با شدیدترین وجه بر وی فرو می‌فرستد: مؤمنی که از روی حسادت در باره او سخن بگوید، منافقی که به دنبال عیب هایش باشد، شیطانی که وی را گمراه کند، و کافری که جنگ با او را وظیفه خود بداند، و با داشتن این دشواری‌ها چه سخت است باقی ماندن بر ایمان!<sup>(2)</sup>

### (3) عدالت و انصاف

پیشتر در توضیح زیربنای این دو صفت گفتیم که آنها از نظریه وجوب عدل و حرمت ظلم سرچشمه گرفته و بارزترین مصداق عدالت در روابط اجتماعی مقدم داشتن دیگران بر خود می‌باشد.

#### حرمت ظلم و نمونه های آن

حرام بودن ظلم تنها به این معنی نیست که انسان خود شخصاً به این عمل مبادرت نرزد، بلکه باید موضع وی در برابر ظلم گسترده و فراگیر باشد، این فراگیری را می‌توان در امور ذیل ملاحظه کرد:

**1. رد مظالم:** اگر انسان در حق یکی از مردم مرتکب ظلمی شد، مالی

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 526، ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 526، ح 2.

را از وی گرفت، یا حقی از حقوق وی را غضب نمود و سپس از این عمل پشیمان شده و توبه کرد، باید حتماً آن مظلومه یا حق غضب شده را به صاحبش بازگرداند که این عمل را «ردّ مظالم» می‌نامند.

از حضرت امام باقر × نقل است که فرمود:

ظلم بر سه گونه است: ظلمی که خداوند هرگز آن را نخواهد بخشید، ظلمی که خداوند آن را خواهد بخشید و ظلمی که خداوند هرگز پیگیری آن را رها نخواهد کرد، اما ظلمی که خداوند هرگز آن را نخواهد بخشید، شرک است، و ظلمی که خداوند آن را خواهد بخشید ستمی است که بندگان خدا میان خود و خدا بر خود روا می‌دارند (حق الله) و ظلمی که خداوند هرگز پیگیری آن را رها نخواهد کرد حقوقی است که بندگان خدا از یکدیگر ضایع می‌کنند (حق الناس).<sup>(1)</sup>

پیرمردی از نخع به حضرت امام باقر × عرض کرد

من از زمان حجاج بن یوسف تا کنون همواره والی بوده‌ام، آیا راهی رای توبه من هست؟

آن حضرت سکوت کردند.

او سؤال خود را تکرار کرد.

آن حضرت فرمودند:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 342، ح 1.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

نه، راهی نیست مگر اینکه حق هر صاحب حقی را به او باز گردانی.<sup>(1)</sup>

و امام صادق × فرمود:

هر کس به ظلم مال برادر خود را بخورد و آن را به وی باز پس نگرداند، همانا شعله‌ای از آتش روز قیامت را خورده است.<sup>(2)</sup>

و چنین است اگر کسی در حق دیگران مرتکب ظلم معنوی شود مانند غیبت کردن، بردن آبرو، تهمت زدن و امثال این کارها که در بیان مصادیق ظلم و ستم آنها را ذکر خواهیم کرد، در همه این موارد، بر انسان است که پس از توبه به درگاه خداوند در راه احقاق حقوقی که ضایع کرده تلاش کند؛ به این صورت که از صاحبان حق حلالیت بخواهد و از او خداوند متعال نیز برای آنها طلب مغفرت کرده و در راه اعاده حیثیت آنان تلاش کند، و کارهایی از این دست که در واقع رد کردن آن حق ضایع شده محسوب می‌شود.

**2. هدایت پس از گمراهی:** شاید از آشکارترین موارد ظلم کردن به دیگران، ظلم معنوی باشد؛ به این معنی که کسی را از حق دور و گمراه کرده و به ورطه باطل بکشانند، در این صورت راه توبه انسان تنها در این است که برای ارشاد، هدایت و برگرداندن آن شخص به راه حق و هدایت تلاش کند.

از حضرت امام صادق × روایت است که:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 342، ح 3.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 342، ح 4.



در زمان‌های گذشته مردی بود که از راه حلال به دنبال دنیا رفت، اما آن را به چنگ نیاورد، سپس از راه حرام به دنبال آن رفت اما باز نتیجه‌ای نگرفت، در این وقت شیطان به سراغ او آمد و گفت: آیا تو را به راهی راهنمایی نکنم که هم مال دنیا و هم پیروانت زیاد شود؟ گفت: چرا؟

شیطان گفت: راهش این است که از پیش خود دینی بسازی و مردم را به آن دین دعوت کنی، مرد پذیرفته، دینی از خود ابداع کرد و مردم را به آن فرا خواند مردم نیز دعوتش را پذیرفته و از او پیروی کردند، آن مرد به زودی دارای ثروت فراوانی گردید

وی پس از مدتی به خود آمد و با خود گفت: من چه کرده‌ام؟! از خود دینی ساختم و مردم را به آن فرا خواندم، برای خود توبه‌ای نمی‌بینم جز اینکه نزد پیروان خود رفته و آنان را از این دین ساختگی برگردانم

وی به نزد پیروان و اصحاب خود می‌رفت و به آنها می‌گفت: آنچه تا کنون شما را بدان فرا می‌خواندم باطل است و من آن را از پیش خود ساختم، اما یاران او در پاسخش می‌گفتند: دروغ می‌گویی، این دین بر حق است، تو خود در دین خود شک کرده‌ای و از آن برگشته‌ای.

او پس از اینکه پافشاری مردم را دید، زنجیری برداشت و آن را با میخ‌هایی محکم به هم بسته و آن را به گردن خود انداخت و گفت: تا خداوند عزّ و جلّ توبه مرا نپذیرد آن را از گردن خود باز نمی‌کنم.

در این هنگام خداوند عزّ و جلّ به یکی از پیامبران وحی کرد: برو و به فلائی بگو: به عزتم سوگند، اگر آن قدر مرا بخوانی که بند از بندت جدا گردد، دعایت را اجابت نخواهم کرد مگر تمام کسانی را که به دین تو

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

گرویدند و با ایمان به آن مرده‌اند نیز از آن دین برگردانی.<sup>(1)</sup>

**3. کمک به ظالم:** چنان که دخالت مستقیم انسان در ظلم حرام است، کمک کردن و زمینه سازی برای ظلم ظالمان، به گونه‌ای که در تلقی عمومی جامعه از اعوان ظلمه به حساب آید نیز بر او حرام می‌باشد. از عبدالله بن سنان نقل است که از حضرت امام صادق × شنیدم که فرمود:

کسی که ستمگری را در ظلم بر مظلومی کمک کند، مادام که از یاری ستمگر دست بر نداشته، خداوند از وی در خشم است.<sup>(2)</sup>

و حضرت امیرالمؤمنین × فرمود:

یک مرد ستمگر سه ویژگی دارد: بر مافوق خود با نافرمانی کردن ستم روا می‌دارد، بر زیر دست خود با زورگویی ستم می‌کند و یاور ستمگران است.<sup>(3)</sup>

و از حضرت سجاد، علی بن الحسین ' روایت شده است که فرمود:

از معاشرت با گناهکاران و یاری به ستمگران برحذر باشید.<sup>(4)</sup>

و از حضرت امام صادق ×، از پدرانش <sup>^</sup> نقل است که:

قال رسول الله: إذا كان يوم القيامة نادى مناد أين أعوان الظلمة، و من

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 343، ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 345، ح 5.

3. نهج البلاغه / حکمت 350.

4. حر عاملی، وسائل الشیعه 12 / 128، ح 1.

لاق لهم دواة، أو ربط لهم كيساً، أو مدّ لهم مدّة قلم؟ فاحشروهم معهم<sup>(1)</sup>

چون روز قیامت فرا رسد منادی فریاد خواهد کرد که: یاران ستمگران کجایند؟ کسانی که برای ستمگران ليقه‌ای به دواتی گذاشته، سر کیسه‌ای را محکم کرده، یا به اندازه کشش قلمی بر کاغذ، آنان را یاری داده باشند؟ آنان را با همان ستمگران محشور کنید.

4. راضی بودن به ظلم: و باز چنان که ستم کردن به صورت مستقیم حرام است، راضی شدن به ظلم ظالمان و پذیرش و سکوت در برابر آن نیز بر انسان مسلمان حرام است.

از حضرت امام صادق × روایت شده است که:

ستمگر و کمک کننده او و آن کس که به این کار راضی باشد، هر سه در این ظلم سهیم و شریک هستند.<sup>(2)</sup>

و باز از آن حضرت است که:

هر کس ستم ستمگری را توجیه کند، خداوند کسی را بر او مسلط خواهد نمود که او را مورد ستم قرار دهد، در این هنگام اگر دعا کند دعایش مستجاب نشود، و خداوند از این ستمدیدی او را اجر و پاداشی ندهد.<sup>(1)</sup>

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 130/12، ح 11 در این باب روایات بسیار دیگری نیز با

همین مضمون وجود دارد که قبلاً به بعضی از آنها اشاره کرده ایم.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 345، ح 1.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 345، ح 2.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

و نیز از آن حضرت در حدیث دیگری آمده است:

و من أحب بقاء الظالمين فقد أحب أن يعصى الله<sup>(1)</sup>

و هر کس باقی ماندن ظالمان را دوست بدارد، در واقع دوست دارد که خداوند متعال نافرمانی شود.

### انصاف و نمود های آن

اهل بیت <sup>^</sup> در زمینه عدالت و مقدم داشتن حقوق مردم بر حقوق خود، ما را به مجموعه ای از مصادیق راهنمایی کرده اند:

**1.** مقابله به نیکی: از جمله این مصادیق، برگرداندن و مقابله به مثل یا مقابله به بهتر در خوبی ها و احسان هایی است که مردم در حق انسان مؤمن روا می دارند، چه اینکه خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

{هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ}<sup>(2)</sup>

مگر پاداش احسان جز احسان است؟.

و این نظیر پاسخ دادن به سلام و تحیت است که یا باید مانند همان تحیت باشد یا بهتر از آن، که باز فرموده است:

{وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها}<sup>(1)</sup>

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 12 / 134، ح 5.

2. الرحمن / 60.

1. النساء / 86.

و چون به شما درود گفته شد، شما به [صورتی] بهتر از آن درود گوئید،  
یا همان را [در پاسخ] برگردانید.

در احادیث شریف بر مسئله «ردّ المعروف» یا جواب خوبی را با خوبی  
دادن تأکید شده است.

از حضرت امام صادق × روایت شده است که فرمود:

حضرت امیرالمؤمنین × می فرمود: هر کس خوبی دیگران را به اندازه  
همان خوبی پاسخ دهد تنها پاداش کار آنان را داده است، اما کسی که خوبی  
دیگران را با خوبی بیشتر جواب دهد، شکر آن خوبی را به جای آورده و هر  
که از شکرگزاران باشد، بزرگوار است. کسی که بداند هر احسانی که می کند  
به خود می کند، دیگر منتظر تشکر مردم و طالب محبت بیشتر آنان نخواهد بود،  
بنا بر این، در برابر کاری که به نفع خود انجام داده‌ای و به وسیله آن آبرویت را  
حفظ کرده‌ای، از دیگران توقع تشکر نداشته باش، و بدان آن کس که نیاز خود  
را به نزد تو می آورد، آبروی خود را پیش تو می ریزد، پس تو نیز با رد نکردن  
وی، آبروی خود را نگاه دار.<sup>(1)</sup>

و علی بن سالم از حضرت امام صادق × شنید که فرمود:

آیه‌ای در کتاب خدا است که از محکّمات است (شرط و قیدی ندارد)

عرض کردم کدام آیه است؟

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 536، ح 1.

## تقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

فرمود: {هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ} که در باره مؤمن و کافر، و نیکوکار و فاجر جاری است. هر کس مورد احسان و نیکویی واقع گردید، بر او است که تلافی کند و تلافی تنها به این نیست که مانند همان کار را نسبت به طرف مقابل انجام دهد، بلکه به همراه این کار، باید بداند که طرف مقابل چون شروع کننده خوبی بوده از فضیلت بیشتری برخوردار است.<sup>(1)</sup>

و امام صادق × فرمود:

خداوند کسانی را که راه احسان و خوبی کردن را می‌بندند لعنت کند.

به آن حضرت عرض شد: کسانی که راه خوبی کردن را می‌بندند، چه کسانی هستند؟

فرمود: مردی که مورد احسان و خوبی واقع می‌شود اما سپاسگزاری نمی‌کند، و با این کار احسان کننده را دلسرد می‌کند، در نتیجه آن شخص دیگر به کسی خوبی نمی‌کند.<sup>(2)</sup>

و نیز آن حضرت از پیامبر اکرم ' چنین نقل کرده است که:

کسی که مورد احسان و خوبی واقع می‌شود باید که آن خوبی را تلافی کند، اگر توان این کار را ندارد باید که با زیان، صاحب نعمت را بر انجام

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 537، ح 3.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 539، ح 1.

این کار ستایش کند و اگر چنین نکند کفران نعمت کرده است.<sup>(1)</sup>

**2.** حق شناسی: از دیگر مصادیق مقدم داشتن دیگران بر خود، شناخت حق برادران دینی است، همان گونه که برادر دینی هم حق انسان را می‌شناسد و آن را رعایت می‌کند؛ زیرا حقوق در میان مؤمنان به صورت طرفینی است و این مطلب را در متون روایی که در رابطه با حقوق مؤمنان وارد شده است می‌توان یافت، از آن جمله است روایتی که از حضرت امام صادق  $\times$  وارد شده و در بخشی از آن چنین آمده است:

آیا مردی از میان شما که همسایه‌اش حق او را می‌شناسد و رعایت می‌کند اما او حق همسایه خود را رعایت نمی‌کند نباید حیا کند و خجالت بکشد؟<sup>(2)</sup>

**3.** مشغول شدن به رفع عیب‌های خود و رها کردن عیوب مردم: و از جمله این مصادیق این است که انسان مؤمن به یافتن و بر طرف کردن عیب‌های خود سرگرم شده و این کار او را از دنبال کردن عیب‌های مردم باز دارد، در این رابطه از حضرت امام باقر  $\times$  چنین روایت شده است:

پیامبر اکرم ' فرمودند:

سه خصلت است که اگر حتی یکی از آنها در کسی باشد، در روزی که

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 539، ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 399، ح 4.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

سایه‌ای جز سایه خدا نیست در زیر سایه او خواهد بود.  
مردی که آنچه از مردم می‌خواهد، همان را به آنها بدهد.  
مردی که جز با در نظر گرفتن رضای خداوند کسی را مقدم ندارد و دیگری را عقب نیاندازد.

و مردی که برادر مسلمان خود را به جهت داشتن عیبی که خود هم دارای همان عیب است سرزنش نکند، زیرا او عیبی از خود بر طرف نمی‌کند مگر اینکه عیب جدیدی در وی بروز می‌کند، پس سرگرمی بهتر از عیب خود را جستن برای مرد نیست تا به این وسیله از کاوش عیب مردم دست بردارد.<sup>(1)</sup>

و باز از آن حضرت نقل شده است که فرمود:

در عیب مرد همین بس که عیب دیگران را بشناسد اما از دیدن همان عیب در خود ناپینا باشد، یا مردم را بر داشتن عیبی ایراد کند که آن عیب در خود او بوده و توان اصلاح آن را ندارد، و دست آخر کسی که همنشین خود را برای چیزهای بی اهمیت آزار دهد.<sup>(2)</sup>

4. خوب سخن گفتن در باره مردم: از مصادیق دیگر، این است که در باره مردم بهترین سخنی را بگویند که دوست دارد مردم در باره او همان را بگویند مانند حسن ظن داشتن و حمل کردن سخنان بر بهترین وجوه و مدح و ستایش.

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 229، ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 229، ح 3.



از حضرت امام باقر × نقل است که در باره سخن خداوند متعال:

{وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا} <sup>(1)</sup> فرموده است:

در باره مردم بهترین سخنی را بگویید که دوست دارید مردم در باره شما همان را بگویند. <sup>(2)</sup>

این مصادیق همه در تحت عنوان مقدم داشتن مردم بر خود مندرج می شوند.

### مصادیق ستم و تجاوز

در زمینه ستم و تعدی بر مردم چنان که در حدیث اهل بیت <sup>^</sup> وارد شده است، شارع مقدس مصادیق عدیده‌ای را معین فرموده است، و این امر از طریق درک گسترده انسانی نسبت به موضوع عدل و ظلم شکل می‌گیرد؛ بدان سان که حرمت و صیانتی به مؤمن می‌بخشد که لازمه آن، تعامل و برخورد ویژه در روابط اجتماعی و بازندارندگی از بسیاری از اعمال و رفتارها است که در ذیل به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم:

**1. کشتن و آزار دادن مؤمن:** از جمله این مصادیق، کشتن مؤمن، آزار رساندن به وی، یا ترساندن او است، حتی اگر با یک کلمه یا یک نگاه باشد، همچنین است همکاری در این گونه کارها. حال به نمونه‌هایی از روایات و احادیث معتبر که بر این موضوع دلالت دارد توجه کنید:

---

1. و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 563، ب 21 ح 3.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

هشام بن سالم گفت: از حضرت امام صادق × شنیدم که فرمود:

هر کس بنده مؤمن مرا بیازارد، با من اعلام جنگ داده، و هر کس بنده مؤمن مرا گرامی دارد از خشم من در امان است.<sup>(1)</sup>

و امام صادق × فرمود:

در روز قیامت آن گاه که همه خلائق در حساب و کتاب هستند، مردی به نزد مرد دیگری رفته و روی وی را با خون خود می‌آلاید، مرد می‌گوید: ای بنده خدا، مرا با تو چه کار؟ مرد در پاسخ می‌گوید: در فلان روز بر ضد من اقدام کردی و اقدام تو بعداً باعث کشته شدن من شد.<sup>(2)</sup>

و در حدیث معتبر از حضرت امام باقر × آمده که فرمود:

در روز قیامت بنده‌ای از بندگان خدا محشور می‌شود که در طول زندگی خود خون کسی را نریخته است، آنگاه ظرفی به مانند ظرف حجامت یا بزرگتر، از خون به دست او داده می‌شود و به او می‌گویند: این سهم تو از خون فلان کس است، این شخص به خداوند متعال خطاب می‌کند که: خداوندا، تو خود می‌دانی که چون مرا قبض روح کردی خون کسی بر گردنم نبود، خداوند متعال فرماید: آری چنین بود، اما سخنی را از فلان کس شنیدی و آن را برای همه نقل کردی تا اینکه دهان به دهان گشت و به فلان شخص رسید و به جهت همین حرف او را کشت، پس این سهم

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 587، ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 615، ح 1.

تو در خون او است.<sup>(1)</sup>

و پیامبر اکرم ' فرمود:

کسی که نگاه تندی به مؤمنی بیاندازد تا وی را بترساند، خداوند متعال در روزی که سایه‌ای جز سایه رحمتش وجود ندارد او را خواهد ترساند.<sup>(2)</sup>

2. اهانت کردن به مسلمان: از دیگر مصادیق ظلم، اهانت به مؤمن و تنها گذاشتن او در مشکلات است به هر اندازه که باشد، در همین رابطه از حضرت امام باقر × نقل شده است:

چون پیامبر اکرم ' را به معراج بردند: به خداوند متعال عرض کرد: پروردگارا، حال مؤمن در نزد تو چگونه است؟

فرمود: ای محمد، هر کس به یکی از دوستان و اولیای من اهانت کند، به مبارزه آشکار با من برخاسته است، و من در یاری دوستان خود، سریع‌ترین واکنش را دارم.<sup>(3)</sup>

و از حضرت امام صادق × روایت شده است که:

مؤمنی نیست که برادر دینی خود را در هنگام مشکلات تنها بگذارد، مگر اینکه خداوند متعال وی را در دنیا و آخرت ناامید و تنها می‌گذارد.<sup>(1)</sup>

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 615، ح 3.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 614، ح 1.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 588، ح 1.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 589، ح 9.

### تقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

**3.** خوار کردن مؤمن: از جمله مصادیق ظلم، خوار کردن، حقیر دانستن و سبک شمردن حق مؤمن است، در این زمینه مُعلی بن خنیس از حضرت امام صادق × شنید که فرمود:

خداوند عزّ و جلّ فرموده است هر کس بنده مؤمن مرا خوار بدارد با من اعلام جنگ داده و هر کس بنده مؤمن مرا گرامی دارد از خشم من در امان است.<sup>(1)</sup>

و نیز از آن حضرت است که: پیامبر اکرم ' فرمود:

چون پروردگارم مرا به معراج برد، از پس پرده حجاب مطالبی را به من وحی کرد و به صورت رو در رو نیز به من فرمود: ای محمد، هر کس یکی از اولیای مرا خوار کند، برای جنگ با من کمین کرده است، و هر کس که به جنگ من بیاید با او خواهم جنگید. عرضه داشتیم: خداوندا، این دوستان و اولیای تو که هستند؟ من دانستم که هر کس با تو جنگ کند با وی جنگ خواهی کرد، خداوند متعال فرمود: او کسی است که از وی عهد و پیمان ولایت تو وصی تو و ذریه شما را گرفته‌ام.<sup>(2)</sup>

ابو هارون می‌گوید:

نزد حضرت امام صادق × بودم که آن حضرت به کسی که در حضور ایشان بود فرمودند: شما را چه می‌شود که ما را کوچک می‌شمارید؟

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 590، ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 591، ح 2.

ابوهارون گوید: مردی از خراسان به پا خاست و گفت: به خداوند متعال پناه می‌برم از اینکه شما یا امری از اوامر شما را کوچک شمرده باشیم. آن حضرت فرمودند: چرا! تو هم یکی از کسانی هستی که مرا کوچک شمرده‌ای

مرد گفت: پناه به خدا اگر چنین کاری کرده باشم.

حضرت امام صادق  $\times$  به وی فرمود: وای بر تو آیا در نزدیکی جَحْفَه نشیندی که فلان کس به تو گفت: به خدا سوگند که از رفتن ناتوان شده‌ام، مرا به مسافت یک میل بر مرکب خود سوار کن، به خدا سوگند که تو حتی سر بلند نکردی که به او نگاه کنی؛ تو او را کوچک شمردی، و هر کس مؤمنی را کوچک بشمارد ما را کوچک شمرده و حرمت خداوند عزّ و جلّ را ضایع گردانده است.<sup>(1)</sup>

**4.** سرزنش کردن مؤمن: دیگر سرزنش کردن مؤمن بر ارتکاب گناه یا انجام کار زشت است که البته این کار با نهی از منکر، یا نصیحت کردن به قصد بازداشتن شخص از گناه، تفاوت دارد.

در حدیث معتبر از حضرت امام صادق  $\times$  وارد شده است:

من عیّر مؤمناً بذنب لم یت حتی یرکبه<sup>(1)</sup>

هر کس مؤمنی را بر ارتکاب گناهی سرزنش کند، تا خود مرتکب آن گناه

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 592، ح 1.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 596، ح 1.

نشود نمی‌میرد.

و باز از آن حضرت است که:

هر کس مؤمنی را به حالت توبیخ و سرزنش ملاقات کند، خداوند متعال در دنیا و آخرت وی را مورد توبیخ قرار خواهد داد.<sup>(1)</sup>

**5.** پرونده سازی برای مؤمن: از دیگر مصادیق ظلم دنبال کردن و جمع آوری گناهان و لغزش‌های مؤمنان به قصد بهره برداری در راه هتک حرمت و بردن آبروی آنان است.

در این رابطه از حضرت امام صادق  $\times$  روایت شده است که فرمود:

دورترین حالت یک بنده از خدا این است که مردی با مرد دیگر اظهار دوستی و برادری کند و در نهان بدی‌هایش را جمع آوری کند تا روزی وی را به واسطه آن سرزنش نماید.<sup>(2)</sup>

و حضرت امام صادق  $\times$  فرمود: پیامبر اکرم ' فرمودند:

ای گروهی که به زبان مسلمان شده‌اید اما ایمان هنوز به دل هایتان راه نیافته است، مسلمانان را مذمت نکنید و به دنبال عیب‌های آنان نباشید، چرا که هر که عیب‌های مسلمانان را دنبال کند خداوند نیز عیب‌های او را دنبال خواهد کرد، و هر کس که خداوند متعال عیب‌های او را دنبال

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 596، ح 4.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 594، ح 1.

کند او را رسوا خواهد نمود اگر چه در کنج خانه خود نشسته باشد.<sup>(1)</sup>

**6.** ناسزا گفتن و بدگویی به مؤمن: از جمله مصادیق ظلم، سبّ و لعن و بدگویی نسبت به مؤمن است، در روایت معتبر از حضرت امام موسی بن جعفر × آمده است که در باره دو مرد که به یکدیگر ناسزا گفته بودند، فرمود:

آنکه آغاز کننده دشنام گویی بوده ستمکارتر از دیگری بوده، و گناه طرف مقابل هم بر گردن او است تا اینکه برود و از مظلوم عذرخواهی کند.<sup>(2)</sup>

و امام باقر × فرمود:

مردی از قبیله تمیم به نزد پیامبر اکرم ' رفت و عرضه داشت: مرا نصیحت کن، در میان سفارشاتى که پیامبر اکرم ' به وی فرمودند، این بود که: به مردم دشنام ندهید که باعث جلب دشمنی آنان نسبت به شما خواهد شد.<sup>(3)</sup>

و پیامبر اکرم ' فرمود:

همانا خداوند عزّ و جلّ مؤمن را از عظمت جلال و قدرت خود آفریده است، پس هر که در باره مؤمنی بدگویی کرده، یا سخن وی را رد کند، با خدا مخالفت ورزیده است.<sup>(1)</sup>

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 594، ح 3.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 610، ح 1.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 610، ح 2.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 612، ح 5.

## تقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

و حضرت صادق × فرمود:

چون لعنت از دهان لعنت کننده خارج می شود میان وی و شخص لعنت شده در تردد می باشد، اگر در شخص مورد لعنت مجوزی یافت به او می رسد و در غیر این صورت به لعنت کننده باز می گردد که او به لعنت سزاوارتر است. پس بر حذر باشید که مؤمنی را لعنت نکنید، چون ممکن است خود مورد آن لعن واقع گردید. <sup>(1)</sup>

**7.** غیبت کردن از مؤمن: از دیگر موارد ظلم، گفتن سخنان ناپسند در رابطه با مؤمن است؛ سخنی که او را ناراحت کرده، عیب های پنهانش را آشکار کند. این کار در قرآن کریم غیبت نام دارد و از آن به خوردن گوشت جسد برادر تعبیر شده و بر حرمت آن این گونه تصریح شده است:

{وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمُ بَعْضًا أَوْ يَجِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ} <sup>(2)</sup>

و بعضی از شما غیبت بعضی نکند؛ آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد؟ از آن کراهت دارید.

از حضرت امام صادق × این گونه نقل شده است که:

آنان که هر چه چشمانشان در باره مؤمنی می بیند و گوششان در باره او

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 613، ب 160 ح 1.

2. حجرات: 12.



می‌شنود را بازگو می‌کنند، از جمله کسانی هستند که خداوند در باره آنها می‌فرماید:

{کسانی که دوست دارند زشتکاری در میان آنان که ایمان آورده‌اند، شیوع پیدا کند، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پر درد خواهد بود}.<sup>(1)</sup>

و از پیامبر اکرم ' در وصیت به اباذر نقل است که فرمود:

ای اباذر از غیبت کردن بپرهیز که گناه غیبت از گناه زنا سنگین تر است

ابوذر گوید: عرض کردم، چرا ای رسول خدا '؟

فرمود: زیرا ممکن است مردی مرتکب عمل زنا بشود اما بعداً پشیمان شده و به درگاه خدا توبه کند و خدا هم توبه او را بپذیرد، اما توبه غیبت کننده پذیرفته نمی‌شود تا اینکه شخص مورد غیبت او را ببخشد

ای اباذر، دشنام دادن به مسلمان فسق است، جنگیدن با او کفر، و خوردن گوشت او غیبت نافرمانی خدا، و حرمت مال مسلمان به سان حرمت خون او است.

عرضه داشتم ای پیامبر خدا، غیبت چیست؟

فرمود:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 598، ح 6. آیه 19 سوره نور.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

اینکه برادر مسلمان خود را در پشت سر بدان سان یاد کنی که اگر بشنود ناراحت شود

عرضه داشتم: ای رسول خدا، حتی اگر آنچه در باره او گفته می شود واقعیت داشته باشد؟

فرمود:

بدان که اگر او را به آنچه واقعاً در او هست یاد کنی مرتکب غیبت شده ای، و اگر آنچه در باره اش گفתי خلاف واقع باشد مرتکب تهمت و بهتان شده ای.<sup>(1)</sup>

و از حضرت امام صادق × این گونه نقل شده است که:

کسی که در تعامل با مردم ستم روا ندارد، در سخن گفتن با آنان دروغ نگوید و در وعده ای که به مردم می دهد تخلف ننماید، از کسانی است که غیبتش حرام، مردانگیش کامل، عدالتش آشکار و برادریش واجب می باشد.<sup>(2)</sup>

البته فقها سخن گفتن در باره فاسقی را که علناً مرتکب فسق می شود، از حکم حرمت غیبت استثنا کرده اند، در این زمینه از حضرت امام صادق × نقل است که فرمود:

إذا جاهر الفاسق بفسقه فلا حرمة له ولا غيبة<sup>(3)</sup>

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 598، ح 9.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 597، ح 2.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 604، ح 4.

هنگامی که فاسق فسق خود را آشکار کرد، دیگر حرمتی برایش نبوده و غیبتش حرام نیست.

و از حضرت امام موسی کاظم × نیز روایت شده است که فرمود:

هر کس پشت سر مردی سخن بگوید و آنچه می‌گوید، هم راست باشد و هم مردم همه از آن اطلاع داشته باشند، مرتکب غیبت نشده است، اما اگر آنچه می‌گوید راست باشد ولی مردم از آن بی اطلاع باشند مرتکب غیبت شده است، و اگر آنچه در باره او گفته است اصلاً حقیقت نداشته باشد مرتکب تهمت و بهتان شده است.<sup>(1)</sup>

**8. بهتان:** شک نیست که چنان که در روایات هم آمده است گناه تهمت و بهتان زدن بر مؤمن از گناه غیبت نیز بیشتر است، در حدیث معتبری از حضرت امام صادق × آمده است:

هر کس، به مرد یا زن مؤمنی تهمتی بزند که در او نباشد، خداوند متعال او را تا وقتی که آن مؤمن گرفتار آن تهمت است در سرشتی پلید مبعوث می‌کند.

راوی گوید: پرسیدم: سرشت پلید کدام است؟

فرمود: خونابه‌ای که از رحم زنان بدکاره<sup>(2)</sup> بیرون می‌آید.<sup>(3)</sup>

**9. سخن چینی:** از دیگر موارد ظلم و تعدی سخن چینی و تیره کردن

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 604، ح 3.

2. احتمالاً منظور ترشحات ناشی از بیماری های مقاربتی باشد که معمولاً زنان بدکاره به آنها مبتلا می‌باشند.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 603، ح 1.

## تقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

روابط میان مؤمنان و جدایی انداختن میان آنان است. در حدیث صحیح از حضرت امام صادق  $\times$  روایت شده است که فرمود:

پیامبر اکرم ' فرمود: آیا بدترین شما را به شما معرفی نکنم؟

عرضه داشتند: چرا ای پیامبر خدا.

فرمود: کسانی که برای سخن چینی در میان مسلمانان رفت و آمد می کنند، میان دوستان جدایی می اندازند، و برای بی گناهان عیب می تراشند.<sup>(1)</sup>

و باز از پیامبر اکرم ' است که در وصیت خود به ابوذر فرمود:

ای اباذر، قَتَات وارد بهشت نمی شود.

اباذر گوید: از آن حضرت پرسیدم: قَتَات کیست؟

فرمود: نام (سخن چین) سپس فرمود: ای اباذر، سخن چین در آخرت از عذاب خدا خلاصی ندارد. ای اباذر، هر کس در دنیا دو چهره و دو زبان باشد، در قیامت دو زبان از آتش خواهد داشت. ای اباذر، آنچه در یک مجلس روی می دهد، در نزد کسانی که در آن مجلس حضور دارند امانت، و افشا کردن اسرار برادران خیانت است، از انجام این کار و حضور در مجلسی که در آن به لغزش بیافتی پرهیز کن.<sup>(2)</sup>

**10. تهمت:** از دیگر موارد ظلم، متهم کردن مؤمن و داشتن سوء ظن

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 616، ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 617، ح 4.

## ساختار روینایی روابط اجتماعی

---

نسبت به او است. در این زمینه از حضرت امام صادق × روایت شده است که فرمود:

هنگامی که مؤمنی برادر دینی خود را متهم می‌کند، ایمان در دل او ذوب می‌شود چنانکه نمک در آب حل می‌شود.<sup>(1)</sup>

و نیز از همان حضرت نقل است که فرمود:

حضرت امیرالمؤمنین × در سخنی فرموده‌اند:

کار برادر خود را به بهترین صورت ممکن حمل (توجیه) کن تا جایی که بدگمانی تو را از او برطرف سازد، و تا وقتی می‌توانی برای سخن برادر دینی خود وجه خیری بیابی هرگز به خاطر کلمه‌ای که از دهان او خارج شده به وی سوء ظن پیدا نکن.<sup>(2)</sup>

### نمونه‌های عالی عدالت در روابط

شارع مقدس در تأکید عملی بر رعایت عدالت در روابط اجتماعی و معاشرت سعی فراوان کرده است که این خود نشان از رسوخ این قاعده مهم در استحکام ساختار روینایی این روابط دارد.

در این راستا می‌توان به بعضی از موارد اشاره کرد که در این زمینه از معانی خاصی برخوردار هستند:

**1. نجوا نکردن:** شارع مقدس به شدت از نجوا کردن دو نفر، یعنی

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 613، ب 161 ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 614، ح 3.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

صحبت کردن خصوصی و درگوشی، البته در هنگامی که شخص سومی هم در آن مجلس حضور داشته باشد نهی کرده است، قرآن کریم نیز بعضی از مسلمانان را که پس از ورود این نهی، دوباره این کار را انجام می‌داده‌اند این گونه سرزنش کرده است:

{أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يُعْودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ} <sup>(1)</sup>

آیا کسانی را که از نجوا منع شده بودند، ندیدی که باز بدانچه از آن منع گردیده‌اند، برمی‌گردند و با همدیگر به [منظور] گناه و تعدی و سرپیچی از پیامبر، محرمانه گفتگو می‌کنند.

در حدیث صحیح از حضرت امام صادق × نیز آمده است:

هنگامی که جمع به سه نفر می‌رسد دو نفر از آنان را نشاید که با یکدیگر نجوا کرده و نفر سوم را در سخن خود دخالت ندهند: این کار موجب اذیت و ناراحتی وی خواهد شد. <sup>(2)</sup>

**2. تقسیم نگاه ها:** از جمله صفات پسندیده این است که چون انسان با گروهی از مردم سخن می‌گوید و یا حتی با آنان در یک مجلس می‌نشیند، نگاه خود را به طور مساوی در میان آنان تقسیم کند در حدیث معتبری از حضرت امام صادق × وارد است که فرمود:

1. مجادله / 8.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 472، ب 72 ح 1.

پیامبر اکرم ' نگاه خود را در میان اصحاب خویش تقسیم می نمود و به همه آنان به یک اندازه نگاه می کرد، گویند: آن حضرت هرگز پای خود را در حضور اصحاب خود دراز نمی کرد، آن حضرت چون با کسی دست می داد دست خود را از دست او نمی کشید تا او خود دستش را از دست پیامبر بیرون آورد، مردم وقتی این را فهمیدند دست پیامبر را رها نمی کردند و آن حضرت مجبور می شد تا چون با کسی دست می دهد با دست دیگر خود دست او را گرفته و از دست خود بیرون بکشد.<sup>(1)</sup>

3. قطع نکردن حرف دیگران: سزاوار است که چون مسلمانی سخن می گوید سخن او را قطع نکرده و میان کلام او نپزند، مرحوم کلینی از حضرت امام صادق × روایت کرده است که فرمود:

من عرض لأخيه المسلم المتكلم في حديثه فكأنا خدش وجهه<sup>(2)</sup>

هر کس میان کلام برادر مسلمان خود ببرد و سخن او را قطع کند گویا به صورت او چنگال کشیده است.<sup>(3)</sup>

#### (4) حسن اخلاق و محبت با مردم

در بیان اصول و قواعد ساختار روابط، گفتیم که برخورداری از اخلاق خوش و ابراز محبت و دوستی با مردم، چه در شیوه رویکرد باز و چه در محتوای اخلاقی روابط، دو اصل بنیادین را تشکیل می دهند. بلکه در

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 499، ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 472، ح 1.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 472، ب 73 ح 1.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

مراحل پیشرفته که این محبت در مسیر رضای خدا قرار گیرد، حتی در ردیف دین و ایمان و عقیده نیز محسوب می شوند.

در مباحث گذشته نیز به بعضی از متون روایی مربوط به تبیین و تأکید این اصل و قاعده در ساختار روابط اجتماعی اشاره کرده ایم.

این حقیقت را می توان در دیگر ویژگی های کلی ساختار روابط اجتماعی نیز یافت که تأکید کننده محتوای همین قاعده است مانند آنچه در بیان شیوه رویکرد باز بیان نمودیم که برخورد کردن با مردم به صورت بسته، دشمنی آنان را برمی انگیزاند، همچنین روایاتی که در باره نهی از جدل کردن و دشمنی و برحذر داشتن مؤمنان از کینه ورزی وارد شده است.

همچنین، علاوه بر آنچه در بالا ذکر کردیم، می بینیم که شارع مقدس بر این نکته تأکید فرموده که مؤمن در رابطه با دیگران نرمخو و ساده و سهل الوصول است.

در حدیث معتبر از حضرت امام صادق  $\times$  نقل شده است که فرمود:

پیامبر اکرم ' فرمود آیا شما را از کسی که در روز قیامت آتش جهنم بر او حرام است آگاه کنم؟

گفتند: آری ای پیامبر خدا.

فرمود: کسی که نرمخو و نزدیک و ساده و سهل الوصول باشد.<sup>(1)</sup>

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 510، ب 106 ح 1.



روایات دیگری مانند:

مؤمنان نرم و سهل الوصول هستند، مانند شتر اهلی که مطیع صاحب خود می‌باشد و اگر بر سر صخره‌ای او را بنشانند خواهد نشست<sup>(1)</sup>

نیز مؤید این مطلب است.

البته تذکر این نکته ضروری است که همه آنچه گذشت در عرصه روابط اجتماعی می‌باشد، اما آنچه از یک مؤمن در روابط سیاسی و پای بندی به تکالیف سیاسی و عهد و پیمان‌های آن، یا پای بندی به ایمان و عقیده مطلوب است، قدرت و قوت و صلابت در ایمان و پایداری بر اصول است.

روایاتی که خوشرویی، و گشاده رویی را از ویژگی‌های مؤمن دانسته است نیز در تأکید همین مسئله است: روایاتی چون:

دست و دل‌بازی و گشاده رویی جلب کننده محبت بوده انسان را به بهشت داخل می‌کنند: در مقابل، بخل و ترشروی انسان را از خداوند متعال دور کرده و به جهنم می‌اندازد.<sup>(2)</sup>

و از حضرت امام باقر × روایت شده است که:

مردی به نزد پیامبر اکرم ' آمد و عرض کرد: مرا نصیحت کن، از جمله سفارشات که پیامبر اکرم ' به او فرمودند این بود: برادرت را با روی

---

1. کلینی، الکافی 2 / 234 ح 14.

2. کلینی، الکافی 2 / 103 ح 5.

گشاده ملاقات کن.<sup>(1)</sup>

و پیامبر اکرم ' فرمودند:

ای فرزندان عبدالمطلب شما نمی‌توانید با اموال خود دل مردم را به دست بیاورید، بلکه آنان را با گشاده رویی و اخلاق خوش ملاقات کنید.<sup>(2)</sup>

### گام‌ها و مراتب دوستی و مدارا

از جهت گیری و توجه عام اسلام نسبت به حسن اخلاق و دوستی و محبت که بگذریم به مجموعه‌ای از گام‌های کلی می‌رسیم که شریعت اسلامی برای پیاده کردن این حسن اخلاق و مدارا وضع کرده است و این موارد به آنچه در بیان قاعده بعدی خواهیم آورد که عبارت از احسان و نیکوکاری باشد اضافه خواهد شد که حدّ اعلاّی حسن خلق و مدارا با مردم است.

#### 1. دیدار کردن

قبلاً در بیان بعد تقویت ساختار اجتماعی در باره اهمیت دیدار و ملاقات در تحقق محتوای عاطفی روابط که همان محبت و دوستی باشد سخن گفتیم؛ آنجا که تشویق و ترغیب مؤمنان به دیدار کردن با یکدیگر، موجب ازدیاد این امر در میان آنان گردیده و فرصت ابراز حسن خلق و مدارا بیشتر شده است، ملاحظه می‌شود که پیامبر

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 512، ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 512، ح 4.

اکرم ' در این رابطه فرموده‌اند:

چهار میل سیر کن تا با برادر دینی خود دیدار کنی.<sup>(1)</sup>

و قبلا از شعیب عقرقوفی در حدیثی که از حضرت امام صادق × نقل کرده، چنین آمده بود:

تزاو روا و تلاقوا.<sup>(2)</sup>

به ملاقات یکدیگر رفته و با هم دیدار کنید.

و از حضرت امام صادق × نقل است که:

التواصل بین الإخوان فی الحضر التزاور.<sup>(3)</sup>

پیوند میان برادران دینی در وطن، ملاقات و دیدار است.

همچنین از همان حضرت در بیان حقوق برادران دینی بر یکدیگر آمده است:

إذا شهد فزره

هنگامی که برادر دینی تو در وطن حضور دارد به دیدارش برو.

و باز از آن حضرت روایت شده است که فرمود:

از رفتن به دیدار برادران دینی خسته نشو، زیرا هنگامی که مؤمنی به دیدار

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 248، ح 3.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 552، ح 1.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 494، ح 2.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

مؤمنی می‌رود و به او می‌گوید: مرحبا خوش آمدی، تا روز قیامت برای وی مرحبا نوشته می‌شود، و چون با هم دست می‌دهند خداوند متعال در فاصله دو انگشت شصت آنها یکصد رحمت نازل خواهد نمود که نود و نه رحمت از آن متعلق به کسی است که محبت بیشتری به طرف مقابل داشته باشد، سپس خداوند به آنها روی می‌آورد و همین اقبال نیز برای کسی که طرف مقابل خود را بیشتر دوست دارد شدیدتر است، و چون یکدیگر را در آغوش می‌گیرند رحمت آنها را فرا می‌گیرد.<sup>(1)</sup>

اهل بیت <sup>^</sup> برای این دیدارها هدفی کلی در نظر گرفته‌اند و آن، ایجاد مرتبه بالای محبت، دوستی و ارتباط روحی است؛ آنجا که حضرت امیرالمؤمنین  $\times$  در نهج البلاغه از این نوع رابطه این گونه تعبیر کرده است:

با مردم چنان معاشرت کنید که اگر بمیرید بر شما بگریند و اگر زنده بمانید شیفته شما شوند.<sup>(2)</sup>

این گونه مدارا کردن تنها یک تظاهر صوری و برای جلب منافع خاص نیست که در واقع به نفاق کشیده شود، بلکه هدف و محتوای حقیقی آن، محبت و عشق واقعی است.

و از آن جهت که دیدار و مراوده از یک سو در روابط اجتماعی و از سوی دیگر در ایجاد حسن خلق و مدارا در میان مؤمنان از جایگاه

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 564، ح 3.

2. نهج البلاغه / حکمت 10.

ویژه‌ای برخوردار می‌باشد، می‌بینیم که شارع مقدس برای گرفتن بهترین نتایج از این دیدارها، در خلال گام‌هایی که در ذیل خواهد آمد، اصول و قواعد و ضوابط زیبایی وضع کرده است:

### گام اول: دیدار با سلام و گشاده رویی

اولین برخورد همواره نخستین خشت بنای یک ارتباط است و به همین جهت، شکل و کیفیت آن، اولین گام را در ایجاد محبت و دوستی تشکیل می‌دهد، اسلام نیز در این زمینه بر چند مطلب تأکید کرده است:

(1) ابتدا به سلام: پیشقدم شدن در سلام در دیدارها اولین امری است که بر آن تأکید شده است، چنان که در حدیث معتبر از حضرت حضرت امام صادق × آمده است:

کسی که اول سلام کند به خدا و پیامبر خدا نزدیک‌تر است.<sup>(1)</sup>

واز حضرت سجاد ' نیز آمده است:

از اخلاق مؤمنان این است که در سلام کردن بر مؤمنان از دیگران سبقت می‌گیرد.<sup>(2)</sup>

همچنین از حضرت پیامبر اکرم ' نیز به طریق معتبر روایت شده است که فرمود:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 435، ح 1.

2. ر.ک وسائل الشیعه 8 / 436، ح 2.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

ابدؤا بالسلام قبل الکلام، فمن بدأ بالکلام قبل السلام فلا تجیبوه. (1)

پیش از آغاز سخن سلام کنید، و هر کس قبل از سلام کردن سخن آغاز کرد پاسخش را ندهید.

اسلام جایگاه ویژه‌ای به سلام بخشیده و آن را شعار مسلمانان قرار داده آداب و قواعد مفصل و بسیاری برای آن وضع نموده است تا این کار خوب در تعامل مسلمانان با یکدیگر جایگاه واقعی خود را بیابد؛ مرحوم صاحب **وسائل** بیش از بیست باب در رابطه با همین آداب و وظایف ذکر کرده که مراجعه به آنها مفید می‌باشد. (2)

ما نیز در لا به لای احادیث قبلی به بعضی از آنها اشاره کرده‌ایم و شاید در باب بخش ساختار شعائر و عبادات نیز به بعضی دیگر از آنها اشاره کنیم.

**(2) چهره متبسم در دیدار:** دیدار با روی باز و چهره متبسم دومین نکته‌ای است که بر آن تأکید شده است؛ در روایت سکونی از حضرت امام صادق  $\times$  آمده است که پیامبر اکرم ' فرموده است:

سه چیز محبت و دوستی انسان مسلمان را برای برادر دینی او پاک و خالص می‌کند: گشاده رویی در هنگام ملاقات، جا باز کردن برای او در هنگام نشستن در مجالس و نامیدن او به نامی که در نزد وی محبوب‌تر است. (3)

در همین زمینه به روایات استحباب تبسم کردن مؤمن به روی برادر

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 436، ح 4.

2. ر.ک: وسائل الشیعه 8 / 435 - 454 و 456 - 458 و ...

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 434 / ب 30، ح 2.

مؤمن می‌رسیم؛ از حضرت امام باقر × نقل است که فرمود:

تبسم کردن به چهره برادر مؤمن حسنه است، دور کردن ناگواری‌ها از مؤمن حسنه است؛ و خداوند به عملی همچون شاد کردن دل مؤمن عبادت نشده است.<sup>(1)</sup>

**(3)** خوش سخنی: خوب صحبت کردن در هنگام ملاقات برادران مؤمن، سومین نکته‌ای است که بر آن تأکید شده است؛ آنجا که در روایات، سلام کردن با صدای بلند و گفتن سخنان زیبا مورد تأکید قرار گرفته است.

از حضرت امام باقر × نقل است که فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَجِبُ إِفْشَاءَ السَّلَامِ.<sup>(2)</sup>

خداوند عزّ و جلّ سلام کردن با صدای بلند را دوست می‌دارد.

و امام صادق × فرمود: امیر مؤمنان × فرموده:

نه خشمگین شوید و نه دیگران را به خشم آورید. آشکارا و با صدای بلند سلام کنید، سخنان نیکو بر زبان آورید و چون مردمان به خواب شبانهگاهی فرو روند به نماز بایستید تا با آرامش وارد بهشت شوید سپس این آیه شریفه را تلاوت فرمود که: {اوست همان پروردگار پاک سلامت

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 483، ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 438، ح 1.

بخش، مؤمن [به حقیقت حقه خود] و نگاهبان}.<sup>(1)</sup>

### گام دوم: مصافحه، معانقه، بوسیدن و ابراز محبت

نحوه برخورد در دیدارها گام دوم به حساب می‌آید؛ اموری که از طریق آنها می‌توان مسئله حسن خلق و محبت و مدارا را در مرحله عمل پیاده نمود؛ اینجا است که می‌بینیم شارع مقدس در این راستا بر مسائل چندی به صورت ویژه تأکید فرموده است:

(1) مصافحه (دست دادن): دست دادن با مؤمن در هنگام ملاقات که یکی از شیوه‌های نشان دادن محبت و دوستی است، در همین رابطه به طریق معتبر از حضرت امام «باقر» روایت شده است که فرمود:

هر گاه دو مؤمن با یکدیگر ملاقات نموده و با هم دست می‌دهند، خداوند به آنها رو آورده و چنان که برگ از درخت می‌ریزد گناهانشان فرو می‌ریزد.<sup>(2)</sup>

و از حضرت امام صادق «نقل است که فرمود:

تصافحوا فإنها تذهب بالسخيمة.<sup>(3)</sup>

با یکدیگر دست بدهید که کینه‌ها را می‌برد.

روایاتی هم در رابطه با آداب دست دادن وارد شده است که به نوبه

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 438، ب 34 ح 3.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 554، ح 2.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 554، ح 5.



خود نشان دهنده میزان اهمیت این کار و نقش آن بوده، آن را به عنوان شعاری از شعائر اسلامی مطرح می‌نماید.<sup>(1)</sup>

(2) روبروسی کردن: در آغوش گرفتن و دیده بوسی کردن با یکدیگر که از آن به معانقه تعبیر می‌شود نیز تأکید کننده دوستی و محبت و نشانه حسن خلق است؛ در حدیث از حضرت امام باقر × و حضرت امام صادق × چنین آمده است:

هر مؤمنی که برای دیدار برادر دینی خود از خانه خارج می‌شود، در حالی که حق او را می‌شناسد، خداوند متعال به هر قدمی که بر می‌دارد حسنه‌ای نوشته، گناهی پاک کرده و درجه‌ای بر درجاتش می‌افزاید، و هنگامی که در خانه او را می‌زند درهای آسمان بر وی گشوده می‌شود، و چون در بر رویش گشوده شده و آن دو با هم ملاقات کرده، دست داده و معانقه کردند، خداوند متعال به آنها توجه خاص می‌نماید و به این کار آنان در نزد فرشتگان مباحثات کرده می‌فرماید: به این دو بنده من بنگرید که برای رضای من با یکدیگر دیدار کرده و محبت می‌ورزند؛ بر خود واجب کردم پس از این عمل که از آنان سر زد، به آتش دوزخ عذابشان ننمایم.<sup>(2)</sup>

همچنین در حدیث صحیح از حضرت امام صادق × وارد است که فرمود:

چون دو مؤمن با یکدیگر معانقه می‌کنند، رحمت خداوند آنان را در بر

---

1. همچنین ر.ک: وسائل الشیعه ج 8، ب 127.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 563، ح 1.

می‌گیرد، و چون بدون در نظر گرفتن غرضی از اغراض دنیوی و تنها برای جلب رضایت خداوند متعال یکدیگر را تنگ در بر می‌گیرند به آنها خطاب می‌شود: آنچه تاکنون انجام داده‌اید بر شما بخشوده گردید، پس اعمال خود را از سر گیرید. و هنگامی که این دو مؤمن شروع به صحبت کردن با یکدیگر می‌کنند فرشتگان به یکدیگر می‌گویند: از این دو دور شوید که آنان را سری است که خداوند متعال آن را از همگان پوشیده داشته است.<sup>(1)</sup>

و در قضیه بازگشت پسر عموی گرامی پیامبر اکرم ' جعفر بن ابی طالب از حبشه که در روز فتح قلعه خیبر به دست برادرش حضرت علی بن ابی طالب × روی داد چنین نقل شده است:

چون جعفر بن ابی طالب از حبشه بازگشت، پیامبر اکرم ' به پا خاست و دوازده قدم به استقبال وی رفته او را در آغوش کشیده، پیشانی او را بوسید و در حالی که می‌گریست فرمود:

نمی‌دانم از کدام واقعه بیشتر خوشحال باشم: آمدن تو، یا فتح خیبر به دست برادرت؟! و از دیدن او گریه شوق کردند.<sup>(2)</sup>

و به سند صحیح از حضرت امام صادق × روایت شده است که فرمود:

إن من تمام التحية للمقيم المصافحة، و تمام التسليم علی المسافر المعانقة<sup>(3)</sup>

خوش آمد گویی کامل به کسی که وارد می‌شود دست دادن، و

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 563، ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 559، ح 1 به همراه پاورقی.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 449، ب 44 ح 1.

خداحافظی کامل با مسافر معانقه کردن است.<sup>(1)</sup>

(3) ابراز محبت: اعلام و ابراز محبت مؤمن به برادر مؤمن خود، یکی دیگر از راه‌های پیاده کردن حسن خلق و مدارا در روابط اجتماعی است؛ زیرا آشکار کردن این عواطف و ابراز آنها گاه از راه عمل تحقق می‌یابد، مانند مصافحه و معانقه و بوسیدن که گذشت و گاه نیز از راه کلامی و به زبان آوردن محبت قلبی صورت می‌پذیرد؛ در این رابطه به طریق معتبر از حضرت امام صادق × روایت شده است که فرمود:

هرگاه مردی را دوست داشتی، او را از محبت خود آگاه کن که این کار باعث تثبیت محبت و دوستی شما می‌گردد.

و در روایت دیگر فرمودند:

این کار باعث بقای دوستی شما گشته و برای انس و الفت میان شما بهتر است.

و در روایت سوم فرموده‌اند:

وقتی یکی از برادران خود را دوست داشتی این مطلب را به وی اعلام کن؛ چرا که حضرت ابراهیم به خداوند متعال عرض کرد: پروردگارا، به من نشان ده؛ چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟ فرمود: مگر ایمان نیاورده‌ای؟ گفت: چرا، ولی تا دلم آرامش یابد.<sup>(2)</sup>

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 449، ب 44 ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 434 (ب 31 / ح 1 و 2 و 3).

### گام سوم: آداب مجلس و سخن گفتن

شیوه صحیح تعامل در نشست و گفتگو، سومین گام در راه تحقق حسن خلق و مدارا بوده و از همین رو است که می‌بینیم شریعت اسلام اهمیت خاصی به این موضوع داده است که می‌توان آن را در امور ذیل ملاحظه نمود:

(1) آداب نشستن: تعامل در مجالس و اجتماعات در موارد چندی نمود پیدا می‌کند:

1. جا باز کردن برای دیگران در مجالس، همچنین پراکنده شدن و ترک مجلس در هنگام پایان یافتن وقت عادی آنها  
قرآن کریم این گونه بر این امر تصریح می‌نماید که:

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحَ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ }<sup>(1)</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به شما گفته شود: در مجالس جای باز کنید، پس جای باز کنید تا خدا برای شما گشایش حاصل کند، و چون گفته شود: برخیزید، پس برخیزید. خدا [رتبه] کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند [بر حسب] درجات بلند گرداند.

پیامبر اکرم ' فرموده‌اند:

کسانی که در تابستان در یک مجلس اجتماع می‌کنند سزاوار است در

میان هر دو نفر به اندازه طول استخوان ساعد دست فاصله قرار دهند تا به افراد سخت نگذرد.<sup>(1)</sup>

واز حضرت امام صادق × در تفسیر آیه کریمه:

{إِنَّا تَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ}<sup>(2)</sup> (که در باره حضرت ابراهیم × است) نقل شده که فرمود:

[از نشانه‌های نیکوکاری او این بود که] مجلس خود را گشاده می‌داشت، به نیازمندان قرض می‌داد و ناتوانان را یاری می‌کرد.<sup>(3)</sup>

علاوه بر این موارد، مجموعه‌ای از آداب را می‌یابیم که شارع مقدس در این باب آنها را مورد تأکید قرار داده است و با مراجعه به کتاب وسائل الشیعه می‌توان به آنها دست یافت.

2. استقبال و بدرقه: در این رابطه پیامبر اکرم ' فرمود:

از جمله حقوق کسی که به خانه‌ای داخل می‌شود بر صاحب خانه این است که هنگام ورود و خروج کمی همراه او راه برود.<sup>(4)</sup>

3. نشستن مهمان در جایی که صاحب خانه برایش مقرر می‌کند: زیرا صاحب خانه به جاهایی از خانه خود که برای نشستن مناسب‌تر

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 405، ب 4 ح 2.

2. ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 405، ب 4 ح 1.

4. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 471، ب 70.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

است، آشناتر از مهمان است، چه در مواردی که مربوط به پذیرایی از مهمان است و چه در مواردی که مربوط به شئون صاحب خانه می شود؛ در این راستا از پیامبر اکرم ' روایت شده است که فرمود:

إذا دخل أحدكم على أخيه المسلم في بيته فهو أمير عليه حتى يخرج<sup>(1)</sup>

هر گاه یکی از شما به خانه برادر مسلمان خود داخل شد، تا وقتی در خانه او حضور دارد، صاحب خانه بر وی امیر است.

و در همین ارتباط از حضرت امام باقر ' نقل شده است:

چون یکی از شما به خانه دیگری وارد شد باید در جایی بنشیند که صاحب خانه می گوید، چون صاحب خانه به خوب و بد خانه خود از این تازه وارد دانناست.<sup>(2)</sup>

4. کیفیت نشستن: در این رابطه حضرت عبد العظیم حسنی روایت کرده است که:

پیامبر اکرم ' سه نوع می نشستند: قرفصاء، به این صورت که ساق پاها را بلند کرده و با دو دست آنها را دور کرده و با یک دست ساعد دست دیگر را می گرفتند، دیگر اینکه دو زانو می نشستند و سوم اینکه یک پا را تا کرده و پای دیگر را بلند می نمودند، ولی هیچگاه به صورت چهار زانو دیده نشدند.<sup>(3)</sup>

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 471، ب 70.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 476، ب 78.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 472، ب 74 ح 1.

البته در باره چهار زانو نشستن نیز روایاتی موجود است که آن را برای استراحت موقت صحیح دانسته‌اند؛ مانند تعبیری که در حدیث حضرت امام سجاد × آمده است:

من برای رفع خستگی به این صورت چهار زانو نشستم.<sup>(1)</sup>

واضح است که این سه حالت برای نشستن با در نظر گرفتن اوضاع اجتماعی و زیستی آن روزگار از یک سو نشانه کمال ادب و از دیگر سو راهی برای صرفه جویی در مکان می‌باشد.

5. نشستن در نزدیک‌ترین مکان، هنگام وارد شدن به مجلس نشانه تواضع در نشستن است.

امام صادق × فرمود:

هر کس در مجلسی به مکانی دون شأن خود برای نشستن راضی شود، مادام که در آن مکان نشسته است خدا و فرشتگان بر وی درود می‌فرستند.<sup>(2)</sup>

و این امر در بیان اخلاق رسول خدا ' نیز آمده است؛ از حضرت امام صادق × روایت شده است که:

پیامبر اکرم ' چون به مجلسی داخل می‌گردید در نزدیک‌ترین جای خالی

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 473، ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 474، ح 1.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

می‌نشست. (1)

در این بخش عناوینی همچون استحباب رو به قبله نشستن و رو به آفتاب نشستن نیز هست که برخاسته از آثار مادی و معنوی این امور است. (2)

(2) پاسخ دادن به عطسه: به این صورت که به عطسه کننده بگویند: «یرحمک الله» و او نیز در پاسخ بگوید: «یهدیکم الله و یصلح بالکم» یا دعا‌های دیگر مانند: «یغفر الله لکم و یرحمکم» یا «یغفر الله لنا و لک» و این امر به تأسی از رسول خدا ' به عنوان یک ادب اجتماعی از سوی اهل بیت <sup>^</sup> مورد تأکید قرار گرفته است. از حضرت امام صادق × روایت شده است که:

للمسلم علی أخیه المسلم من الحق أن یسلم إذا لقیه، و یعوده إذا مرض، و ینصح له إذا غاب، و یسمته إذا عطس، یقول: الحمد لله رب العالمین لا شریک له، و یقول: یرحمک الله، فیجیب یقول له: یهدیکم الله و یصلح بالکم، و یجیبه إذا دعاه، و یشیعه إذا مات. (3)

مسلمان بر برادر مسلمان خود حقوقی دارد، از آن جمله اینکه: هنگام دیدار به او سلام کند، در هنگام بیماری از وی عیادت نماید، در هنگام غیبت برایش خیرخواهی کند، و در هنگام عطسه بگوید: الحمد لله رب

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 474، ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 475، ب 76 و 77.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 459، ح 1.



العالمین لا شریک له، و در برابر عطسه برادر مسلمان بگوید: یرحمک الله، و در پاسخ این دعا بگوید: یرحمکم الله و یصلح بالکم، چون او را بخواند اجابتش نموده و چون بمیرد در تشییع وی شرکت کند.

پیامبر اکرم ' فرمودند:

اگر مردی عطسه کرد برایش دعا کنید اگرچه از پشت جزیره‌ای باشد.<sup>(1)</sup>

در این رابطه نیز عناوین مختلفی موجود است؛ مانند اینکه عطسه کننده بگوید: الحمد لله و مستحب است پس از آن صلوات بفرستد، یا جواز دعای بعد از عطسه در حق کافر ذمی و سایر شئون.<sup>(2)</sup>

**(3)** ادب گفتگو: پیشتر به گفتگو و آداب و التزاماتی که باید بر آن حاکم باشد؛ اشاره کردیم؛ مانند رازداری و رعایت امانت و اینکه مطالبی که در یک مجلس بیان می‌شود، نزد اهل آن مجلس امانت است (المجالس بالامانة) و اینکه کسی حق ندارد مطلبی را که دوستش مخفی کرده آشکار کند، مگر اینکه او خود اجازه این کار را داده باشد، یا مورد اطمینان بوده و یا ذکر خیری از وی باشد و سایر موارد استثنا.<sup>(3)</sup>

و همچنین کراهت صحبت خصوصی و درگوشی در حضور شخص ثالث.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 459، ح 2 در این باب روایات مفید دیگری نیز با همین مضمون وجود دارد.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / ابواب احکام العشره / اب 57 - 66.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 471، ب 71.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

و نیز کراهت پریدن در میان صحبت مسلمان و قطع کلام وی؛ چرا که طبق حدیث شریف:

هر کس میان کلام برادر مسلمان خود ببرد و سخن او را قطع کند، گویا به صورت او چنگال کشیده است.<sup>(1)</sup>

(4) آداب خندیدن: در مبحث کنترل هیجانات و احساسات گذشت که خندیدن به صورت قهقهه کار ناپسندی است؛ و در حدیث معتبر آمده که قهقهه از شیطان است، همچنین دعوت ائمه <sup>^</sup> از پیروان خود به کم شوخی کردن، با این استدلال که زیاد شوخی کردن آبروی انسان را برده و باعث جلب کینه و دشمنی می‌گردد.

اما خنده و شوخی به صورت محدود و به دور از زیاده روی و به کار بردن سخنان رکیک، کاری مورد رضایت شارع مقدس بوده، به نوعی، نشان از دوستی و محبت داشته و از این رهگذر با جوّ روحی مطلوب برای نشست و گفتگو در حدود آداب اجتماعی همخوانی دارد.

معمر بن خالد از حضرت امام کاظم × پرسید:

فدایت شوم، مردی با گروهی نشسته، سخن می‌گویند و با هم شوخی و خنده می‌کنند

فرمود:

تا آن کار انجام نشده، اشکالی ندارد.

---

1. ر.ك وسائل الشیعه 8 / 472 / ب 72 و 73.

من گمان کردم منظور ایشان فحش و به کار بردن کلمات  
رکیک است.

آن حضرت سپس چنین ادامه دادند: عرب بادیه نشینی گاه به نزد  
پیامبر اکرم ' آمده و برای آن حضرت هدیه‌ای می‌آورد و در قبال هدیه  
خود به پیامبر می‌گفت: پول هدیه ما را به ما بده، و پیامبر اکرم ' از این  
شوخی او می‌خندید، و هر گاه که رسول خدا غمگین می‌شد می‌فرمود:  
آن عرب چه می‌کند؟ کاش به نزد ما می‌آمد.<sup>(1)</sup>

از حضرت امام صادق × نیز نقل است که فرمود:

خداوند متعال کسی را که بدون به کار بردن سخنان رکیک در میان  
جمعی مزاح کرده او آنان را شاد می‌کند<sup>(2)</sup> دوست دارد.

حضرت امام صادق × به یونس شبیبانی فرمودند:

مزاح و شوخی شما با یکدیگر چگونه است؟

عرض کردم خیلی کم است.

فرمود: این گونه نباشید، چون شوخی کردن از حسن خلق به شمار  
می‌رود و تو با این کار دل برادر خود را شاد می‌کنی، پیامبر اکرم ' نیز  
با مردم مزاح می‌کرد؛ آن حضرت می‌خواست دل آنان را شاد کند.<sup>(1)</sup>

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 477، ب 80 ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 478، ح 5.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 478، ح 4.

## تقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

امام صادق × فرمود:

ما من مؤمن إلا و فيه دعابة. (1)

هیچ مؤمنی از صفت دعابه خالی نیست. عرض کردم: دعابه چیست؟  
فرمودند: مزاح.

(5) رد نکردن احسان: قبول هدیه و احسان و رد نکردن آنها، نیز از انواع محبت و دوستی به حساب می آید و در تعدادی از احادیث بر آن تأکید شده و رد کننده هدیه را به درازگوش تعبیر کرده است؛ در حکم همین کار است مواردی که کسی جای خود، بالش تکیه گاه خود، یا عطر خود را به دیگری تعارف کند، و یا هر چیز دیگری که در اجتماعات و دیدارها برای بزرگداشت انسان به وی پیشکش شود و طرف مقابل از پذیرش آن امتناع نماید.

پیامبر اکرم ' فرمود:

هنگامی که چیزی به یکی از شما پیشکش شد، مبدا که آن را رد کند:  
چون پیشکش را جز درازگوش رد نخواهد کرد. (2)

و در ذیل همان روایت از حضرت رضا × سؤال شد، مراد پیامبر از پیشکش چه چیزهایی است؟

فرمودند:

این مطلب در رابطه با تعارف کردن عطر یا جای خود را در مجلس به

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 477، ح 3.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 470، ح 7.

کسی دادن است که هر کس نپذیرد چنان است که پیامبر فرموده است.<sup>(1)</sup>

در بعضی از روایات نیز بالش تکیه گاه و تمام چیزهایی که برای احترام و بزرگداشت شخص به وی هدیه می‌شود به این موارد اضافه شده است.<sup>(2)</sup>

### گام چهارم: احترام و تکریم

چنان که در قاعده پنجم نیز دانستیم، شک نیست که همه مصادیق احسان و نیکوکاری، مصادیق محبت ورزی و دوستی با مردم نیز هست و به زودی پاره‌ای از جزئیات و موارد و توضیحات را در این زمینه در هنگام بیان ساختار روئایی قاعده پنجم نیز بیان خواهیم داشت.

احترام و بزرگداشت از مقوله احسان و نیکوکاری بوده و یکی از مصادیق آن به شمار می‌رود، اما به دلیل اینکه این موضوع به موضوع دیدارها و اجتماعات نیز مربوط می‌شود، مناسب است که آن را در این قسمت که مختص به مسئله محبت و دوستی است ذکر کنیم.

شارع مقدس نیز اهمیت ویژه‌ای برای این امر قائل شده و ضمن تشریح پاره‌ای از آداب و رسوم که به بعضی از آنها در ذیل اشاره می‌کنیم به این مهم پرداخته است:

**(1) احترام و بزرگداشت:** در این رابطه از حضرت امام صادق ×

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 470، ح 5.

2. رك: ح 3 و 4 از همین باب.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

روایت شده است که فرمود:

یاران خود را بزرگ داشته و آنان را مورد احترام قرار دهید و مبدا که به یکدیگر حمله کنید.<sup>(1)</sup>

و در مبحث بر خورد های ویژه گذشت که رعایت احترام پیران و ریش سفیدان به منزله احترام گذاشتن به خداوند متعال است.

بزرگداشت مردم به ویژه بزرگان هر جامعه: قبلا در مبحث کراهت رد احسان، با یکی از جنبه های این امر آشنا شدیم، رفتار توأم با احترامی که پیامبر اکرم ' با عدی بن حاتم «پسر حاتم طایی» داشتند به همین مطلب اشاره دارد: حضرت امیرالمؤمنین × چنین نقل نموده است که:

چون عدی بن حاتم به نزد پیامبر اکرم ' آمد، آن حضرت وی را به خانه خود وارد کرد، در اطاق پیامبر چیزی جز زیراندازی از برگ نخل و بالشی از پوست نبود و آن حضرت با دستان مبارک خود آن زیر انداز را برای عدی بن حاتم پهن کردند.<sup>(1)</sup>

امام صادق × فرمود:

هر کس برادر مؤمن خود را دوست بدارد و گرفتاری او را برطرف نماید، مادام که این روحیه در وی باقی است، همواره در زیر سایه ای است که

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 406، ب 5 ح 2.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 469، ح 4.

خدا از رحمت بر سر وی می‌کشد.<sup>(1)</sup>

و پیامبر اکرم ' فرمود:

إذا أتاكم شريف قوم فأكرموه.<sup>(2)</sup>

اگر شریف قومی به نزد شما آمد وی را مورد احترام و تجلیل قرار دهید.

و پیامبر اکرم ' فرموده‌اند:

هنگامی که کریم قومی به نزد شما آمد وی را بزرگ دارید.<sup>(3)</sup>

کلمه شریف را که در روایت آمده است به معانی ذیل تفسیر کرده‌اند: ثروتمندان، کسانی که به واسطه انجام اعمال شایسته صاحب آبرو و اعتبار و به واسطه پرهیزگاری در میان قوم خود، بزرگوار شده‌اند.<sup>(4)</sup>

بلکه این حکم در فرهنگ اهل بیت <sup>^</sup> از شمول و فراگیری بیشتری برخوردار است، از حضرت امام صادق <sup>×</sup> نقل است که فرمود:

هر کس برادر مسلمان خود را که به نزدش آمده گرامی دارد، خداوند عزّ و جلّ را گرامی داشته است.<sup>(1)</sup>

**(2)** یاد کردن از مؤمن به بهترین نامی که خود می‌پسندد: همچنین به

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 591، ب 31 ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 448، ح 1.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 469، ح 2.

4. ر.ک وسائل الشیعه 8 / 468، ب 68 ح 1.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 590، ح 1.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

کار بردن کنیه<sup>(1)</sup> در حضور اشخاص، موجب احترام و بزرگداشت و در نتیجه جلب محبت مردم می شود.

حضرت امام کاظم × فرمود:

إذا كان الرجل حاضراً فكُنّه، و إذا كان غائباً فسمّه.

اگر شخصی در نزد تو حاضر بود او را با کنیه خطاب کن و اگر غایب بود با نام از وی یاد کن.

شاید این تفاوت به این دلیل باشد که اسم هر کس در شناساندن وی به دیگران از کنیه رساتر است و هنگامی که او حضور ندارد به شناسایی بیشتری نیازمند می باشد، به خلاف وقتی که حاضر است و حضور وی خود نوعی شناسایی است.

این روایت قبلاً گذشت که پیامبر اکرم ' فرموده اند:

سه چیز محبت و دوستی انسان مسلمان را برای برادر دینی او پاک و خالص می کند: گشاده رویی در هنگام ملاقات، جا باز کردن برای او در هنگام نشستن در مجالس و نامیدن او به نامی که در نزد وی محبوب تر است.

همچنین روایت شده است که پیامبر اکرم ' اصحاب خود را با کنیه صدا می زد تا بدین ترتیب آنان را احترام کرده و دل های آنان را به دست

---

1. کنیه کلمه ای مرکب است که از ترکیب يك نام با کلمه هایی مانند پدر، مادر یا فرزند ساخته می شود و دلالت آن بر صاحبش، به صورت کنایی بوده، عرب به کار بردن آن را از تصریح به اسم اشخاص محترمانه تر می داند؛ ترکیب هایی مانند: ابو محمد، ام ایمن، ابن الرضا و..



بیاورد؛ آن حضرت برای آن دسته از یاران خود که دارای کنیه نبودند، کنیه قرار می‌داد که از آن پس به همان کنیه نامیده می‌شدند.

آن حضرت بانوان را نیز با کنیه مورد خطاب قرار می‌دادند، چه زنانی که دارای فرزند بوده و کنیه داشتند و چه زنانی که دارای فرزند نبوده و آن حضرت برای آنها کنیه قرار می‌دادند. پیامبر اکرم ' حتی کودکان را نیز با کنیه صدا می‌زد و دل‌های آنان را به خود جلب می‌نمود.

روایت شده است که عمر به صهیب گفت: چگونه است که تو فرزندی نداری، اما تو را به کنیه صدا می‌زنند؟

وی پاسخ داد: پیامبر اکرم ' کنیه ابویحیی را برای من قرار داده است.

ابوبکره گفته است که من در طائف با چرخ چاه آب می‌کشیدم، پیامبر اکرم ' به من فرمودند: تو ابوبکره<sup>(1)</sup> هستی.

\* \* \*

### گام پنجم: احسان و نیکوکاری و جنبه های آن

در بیان ساختار روینایی پنجمین قاعده، که احسان و نیکی کردن به مردم و سخاوت و بخشندگی نسبت به آنان است، افق‌های گسترده‌ای در برابر ما قرار دارد؛ چرا که بسیاری از مصادیق گذشته، در عین داشتن وجهه‌های مختلف، تحت این قاعده نیز داخل هستند.

مثلا در بُعد گشودگی در روابط، به مسئله سلام کردن به صورت

---

1. بکره به معنی چرخ چاه است.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

آشکارا، یا حرمت قطع رحم و قهر میان مؤمنان سخن گفتیم، به این اعتبار که این دو مسئله بر جنبه گشودگی در روابط اجتماعی در دیدگاه اسلام دلالت دارند، اما در عین حال می‌بینیم که آشکارا سلام کردن و ترک قهر و جدایی از سوی مظلوم، خود نوعی احسان و بزرگواری از سوی وی نسبت به ظالم است.

چنین است در رابطه با اصل تکافل اجتماعی، اصل همیاری و دلسوزی یا اصل امر به معروف و نهی از منکر که در قاعده تقویت ساختار اجتماعی به آنها اشاره کرده‌ایم، یا مسئله حسن ظن داشتن به دیگران یا چشم پوشی کردن از کارهای بد یا آزار و اذیت هایی که در محدوده شخصی از افراد صادر می‌گردد.

و باز به همین منوال است در صفاتی همچون فروتنی و صبر و تحمل در برابر حسادت حسودان که در قاعده کنترل عواطف و هیجانات به آنها اشاره کردیم، که همه این موارد از مصادیق احسان و نیکوکاری به حساب می‌آید.

و شاید بتوان گفت تمام حالاتی که قبلا برای مردم داری و دوستی و محبت با مردم بیان کرده‌ایم، همچنین بسیاری از واجبات و پای بندی‌های شرعی یا اجتماعی که در حرکت کلی انسان در عرصه روابط اجتماعی، همه به گونه‌ای از مصادیق احسان و نیکوکاری به حساب می‌آیند.

از همین رو در بحث از ساختار روبنایی این قاعده تنها به چهار جنبه مربوط به آن اشاره می‌نماییم:

### (1) ضوابط نیکوکاری

اولین جنبه، اصول و ضوابط کلی احسان و نیکوکاری است که خود یکی از جنبه‌های مهم نظریه روابط اجتماعی اسلام به شمار می‌رود.

**1.** موازنه میان سود و زیان: اولین قانون و ضابطه در احسان و نیکوکاری این است که اگر چه نیکوکاری به صورت کلی امری پسندیده بوده و به دلیل ریشه گرفتن از مفاهیمی چون برادری، عدالت و مساوات میان مؤمنان، در بسیاری از موارد نشان از روحیه ایثارگری دارد، اما انسان باید در هنگام مبادرت به چنین کاری این نکته را در نظر بگیرد که زیان و خسارت آن برای وی از سود و منفعتش برای خود او، و نیز فایده‌ای که از این کار به برادر مؤمنش می‌رسد، بیشتر نباشد؛ کاری که همه انسان‌ها در نوع معاملات و معاوضات خود انجام می‌دهند؛ آنجا که در مقام معامله و معاوضه مال به مال یا مال در برابر حق، سعی دارند که اگر سود حاصل از این کار بیشتر از زیان نباشد، حد اقل باهم مساوی باشد.

در این رابطه احادیثی از اهل بیت <sup>^</sup> وارد شده است:

امام صادق × به اسماعیل بن خالد فرمودند:

پدرم حضرت امام باقر × ما [فرزندان خود] را جمع کرد و فرمود: فرزندانم، از تعرض به حقوق دیگران بپرهیزید، بر مصائب و مشکلات صبر کنید و اگر کسی از قوم شما، شما را به کاری فرا خواند که زیان آن

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

برای شما از سود آن بیشتر است، وی را اجابت نکنید.<sup>(1)</sup>

مرحوم شیخ کلینی نیز در کافی همین مضمون را ضمن احادیث متعددی از حضرت امام صادق و حضرت امام کاظم ' نقل کرده است که فرموده‌اند:

لا تدخل لأخيك في أمر مضرته عليك أعظم من منفعتك له

برای خدمت به برادر خود در امری داخل مشو که زیان آن برای او  
منفعتش برای او بیشتر باشد.

و لا تبدل لإخوانك من نفسك ما ضرّه عليك أكثر من منفعتك لهم.

برای برادران دینی خود به اندازه‌ای از خود مایه نگذار که بیش از سودی  
که به آنان می‌رسد به خود زیان برسانی.<sup>(2)</sup>

**2. عجله در کار خیر:** دومین ضابطه، تعجیل در رساندن خدمت به نیازمند، افشا نکردن این کار و کوچک شمردن کار خوب است هر چند بزرگ باشد؛ چرا که این امور هم برای انجام دهنده کار خیر هم برای کسی که مورد احسان واقع می‌گردد، در بر دارنده آثار مثبت روحی، فردی و اجتماعی است؛ از حضرت امام صادق × نقل کرده‌اند که:

رأيت المعروف لا يتم إلا بثلاث: تصغيره، و ستره، و تعجيله، فانك إذا صغرتَه  
عظمتَه عند من تصنعه إليه، و إذا سترته تمته، و إذا عجلته هتأتَه، و إذا كان

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 544، ح 6.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 544، ح 1 و 2.

غیر ذلک سخفته و نکدته. (1)

کار خیر در نظر من جز با سه چیز کامل نمی‌شود: کوچک شمردن، مخفی کردن و تعجیل کردن؛ زیرا چون کار خیر را کوچک شمردی در نظر آن کس که به وی خوبی کرده‌ای بزرگ جلوه خواهد کرد، و چون آن را مخفی داشتی به اتمامش رسانده‌ای و چون در انجامش عجله کردی آن را گوارا ساختی. اما اگر خلاف این موارد عمل کنی کار خیر خود را ضایع و بی مقدار نموده‌ای.

از حضرت امام سجاد × روایت شده است که فرمود:

لا یستقیم قضاء الحوائج إلا بثلاث: باستصغارها لتعظم، و باستکناها لتظهر، و بتعجیلها لتنهؤ. (2)

بر آوردن حاجات مردم جز با سه چیز درست نمی‌شود: به کوچک شمردن آن تا بزرگ شود، به پوشیده داشتن آن تا آشکار شود، و به تعجیل در آن تا گوارا گردد.

و به همین مضمون از حضرت امیرالمؤمنین × نقل شده است که فرمود:

لکل شیء ثمرة و ثمرة المعروف تعجیل السراح - یا به روایت صدوق - تعجیله. (1)

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11/ 542، ح 1.

2. نهج البلاغه/ حکمت 101.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11/ 543، ح 2.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

هر چیز را میوه و ثمره‌ای است و ثمره کار خوب تسریع در انجام آن و بر آوردن نیاز طالب خیر است.

3. نیکی فقط به شایستگان: ضابطه سوم این است که تنها کسانی باید مورد احسان و کار خیر قرار گیرند که شایستگی برخورداری از آن را داشته باشند، که خوبان جامعه هستند؛ پس اگر کسی از این دسته نبود انجام کار خیر نسبت به او صحیح نخواهد بود.

البته این قانون با آنچه قبلاً گذشت که باید به همه خوبی کرد، منافاتی ندارد، زیرا آن در حالتی است که انسان طرف مقابل خود را نشناسد، در چنین حالتی شایسته است که انسان به جهت علاقه‌ای که به کار خیر دارد، نسبت به همه خوبی کند، اما وقتی که بدی و عدم صلاحیت کسی که قصد خوبی به او را دارد برایش آشکار شد، دیگر انجام این عمل برای او صحیح نیست؛ چون او استحقاق آن را نداشته و آن خوبی را ضایع خواهد نمود، بلکه گاه به سبب کفران نعمت و ناسپاسی چنین اشخاصی، اهل خیر از کار خود دلسرد و پشیمان شده، راه احسان و نیکی بسته و آثار مثبت احسان و نیکوکاری به آثار منفی بدل خواهد گردید.

در رابطه با این موضوع روایات معتبری از پیشوایان اهل بیت <sup>^</sup> وارد شده که روایات گوناگونی نیز در تأیید و تأکید آنها وارد شده است.

حضرت امام صادق  $\times$  به مفضل بن عمر فرمودند:

ای مفضل، اگر خواستی بدانی که یک مرد از جمله سعادت‌مندان است یا

از زمره اشقیاء، ببین که احسان و نیکی خود را به چه کسانی نثار می‌کند؟ اگر دیدی به کسانی احسان و نیکی می‌کند که شایستگی آن را ندارند، بدان که او در راه خیر گام بر می‌دارد. و اما اگر دیدی که احسان و نیکی خود را نثار کسانی می‌کند که صلاحیت و شایستگی آن را ندارند، بدان که او را در نزد خداوند متعال خیری نیست.<sup>(1)</sup>

حضرت امیرالمؤمنین × نیز فرموده است:

هر کس که از میان شما دارای مال است باید از تباه کردن آن بپرهیزد: چرا که دادن مال در غیر محل صحیح آن، اسراف و زیاده روی است، این کار شاید موجب بلند آوازه شدن صاحب آن در دنیا شود، اما قدر و ارزش وی را در نزد خداوند متعال پایین می‌آورد.

هیچ کس مال خود را در جای غیر صحیح و برای افراد ناشایسته خرج نکرد مگر اینکه خداوند او را از سپاسگزاری آنان محروم ساخت و محبت و دوستی آنان، به دیگری تعلق یافت، و اگر کسی از آنان باقی ماند که از وی اظهار تشکر و دلسوزی کند حتماً از روی تملق و دروغ و تظاهر این کار را انجام خواهد داد، و اگر روزی به زمین خورد و محتاج آنان شد، آنان را بدترین و لئیم‌ترین دوستان خواهد یافت.

و هیچ کس مال خود را در جای غیر صحیح و برای افراد ناشایسته خرج نکرد مگر اینکه از این کار خود فایده‌ای جز ستایش سفلیگان و اشرار ندید، آن هم تا وقتی که خیر او به آنان می‌رسد، و سخن نادانان

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 532، ح 1.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

که: «وه! چه سخاوتمند است» اما وی در نزد خداوند متعال بخیل به شمار می آید، چه دستاوردی بی حاصل تر و زیان بارتر از این؟! و چه کار خیری بی فایده تر از این کار خیر؟

پس هر که از شما مالی دارد آن را در راه یاری و پیوند با خویشاوندان، میهمان کردن مؤمنان، آزاد کردن بردگان و اسیران و دستگیری از بیچارگان و در راه ماندگان مصرف کند که دست یافتن به این صفات، بزرگواری دنیا و شرافت آخرت است.<sup>(1)</sup>

و در وصیت پیامبر اکرم ' به حضرت امیرالمؤمنین × آمده است که:

يا علي أربعة تذهب ضياعاً: الأكل على الشيع، و السراج في القمر، و الزرع في السبخة، و الصنيعه عند غير أهلها.<sup>(2)</sup>

چهار چیز به هدر رفته است: خوردن در حال سیری، چراغ در مهتاب، زراعت در شوره زار و احسان کردن به نااهل.

**4.** قبول مسئولیت نعمت الهی: چهارمین ضابطه، مسئولیت پذیری در برابر نعمت هایی است که خداوند متعال به بندگان خود تفضل فرموده است و این مهم با بیشتر کردن انفاق و کارهای خیر امکان پذیر می باشد؛ چون وقتی انسان مشمول نعمت های مادی خداوند متعال قرار می گیرد طبیعتاً مردم به سوی او توجه کرده و با طرح نیازها و

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 532، ح 3.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 533، ح 4.



خواسته‌های خود بار وی را سنگین می‌کنند و چه بسا که این کار موجب تحمیل فشارها و سنگینی‌های بسیاری بر او شود.

آنچه اهل بیت <sup>^</sup> در این رابطه به عنوان یک ضابطه کلی وضع کرده‌اند این است که انسان باید مسئولیت این نعمت خداداد را پذیرفته و این مشقت را بر خود هموار نموده و به این نیازها پاسخ مثبت دهد که این کار موجب استمرار و بقای نعمت‌ها بوده و بدون آن، موجبات زوال نعمت‌ها فراهم خواهد آمد.

اهل بیت <sup>^</sup> همواره این حقیقت و سنت زندگی را در رابطه با نعمت‌های الهی به شیعیان و جماعت صالح پیروان خود گوشزد می‌کرده‌اند.

از حضرت امام صادق  $\times$  است که فرمود:

هر کس که نعمت‌های خداوند بر او بیشتر باشد، نیاز مردم نیز به سوی او بیشتر خواهد بود، بنا بر این با تحمل این موضوع، نعمت‌های خداوند را بر خود استمرار بخشیده، آن را در معرض زوال و نابودی قرار ندهید: چرا که کمتر کسی یافت می‌شود که نعمتی از وی زایل شده باشد و دوباره به وی بازگشته باشد.<sup>(1)</sup>

حضرت امام صادق  $\times$  به حسین صحاف فرمودند:

ای حسین، خداوند عزّ و جلّ هرگز نعمتی را بر بنده‌ای آشکار نمی‌کند

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 549، ح 1.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

مگر اینکه بار مشکلات مردم را نیز بر وی آشکار می‌نماید، پس هر کس بر تحمل این بار، صبر پیشه کند و به حل مشکلات مردم بپردازد، خداوند به نعمت او در نزد مردم می‌افزاید، و چنانچه اهل صبر نبوده به حل مشکلات مردم همت نگمارد، خداوند عزّ و جلّ آن نعمت را از وی سلب خواهد کرد.<sup>(1)</sup>

و از حضرت امیرالمؤمنین × نقل است که فرمود:

همانا که خداوند متعال را در هر نعمتی حقی است، هر کس حق نعمت خداوند را ادا کند، خداوند نعمتش را زیاد می‌کند و هر کس در ادای حق نعمت الهی کوتاهی نماید خود را در معرض خطر زوال نعمت قرار داده است.<sup>(2)</sup>

و نیز فرموده است:

خداوند متعال را بندگان است که برای سود رسانی به سایر مردم، به آنها نعمت عطا می‌کند، در نتیجه، مادام که آنها از نعمت‌های الهی به مردم می‌بخشند، نعمت ایشان برقرار خواهد بود، اما آن گاه که از بذل و بخشش دست برداشتند نعمت از ایشان سلب شده و به دیگری داده خواهد شد.<sup>(1)</sup>

**5.** شکر نعمت و سپاس نیکی: ضابطه پنجم، شکر نعمت خداوند و سپاسگزاری در برابر احسان و نیکوکاری بندگان او است؛ زیرا

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 549، ح 3.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 550، ح 7.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 551، ح 10.

هنگامی که خداوند متعال با دادن نعمتی، مستقیم از جانب خود، یا به وسیله یکی از بندگان خود به انسان تفضل و عنایت می‌کند، بر انسان واجب است که شکر این نعمت و احسان الهی را به جا آورد؛ چرا که شکر نعمت موجب ادامه و استمرار آن نعمت، و کفران نعمت سبب نابودی و از بین رفتن آن می‌گردد و یکی از بهترین انواع شکر نعمت، خوبی کردن به دیگران است.

محمد بن عجلان گفت: از حضرت امام صادق × شنیدم که می‌فرمود:

با نعمت‌های خدا خوب همنشینی کنید.

عرض کردم: خوب همنشینی کردن با نعمت‌های خدا چگونه است؟

فرمود:

شکر صاحب نعمت را به جا آوردن و حقوق مترتب بر آنها را ادا نمودن.<sup>(1)</sup>

داود بن سرحان می‌گوید: در نزد حضرت امام صادق × بودیم که سَدِّیر صِیرَیّی وارد شده، سلام کرد و نشست، امام × به وی فرمودند:

ای سدیر، هرگز مال و دارایی کسی زیاد نمی‌شود مگر اینکه حجت‌های خداوند نیز بر وی زیاد می‌گردد، پس اگر توان بر آمدن از پس این حجت‌ها را دارید به دنبال ازدیاد سرمایه بروید.

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 552، ح 3.

سدیر گفت: ای فرزند رسول خدا، با چه چیز می توان این کار را انجام داد؟

فرمود: با بر آوردن نیازمندی های برادراتان از اموال خود.

سپس فرمود: ای سدیر، با نعمت های خدا به خوبی رو به رو شوید، شکر آن کس را که به شما نعمتی داده به جا آورید و به کسانی که شکر نعمت شما را به جا می آورند نیکی کنید که اگر چنین باشید، از جانب خداوند مستوجب افزونی نعمت، و از جانب بندگان خدا مستوجب دوستی و محبت خواهید شد

سپس این آیه مبارکه را تلاوت فرمود:

{لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ} اگر واقعاً سپاسگزاری کنید، [نعمت] شما را افزون خواهیم کرد.<sup>(1)</sup>

تلافی کردن کار خیر دیگران به صورت پایاپای یا مضاعف، دعا کردن برای صاحبان خیر و طلب جزای خیر از خدا برای آنان، که همه از انواع شکر و سپاس به شمار می آید نیز از مصادیق همین ضابطه است.

قبلاً نیز گفتیم که از حضرت امام صادق × روایت شده است که فرمود:

حضرت امیرالمؤمنین × می فرمود: هر کس خوبی دیگران را به اندازه همان خوبی پاسخ دهد تنها پاداش کار آنان را داده است، اما کسی که

خوبی دیگران را با خوبی بیشتر جواب دهد، شکر آن خوبی را به جای آورده و هر که از شکرگزاران باشد، بزرگوار است.

کسی که بداند هر احسانی که می‌کند به خود می‌کند، دیگر منتظر تشکر مردم و طالب محبت بیشتر آنان نخواهد بود، بنا بر این، در برابر کاری که به نفع خود انجام داده‌ای و به وسیله آن آبرویت را حفظ کرده‌ای، از دیگران توقع تشکر نداشته باش، و بدان آن کس که نیاز خود را به نزد تو می‌آورد، آبروی خود را پیش تو می‌ریزد، پس تو نیز با رد نکردن وی، آبروی خود را نگاه دار.<sup>(1)</sup>

و از پیامبر اکرم ' نیز روایت است که فرمود:

هنگامی که برادر دینی تو نسبت به تو خوبی روا داشت در ستایش تو از وی این بس که بگویی: خدا تو را جزای خیر دهد، و اگر در در غیاب وی، یادی از او کردی بگویی:

خدا او را جزای خیر دهد، در این صورت کار خیرش را تلافی کرده‌ای.<sup>(2)</sup>

از همین رو است که می‌بینیم اهل بیت <sup>^</sup> همواره پیروان خود را بر شکر و سپاس در برابر کار خوب دیگران تشویق و ترغیب نموده به شدت آنها را از کفران نعمت و ناسپاسی بر حذر می‌داشته‌اند، قبلاً دیدیم که از حضرت امام صادق × نقل شده است که فرمود:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 536، ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 537، ح 7.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

خداوند کسانی که راه احسان و خوبی کردن را می‌بندند لعنت کند.

به آن حضرت عرض شد: کسانی که راه خوبی کردن را می‌بندند، چه کسانی هستند؟

فرمود: مردی که مورد احسان و خوبی واقع می‌شود اما سپاسگزاری نمی‌کند، و با این کار احسان کننده را دلسرد نموده و در نتیجه آن شخص دیگر به کسی خوبی نمی‌کند.<sup>(1)</sup>

و نیز آن حضرت از پیامبر اکرم ' چنین نقل کرده است که:

کسی که مورد احسان و خوبی واقع می‌شود باید که آن را تلافی کند، اگر توان این کار را ندارد، باید که با زبان، صاحب نعمت را بر انجام این کار ستایش کند و اگر چنین نکند کفران نعمت کرده است.<sup>(2)</sup>

عمار دُهنی از حضرت امام صادق × شنیده که می‌فرمود:

خداوند متعال هر دل غمناک و هر بنده شکرگزاری را دوست می‌دارد. خداوند متعال در روز قیامت به بنده‌ای از بندگان خود می‌فرماید: آیا از فلان کس تشکر کردی؟ وی پاسخ می‌دهد: از تو تشکر کردم. خداوند می‌فرماید: اگر از او تشکر نکنی از من نیز تشکر نکرده‌ای. سپس پیامبر اکرم ' فرمودند: شکرگزارترین شما از خدا شکرگزارترین شما از مردم

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 539، ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 539، ح 2.

است.<sup>(1)</sup>

## (2) ادای حقوق

دومین جنبه کلی در احسان و نیکوکاری، ادای حقوقی است که خداوند متعال با هدف اجرایی کردن کارهای خیر در جامعه، بر هر فرد مسلمان یا مؤمن، در قبال برادر مسلمان وی، وضع کرده است؛ قبلاً نیز در پاره‌ای از احادیث به برخی از این حقوق اشاره کرده‌ایم، حال با توجه به اینکه بعضی از این حقوق، واجب و برخی مستحب هستند، به بعضی از نمونه‌ها و مصادیق دیگر آنها خواهیم پرداخت که نمایانگر ساختار روینایی این جنبه نیز باشد.

**1. مدارا با رفیق:** وقتی انسان با شخص دیگری در راه، سفر، درس، یا در انجام کاری همراه و رفیق می‌شود این رفاقت برای هردوی آنها بر گردن یکدیگر حقوقی ایجاد می‌نماید که مقتضای آن حقوق، احسان و نیکی متقابل در میان آنان می‌باشد؛ از اهل بیت عصمت و طهارت<sup>^</sup> نیز روایاتی در تأکید بر این حقوق وارد شده است.

پیامبر اکرم ' فرموده‌اند:

دو نفر با هم رفیق نمی‌شوند، مگر اینکه محبوب‌ترین آنان در نزد خداوند که از اجر و پاداش بیشتری هم برخوردار است، کسی است که نسبت به

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 539، ح 3.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

رفیق خود مدارای بیشتری داشته باشد.<sup>(1)</sup>

از حضرت امام صادق، از پدر بزرگوارش حضرت امام باقر، از جدّ بزرگوارش <sup>^</sup> نیز نقل است که فرمود:

پیامبر اکرم ' فرمودند: اگر در راه سفر یکی از همسفران شما بیمار شد، سه روز در نزد وی بمانید.<sup>(2)</sup>

**2.** بر آوردن نیاز مؤمن: از دیگر حقوق مؤمنان بر یکدیگر بر آوردن نیازهایی است که گاه برادران دینی را مجبور می‌کند برای رفع آنها به یکدیگر مراجعه کنند؛ در بحث‌های گذشته به این مطلب اشاره کردیم که بر آوردن نیاز دیگران از حقوق عامه مؤمنان بر برادران دینی است و از اهل بیت <sup>^</sup> نیز روایات متعددی در تأکید استحباب این امر و اجر و پاداش اخروی بسیاری که گذشته از آثار وضعی دنیوی مترتب بر قضای حاجات مؤمنان، به آن تعلق می‌گیرد، به صورت کلی وارد شده است. از حضرت امام باقر × نقل است که:

گاه می‌شود که مؤمنی حاجت به نزد برادر مؤمن خود می‌برد، اما او امکان بر آوردن نیاز وی را ندارد و به همین جهت اندوهگین می‌گردد، خداوند متعال نیز او را به واسطه همین اندوه و تأسف، به بهشت خواهد برد.<sup>(3)</sup>

از حضرت امام صادق × نقل شده است که فرمود:

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 492، ح 2.
2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 493، ح 3.
3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 576، ح 3.



هیچ مسلمانی حاجت مسلمان دیگر را بر نمی‌آورد مگر اینکه خداوند متعال وی را ندا می‌کند که: پاداش تو بر من است و به کمتر از بهشت برای تو راضی نمی‌شوم.<sup>(1)</sup>

اسماعیل بن عمار به حضرت امام صادق  $\times$  عرض کرد:

آیا مؤمن برای مؤمن دیگر موجب رحمت است؟

فرمود: آری، عرض کردم: چگونه؟

فرمود:

هر مومنی که به طلب حاجتی به نزد برادر مؤمن خویش می‌رود رحمتی از جانب خداوند متعال است که خدا آن را به سوی وی جاری کرده است، اگر حاجت وی را بر آورد، با این کار، رحمت خدا را پذیرفته است، اما اگر در حالی که قدرت انجام تقاضای او را دارد از این کار امتناع ورزد، رحمتی را که خداوند به سوی او روان کرده بود، از خود برگردانده است، خداوند متعال نیز این رحمت را در نزد خود تا روز قیامت نگاه خواهد داشت تا در آن روز همین مؤمن نیازمند محروم شده در باره آن رحمت حکم کند که اگر خواست این رحمت را به خود اختصاص دهد یا آن را به دیگری واگذار نماید.

آنگاه آن حضرت سخنان خود را ادامه دادند تا آنجا که فرمودند: یقین بدان که آن مؤمن آن رحمت را برای خود نگاه خواهد

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 576، ح 4.

داشت، ای اسماعیل، هر کس بتواند حاجت برادر مؤمن خود را که دست نیاز به سویش دراز کرده بر آورد اما از این کار خود داری کند، خداوند متعال ماری را در قبرش بر وی مسلط خواهد کرد که تا روز قیامت انگشت ابهام وی را بگذرد: آمرزیده باشد یا معذب.<sup>(1)</sup>

همچنین از حضرت امام صادق × روایت شده است که فرمود:

هرگاه مؤمنی به طلب حاجت به نزد برادر خود برود و او نیز توان بر آوردن حاجت وی را داشته باشد اما وی را از خود براند، خداوند ماری را در قبرش بر وی مسلط خواهد کرد که انگشتان وی را بگذرد.<sup>(2)</sup>

زدودن غم از دل مؤمن: دیگر از جمله این حقوق این است که چون مؤمنی به غم و مصیبت یا محنت و تنگنایی گرفتار می آید، برادر مؤمن وی همواره در صدد زدودن هم و غم و ناراحتی از وی باشد. حضرت امام صادق × فرمود:

هر کس در سختی‌ها و مشکلات به یاری برادر مؤمن نالان خود شتافته، مشکل او را حل کرده، وی را در رسیدن به آنچه می‌خواهد یاری رساند، خداوند عزّ و جلّ در برابر این کار، وی را هفتاد و دو رحمت خواهد بخشید که یکی از آن رحمت‌ها را زودتر در دنیا به وی عطا خواهد کرد که امر زندگیش را با آن اصلاح می‌کند و هفتاد و یک رحمت دیگر را

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 577، ح 5.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 579، ح 10.

برای قیامتش و مراحل سخت و وحشتناک آن، نگاه خواهد داشت.<sup>(1)</sup>

و از حضرت امیرالمؤمنین × است که فرمود:

من كفارات الذنوب العظام إغاثة الملهوف، و التنفيس عن المكروب.<sup>(2)</sup>

دستگیری از اندوهناک و تسلی دادن غمگین کفار گناهان بزرگ است.

3. پوشیده داشتن مؤمن و بازگرداندن بدی ها از او: از دیگر حقوق مؤمنان بر یکدیگر پوشاندن عیبها، نقاط ضعف و گناهان پنهان یکدیگر و عدم تأیید بلکه تکذیب چنین اموری، در صورت شنیدن از دیگران است.

امام باقر × فرمود:

يجب للمؤمن على المؤمن أن يستر عليه سبعين كبيرة.<sup>(3)</sup>

از حقوق واجب مؤمن بر مؤمن دیگر این است که هفتاد گناه کبیره او را بپوشاند.

و امیرالمؤمنین × فرمود:

اگر مؤمنی را در حال انجام گناه زشتی بباهم، با جامه خود او را از دید دیگران مخفی خواهیم نمود.

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 586، ح 1.

2. نهج البلاغه / حکمت 24.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 593، ح 1.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

یا اینکه آن حضرت با دست خود به گونه‌ای اشاره فرمود که نشان دهنده این کار باشد.

و مرحوم قطب راوندی در لبّ اللباب از حضرت امیرالمؤمنین × نقل کرده است: که حدیث فوق در سخنی میان حضرت علی × و پیامبر اکرم <sup>(1)</sup> بیان شده است.

و حضرت امیرالمؤمنین × فرمود:

ای مردم، هر کس از دین برادر دینی خود اطمینان حاصل کرده، استقامت راه و طریقه وی را دریافت، دیگر نباید به حرف‌های مردم در باره او توجه کند، بدانید که گاه تیرانداز تیری می‌اندازد اما به هدف نمی‌خورد سخن نیز همین گونه است و ممکن است حقیقت نداشته باشد و سخنان باطل و دروغ تباه خواهد شد و خداوند شنونده و گواه است، بدانید که میان حق و باطل چهار انگشت فاصله است

از آن حضرت در باره معنی این جمله سؤال شد، آن حضرت در پاسخ، چهار انگشت دست خود را به هم چسبانده و در فاصله میان چشم و گوش خود نهاده و فرمود:

الباطل أن تقول سمعت و الحق أن تقول رأيت.

---

1. بروجردی، جامع احادیث الشیعه 16 / 187 ح 2 و 3، در این باب احادیث دیگری نیز هست.

باطل این است که بگویی شنیدم و حق آن است که بگویی دیدم.<sup>(1)</sup>

4. خیرخواهی و دلسوزی برای مؤمن: از دیگر حقوق مؤمنان بر یکدیگر، وجوب دلسوزی و خیرخواهی برای هم و اخلاص و راستی در کار کردن برای یکدیگر است. حضرت امام باقر و حضرت امام صادق ' فرمودند:

يجب للمؤمن على المؤمن النصيحة له في المشهد و الغيب.

بر هر مسلمان در ارتباط با برادر مسلمان خود واجب است که در پیش رو یا پشت سر خیرخواهانه رفتار نماید.

و قبلاً نیز ذکر کردیم که پیامبر اکرم ' فرموده است:

دين عبارت از خیرخواهی است

عرض شد ای رسول خدا، خیرخواهی برای چه کسی؟

فرمود: برای خدا، پیامبر خدا، پیشوایان دینی و عموم مسلمانان.<sup>(2)</sup>

همچنین امام صادق × فرمود:

مؤمنی که برای بر آوردن حاجت مؤمن دیگر اقدام کند اما در این راه کمال دلسوزی را به خرج ندهد، به خدا و رسول خدا خیانت روا داشته است.<sup>(3)</sup>

---

1. نهج البلاغه / خطبه 24.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 594 - 595 ح 1 و 2 و 3 و 7.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 596، ح 2.

در مباحث سابق نیز گذشت که بهترین خوبی که مؤمن از سوی برادر مؤمن خود مستحق آن است، احترام گذاشتن و بزرگ داشتن او است، چه اینکه در بحث از اصل تکافل اجتماعی نیز گذشت که یاری مؤمن در هنگام ضرورت واجب است و در بخش برخوردهای ویژه نیز بعضی از حقوق مؤمن بر برادران مؤمن بیان شده است.

### (3) کوتاه آمدن از حقوق مسلم خود

سومین جنبه از احسان و نیکوکاری کوتاه آمدن و دست برداشتن از حقوق مسلم خود در برابر دیگران و عدم توقع از خود گذشتگی از آنان است؛ این چشم پوشی و کوتاه آمدن از حق از بهترین انواع احسان و نیکوکاری و نشانه برخورداری چنین شخصی از عزم و اراده قوی می باشد که خداوند متعال فرموده است:

{وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ} (1)

و هر که صبر کند و درگذرد، مسلماً این [خویشتن داری، حاکی] از اراده قوی [در] کارهاست.

و چه اینکه پاداش گذشت و بخشش طبق این آیه شریفه بر خداوند متعال است:

{وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ

الظالمین} (1)

و جزای بدی، مانند آن بدی است. پس هر که درگذرد و نیکوکاری کند، پاداش او بر [عهده] خداست. به راستی او ستمگران را دوست نمی‌دارد.

در احادیث اهل بیت <sup>^</sup> نیز مجموعه‌ای از مصادیق و موارد هست که تأکید کننده این گرایش است؛ از آن بزرگواران نقل شده است که کوتاه آمدن و دست برداشتن از حق خود، از بهترین اخلاق دنیا و آخرت است.

**1. بخشش و گذشت:** اولین مصداق، درگذشتن از خطاها و اشتباهات خطاکاران است، به ویژه در هنگامی که انسان قدرت بر مجازات و مطالبه و گرفتن حق خود را داشته باشد؛ آثار وضعی دنیوی و معنوی بسیاری همچون برخورداری از اجر و پاداش بزرگ نیز بر عفو و بخشش مترتب می‌شود که تمامی این مسائل در روایات اهل بیت <sup>^</sup> موجود است.

در رابطه با آثار وضعی دنیوی این کار حضرت امام کاظم × فرمود:

هرگز دو گروه با هم درگیر نمی‌شوند مگر اینکه پیروزی از آن دسته‌ای خواهد بود که گذشت بیشتری داشته باشد. (2)

همچنین پیامبر اکرم ' فرموده است:

---

1. شوری / 40.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 518، ب 112 ح 1.

## تقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

بر شما باد به عفو و گذشت که این عمل جز عزت بر صاحب خود نخواهد افزود؛ پس ببخشید تا خداوند شما را عزت دهد.<sup>(1)</sup>

و نیز پیامبر اکرم ' فرمود:

عفو الملک أبقى للملک.<sup>(2)</sup>

مهم ترین عامل برای ماندگاری یک حکومت بخشش و گذشت حاکم است.

و از حضرت امیرالمؤمنین × نقل است که فرمود:

العفو زکات الظفر<sup>(3)</sup>

عفو و بخشش زکات پیروزی است.

در کنار آثار دنیوی مترتب بر عفو و گذشت آثار معنوی نیز بر این کار مترتب می گردد؛ از آن جمله نهج البلاغه از حضرت امیرالمؤمنین × آمده است که:

إذا قدرت علی عدوِّک فاجعل العفو عنه شکراً للقدرۃ علیه.<sup>(4)</sup>

چون بر دشمن خود چیره گشتی، بخشیدن وی را شکرانه پیروزی خود قرار ده.

و فرمود: أولى الناس بالعفو أقدّهم علی العقوبة<sup>(1)</sup>

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 519، ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 519، ح 5.

3. نهج البلاغه / حکمت 211.

4. نهج البلاغه / حکمت 11.



سزاوارترین مردم به بخشش و گذشت، تواناترین آنان به کیفر دادن است

در این دو روایت به این نکته اشاره شده است که انسان می‌تواند از راه بخشش در عین توانایی بر مجازات و سپاسگزاری از خداوند به این وسیله و برتری یافتن بر دیگران، به تکامل ذاتی دست پیدا کند.

همچنین از لحاظ اجر و ثوابی که بر این کار مترتب می‌شود روایاتی از اهل بیت <sup>^</sup> رسیده که بیان کننده پاداش اهل حلم و بردباری و گذشت است: از آن جمله کلام پیامبر اکرم ' است که:

چون روز قیامت فرا می‌رسد، منادی فریادی بر می‌آورد که سرتاسر اهل محشر همه صدایش را به وضوح می‌شنوند، وی می‌گوید: اهل فضل کجایند؟ در این هنگام گروهی از مردم به پا می‌خیزند، فرشتگان به استقبال آنان رفته و از ایشان می‌پرسند: این چه فضیلتی بود که به خواطر آن شما را فرا خوانده‌اند؟

آنان در پاسخ می‌گویند: ما در دنیا مورد نادانی نادانان واقع شدیم و صبر و تحمل پیشه کردیم و با ما بد رفتار شد اما گذشت نمودیم، در این وقت از جانب خداوند متعال منادی فریاد بر می‌آورد که: بندگان من راست می‌گویند، آنان را رها کنید تا بدون حساب وارد بهشت شوند.<sup>(2)</sup>

**2.** پذیرش عذر: دومین مصداق، پذیرش عذر کسی است که به عذرخواهی به نزد انسان می‌آید؛ چرا که چون شخصی در گفتار یا

---

1. نهج البلاغه/ حکمت 52.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 520، ح 10.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

کردار به دیگری بدی کرد و سپس برای عذر خواهی به نزد او آمد، احسان در حق وی که مصداق کوتاه آمدن از حق خود در برابر دیگران نیز هست، این است که عذر او پذیرفته شود.

شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه از حضرت امام صادق از پدرانش <sup>^</sup> نقل کرده است که پیامبر اکرم ' در وصیت خود به حضرت علی × فرمود:

یا علی، من لم یقبل من متنتل عذراً صادقاً کان أو کاذباً لم ینل شفاعتی.<sup>(1)</sup>

ای علی، کسی که عذرخواهی را نپذیرد به شفاعت من نایل نخواهد شد، چه عذرخواه راست بگوید یا دروغ گو باشد.

و نیز از حضرت امیرالمؤمنین × روایت شده است که در وصیت خود به فرزندش محمد بن حنفیه فرمود:

رابطه خود را با شک و گمانی از برادر خود قطع مکن و تا سبب ناراحتی و کدورت را از او نپرسیده و از وی دلجویی نکرده‌ای از وی جدا مشو؛ زیرا ممکن است که او عذری برای کار خود داشته باشد که بعداً موجب سرزنش تو شود. هر کس از تو عذرخواهی کرد عذرش را بپذیر تا مشمول شفاعت شوی؛ راست بگوید یا دروغ.<sup>(2)</sup>

حضرت امام سجاد × روزی به فرزند خود فرمود:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 553، ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 553، ح 2.

إن شتمك رجل عن يمينك ثم تحول إليك عن يسارك فاعتذر إليك فاقبل عذره.<sup>(1)</sup>

اگر مردی از سمت راستت تو را دشنام داد و سپس دور زد و به سمت چپ تو آمد و از تو عذرخواهی کرد عذرش را بپذیر.

روایات فوق این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که این مطالب از توصیه‌های معصومین به افراد خانواده خودشان است و از لحاظ اخلاقی در بالاترین درجات قرار دارد.

**3. مهلت دادن به بدهکار تنگدست یا بخشیدن او:** این مطلب از واجبات شرعی است که قرآن کریم بر آن تصریح کرده و بهتر از آن، این است که طلبکار، طلب خود را بر بدهکار تنگدست ببخشد و از این طریق به او کمک مالی نماید؛ خداوند متعال فرماید:

{وَإِنْ - كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ} <sup>(2)</sup>

و اگر [بدهکارتان] تنگدست باشد، پس تا [هنگام] گشایش، مهلتی [به او] دهید؛ و [اگر به راستی قدرت پرداخت ندارد،] بخشیدن آن برای شما بهتر است، اگر بدانید.

روایات معتبری در تأکید بر این امر به روش‌های مختلف از ائمه <sup>^</sup> وارد شده است. از عبدالرحمن بن ابی عبدالله، از حضرت امام

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8/ 553، ح 3.

2. بقره / 280.

## تقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

صادق × چنین نقل شده است که فرمود:

پیامبر اکرم ' در یک روز گرم در حالی که به دستان خود حنا گذاشته بود، سه مرتبه فرمود: چه کسی دوست می‌دارد که از غلیان آتش جهنم در امان باشد؟ در هر بار اصحاب همه گفتند: ما ای رسول خدا. آن حضرت فرمودند: کسی که بدهکاری را مهلت داده یا به جهت تنگدستی بدهکار، طلب خود را بر وی ببخشد.

عبدالرحمن گوید: سپس امام صادق × به من فرمودند:

عبدالله بن کعب بن مالک نقل کرده که پدرم مرا خبر داد، مردی را که به او بدهکار بود گرفته و در مسجد نگاه داشت تا طلب خود را از او بگیرد، وی گوید: پیامبر اکرم ' از کنار ما که در آنجا نشسته بودیم گذشت و به خانه خود رفت، پس از ساعتی در گرمای ظهر پرده خانه را بالا زد و فرمود: ای کعب، شما دو نفر هنوز نشسته‌اید؟ کعب گفت: پدر و مادرم فدای تو باد، آری هنوز هستیم، پیامبر اکرم ' با کف دست خود اشاره کردند که نصف طلب خود را بگیر، کعب گفت: پدر و مادرم فدای تو باد، پیامبر اکرم ' فرمودند: حال به دنبال بقیه حق خود باش، کعب گفت: نمی از طلب خود را از وی گرفته و نیم دیگر را به او بخشیدم.<sup>(1)</sup>

و از معاویه بن عمار، از حضرت امام صادق × روایت است که سه مرتبه پرسید:

کیست که بخواهد در روز قیامت که سایه‌ای جز سایه خداوند متعال

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 546، ح 2.

نیست، در سایه خداوند متعال باشد؟

حاضران از هیبت آن حضرت پاسخی ندادند، سپس خود آن حضرت فرمودند:

به بدهکار تنگدست مهلت بدهد یا طلب خود را به او ببخشد.<sup>(1)</sup>

و باز از آن حضرت نقل شده است که فرمود:

روزی پیامبر اکرم ' بالای منبر رفته و فرمودند: ای مردم، این مطلب مرا حاضران به غایبان اطلاع دهند. بدانید که هر کس بدهکار تنگدستی را مهلت دهد خداوند در هر روز از زمان مهلت به میزان طلبش صدقه در نامه عملش می‌نویسد تا وقتی که طلب خود را از بدهکار پس بگیرد

سپس حضرت امام صادق × این آیه را تلاوت فرمودند:

{وَأِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ}

و اگر [بدهکارتان] تنگدست باشد، پس تا [هنگام] گشایش، مهلتی [به او] دهید؛ و [اگر به راستی قدرت پرداخت ندارد]، بخشیدن آن برای شما بهتر است، اگر بدانیدوی تنگدست می‌باشد، پس بر وی ببخشید که این برای شما بهتر است.<sup>(2)</sup>

4. حلال کردن مردگان و زندگان از بار دین: به ویژه اگر مدیون مرده باشد از برترین انواع صدقات و بالاترین درجات احسان است؛ آنجا که

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 546، ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 547، ح 4.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

انسان یک بار با دادن قرض و رفع مشکل شخص او را مورد احسان قرار داده و سپس با بخشیدن و حلال کردن وی بار دیگر او را مشمول احسان خویش می‌سازد. اهل بیت <sup>^</sup> بر این نوع از احسان و دست برداشتن از این حق تأکید کرده‌اند، از حسن بن خنیس:

به حضرت امام صادق  $\times$  عرض کردم عبدالرحمان بن سیابه از مردی طلبکار است و حال آن مرد مرده است، ما به او گفتیم او را حلال کند، اما وی نپذیرفته است، فرمود:

وای بر او! آیا نمی‌داند که اگر او را حلال کند در ازای هر یک درهم ده درهم برای وی خواهد بود؟ اما اگر او را حلال نکند تنها در ازای هر درهم یک درهم برای او خواهد بود.<sup>(1)</sup>

و از معتب نقل است که:

محمد بن بشر و شاء بر حضرت امام صادق  $\times$  داخل شد و به آن حضرت گفت که مبلغ هزار دینار به شخصی به نام شهاب بدهکار است و از آن حضرت درخواست کرد تا با شهاب صحبت کرده و از او تا پایان مراسم حج برای وی مهلت بگیرد، امام  $\times$  به دنبال شهاب فرستاده<sup>(2)</sup> و به او فرمود:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 548، ح 1.

2. از محتوای روایت چنین بر می‌آید که وقتی امام با شهاب در این رابطه صحبت می‌کردند محمد بن بشر در قید حیات نبوده است، چه اینکه مرحوم شیخ کلینی نیز در فروع کلینی، الکافی این روایت را در باب تحلیل میت آورده اند - مترجم.

تو وضعیت محمد و وابستگی او را به ما می‌دانی، او برایم تعریف کرده که مبلغ هزار دینار به تو بدهکار است و این مبلغ را هم در راه خوردن و شهوت رانی هزینه نکرده است، بلکه بدهکار بوده و این پول صرف پرداخت بدهی مردم و جبران خساراتی که به عهده او بوده شده است، بنا بر این من دوست می‌دارم که او را حلال کنی.

سپس امام (شاید چون تردید او را دیدند) به وی فرمودند: شاید تو از کسانی هستی که گمان می‌کنند خداوند از اجر و ثواب کارهای خوب او بر می‌دارد و به تو می‌دهد؟

وی گفت: تا آنجا که ما دانسته ایم اینگونه است.

حضرت امام صادق × فرمودند:

خداوند بزرگوarter و عادل‌تر از این است که بنده‌اش در شب‌های سرد به عبادت وی قیام کرده، در روزهای داغ روزه بگیرد و این خانه را طواف نماید، سپس به راحتی آن ثواب‌ها را از او بگیرد و به تو بدهد [که اگر چنین باشد تو نباید او را حلال کنی تا خدا دین تو را از او بگیرد] اما خداوند متعال دارای فضل و رحمت بسیار است که دیون مؤمن را از محل آن جبران می‌کند [که در این صورت اگر او را حلال هم بکنی خداوند از کرم خود تو را راضی خواهد کرده شهاب گفت: من او را حلال کردم.<sup>(1)</sup>

و در پایان این جنبه، ناچار باید به وجود تعدادی از مصادیق دیگر نیز

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 548، ح 2.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

اشاره‌ای داشته باشیم که نشان از همین احساس، یعنی دست برداشتن از حقوق که مورد بحث ما بود دارند؛ مثل حرمت قطع رابطه با مؤمن حتی اگر انسان مظلوم واقع شده باشد، که قهر بیش از سه روز را جایز ندانسته‌اند، یا چشم پوشی کردن از خطاها و گناهان دیگران و...<sup>(1)</sup>

### (4) پیشدستی در احسان

چهارمین جنبه از احسان و نیکوکاری این است که انسان همواره در احسان و کارهای خیر پیش قدم بوده و در این راه دست بالا را داشته باشد. اما این امر، هنگامی به صورت واضح و آشکار تحقق می‌یابد، که یا انسان در راه نیکی کردن به مردم با سرعت و شتاب زیادی حرکت کند، یا کارش به لحاظ کیفیت از درجه بالایی برخوردار باشد؛ مثلاً کسانی را مورد احسان و نیکی قرار دهد که با او بدرفتاری کرده او را مورد ستم قرار داده و یا با وی قطع رابطه کرده‌اند، که از آن به پاسخ دادن بدی با خوبی تعبیر می‌کنیم. لذا این جنبه، در دو سطح مورد بررسی قرار می‌گیرد:

1- شتافتن به سوی کار خیر.

2- پاسخ دادن بدی با خوبی.

1. شتافتن به سوی کار خیر:

در اخلاق روابط اجتماعی که از اهل بیت <sup>^</sup> روایت شده است

---

1. رك: نهج البلاغه / خطبه 110.



مصادیق متعدد و بسیاری از این موضوع را می‌توان یافت که در مباحث گذشته از قبیل مباحث حسن خلق یا مردم داری و محبت به مردم، یا تقویت ساختار اجتماعی و دیگر مباحث به برخی از آنها اشاره شد، در اینجا نیز به پاره‌ای دیگر از این مصادیق و نمونه‌ها اشاره می‌کنیم.

انفاق: اولین مصداق، انفاق کردن بر دوستان، مؤمنان و عموم مسلمانان است چه عنوان صدقه داشته باشد، یا عنوان هدیه و یا سایر عناوین احسان‌های مالی که انسان به انجام آنها مبادرت می‌نماید؛ و این گونه اعمال است که بنا به آنچه از حضرت امیرالمؤمنین × نقل شده است، انسان را از افتادن به ذلت و خواری نجات خواهد داد.

در قرآن کریم نیز بر مسئله انفاق، این گونه تأکید شده است:

{لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ} (1)

هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید.

چه اینکه روایات بسیار زیادی از اهل بیت <sup>^</sup> در رابطه با استحباب صدقات و اهمیت و آثار دنیوی و اخروی مترتب بر آنها وارد شده است مانند:

● إن الصدقة تقضي الدين و تحلف بالبركة.

دادن صدقه موجب ادا شدن دین انسان شده و از خود برکت به جای

می گذارد.

و یا اینکه

• الصدقة تدفع ميتة السوء.

دادن صدقه انسان را از مرگ بد مصون می دارد.

• البر و الصدقة ينفيان الفقر و يزيدان في العمر.

نیکی کردن و صدقه دادن فقر را از بین برده و عمر را زیاد می کنند.

• وإن الله يعطي بالواحدة عشرة إلى مائة ألف فما زاد.

خداوند در برابر یک واحد از صدقه از ده تا صد هزار برابر پاداش می دهد.

• استنزلوا الرزق بالصدقة.

با دادن صدقه از خداوند روزی بخواهید

• الصدقة ما تقع في يد السائل حتى تقع في يد الربّ جلّ جلاله.

صدقه پیش از آنکه در کف دست سائل قرار گیرد، در دست خداوند متعال قرار خواهد گرفت.

• یا اینکه: أرض القيامة نار ما خلا ظل المؤمن فان صدقته تظله.

زمین قیامت یکپارچه آتش است مگر در محل سایه مؤمن و سایه مؤمن از صدقه های او است.

• الصدقة جنة من النار.

صدقه سپر آتش جهنم است.

• داواوا مرضاکم بالصدقة.

بیماران خود را با صدقه مداوا کنید.

• لا یکمل ایمان العبد حتی یکون فیہ أربع خصال: یحسن خلقه، و تسخو نفسه، و یمسک الفضل من قوله، و ینخرج الفضل من ماله.

ایمان بنده خدا کامل نمی شود مگر اینکه چهار خصلت در وی باشد: اخلاق خوش، سخاوت، حرف بیهوده نزدن و انفاق کردن مازاد مال.<sup>(1)</sup>

و به جهت اهمیت این موضوع می یابیم که اهل بیت <sup>^</sup> به همه جوانب و آداب این عمل پرداخته اند که با مراجعه به کتاب های حدیثی می توان به آنها دست یافت؛ ایشان همچنین در رابطه با موضوع صدقه بر نکات چندی تأکید فراوان کرده اند: اموری چون: اهمیت نیت خالص و داشتن قصد قربت در انجام این کار و ضرورت انجام آن چه کم باشد یا زیاد، همچنین رد نکردن سائل، اهمیت صدقه پنهانی، تعجیل در انجام این کار، زمان هایی که برای دادن صدقه از شرافت بیشتری برخوردار است، مقدم بودن صدقه مؤمن بر سایر اعمال مستحب او، فراگیر بودن صدقه نسبت به همه حتی چهارپایان و فضیلت صدقه بر خویشاوندان.<sup>(2)</sup>

---

1. ر.ک: وسائل الشیعه 6 / 255 - 259 از احادیث باب اول از ابواب صدقه.

2. ر.ک: وسائل الشیعه 6 / 255 ، 336.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

در روایات اهل بیت <sup>^</sup> بر اهمیت کار خیر، خصوصاً انفاق عام تأکید زیادی شده است، در همین رابطه از حضرت امام صادق  $\times$  نقل است که فرمود:

از موجبات بقای اسلام و مسلمین این است که اموال در نزد کسانی باشد که حق آنها را دانسته و با آن اموال به کارهای خیر پردازند و از موجبات نابودی اسلام و مسلمین این است که اموال در نزد کسانی باشد که حق آنها را ندانسته و با آن اموال به کارهای خیر پردازند.<sup>(1)</sup>

و باز از آن حضرت روایت است که فرمود:

قال رسول الله: ' كل معروف صدقة.

پیامبر اکرم ' فرمودند: هر کار خوبی صدقه است.<sup>(2)</sup>

همچنین از آن حضرت روایت است که فرمود:

المعروف شيء سوى الزكاة، فتقربوا إلى الله عزّ و جلّ بالبرّ و صلة الرحم.

نیکی کردن غیر از زکات است پس با خوبی کردن و صلّه رحم به خدا نزدیک شوید.<sup>(3)</sup>

و از حضرت امام باقر  $\times$  نقل است که فرمود:

احسان و نیکوکاری از مرگ بد جلوگیری می‌کند، و هر کار خیری

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 521، ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 521، ح 2.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 522، ح 7.

صدقه است، مردمان اهل خیر و نیکوکار در دنیا، در آخرت نیز اهل خیر هستند، و مردمان اهل بدکرداری و منکرات در دنیا، در آخرت نیز همین گونه‌اند، اولین کسانی که در قیامت به بهشت داخل می‌شوند اهل خیر، و اولین کسانی که به جهنم داخل می‌شوند اهل منکرات هستند.<sup>(1)</sup>

و از ابو بصیر است که:

در نزد حضرت امام صادق × از ثروتمندان شیعه سخن به میان آوردیم، آن حضرت گویا از آنچه در باره آنان از ما شنید ناراحت شده و فرمود:

ای ابامحمد، اگر مؤمن ثروتمند، دست و دل باز و مهربان باشد و به یاران خود احسان و نیکی کند، خداوند متعال پاداش آنچه را که داده است به او دو برابر خواهد داد؛ چرا که خداوند در کتاب خود فرموده است: و اموال و فرزندانتان چیزی نیست که شما را به پیشگاه ما نزدیک گرداند، مگر کسانی که ایمان آورده و کار شایسته کرده باشند. پس برای آنان دو برابر آنچه انجام داده‌اند پاداش است و آنها در غرفه‌های بهشتی آسوده خاطر خواهند بود.<sup>(2)</sup>

و نیز از همان حضرت است که فرمود:

هر مؤمنی که به برادر دینی خود احسان کند، گویا این عمل را نسبت به رسول خدا ' انجام داده است.<sup>(3)</sup>

سفره دار بودن: دومین مصداق، اطعام و دعوت از مردم برای صرف

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 523، ح 10.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 524، ح 13.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 524، ح 15.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

غذا می‌باشد. به همین جهت، اسلام این کار را از اعمال دینی قرار داده و آن را کفاره بعضی از گناهان دانسته و در مناسبت‌های مختلفی همچون ازدواج، سفر و غیره آن را جزو مراسم اجتماعی به شمار آورده است.

روایات چندی در فضیلت این کار و اهمیت آن از اهل بیت <sup>^</sup> وارد شده است، از آن جمله روایتی است که با سند معتبر از حضرت امام صادق  $\times$  وارد است که فرمود:

من الإيمان حسن الخلق، و إطعام الطعام.<sup>(1)</sup>

داشتن اخلاق خوش و سفره دار بودن از نشانه‌های ایمان است.

و قبلاً هم در روایت دیگر از آن حضرت گذشت که فرمود:

من المنجيات إطعام الطعام، و إفشاء السلام، و الصلاة بالليل و الناس نيام

سه چیز است که اسباب نجات بندگان خدا است: آشکارا سلام کردن، غذا دادن به مردم و نماز گزاردن در دل شب، آنگاه که مردم در خوابند.<sup>(2)</sup>

و از حضرت امام باقر  $\times$  با سند معتبر روایت شده است که فرمود:

إن الله عزّ و جلّ يحب إهراق الدماء، و إطعام الطعام.<sup>(3)</sup>

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 554، ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 554، ح 5.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 554، ح 6.

خداوند عزّ و جلّ ریختن خون و طعام دادن به مردم را دوست می‌دارد.

که البته در این روایت منظور از ریختن خون، قربانی کردن و پرگوشت کردن غذا در اطعام است. در روایت معتبر دیگر از رسول خدا ' چنین آمده است:

الرزق أسرع إلى من يطعم الطعام من السكين في السنام.<sup>(1)</sup>

فرو آمدن روزی بر کسی که مردم را اطعام می‌کند از فرو رفتن چاقو در کوهان شتر [که آکنده از چربی است] سریع‌تر است.

قرض دادن به مؤمنان: سومین مصداق، قرض دادن به مؤمنان و بر آوردن حاجات آنان از این طریق است؛ راهی که در عین رفع نیاز و یاری رساندن به مؤمن نیازمند، آبروی وی را محفوظ می‌دارد؛ روایات بسیاری از اهل بیت <sup>^</sup> در بیان فضیلت این کار خیر وارد شده و آن را بر صدقه ترجیح داده و در ردیف عبادت و نماز ذکر کرده‌اند. مرحوم شیخ کلینی با سند معتبر از حضرت امام صادق  $\times$  نقل کرده است که فرمود:

مؤمنی نیست که تنها برای رضای خدا به مؤمن دیگر قرض دهد مگر اینکه خداوند متعال تا روزی که مال به او باز گردد، پاداش او را به صورت صدقه محاسبه خواهد نمود.

در روایت دیگر هم که شبیه روایت فوق است به جای مؤمن، مسلمان

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 555، ح 8.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

ذکر شده است.<sup>(1)</sup>

و باز با سند معتبر از آن حضرت نقل شده است که فرمود:

بر روی در بهشت نوشته است: پاداش صدقه ده برابر و پاداش قرض هجده برابر است.<sup>(2)</sup>

و در روایت صدوق از پیامبر اکرم ' آمده است که فرمود:

پاداش صدقه ده برابر، پاداش قرض هجده برابر، پاداش رسیدگی به برادران دینی بیست برابر و پاداش رسیدگی به خویشاوندان بیست و چهار برابر است.<sup>(3)</sup>

عثمان بن عمران به امام صادق  $\times$  گفته است:

من مردی ثروتمند هستم و گاه می‌شود که فقیری به نزد من می‌آید و چیزی طلب می‌کند و آن هنگام، وقت دادن زکات من نیست، چه کنم؟  
آن حضرت در پاسخ فرمود:

قرض در نزد ما هجده برابر و صدقه ده برابر پاداش دارد، و تو را چه می‌شود حال که به گفته خود ثروتمند هستی، چیزی به او بدهی؟ بعد که وقت دادن زکات تو شد آن مبلغ را در زکات خود محاسبه کن. ای

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 545، ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 545، ح 3.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 546، ح 5.



عثمان، هرگز سائل را از در خانه خود رد نکن که رد کردن سائل در نزد خدا گناهی بزرگ است.<sup>(1)</sup>

خوبی کردن به مؤمنان: چهارمین مصداق، خوبی کردن به مؤمنان، شاد کردن دل آنان، لطف و مرحمت نسبت به آنان و هدیه دادن به ایشان است؛ که این عمل باعث می‌شود احسان مؤمن و شتاب او در کار خیر بیشتر شده و پیشگامی او در خیرات نیز فزونی یابد، روایات متعددی در تشویق مؤمنان به این کار نیز از اهل بیت<sup>^</sup> وارد شده است. پیامبر اکرم<sup>^</sup> فرموده است:

هرکس مؤمنی را شاد کند مرا شاد کرده و هرکس مرا شادمان نماید خداوند عزّ و جلّ را شاد کرده است.<sup>(2)</sup>

و از مفضل بن عمر، از حضرت امام صادق<sup>^</sup> روایت شده که فرمود:

هرگز کسی از شما گمان نکند اگر مؤمنی را شاد کرده فقط او را شاد کرده است، بلکه به خدا سوگند ما را هم شاد کرده و بلکه به خدا سوگند رسول خدا<sup>^</sup> را هم شادمان ساخته است.<sup>(3)</sup>

و باز از حضرت امام صادق<sup>^</sup> است که در حدیث صحیحی فرمود:

خداوند عزّ و جلّ به حضرت داود<sup>^</sup> وحی کرد: بنده‌ای از بندگان من کار خوبی به نزد من می‌آورد که به واسطه آن، بهشت خود را بر وی

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 6 / 208، ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 569، ح 1.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 570، ح 3.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

مباح می‌کنم. داود عرض کرد: خداوندا این کار خوب چیست؟ فرمود: خوشحال کردن بنده مؤمن من ولو با دادن یک خرما، داود عرضه داشت: خداوندا، کسی که تو را بشناسد، بر وی واجب است که از هرگز امید از تو بر نگیرد.<sup>(1)</sup>

و از جمیل، از حضرت امام صادق × چنین روایت شده که فرمود:

از ویژگی هایی که خداوند آن را به مؤمن اختصاص داده این است که خوبی برادران دینی او را هرچند اندک باشد به چشمش می‌آورد، و خوبی به زیادی نیست که خداوند فرموده است: {و هر چند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد، آنها نیازمندان را بر خودشان مقدم می‌دارند} و فرموده است: {و هر کس از خست نفس خود مصون بماند رستگار است}

سپس فرمود: ای جمیل این حدیث را برای برادران خود نقل کن که مایه تشویق ایشان به کار خوب است.<sup>(2)</sup>

و از بکر بن محمد نقل است که گفت:

بیشترین سفارش حضرت امام صادق × به ما نیکی کردن و به امور یکدیگر رسیدگی نمودن بود.<sup>(3)</sup>

و از سعدان بن مسلم، از حضرت امام صادق × نقل است که فرمود:

- 
1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 570، ح 7.
  2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 591، ح 1.
  3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 592، ح 4.

هرکس خاشاکی از چهره برادر مؤمن خود بردارد خداوند عزّ و جلّ برای او اجر ده حسنه می‌نویسد، و هر کس به چهره برادر مؤمن خود تبسم کند پرایش یک حسنه است.<sup>(1)</sup>

و از زید بن ارقم نقل شده که گفت: پیامبر اکرم ' فرمود:

در میان امت من مؤمنی نیست که به برادر دین خود لطفی کند مگر اینکه خداوند از لطف خود از خادمان بهشتی بهره مندش خواهد ساخت.<sup>(2)</sup>

## 2. پاسخ دادن بدی با خوبی

دومین سطح از موضوع پیشدستی در احسان و نیکوکاری، پاسخ بدی با خوبی است که بالاترین درجه نیکوکاری به شمار می‌آید؛ به این ترتیب که ادای حقوق واجب پله اول این کار، دست برداشتن از حق خود پله دوم و شتاب و پیشدستی کردن در کار خیر، پله سوم بوده، اما اینکه انسان در برابر بدی دیگران خوبی را پیشه خود سازد بالاترین حد احسان و نیکوکاری است، قرآن کریم نیز در توصیف طایفه خواص از مؤمنان این ویژگی را بیان داشته و در پاره‌ای از موارد آن را بر پیامبران واجب کرده است:

{وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ}

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 589، ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 589، ح 3.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان <sup>6</sup>

---

و کسانی که برای طلب خشنودی پروردگارشان شکیبایی کردند و نماز برپا داشتند و از آنچه روزیشان دادیم، نهان و آشکارا انفاق کردند، و بدی را با نیکی می‌زدایند، ایشان راست، فرجام خوش، سرای باقی.<sup>(1)</sup>

روایات متعددی نیز از اهل بیت <sup>^</sup> وارد شده است که بر این ویژگی تأکید کرده و این اخلاق را برترین اخلاق دانسته است؛ در این روایات به تعدادی از نمونه‌ها و مصادیق که ممکن است مورد ابتلای انسان بوده و تجسم وجود این ویژگی در وی می‌باشد نیز اشاره شده است.

پیامبر اکرم ' در خطبه‌ای فرمودند:

آیا شما را از بهترین خلقیات در دنیا و آخرت آگاه نکنم؟ بخشیدن کسی که به تو ستم کرده، پیوند با کسی که با تو قطع رابطه کرده، خوبی به کسی که با تو بدی کرده و بخشش به کسی که تو را محروم نموده است.<sup>(2)</sup>

و حضرت علی بن الحسین ' فرمود:

چون روز قیامت فرا می‌رسد خداوند متعال خلق اولین و آخرین را در یک جا جمع می‌کند، آنگاه منادی ندا می‌کند: اهل فضل کجا هستند؟ گروهی از مردم به پا می‌خیزند: فرشتگان در دیدار با آنها به ایشان می‌گویند: فضیلت شما چه بوده است؟ آنان پاسخ می‌دهند: ما با کسانی که با ما قطع رابطه کرده بودند می‌پیوستیم، به کسانی که ما را محروم

---

1. رعد / 21 و مؤمنون / 96 و قصص / 54.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 520، ح 1.

می‌کردند عطا می‌نمودیم، و کسانی را که به ما ستم روا می‌داشتند عفو می‌کردیم.<sup>(1)</sup>

امیرالمؤمنین × در وصیت خود به فرزندش محمد بن حنفیه فرمود:

لا يكونن أخوك علي قطيعةك أقوى منك على صلته، و لا على الإساءة إليك أقدر منك على الاحسان إليه<sup>(2)</sup>

هرگز چنین نباشد که برادر دینی تو در راه قطع رابطه با تو، نسبت به تو در راه برقراری پیوند با او موفق‌تر باشد و یا توانایی وی در راه بدی کردن به تو از توانایی تو در راه خوبی کردن به او بیشتر باشد.

حضرت امام صادق × فرمود:

إنا أهل البيت مروّتنا العفو عمّن ظلمنا.<sup>(3)</sup>

مروّت و جوانمردی ما خاندان در این است که هر کس به ما ستم کند، از وی در می‌گذریم.

و از علی بن جعفر بن محمد نقل شده است که گفت:

محمد بن اسماعیل (برادر زاده امام کاظم ×) می‌خواست تا از عموی خود حضرت موسی بن جعفر 'برای رفتن به عراق اجازه بگیرد، امام به او اجازه داد

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 520، ح 2.  
2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 522، ح 7.  
3. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 522، ح 8.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

محمد بن اسماعیل چون برخاست عرض کرد: عمو جان، دوست دارم مرا نصیحت کنی.

امام × فرمود: تو را سفارش می‌کنم که از خدا بپرهیزی و در ریختن خون من شریک نشوی، سپس امام کاظم × به وی کیسه‌ای محتوی یکصد و پنجاه دینار دادند.

وقتی محمد آن کیسه را گرفت آن حضرت کیسه دیگری نیز به همان مبلغ به او دادند، همچنین دستور دادند تا مبلغ یک هزار و پنجاه درهم نیز که در نزد او بود از آن وی باشد.

من در این رابطه با آن حضرت صحبت کردم و این مبلغ را برای او زیاد دانستم.

ایشان در پاسخ فرمودند: این کار تأکیدی بر اتمام حجت من بر او است زیرا در قبال قطع رابطه او به وی خوبی روا داشتم.

محمد بن اسماعیل بعداً به نزد هارون الرشید رفت و از عموی خود موسی بن جعفر ' سعایت کرد که او مدعی خلافت است و مردم برای او خراج می‌آورند، هارون نیز به او صد هزار درهم جایزه داد اما وی در همان شب از دنیا رفت.<sup>(1)</sup>

\* \* \*

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 522، ح 9.

### (5) الگوها و رفتار برجسته

شکی نیست که ساختن انسان هایی که در میان جامعه نقش الگو و اسوه داشته باشند، از مهم ترین اهداف مورد نظر اهل بیت <sup>^</sup> در ایجاد جماعت صالح شیعی بوده است؛ چه اینکه در چندین جا از این کتاب در بحث از اهداف، ویژگی ها، جنبه های روحی و اخلاقی، اصول و قواعد نظریه روابط اجتماعی و جاهای دیگر، به این موضوع اشاره کرده ایم؛ چرا که الگوها در جامعه از ابعاد تأثیرگذار خاصی برخوردار می باشند.

در اینجا قصد آن داریم از ساختار روینایی که اهل بیت <sup>^</sup> در روابط اجتماعی برای الگوها ترسیم نموده اند و تأثیر آن در این عرصه بحث کنیم.

### الگوها و روابط اجتماعی

در این رابطه می بینیم که اهل بیت <sup>^</sup> بر این نکته که میان وجود الگو در جامعه و روابط اجتماعی موجود در آن جامعه رابطه تنگاتنگی وجود دارد، همچنین تأثیر وجود الگو در استحکام پایه های این روابط و دست یافتن به اهداف مطلوب از آنها تأکید کرده اند. در نهج البلاغه آمده است:

کسی که باطن خود را اصلاح کند خداوند ظاهر وی را اصلاح خواهد نمود، و کسی که برای دین خود تلاش کند خداوند امر دنیایش را کفایت خواهد کرد و کسی که میان خود و خدا، راه خیر و نیکی را در پیش

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

گیرد خداوند خود اصلاح رابطه او با مردم را به عهده خواهد گرفت.<sup>(1)</sup>

که در آخرین جمله این روایت به این نکته اشاره کرده که اصلاح نفس یا خود سازی، به اصلاح روابط اجتماعی وابسته بوده و وجود الگوی شایسته همان گونه که موجب تکامل اجتماعی انسان می‌گردد موجب تکامل جامعه انسانی نیز خواهد گردید.

در مبحث انتخاب دوست هم گذشت که سفارشات اهل بیت <sup>^</sup> در رابطه با مصاحبت و همنشینی با خوبان به جهت تأثیر پذیری روابط اجتماعی و رفتارهای کلی انسان از دوست و همنشین است که برای انسان نقش الگو را بازی می‌کند و اگر از خوبان باشد در طبیعت دوست خود اثر مثبت می‌گذارد، و به همین دلیل در سفارشی که ابن عباس از پیامبر اکرم ' نقل کرده است آمده که:

به پیامبر اکرم ' گفته شد: ای پیامبر خدا چه همنشینی برای انسان مناسب‌تر است؟

آن حضرت فرمودند:

کسی که با دیدنش به یاد خدا افتید، سخنش دانش شما را زیاد کرده و رفتارش شما را به سوی آخرت ترغیب نماید<sup>(2)</sup>

که جملات اول و آخر این حدیث مربوط به تأثیر الگو و اسوه در

---

1. نهج البلاغه / حکمت 423.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 8 / 412، ح 4.



## ساختار روینایی روابط اجتماعی

---

روابط انسان‌ها است.

در این راستا می‌توانیم صفات تأثیر گذار الگوها در روابط اجتماعی را به دو قسمت اصلی تقسیم کرد:

یک: صفاتی که نشان از ارتباط الگو با خداوند متعال دارد که روایت صفحه قبل از حضرت امیرالمؤمنین ×:

..و کسی که میان خود و خدا، راه خیر و نیکی را در پیش گیرد خداوند خود اصلاح رابطه او با مردم را به عهده خواهد گرفت

ناظر به این موضوع می‌باشد.

دو: صفاتی که نشان از رفتار برجسته الگو در روابط اجتماعی دارد.

### 1. ارتباط با خداوند تعالی

اولین بخش از این صفات را دانشمندان علم اخلاق و حدیث در باب جهاد نفس و صفات پسندیده بیان کرده‌اند که به اهم این موارد اشاره می‌کنیم، از جمله یقین به خداوند متعال، حسن ظن یا گمان نیکو داشتن به ذات اقدس خداوندی، توکل بر او، دوست داشتن او، امیدوار بودن به او و پروای از او.

اهل بیت <sup>^</sup> در ساخت جامعه شیعی به این صفات، اهمیت ویژه‌ای می‌دادند؛ چرا که این صفات اساس و پایه روحی و اخلاقی شخصیت انسان صالح را تشکیل می‌داد. ما در بحث ساختار روحی و اخلاقی جماعت شیعه، آنجا که به مسئله مبارزه با نفس و محورهای کلی آن

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

اشاره کردیم، به این جنبه پرداخته‌ایم.

حال در اینجا به بیان پاره‌ای از روایات که در زمینه روابط اجتماعی، به این صفات مربوط می‌باشند:

یقین به خداوند متعال: در رابطه با موضوع یقین به خداوند متعال از حضرت امام صادق  $\times$  نقل است که فرمود:

هیچ چیزی نیست مگر اینکه برای او حدی هست

راوی گوید: از آن حضرت پرسیدم حد توکل چیست؟

فرمود: یقین عرض کردم حد یقین چیست؟

فرمود: اینکه تا خدا را داری از هیچ چیز نترسی.<sup>(1)</sup>

و این حدیث تعبیری از مضمون این آیه کریمه است که:

{الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى  
بِاللَّهِ حَسِيبًا} <sup>(2)</sup>

همان کسانی که پیامهای خدا را ابلاغ می‌کنند و از او می‌ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند. و خدا برای حسابرسی کفایت می‌کند.

و در روایت معتبر دیگری موضوع ارتباط یقین با روابط اجتماعی از حضرت امام صادق  $\times$  این گونه توضیح داده شده است که فرمود:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 158، ح 4.

2. احزاب / 39.

از نشانه‌های صحت یقین مؤمن این است که هرگز خشنودی مردم را به قیمت خشم پروردگار به دست نمی‌آورد، و مردم را برای آنچه خداوند به وی نداده است مورد سرزنش قرار نمی‌دهد؛ چرا که روزی نه با حرصورزی حریصان به دست می‌آید و نه با نخواستن کسی باز می‌گردد؛ و اگر کسی بدان سان که از مرگ فرار می‌کند از روزی خود فرار کند، همان گونه که مرگ در نهایت به او خواهد رسید روزی نیز او را خواهد یافت

سپس آن حضرت ادامه دادند: خداوند متعال از روی عدل و داد خویش، راحت و آسایش را در سایه یقین و رضایت بنده از او، و اندوه و نگرانی را در شک و نارضایتی بنده از او قرار داده است.<sup>(1)</sup>

توکل بر خدا: از دیگر صفات مهمی که باید الگوی جامعه به آن آراسته باشد این است که پس از به کارگیری حد اکثر توان و تلاش خود در راه انجام وظیفه، در کل فرایند حرکت اجتماعی و سیاسی خود بر خداوند متعال توکل داشته باشد

از حضرت امام سجاد × روایت شده است که فرمود:

از خانه بیرون آمدم تا به اینجا رسیدم و به این دیوار تکیه دادم، ناگاه دیدم مردی که خود را با دو قطعه لباس سفید پوشانده بود رو به روی من ایستاده و به من نگاه می‌کند.

وی پس از لختی به من گفت: ای علی بن الحسین، چرا غمگین و نگرانی؟ آیا اندوه دنیا داری؟ روزی خدا که برای خوبان و بدان هردو مهیا است؟

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 158، ح 5.

گفتم برای این غمگین نیستم، بلکه همان گونه است که گفتی.

گفت: پس آیا برای آخرت اندوهگینی؟ آخرت هم که وعده‌ای است  
راست و پادشاهی مسلط یا توانا بر آن حکم می‌راند؟

گفتم از این هم غمگین نیستم که آن هم همان گونه است که گفتی.

گفت: پس برای چه اندوهگینی؟

گفتم: برای آنچه در فتنه این زیر از آن بیم دارم و آنچه مردم به آن  
گرفتار آمده‌اند.

خندید و گفت: ای علی بن الحسین ، آیا تا کنون دیده‌ای کسی خدا  
را بخواند و خدا دعایش را اجابت نکند؟

گفتم: نه

گفت: آیا تا کنون دیده‌ای کسی بر خدا توکل کند و خدا او را کفایت  
نکند

گفتم: نه

گفت: آیا تا کنون دیده‌ای کسی از خدا چیزی بخواهد و خدا حاجت وی  
را به او ندهد

گفتم: نه

ناگهان آن مرد از دیدگان من پنهان گردید.<sup>(1)</sup>

اگر چه امام × در این روایت سؤال را در موضوعی سیاسی اجتماعی

که همان ترس از فتنه ابن زبیر و تأثیر منفی آن بر مردم باشد، مطرح فرموده است، اما در جواب بر این نکته تأکید شده که در این وقت که در این رابطه کاری از دست امام × ساخته نیست، باید بر خدا توکل کرد.

حسن ظن به خدا: حاکم بودن حسن ظن یا همان گمان نیکو به خداوند در رفتار و عملکرد انسان در زندگی دنیوی و اخروی اثرات بزرگی در کلیت زندگی او دارد: حضرت امام رضا × فرمود:

به خدا گمان خوب داشته باش که خداوند عزّ و جلّ فرموده است: من همان گونه‌ام که بنده‌ام در باره من گمان می‌کند، خوب باشد خوب و بد باشد بد.<sup>(1)</sup>

و در حدیث معتبر دیگری از برید بن معاویه، از حضرت امام باقر × نقل است که فرمود:

در کتاب علی × یافته‌ایم که: پیامبر اکرم ' در حالی که بر فراز منبر خود نشسته بود

فرمود: سوگند به خداوندی که خدایی جز او نیست، خیری در دنیا و آخرت به مؤمنی نمی‌رسد مگر از راه حسن ظن او به خدا، امید وی به او، خوش اخلاقی و خودداری از غیبت کردن مؤمنان.

و سوگند به خداوندی که خدایی جز او نیست، خداوند متعال هیچ بنده‌ای را پس از توبه و استغفار عذاب نمی‌کند مگر به جهت گمان بدی که به او

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 180، ح 1.

داشته، قطع امید از خدا، بد اخلاقی و غیبت کردن مؤمنان.

و سوگند به خداوندی که خدایی جز او نیست، مؤمنی گمان خوب به خدا پیدا نمی‌کند مگر اینکه خداوند نیز مطابق گمان او با وی رفتار خواهد کرد: زیرا خداوند متعال کریم و بزرگواریست و حیا می‌کند که بنده مؤمنش به او حسن ظن داشته باشد، سپس به خلاف گمان خوب و امیدواری وی با او رفتار کند، پس به خدا گمان خوب داشته و از او حاجت بخواهید.<sup>(1)</sup>

شکی نیست که این گمان طبیعتاً بر کلیت نظریه روابط اجتماعی با مردم و ثبات و استمرار آن تأثیر می‌گذارد.

حضرت امیرالمؤمنین × در وصیت خود به فرزندش محمد بن حنفیه فرمود:

هرگز سوء ظن به خداوند متعال را بر جان خود حاکم نکن که این حالت میان تو و دوستت صلحی باقی نمی‌گذارد.<sup>(2)</sup>

محبت خدا: از بزرگ‌ترین صفاتی که در کل جریان زندگی بشر جاری می‌شود، حب و دوستی خداوند متعال است قرآن کریم نیز در آیه شریفه:

{قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ} <sup>(3)</sup>

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 181، ح 3.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 181، ح 6.

3. آل عمران / 31.

بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستان بدارد

همچنین آیه شریفه: {وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ} (1)

ولی کسانی که ایمان آورده‌اند، به خدا محبت بیشتری دارند؛ بر همین حقیقت تأکید کرده است.

روایاتی نیز از اهل بیت <sup>ع</sup> وارد شده که بر اهمیت این صفت در روابط اجتماعی تأکید نموده، این روابط را بر اساس دوستی و دشمنی تنها برای جلب رضایت خداوند متعال، استوار می‌داند، این روایات، - چنان که قبلاً در مبحث محتوای روابط اجتماعی بیان کردیم و دانستیم که محتوای این روابط همان مودت و محبت است - محبت را حقیقت دین دانسته و بالاترین مرحله محبت آن است که تنها برای جلب رضایت و خشنودی خداوند متعال باشد.

بیشتر ذکر کردیم که حضرت امام صادق  $\times$  فرمود:

هرکس تنها برای خدا دوست داشته و برای خدا دشمنی ورزد، از جمله کسانی است که دارای ایمان کامل است. (2)

در روایت دیگری از حضرت امام سجاد  $\times$  آمده است که فرمود:

هنگامی که خداوند متعال اولین و آخرین را در قیامت یکجا جمع می‌کند منادی ندا می‌کند که دوست داران یکدیگر در راه خدا کجایند؟ در این

---

1. بقره/ 165.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 431 / ح 1.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

وقت، گروهی از مردم بر می‌خیزند و به آنان گفته می‌شود: بدون حساب به بهشت بروید، فرشتگان به آنان برخورد می‌کنند و از آنان می‌پرسند: به کجا می‌روید؟ آنان می‌گویند: بدون حسابرسی به بهشت می‌رویم، فرشتگان می‌پرسند: شما کدام گروه از مردم هستید؟ آنان می‌گویند: ما کسانی هستیم که برای رضای خدا یکدیگر را دوست می‌داشتیم، فرشتگان می‌گویند: چه نیکو است پاداش کسانی که کارهای شایسته انجام داده‌اند.<sup>(1)</sup>

و در روایت دیگری حضرت امام باقر × به ابو عبیده خذاء فرمودند:

وای بر توای زیاد، آیا دین جز دوستی و دشمنی چیز دیگری است؟ آیا سخن خدا را نشنیده‌ای که فرماید: {اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد} آیا سخن خدا را با پیامبرش حضرت محمد ' نشنیده‌ای که فرماید: {لیکن خدا ایمان را برای شما دوست داشتی گردانید و آن را در دل‌های شما پیاراست}؟ و فرمود: {هر کس را که به سوی آنان کوچ کرده دوست دارند}

سپس فرمود: دین همان محبت و محبت همان دین است.<sup>(2)</sup>

امید به خدا و بیم از او: دیگر از جمله این صفات والا امیدواری بنده به خداوند متعال است هر چند که اوضاع بر وی سخت شده، امور بر وی شدت یافته و گناهانش زیاد شده باشد. و ترس و بیم از ذات

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 432، ح 6.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 435، ح 7.



اقدس خداوند در همه احوال حتی اگر در بهترین احوال بوده و بیشترین عبادت را انجام داده باشد؛ قرآن کریم در موارد بسیاری که از مؤمنان سخن به میان آورده، بر این صفت تأکید نموده است

{تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا}

پهلوهایشان از خوابگاه‌ها جدا می‌گردد [و] پروردگارشان را از روی بیم و طمع می‌خوانند.<sup>(1)</sup>

{أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ}

آن کسانی را که ایشان می‌خوانند [خود] به سوی پروردگارشان تقرب می‌جویند [تا بدانند] کدام یک از آنها [به او] نزدیکترند، و به رحمت وی امیدوارند، و از عذابش می‌ترسند.<sup>(2)</sup>

همچنین فرموده است:

{إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ}<sup>(3)</sup>

رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.

و در روایت علی بن ابراهیم، از حضرت امام صادق × نقل شده است که فرمود:

---

1. سجده / 16.

2. اسرا / 57.

3. اعراف / 56.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

پدرم همیشه می گفت در دل مؤمن دو نور است: نور بیم و نور امید، اگر این را وزن کنند از آن یک بیشتر نبوده و اگر آن دیگری را وزن کنند از این بیشتر نخواهد بود.<sup>(1)</sup>

و از حماد بن عیسی، از حضرت امام صادق × نقل شده است که فرمود:

از جمله سفارشات لقمان به فرزندش این بود که: فرزندم، آن گونه از خدا بترس که اگر کارهای خوب همه جن و انس را با خود برده باشی، بیم آن داشته باشی که تو را عذاب کند؛ و آنچنان به خدا امیدوار باش که اگر گناه جن و انس را با خود برده باشی باز امید آن داشته باشی که خداوند تو را پیامرزد.<sup>(2)</sup>

شریف رضی نیز از حضرت امیرالمؤمنین × نقل کرده است که در خطبه‌ای در توبیخ کسانی که کاملاً امید خود را به خداوند متعال معطوف نمی کنند فرمود:

به گمان خود ادعا دارد که به خدا امیدوار است؛ به خدای بزرگ سوگند که دروغ می گوید؛ او را چه می شود که این امیدواری در کردارش آشکار نیست؟! هر کس که به خدا امیدوار باشد باید این امید در رفتار و کردار وی نمودار گردد، هر امیدواری جز امید به خداوند متعال ناخالص، و هر ترسی جز ترس از خدا نادرست است؛ وی در کارهای مهم و بزرگ به خدا امید می بندد اما در کارهای کوچک به بندگان خدا روی می آورد و

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 170، ح 4.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 170، ح 6.

با این کار بنده خدا را جایگاهی می‌بخشد که برای خدا به آن جایگاه معتقد نیست، چرا باید در حق خداوند متعال در باره آنچه برای بندگان خود انجام می‌دهد کوتاهی شود؟ آیا می‌ترسی در امید بستن به خدا دروغ گو باشی؟ یا اینکه وی را در خور امید بستن نمی‌دانی؟ چنین کسی اگر از یکی از بندگان خود هراس داشته باشد در برابر وی چنان رفتار خواهد کرد که در برابر پروردگار خود چنان نمی‌کند، پس می‌توان نتیجه گرفت که این شخص ترس از بندگان خدا را نقد و حاضر می‌داند و ترس از خدا را وعده‌ای نسبی به شمار می‌آورد.<sup>(1)</sup>

## 2. صفاتی که نشان از رفتار برجسته دارند

قسمت دوم صفتهای متعددی است که نشانه رفتار برجسته و الگو در روابط اجتماعی است. ما در طول این مباحث به جهت ارتباط این صفات با موضوعات مورد بحث به تعدادی از آنها اشاره کردیم؛ صفاتی چون: فروتنی، عفت، بردباری، مدارا و کنترل خشم؛ حال به مجموعه‌ای دیگر از مصادیق این صفات که در روابط اجتماعی از اهمیت بسیاری برخوردار بوده، نشان از این دارند که دارندگان آنها الگوی روابط اجتماعی هستند، اشاره می‌کنیم؛ صفاتی چون صبر، پارسایی، حیا، ادای امانت، قناعت، پرهیز از گناهان و مداومت در کارهای خوب.

صبر: انسان همواره در فعالیت اجتماعی و روابط با مردم دستخوش

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 171، ح 8.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

مشکلات، گره‌ها، سختی‌ها، دردها و آزمایش و امتحان می‌گردد؛ به همین سبب، وی نیازمند توان و نیرویی است که بر همه این مشکلات و سختی‌ها فائق آمده، با تحمل فشارها این راه را بپیماید؛ این نیرو همان صبر و پایداری و استقامت است؛ در قرآن کریم نیز در آیات بسیاری بر صبر و استقامت تأکید شده، آن را ستایش نموده و اجر و پاداشی را که خداوند متعال برای صبر و استقامت صابران در نظر گرفته است بیان داشته است.

چه اینکه تأکید بر این مطلب در احادیث بسیاری از اهل بیت <sup>^</sup> نیز وارد شده است و شاید بهترین نمونه این احادیث حدیثی باشد که کلینی در کتاب کافی در باب صبر روایت کرده و در آن، میان حدیث شریف و آیات قرآن جمع شده است.

حضرت امام صادق  $\times$  به حفص بن غیاث فرموده‌اند:

ای حفص هر کس صبر پیشه کند کم صبر کرده و هر که بی تابی کند کم بی تابی کرده است.

شاید مراد حضرت این باشد که چون صبر کردن یا صبر نکردن هر دو در ظرف زندگی مادی محدود دنیا و در محدوده زمانی نزول بلا واقع می‌شود بر هر دو دسته زود می‌گذرد و در مدت طولانی و ابدی آخرت صبر کنندگان پاداش دائم می‌بینند و بی قراری کنندگان کیفر دائم خواهند یافت.

آن حضرت ادامه دادند: بر تو باد به صبر در همه کارهایت، که خداوند محمد<sup>۱</sup> را به پیامبری مبعوث کرد و او را به صبر و مدارا فرمان داد و به او فرمود: {و بر آنچه می‌گویند شکبیا باش و از آنان با دوری‌گزیدنی خوش فاصله بگیر\*} و مرا با تکذیب‌کنندگان توانگر واگذار{

و فرمود: {بیدی را[ با آنچه خود بهتر است دفع کن: آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می‌گردد\*} و این [خصلت] را جز آنان که شکبیا بوده‌اند نمی‌یابند و آن را جز صاحب بهره‌ای بزرگ نخواهد یافت{

پس پیامبر صبر کرد تا آنجا که او را با تهمت‌های سنگین «همچون جادوگری و دیوانگی» مورد اتهام قرار دادند و پیامبر بدین سبب اندوهگین و دل‌تنگ شد، خداوند نیز این آیات را نازل فرمود که: {و قطعاً می‌دانیم که سینه تو از آنچه می‌گویند تنگ می‌شود\*} پس با ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از سجده‌کنندگان باش{

کافران باز هم آن حضرت را تکذیب کرده و نسبت‌های ناروا به حضرتش دادند و خداوند نیز در مقابل، این آیات را بر پیامبر خود نازل فرمود که: {به یقین، می‌دانیم که آنچه می‌گویند تو را سخت غمگین می‌کند. در واقع آنان تو را تکذیب نمی‌کنند، ولی ستمکاران آیات خدا را انکار می‌کنند\*} و پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند، ولی بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند شکبایی کردند تا یاری ما به آنان رسید{

پیامبر نیز صبر پیشه کرد تا اینکه کافران کار را از حد گذرانده و خداوند متعال را به بدی یاد کرده و تکذیبش نمودند، اینجا بود که پیامبر اکرم<sup>۱</sup>

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

طاقت نیاورده، فرمود: من در باره خود و خاندان و آبرویم صبر پیشه کردم اما نمی‌توانم در برابر توهین به پروردگارم صبر و تحمل در پیش بگیرم، و خداوند این آیه شریف را بر آن حضرت نازل فرمود: {و به درستی که آسمان و زمین و آنچه را که در میان آنها است را در مدت شش روز آفریدیم، پس بر آنچه می‌گویند شکبیا باش}

و پیامبر نیز در امثال فرمان خداوند در همه احوال صبر را پیشه خود ساخت. سپس به آن حضرت نوید ظهور پیشوایان از عترت و خاندانش داده شد و خداوند متعال آنان را به صفت صبر خواند و وحی کرد که: {و چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند، برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند}

در اینجا بود که پیامبر اکرم ' فرمود: نسبت صبر به ایمان مانند نسبت سر به بدن است، و خداوند از صبر پیامبر تشکر کرده و فرمود: {و به پاس آنکه صبر کردند، وعده نیکوی پروردگارت به فرزندان اسرائیل تحقق یافت، و آنچه را که فرعون و قومش ساخته و افراشته بودند ویران کردیم}

پس از نزول این آیه پیامبر اکرم ' فرمودند: این بشارت و انتقام است و خداوند جنگ با مشرکان را بر وی مباح کرد و فرمود: {مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره در آورید و در هر کمینگاهی به کمین آنان بنشینید\* و هر کجا بر ایشان دست یافتید آنان را بکشید}

و بدین ترتیب خداوند مشرکان را به دست پیامبر خود و دوستان او کشت و این امر را علاوه بر آنچه در آخرت برایش ذخیره کرده است پاداش صبر او قرار داد، پس هر کس که تنها برای رضای خداوند متعال صبر کند، علاوه بر اجر اخروی که خداوند متعال در قیامت برای او منظور و ذخیره خواهد نمود، از دنیا نمی‌رود مگر اینکه خداوند متعال با ناپودی دشمنش چشمان او را روشن می‌گرداند.<sup>(1)</sup>

حضرت امیرالمؤمنین × در وصیت خود به فرزندش محمد بن حنفیه فرمود:

ألق عنك واردات الهموم بعزائم الصبر؛ عود نفسك الصبر فنعم الخلق الصبر؛  
و اجملها على ما أصابك من أهوال الدنيا و همومها<sup>(2)</sup>

غم و اندوه را با نیروی صبر از خود دور کن، نفس خود را به صبر عادت بده که صبر صفت بسیار خوبی است، و در رویارویی با اندوه‌ها و سختی‌های دنیا خود را به صبر وادار کن.

وامام صادق × فرمود:

من در تحمل مصیبت‌هایی که از حنظل تلخ‌تر است، از این غلام خود و از خانواده خود صبورتر هستم، هر کس که صبر پیشه خود سازد به واسطه این کار به پاداش روزه داران شب بیدار و درجه شهیدی که در رکاب حضرت

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 207، ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 208، ح 3.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

محمد ' شمشیر زده باشد نایل می‌گردد. (1)

و از حضرت امام صادق × است که فرمود:

ما بسیار اهل صبر هستیم و شیعیان ما بیشتر از ما.

راوی گوید: به آن حضرت عرض کردم: چگونه شیعیان شما از شما صبورتر خواهند بود؟

فرمود: زیرا ما با توجه به علم غیب و باطن آنچه بر ما می‌گذرد صبر می‌کنیم، اما شیعیان ما بر آنچه از کیفیت آن اطلاع ندارند صبر می‌کنند. (2)

پارسایی: انسان در طول زندگی و روابط اجتماعی خود با فشار هوای نفس، شهوات دنیا و امیال مختلف آن رو به رو می‌باشد؛ امری که در صورت کوتاه آمدن انسان در برابر آن و پاسخ مثبت دادن وی به این شهوات و آفات، می‌تواند راه زندگی او را آشفته نماید؛ و از همین رو است که انسان نیازمند نوعی واقع بینی نسبت به دنیا و آنچه در آن است، می‌باشد، تا با این نگرش به همراه عنصر عقل و مصلحت، و آنچه انسان را به کمالات می‌رساند، قادر به تعامل مناسب با آنچه در بالا گفتیم باشد، به عبارت دیگر پارسایی یا همان زهد شناخت حقیقت دنیا و جایگاه آن در زندگی بشر با دیدی صادقانه و واقع گرایانه است؛ به همین دلیل هم قرآن کریم در آیات ذیل مردم را به زهد و پارسایی تشویق نموده است:

---

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 209، ح 5.

2. کلینی، الکافی 2 / 93 ح 25.



{اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ \* سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ \* مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ \* لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ} (1)

بدانید که زندگی دنیا، در حقیقت، بازی و سرگرمی و آرایش و فخر فروشی شما به یکدیگر و فزونی جویی در اموال و فرزندان است. [مثل آنها] چون مثل بارانی است که کشاورزان را رستنی آن [باران] به شگفتی اندازد، سپس [آن کشت] خشک شود و آن را زرد بینی، آنگاه خاشاک شود. و در آخرت [دنیا پرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آمرزش و خشنودی است، و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست.

[برای رسیدن] به آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنایش چون پهنای آسمان و زمین است [و] برای کسانی آماده شده که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده‌اند، بر یکدیگر سبقت جوید. این فضل خداست که به هر کس بخواهد آن را می‌دهد، و خداوند را فزون بخشی بزرگ است هیچ مصیبتی

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

نه در زمین و نه در نفس‌های شما [= به شما] نرسد، مگر آنکه پیش از آنکه آن را پدید آوریم، در کتابی است. این [کار] بر خدا آسان است. تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است شادمانی نکنید، و خدا هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد.

در احادیث اهل بیت <sup>^</sup> نیز این رویکرد و نقش آن در رفتار و سیره یک انسان الگو مورد تأکید قرار گرفته است.

حضرت امام صادق × فرمود:

هر کس در دنیا پارسایی ورزد خداوند حکمت را در قلب او ثابت نموده و زبانش را به آن گویا می‌نماید، و او را به عیب‌های دنیا و دردها و درمان‌های آن بینا نموده، وی را به سلامت از دنیا به دار السلام یا خانه آرامش منتقل خواهد کرد.<sup>(1)</sup>

حفص بن غیاث، از حضرت امام صادق × شنیده فرمود:

تمام خوبی‌ها در یک خانه جمع شده که کلید آن پارسایی در دنیا است.

سپس فرمود: پیامبر اکرم ' فرموده است: هیچ مردی شیرینی ایمان را در ذل خود احساس نخواهد کرد مگر اینکه به جایی برسد که به خوراک دنیا اعتنایی نداشته باشد....

سپس امام صادق × فرمود: شیرینی ایمان بر دل‌های شما حرام باد

تا وقتی که پارسایی در دنیا را پیشه خود کند.<sup>(1)</sup>

حضرت امیرالمؤمنین × فرموده است:

صفتی که بیشترین کمک را به دین انسان می‌کند پارسایی در دنیا است.<sup>(2)</sup>

مردی از حضرت امام سجاد × پرسید: زهد چیست؟ آن حضرت در پاسخ فرمود:

ده چیز است و بالاترین درجه پارسایی، پایین‌ترین درجه پرهیزگاری، بالاترین درجه پرهیزگاری، پایین‌ترین درجه یقین، بالاترین درجه یقین، پایین‌ترین درجه رضا می‌باشد، بدانید که پارسایی در این آیه از کتاب خداوند عزّ و جلّ آمده است: {ا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است شادمانی نکنید}<sup>(3)</sup>

از حضرت امام صادق × روایت شده است که:

پیامبر اکرم ' در راه به بز مرده‌ای برخورد کردند که گوش هایش ناقص الخلقه یا بریده بود و آن را در محل جمع آوری زباله انداخته بودند، آن حضرت رو به یاران خود کرد و فرمود: این چند می‌ارزد؟ گفتند اگر زنده بود شاید یک درهم می‌ارزید پیامبر اکرم ' فرمودند: سوگند به کسی که جانم در دست او است، ارزش دنیا در نزد خداوند متعال بسیار پایین‌تر از

---

1. کلینی، الکافی 2 / 128 ح 2.

2. کلینی، الکافی 2 / 128 ح 3.

3. کلینی، الکافی 2 / 128 ح 4.

ارزش این مردار برای صاحبان آن می‌باشد.<sup>(1)</sup>

از حضرت امام سجاد × سؤال شد: چه عملی در نزد خداوند متعال از فضیلت بیشتری برخوردار است.

فرمود:

هیچ عملی پس از شناخت و معرفت خداوند عزّ و جلّ و معرفت رسول او، بافضیلت‌تر از دشمنی دنیا نیست: دشمنی دنیا و به تبع آن گناهایی که از دوستی دنیا سرچشمه می‌گیرد دارای شاخه‌های گوناگونی است، اولین گناهی که خداوند متعال به آن معصیت شد، تکبر بود؛ گناه ابلیس آن گناه که از سجده بر آدم خودداری کرد، تکبر ورزید و از ناسپاسان گردید، سپس حرص بود که گناه آدم و حوا بود<sup>(2)</sup>؛ آنجا که خداوند متعال به آنان فرموده بود: {و از هر جا که خواهید بخورید، ولی] به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید شد} اما آنان چیزی را که اصلاً نیازی به آن نداشتند گرفتند و این عادت ناپسند تا روز قیامت در نسل ایشان باقی ماند: از این رو است که بیشتر چیزهایی که آدمیزاد در پی آن است چیزهایی است که نیاز چندانی به آنها ندارد، پس از حرص، حسادت بود؛ گناه فرزند آدم که به برادر خود حسادت کرد و او را کشت، و بدین ترتیب از این سه گناه، شاخه‌های متعددی ایجاد شد،

---

1. کلینی، الکافی 2 / 129 ح 9.

2. در این رابطه آنچه در اعتقادات امامیه مشهور است این است که نهی آدم × از خوردن از درخت ممنوعه، نهی تزیینی و ارشادی بوده و تعبیر به معصیت در این روایت از باب مجاز است.

مانند: دوستی زنان، دنیاطلبی، ریاست طلبی، راحت طلبی، حب سخن گفتن، برتری جویی و مال دوستی که هفت خصلت است و همه آنها را یکجا حب دنیا نامیده‌اند، از همین رو، پیامبران و دانشمندان پس از دانستن این نکته، گفته‌اند: محبت دنیا سرچشمه هر بدی و گناهی است، البته دنیا هم دو نوع است دنیای بلاغ و دنیای لعنت شده که دنیای بلاغ داشتن به قدر کفایت و از راه حلال است و دنیای لعنت شده افزون از میزان مورد نیاز و از راه حرام می‌باشد.<sup>(1)</sup>

قناعت: قناعت شکل دهنده پس زمینه روحی انسان پارسا در دنیا است که وی را به لحاظ روحی و نفسی قادر می‌سازد تا با شهوات و لذت‌های دنیا به درستی رو به رو شود، و از همین رو است که بر انسان لازم است تا نفس خود را با این صفت تربیت کند.

قرآن کریم نیز بر این صفت تأکید کرده است؛ مانند این آیه:

{فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ} <sup>(2)</sup>

اموال و فرزندان‌شان تو را به شگفت نیآورد.

{وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنُفِثَهُمْ فِيهِ} <sup>(3)</sup>

و زنهار به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم [و فقط] زیور زندگی دنیاست تا ایشان را در آن بیازماییم، دیدگان خود مدوز.

---

1. کلیتی، الکافی 2 / 130 ح 11.

2. توبه / 55.

3. طه / 131.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

روایاتی نیز در تأکید بر این صفت که در رفتار انسانی از برجستگی خاصی برخوردار می باشد از اهل بیت <sup>^</sup> وارد شده است.

امام صادق × فرمود:

در تورات چنین نوشته شده است: ای فرزند آدم، هر گونه خواهی باش که هر چه کنی با تو کنند، هر کس با روزی اندک از خدای خود راضی شود خداوند نیز به اعمال و عبادات کم او رضایت خواهد داد، و هر کس به روزی کم حلال قناعت نماید، زحمتش کم، درآمدش پاکیزه و از مرز زندگی گناه آلود خارج می شود.<sup>(1)</sup>

و نیز از آن حضرت روایت شده است که فرمود:

من قنع بما رزقه الله فهو من أغنى الناس.<sup>(2)</sup>

هر کس به آنچه خداوند متعال روزیش کرده قناعت کند، از بی نیازترین مردم است.

و از حمزة بن حرمان نقل است که گفت:

مردی به نزد حضرت امام صادق × شکایت برد که قانع به آنچه به دست می آورد نیست، و با نفس خود جدال می کند تا بیشتر از آن به دست بیاورد، وی به امام × عرض کرد چیزی به من بیاموز که مرا سود رساند حضرت امام صادق × در پاسخ وی فرمودند:

---

1. کلینی، الکافی 2 / 138 ح 4.

2. کلینی، الکافی 139/ح 9.

اگر از قناعت به آن درجه رسیده‌ای که به مقدار لزوم و کفایت از دنیا تو را قانع و بی نیاز می‌کند، پایین‌ترین حد دنیا تو را کفایت است و اگر از حرص بدان پایه رسیده‌ای که به مقدار لزوم و کفایت خود بی نیاز و قانع نمی‌شوی، همه آنچه در دنیا است تو را کفایت نخواهد کرد.<sup>(1)</sup>

پرهیز از گناه: پرهیز از گناه که از آن به ورع تعبیر می‌شود جنبه دیگری از پس زمینه روحی پارسایی در دنیا و شهوات آن است؛ آنجا که بر انسان واجب است تنها آنچه را از دنیا برای خود برداشت کند که خداوند متعال آن را حلال نموده باشد؛ از آن جمله است:

{قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ} <sup>(2)</sup>

[ای پیامبر] بگو: زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده، و اتیز [روزبهای پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟ بگو: این [نعمتها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت [تیز] خاص آنان می‌باشد. این گونه آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کنیم.

و از گناه و زشتکاری و پلیدی و نادرستی پرهیزد که خداوند متعال پس از ایمان به خدا و توکل بر او، این صفت را پیشاپیش صفات مؤمن قرار داده است:

1. کلینی، الکافی 2 / 139 ح 10.

2. اعراف / 32.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

{وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ} (1)

و کسانی که از گناهان بزرگ و زشتکارها خود را به دور می‌دارند و چون به خشم درمی‌آیند درمی‌گذرند.

لذا است که از ناحیه اهل بیت <sup>^</sup> نیز روایاتی در تأکید بر اهمیت و نقش پرهیز از گناهان و خودداری از آنها وارد شده است؛ از آن جمله است روایت علی بن ابراهیم، از عمرو بن سعید بن هلال ثقفی، از حضرت امام صادق  $\times$  که گوید:

به آن حضرت عرض کردم: من هر چند سال یک بار به زیارت شما نایل می‌شوم، مرا از مطلبی آگاه کنید که همواره آن را به کار بندم، فرمود:

تو را به تقوای الهی و سختکوشی در عمل سفارش می‌کنم، و بدان که تلاش و کوشش در راه عبادت بدون پرهیز از گناه و تقوای الهی سودی به انسان نمی‌رساند. (2)

و از حضرت امام کاظم  $\times$  روایت شده است که فرمود:

بسیار از پدرم می‌شنیدم که می‌فرمود: کسی که زنان پرده نشین در خلوت خود از ورع و تقوای او صحبت نکنند، از شیعیان ما نیست، و از اولیای ما نیست کسی که اگر در یک روستای ده هزار نفری زندگی

---

1. شوری / 37.

2. کلیبی، الکافی 2 / 76 ح 1.



می‌کند در میان آنان کسی پرهیزگارتر از او پیدا شود.<sup>(1)</sup>

و از حنان بن سدید روایت شده است که گفت:

ابوالصباح کنانی به حضرت امام صادق × عرض کرد: ما به جهت دوستی شما چه چیزها که از مردم نمی‌بینیم؟!

امام به وی فرمودند: به جهت دوستی با ما چه چیزهایی از مردم می‌بینید؟ آیا مردم شما را به خاطر من سرزنش می‌کنند؟

ابوالصباح گفت: آری. امام × فرمودند: به خدا قسم که چه اندک هستید پیروان جعفر در میان شما، همانا کسی از اصحاب من به شمار می‌آید که به شدت با ورع بوده، برای خالق خود کار کرده و به پاداش او امیدوار باشد، چنین کسانی اصحاب من هستند.<sup>(2)</sup>

و از حضرت امام باقر × نقل شده است که فرمود:

در روز قیامت همه چشم‌ها گریان است مگر سه چشم: چشمی که در راه خدا شب بیداری کشیده باشد، چشمی که از ترس خدا اشک از آن جاری شود و چشمی که از نگاه به آنچه خداوند حرام کرده است پوشیده شود.<sup>(3)</sup>

و از حضرت امام صادق × روایت شده است که فرمود:

از مناجات خداوند عزّ و جلّ با حضرت موسی × یکی این بود که: ای

---

1. کلینی، الکافی 2 / 79 ح 15.

2. کلینی، الکافی 2 / 77 ح 6.

3. کلینی، الکافی 2 / 80، ح 2.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان <sup>6</sup>

---

موسی، تمام کسانی که به من نزدیک شدند، به چیزی مانند پرهیز از محارم به من تقرب نجسته‌اند، من نیز بهشت‌های جاودانی را که کسی در آن با ایشان شریک نباشد، در اختیارشان خواهم گذاشت.<sup>(1)</sup>

حیا: حیا صفت گرانبها و خوی بلند مرتبه‌ای است که انسان را از فرو رفتن در شهوات و همراه شدن با غرایز باز داشته، و فرصت اداره کردن رفتار انسان و انتخاب بهترین را برای عقل وی مهیا می‌سازد؛ به همین جهت است که در شریعت اسلام تأکید فراوانی بر وجود این صفت در انسان و خصوصاً در بانوان گردیده است؛ زیرا بانوان به جهت نیروی شهوانی که خداوند بیشتر از مردان در آنان به ودیعت نهاده است بیشتر به صفت حیا نیازمند می‌باشند، که حیا کنترل کننده نیروی شهوت است.

مرحوم شیخ کلینی در کافی با سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین × روایت کرده است که فرمود:

خداوند متعال شهوت را در ده قسمت آفرید و یک قسمت آن را در مردان و نه قسمت دیگر را در زنان قرار داد؛ و اگر نبود نیروی حیا که خداوند به میزان نیروی شهوت در آنان قرار داده است، هر مرد را نه زن بود که همواره به او درآویخته بودند.<sup>(2)</sup>

از همین جا می‌یابیم که چرا اهل بیت <sup>^</sup> حیا را جزء ایمان قرار

---

1. کلینی، الکافی 2 / 80، ح 3.

2. کلینی، الکافی 5 / 338، ح 1.

## ساختار روینایی روابط اجتماعی

---

داده‌اند و بدون حیا ایمانی نیست؟

شیخ کلینی در کافی از حضرت امام صادق × روایت کرده است که فرمود:

الحیاء من الأیمان و الأیمان فی الجنة. (1)

حیا از ایمان، و ایمان در بهشت است.

و از معاذ بن کثیر، از حضرت امام صادق × یا حضرت امام باقر × روایت شده است که فرمود:

حیا و ایمان با یک ریسمان به یکدیگر بسته شده‌اند و هر کجا که یکی از آن دو پرود دیگری نیز به دنبال وی خواهد رفت. (2)

و از احمد بن ابی عبدالله از یکی از اصحاب ما، مرفوعاً<sup>(3)</sup> روایت شده است که رسول خدا ' فرمود:

الحیاء حیاءان: حیاء عقل و حیاء حمق، فحیاء العقل، هو العلم و حیاء الحمق هو الجهل. (4)

حیا بر دو گونه است: حیای عقل و حیای حماقت؛ حیای عقل دانایی و

---

1. کلینی، کافی 2/ 106، ح 1.

2. کلینی، کافی 2/ 106، ح 4.

3. روایت مرفوعه روایتی است که يك راوی در سلسله سند آن بدون ذکر واسطه‌های بعدی حدیث را با فاصله اما به صورت مستقیم از معصوم مورد نظر نقل کرده باشد.

4. کلینی، کافی 2/ 106، ح 6.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

---

حیای حماقت نادانی است.

راستگویی و ادای امانت: شاید بتوان گفت که دو صفت راستی و امانت از صفاتی است که بیشترین رابطه مستقیم را با مسئله روابط اجتماعی دارد.

در رابطه با رسول خدا ' وارد شده است که آن حضرت پیش از مبعوث شدن به رسالت به راستگوی امین مشهور بود و این صفت نقش به سزایی در پیشرفت دعوت اسلام داشت.

قرآن کریم نیز بر این صفت تأکید کرده به آن فرمان داده و از مخالفت با آن نهی کرده، در آیات چندی بندگان صالح خود را به داشتن این صفت توصیف نموده است: از آن جمله است سخن خدای متعال:

{وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ} (1)

و آنان که امانت‌ها و پیمان خود را رعایت می‌کنند.

و آیه شریفه:

{وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِذْ كَانُ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا} (2)

و در این کتاب از اسماعیل یاد کن، زیرا که او درست وعده و فرستاده‌ای پیامبر بود.

همچنین آیه شریفه:

---

1. مؤمنون / 8.

2. مریم / 54.

{إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَائِنِينَ وَالْقَائِنَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا} (1)

مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان عبادت پیشه، و مردان و زنان راستگو، و مردان و زنان شکیبیا، و مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان صدقه دهنده، و مردان و زنان روزه دار، و مردان و زنان پاکدامن، و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند، خدا برای [همه] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است.

احادیث اهل بیت <sup>^</sup> نیز فراوان در تأکید این صفت وارد شده است: شیخ کلینی در کافی با سند معتبر از حضرت امام صادق  $\times$  نقل کرده است که فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصَدَقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ (2)  
خداوند عزّ و جلّ پیامبری را مبعوث نکرد مگر به جهت راستگویی و ادای امانت به صاحب آن چه خوب باشد یا فاجر و بدکار.

و از اسحاق بن عمار و دیگران، از حضرت امام صادق  $\times$  روایت شده است که فرمود:

1. احزاب / 35.

2. کلینی، کافی / 2، 104، ح. 1.

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

به نماز خواندن و روزه گرفتن آنان فریفته نشوید: زیرا که ممکن است کسی چنان به خواندن نماز و گرفتن روزه عادت کرده باشد که اگر این اعمال از وی ترک شود آشفته گردد، بلکه آنان را در هنگام راستگویی و امانتداری بیازماید.<sup>(1)</sup>

و از عمرو بن ابی المقدام نقل شده است که گفت:

در اولین باری که به خدمت حضرت امام باقر × شرفیاب شدم، آن حضرت به من فرمودند: پیش از سخن گفتن، راست گفتن را بیاموزید.<sup>(2)</sup>

و از ابی کهمس نقل شده است که گفت: به حضرت امام صادق × عرض کردم: عبدالله بن ابی یعفور به شما سلام می‌رساند

فرمود:

بر تو و بر او درود باد. اگر به نزد عبدالله رفتی سلام مرا به او برسان و به او بگو: جعفر بن محمد به تو می‌گوید: ببین چه چیزی باعث شد که علی × در نزد پیامبر اکرم ' به چنان جایگاه و منزلتی دست یابد؟ تو هم همان رویه را در پیش بگیر، علی × از آن روی در نزد پیامبر اکرم ' به چنان جایگاه و منزلتی دست یافت که راستگو و امانتدار بود.<sup>(3)</sup>

و از عبدالله بن ابی یعفور از حضرت امام صادق × نقل شده است که فرمود:

---

1. کلینی، الکافی 2 / 104، ح 2.

2. کلینی، الکافی 2 / 104، ح 4.

3. کلینی، الکافی 2 / 104، ح 5.

مردمان را با چیزی غیر از زبان و گفتار یعنی با عمل و کردار، به سوی خوبی‌ها دعوت کنید، مردم باید در شما جدیت و سختکوشی و راستی و پرهیزگاری را مشاهده کنند.<sup>(1)</sup>

استقامت: از دیگر موارد این صفات ثبات قدم و استقامت در کار و استمرار در آن می‌باشد؛ این صفت تأثیر عمده‌ای در ساخت شخصیت انسان و پیشرفت و تثبیت روابط اجتماعی دارد.

اهل بیت <sup>^</sup> از طریق سفارش یاران خود به پایداری در هر عمل و حد اقل یک سال ادامه دادن آن، بر این صفت تأکید کرده‌اند؛ زیرا امور متغیر و زودگذر در انسان تأثیری ندارد، به علاوه اینکه معمولاً نتایج کارها در مدت کوتاه آشکار نشده و ناچار باید مدتی صبر کرد و انتظار کشید تا از صلاح یا فساد آن مطمئن شد.

کلینی در کافی با سند معتبر از حضرت امام باقر × روایت کرده است که فرمود:

محبوب‌ترین عمل بندگان در نزد خداوند عزّ و جلّ، عملی است که بنده خدا بر آن مداومت ورزد اگرچه خود عمل اندک باشد.<sup>(2)</sup>

و نیز با سند معتبر از حضرت امام سجّاد × روایت شده است که فرمود:

---

1. کلینی، الکافی 2 / 105، ح 10.

2. کلینی، الکافی 2 / 82، ح 2.

## تقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

من بسیار دوست می‌دارم عمل خود را ادامه دهم اگرچه اندک باشد.<sup>(1)</sup>

و اینکه:

من دوست می‌دارم در حالی به نزد خدای خود بروم که اعمالم در من تثبیت شده باشد.<sup>(2)</sup>

### نمونه هایی از الگوی صالح

اهل بیت <sup>^</sup> می‌خواستند از طریق این راهنمایی‌ها و نصایح نه فقط جماعتی صالح، بلکه الگویی شایسته برای جامعه اسلامی ایجاد نمایند، چه اینکه در بعضی از روایات گذشته به این مطلب اشاره کرده‌اند: به همین دلیل است که می‌بینیم اهل بیت <sup>^</sup> به شیعیان خود تأکید می‌کردند حتماً خود را به بالاترین اخلاق اسلامی که مجسم کننده چنین الگویی است آراسته نمایند، و بلکه گاه غیر این حالت را از شیعیان خود قبول نمی‌کردند.

در اینجا به نمونه هایی که اهل بیت <sup>^</sup> در آنها از شیعیان حقیقی خود که الگوی عالی رتبه جماعت صالح می‌باشند سخن به میان آورده‌اند، اشاره می‌کنیم.

از حرمان بن اعین، از حضرت امام صادق  $\times$  روایت شده است که فرمود:

---

1. کلینی، الکافی 2 / 82، ح 4.

2. کلینی، الکافی 2 / 82، ح 5.



حضرت امام سجاد × در خانه خود نشسته بودند که گروهی در خانه آن حضرت را زدند، ایشان به کنیز خود فرمودند: برو و ببین چه کسی است؟ [آنان به کنیز] گفتند: [به آن حضرت بگو]: گروهی از شیعیان تو، آن حضرت چنان با عجله از جای خود برخاست که نزدیک بود به زمین بیفتد، اما چون در را گشود و به چهره‌های آنان نگاه کرد، بازگشت و فرمود: دروغ گفتند، کجا است زردی صورت؟ کجا است نشانه عبادت؟ کجا است علامت سجود؟

شیعیان ما به عبادت و غبار آلودگی چهره، شناخته می‌شوند، شدت عبادت و بسیاری سجده بینی‌های آنان را مجروح کرده و پیشانی و مواضع سجودشان پینه بسته است؛ شکم‌هایشان تهی و لب‌هایشان خشک بوده، عبادت زیاد چهره‌های آنان را آشفته کرده و بیداری شب‌ها و عبادت روزهای داغ جسمشان را فرسوده نموده است.

آن گاه که مردم در سکوت هستند آنان ذکر خدا می‌گویند، آن گاه که مردم در خوابند آنان به نماز می‌ایستند و آن گاه که مردم شاد و مسرورند حزن و اندوهی در دل دارند؛ معروف به پارسایی بوده، سخنشان رحمت و دل مشغولی آنان بهشت است.<sup>(1)</sup>

و از جابر، از حضرت امام باقر × نقل شده است که فرمود:

ای جابر، همانا که شیعیان علی کسانی هستند که صدایشان از گوش آنان فراتر نرود و کینه و دشمنی آنان از درون ایشان پا فراتر نگذارد، آنان

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان <sup>6</sup>

---

کسانی هستند که گزافه گویان دریاره ما را ستایش نکرده، با دوستان ما دشمنی نورزیده، با آنان که از ما عیبجویی کنند همنشینی نمی نمایند، تنها کسانی شیعه علی  $\times$  هستند که همچون سگان زوزه نمی کشند و همچون کلاغ طمع نمی رزند، و حتی اگر از گرسنگی بمیرند، هیچ گاه دست نیاز به سوی مردمان دراز نمی کنند آنان کسانی هستند که زندگی سختی دارند، محل سکوتشان همواره در حال انتقال است: آنان که اگر دیده شوند شناخته نشوند و اگر ناپدید گردند کسی به دنبال آنها نخواهد گشت، اگر بیمار شوند کسی به عیادت ایشان نرود و اگر بمیرند کسی آنان را تشییع نکند: آنان پس از مرگ و در میان قبرها به ملاقات یکدیگر می روند.

عرضه داشتم در کجا به دنبال آنان بگردم؟

فرمود: در گوشه و کنار زمین و در میان بازارها به دنبال آنها بگرد و این کلام خداوند متعال است که فرماید: [اینان] با مؤمنان، فروتن، [و] بر کافران سرفرازند.<sup>(1)</sup>

و از ابو بصیر نقل شده است که گفت: حضرت امام صادق  $\times$  فرموده اند:

شیعتنا أهل الورع و الإجتهد، و أهل الوفاء و الأمانة، و أهل الزهد و العبادة، أصحاب إحدى و خمسين ركعة في اليوم و الليلة، القائمون بالليل، الصائمون بالنهار، يزكون أموالهم، و يحجون البيت، و يجتنبون كل محرم<sup>(2)</sup>

---

1. مجلسی، بحار الانوار: 65 / 168، ح 28.

2. مجلسی، بحار الانوار: 65 / 167/ح 23.

شیعیان ما اهل پرهیزگاری، سختکوشی، وفا، امانت داری، و اهل عبادت و پارسایی هستند، آنانند که در هر شبانه روز پنجاه و یک رکعت نماز می‌خوانند، شب‌ها به عبادت برپا ایستاده و روزها در حال روزه داری هستند، آنان زکات اموال خویش را می‌پردازند، حج خانه خدا را به جا می‌آورند و از هر حرامی پرهیز می‌کنند.

حضرت امام کاظم × فرمود:

هر کس با شیعیان ما دشمنی کند با ما دشمنی کرده و هر کس با آنان دوستی نماید با ما دوستی نموده است؛ چون شیعیان ما از ما بوده از خمیرمایه ما آفریده شده‌اند؛ هر کس به شیعیان ما محبت ورزد از ما بوده و هر کس کینه آنان را در دل بگیرد از ما نیست. شیعیان ما با نور خدا می‌بینند، در رحمت خدا حرکت می‌کنند و به کرامت خداوندی نایل می‌گردند؛ کسی از شیعیان ما بیمار نمی‌شود مگر اینکه ما نیز به بیماری او بیمار می‌شویم، غمگین نمی‌شود مگر اینکه ما نیز از غم او غمگین می‌گردیم و شادمان نمی‌شود مگر اینکه ما نیز از شادمانی او شادمان می‌گردیم و هیچ یک از شیعیان ما در شرق یا غرب جهان از ما پوشیده نیست، شیعیان ما اگر پس از مرگ از خود دینی به جا گذارند بر عهده ما و اگر میراثی به جا گذارند از آن ورثه آنان است. شیعیان ما کسانی هستند که نماز را به پا می‌دارند، زکات می‌دهند، حج خانه خدا را به جا می‌آورند، در ماه رمضان روزه می‌گیرند، اهل بیت را دوست داشته و دشمنان اهل بیت را دشمن می‌دارند، چنین کسانی اهل ایمان و پرهیزگاری و تقوا و ورع هستند، هر کس آنان را رد کند خدا را رد کرده

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

و هر کس از ایشان بدگویی نماید از خدا بدگویی کرده است؛ زیرا آنان بندگان راستین و دوستان واقعی خداوند هستند. به خدا سوگند که هر یک از آنان جمعیتی را به اندازه دو قبیله ربیع و مضر شفاعت می‌کنند و خداوند شفاعتشان را در باره آنان می‌پذیرد؛ چون آنان بسیار در نزد خدا عزیز هستند.<sup>(1)</sup>

در پایان، این نمونه‌ها را با روایتی نفیس و بدیع که از حضرت امیرالمؤمنین × در ارائه تصویری بدیع از شیعیان روایت شده و به خطبه متقین یا خطبه همام معروف است به پایان می‌بریم، گرچه در بیان ویژگی‌های جماعت صالحان نیز به بعضی از فقرات این خطبه اشاره کرده‌ایم.<sup>(2)</sup>

1. مجلسی، بحار الانوار: 65 / 167، ح 25.

2. کراچکی در کثر الفوائد با سند خود از ابوهمزه ثمالی، از یحیی بن ام الطویل، از نوف بکالی نقل می‌کند که فرمود: «برایم حاجتی در نزد حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب × پیش آمد و برای این کار جندب بن زهیر و ربیع بن خثیم و خواهرزاده اش همام بن عباد بن خثیم را که از «اصحاب البرانس» بود با خود همراه کردم (اصحاب البرانس کسانی بودند که به پرهیزگاری و پارسایی معروف بوده و کلاه بلندی به نام بُرُس بر سر می‌نهادند و به قصد ملاقات با امیرالمؤمنین × حرکت کردیم و آن حضرت را در حال خروج از خانه به سمت مسجد دیدیم، ما نیز با آن حضرت همراه شدیم تا به چند تن افراد چاق و تنومند رسیدیم که در کنار یکدیگر نشسته و به صحبت و شوخی مشغول بودند؛ هنگامی که امیرالمؤمنین × به نزد آنها رسید به سرعت از جا برخاسته و به آن حضرت سلام کردند: آن حضرت فرمودند: شما که هستید؟ گفتند: مردمانی از شیعیان شما ای امیرمؤمنان، آن حضرت در باره آنها دعا کردند سپس به آنها

أما بعد، فإنَّ الله سبحانه و تعالی خلق الخلق حين خلقهم غنياً عن طاعتهم،  
آمناً من معصيتهم؛ لأنه لا تضره معصية من عساه، و لا تنفعه طاعة من  
أطاعه فقسّم بينهم معایشهم، و وضعهم من الدنيا مواضعهم.  
فالمتقون فيها هم أهل الفضائل منطبقهم الصواب، و ملبسهم الإقتصاد و مشيهم  
التواضع.

غضوا أبصارهم عما حرّم الله عليهم، و وقفوا أسماعهم على العلم النافع لهم.  
نزلت أنفسهم منهم في البلاء كالتی نزلت في الرخاء.  
و لولا الأجل الذي كتب الله عليهم لم تستقر أرواحهم في أجسادهم طرفة  
عين؛ شوقاً إلى الثواب، و خوفاً من العقاب.

---

فرمودند: چرا من نشانه های شیعیان و آراستگی محبان ما اهل بیت را در شما نمی یابم؟  
آنان از روی شرم و حیا سکوت کردند. نوف گوید: جندب و ربیع رو به آن حضرت  
کرده و عرض کردند: ای امیر مومنان، نشانه و ویژگی شیعیان شما چیست؟ آن حضرت  
در جواب این سؤال قدری مکث کرد و فرمود: شما دو نفر پرهیزگار باشید و کارهای  
خوب کنید که خداوند با کسانی است که پرهیزگارند و کارهای خوب می کنند. در این  
حال همام بن عباد که مردی عابد و مجتهد بود گفت: تو را به آن کس که شما اهل بیت  
را گرامی داشته، شما را امتیاز بخشیده، به شما عنایت کرده و بر همه خلائق برتری داده  
است سوگند می دهم که صفات و ویژگی های آنان را برای ما بازگو کنی، آن حضرت  
فرمودند: مرا سوگند مده که خود به زودی شما را از این امر با خبر خواهم کرد، آن گاه  
دست آن دو را گرفت و وارد مسجد کرد سپس دو رکعت نماز مستحب (شاید نماز تحیت  
مسجد کوتاه اما با حضور قلب و خشوع کامل به جا آورده و آن گاه رو به ما کرد و  
نشست و مردم نیز به دور آن حضرت حلقه زدند، سپس حمد و ثنای الهی را به جا  
آورد و بر پیامبر اکرم ' درود فرستاد و فرمود:...» بحار الانوار: 65 / 192، ح 48.

## نقش اهل بيت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6.

عظم الخالق في أنفسهم فصغر ما دونه في أعينهم.

فهم و الجنة كمن قد رآها فهم فيها منعمون، و هم و النار كمن قد رآها. فهم فيها معذبون.

قلوبهم محزونة، و شرورهم مأمونة، و أجسادهم نحيفة، و حاجاتهم خفيفة، و أنفسهم عفيفة.

صبروا أياماً قصيرة أعقبتهم راحة طويلة؛ تجارة مربحة يسرها لهم ربهم.

أرادتهم الدنيا فلم يريدوها، و أسرّتهم ففدوا أنفسهم منها.

أما الليل فصافون أقدامهم تالين لأجزاء القرآن يرتلونها ترتيلاً. يحزّون به أنفسهم و يستثيرون به دواء دائهم؛ فإذا مرّوا بآية فيها تشويق ركنوا إليها طمعاً، و تطلّعت نفوسهم إليها شوقاً، و ظلّوا أنّها نصب أعينهم، و إذا مرّوا بآية فيها تخويف أصغوا إليها مسامح قلوبهم و ظلّوا أن زفير جهنم و شهيقها في أصول آذانهم.

فهم حانون على أوساطهم، مفترشون لجباهم، و أكفهم و ركبهم و أطراف أقدامهم، يطلبون إلى الله تعالى في فكائك رقابهم.

و أما النهار فحلما علماء، أبرار أتقياء؛ قد براهم الخوف يرى القِداح، ينظر إليهم الناظر فيحسبهم مرضى و ما بالقوم من مرض، و يقول: قد خولطوا! و لقد خالطهم أمرٌ عظيم.

لا يرضون من أعمالهم القليل، و لا يستكثرون الكثير، فهم لأنفسهم متهمون. و من أعمالهم مشفقون: إذا زكّي أحدٌ منهم خاف مما يقال له، فيقول: أنا أعلم

## ساختار روبنایی روابط اجتماعی

بنفسی من غیري، و ربي أعلم بي من نفسي. اللهم لا تؤاخذني بما يقولون، و اجعلني أفضل مما يظنون، واغفر لي ما لا يعلمون.

فمن علامة أحدهم أنك ترى له قوة في دين، و حزمًا في لين، وإيمانًا في يقين، و حرصًا في علم، و علمًا في حلم، و قصدًا في غنى، و خشوعًا في عبادة، و تجملًا في فاقة، و صبرًا في شدة، و طلبًا في حلال، و نشاطًا في هدى، و تحرّجًا عن طمع

يعمل الأعمال الصالحة و هو على وجل، يسي و همّ الشكر، و يصبح و همّ الذكر يبيت حذرًا و يصبح فرحًا. حذرًا لما حذر من الغفلة. و فرحًا بما أصاب من الفضل و الرحمة

إن استصعبت عليه نفسه فيما تكره لم يعطها سؤالها فيما تحب

قرة عينه فيما لا يزول، و زهادته فيما لا يبقى

يمزج الحلم بالعلم، و القول بالعمل

تراه قريباً أمله، قليلاً زكُّه، خاشعاً قلبه، قانعة نفسه، مزوراً أكله، سهلاً أمره، حريزاً دينه، مبيتة شهوته، مكظوماً غيظه

الخير منه مأمول، و الشرّ منه مأمون

إن كان في الغافلين كتب في الذاكرين، و إن كان في الذاكرين لم يكتب من الغافلين

يعفو عن ظلمه، و يعطي من حرمه، و يصل من قطعه

بعيداً فحشه، لينا قوله، غائباً منكره، حاضراً معروفه، مقبلاً خيره، مدبراً شره

## تقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

في الزلازل وقور، و في المكاره صبور، و في الرخاء شكور  
لا يحيف على من يبغض، و لا يأثم فيمن يجب. يعترف بالحق قبل أن يشهد  
عليه. لا يضيع ما استحفظ، و لا ينسى ما ذُكِّر  
و لا يتأبى باللقاب، و لا يضار بالجار، و لا يشمت بالمصائب، و لا يدخل في  
الباطل، و لا يخرج من الحق.  
إن صمت لم يغمه صمته، و إن ضحك لم يعل صوته، و إن بغي عليه صبر  
حتى يكون الله هو الذي ينتقم له.  
نفسه منه في عناء، و الناس منه في راحة. أتعب نفسه لآخرته، و أراح  
الناس من نفسه.

بعده عمّن تباعد عنه زهد و نزاهة. و دنوّه ممن دنا منه لين و رحمة؛ ليس  
تباعده بكبر و عظمة، و لا دنوّه بمكر و خديعة.<sup>(1)</sup>

همانا خداوند سبحان مخلوقات را در حالی آفرید که از اطاعت آنان بی  
نیاز و از نافرمانی ایشان در امان بود؛ زیرا نه نافرمانی گناهکاران وی را  
زیانی رساند و نه بندگی فرمانبرداران وی را سودی رساند. خداوند  
روزی بندگان را در میان آنان تقسیم کرد و هر کدام را در دنیا در  
جایگاه خود قرار داد.

اما در میان خلائق، پرهیزگاران در دنیا بر دیگران برتری دارند،  
سخنانشان راست، پوشش آنان میانه روی، و راه رفتنشان همراه با تواضع



و فروتنی است:

چشم خود را از آنچه خداوند بر آنها حرام کرده پوشانده و گوش‌های خود را وقف شنیدن دانش‌های سودمند نموده‌اند؛ حال آنان در هنگام سختی و راحتی یکسان است

و اگر نبود اجلی که خداوند برای آنان مقرر داشته روح آنان از شوق پاداش الهی و بیم عذاب او چشم برهم زدنی در کالبد ایشان آرام نمی‌گرفت.

خدا در درون ایشان بزرگ و غیر خدا کوچک و بی مقدار است

بهشت برای آنان چنان است که گویی آن را می‌بینند و از نعمت‌های آن بهره مند هستند و دوزخ برای آنان چنان است که گویی آن را دیده و در عذاب آن گرفتارند.

دل‌های آنان اندوهگین، بدی‌هایشان در بند، تن‌های آنان لاغر، خواسته‌هایشان اندک، نفسشان عقیف و دامنشان پاک است.

روزهای کوتاه دنیا را با صبر پشت سر می‌گذارند، تا آسایشی جاودانه به دنبال آن باشد، این تجارتی پر سود است که خداوند عزّ و جلّ به راحتی در اختیار آنان نهاده است

دنیا در پی آنان بوده اما آنان آن را نخواستند، و خواست تا آنان را اسیر خود سازد اما آنان با فدا کردن نفس اماره، خود را از اسارتش آزاد کردند.

آنان در شب بر پا ایستاده به نماز مشغول می‌شوند و با تأنی و تفکر

جزء جزء قرآن را تلاوت می‌نمایند، آنان جان خود را با قرآن محزون می‌کنند و داروی درد خود را در آن می‌جویند: آن گاه که به آیه‌ای می‌رسند که در آن تشویقی است، امیدوارانه به آن دل می‌بندند، و مشتاقانه به آن خیره می‌شوند، و چنین می‌پندارند که نعمت‌های بهشت هم اکنون پیش روی آنان است: و چون به آیه‌ای می‌رسند که بندگان را از عذاب خدا بیم داده باشد گوش دل به آن سپرده گویا صدای گُرگُر زیبانه‌های آتش و نعره‌های دوزخ در گوش ایشان طنین افکنده است

پس رکوع می‌کنند، سجده می‌کنند و پیشانی و دست و پا بر خاک می‌مالند و رهایی خود از آتش جهنم را از خداوند متعال طلب می‌کنند.

اما در روز دانشمندی بردبار و نیکوکارانی پرهیزگار هستند، کسانی که ترس از خدا آنان را همچون تیر تراشیده و لاغر کرده است، هر کس به آنها نگاه کند ایشان را بیمار پندارد اما آنها بیمار نیستند، یا آنان را دیوانه می‌پندارد، اما این آشفتگی در اثر امری بس بزرگ بر آنان عارض شده است

آنان از اعمال اندک خود ناخرسند بوده و اعمال بسیار خود را نیز اندک می‌شمارند: آنان همواره نفس خود را متهم می‌کنند و از کردار خود هراسانند. هرگاه یکی از آنان را بستانند، از آنچه در باره او گفته شده در هراس افتاده و می‌گویند:

من خود را از دیگران بهتر می‌شناسم، و خدایم مرا از خودم بهتر می‌شناسد، خداوندا، مرا بر آنچه در باره‌ام می‌گویند مؤاخذه نکن اما از آنچه در باره‌ام پنداشته‌اند بهترم فرما و گناهایی که آنان اطلاعی از آنها ندارند را بر من ببخش.

نشانه هرکدام از آنان این است که او را این گونه می‌بینی: نیرومند در دین داری، دوراندیش در عین نرمخویی، دارای ایمانی آکنده از یقین، حریص در کسب دانش، دانا در عین بردباری، میانه رو در عین توانگری، فروتن در حال عبادت، آراسته در عین تهیدستی، بردبار در حال سختی، طالب روزی حلال، پر شور در راه هدایت و به دور از طمع.

در حال نیکوکاری هم ترسان است، روز خود را با سپاسگزاری به شب می‌رساند، و شب را با یاد خدا به صبح می‌آورد

شب ترسان با یاد خدا به خواب می‌رود و با شادمانی از خواب بر می‌خیزد: ترس از اینکه مبادا دچار غفلت شود و شادمان از فضل و رحمتی که بدو عطا گردیده است.

اگر نفس وی در ناگواری‌ها از او فرمان نبرد از آنچه بر وی گوارا است محرومش می‌کند

روشنی چشم او در امور جاودانه بوده، امور ناپایدار را رها می‌نماید

وی بردباری را با دانش و گفتار را با کردار می‌آمیزد.

وی را چنان می‌بینی که آرزویش نزدیک، لغزش هایش اندک، دلش خاضع، نفسش قانع، خوراکش کم، کارش آسان، دینش محفوظ، شهوتش مرده و خشمش فرو خورده است:

مردم به خیر وی امیدوار و از شرش در امانند.

اگر در جمع بی‌خبران باشد، نامش در زمره ذاکران خدا ثبت می‌شود و

## نقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

اگر در میان ذاکران باشد نامش در زمره بی خبران ثبت نخواهد گردید  
ستمکار را می‌بخشد، به آنکه محرومش کرده می‌دهد، با آن کس که از  
وی بریده می‌پیوندد.

دور از سخنان زشت، گفتارش نرم، بدی هایش پنهان، خوبی‌اش آشکار  
است، خیر او به همه رسیده و آزارش به کسی نمی‌رسد.

در سختی‌ها آرام، در ناگواری‌ها بردبار، و در خوشی‌ها سپاسگزار است  
به دشمن خود ستم روا ندارد، و برای خوش آیند دوست خود دست به  
گناه نیالاید. پیش از آن که بر ضد او گواهی دهند به حق اعتراف می‌کند:  
آنچه را که به او سپرده‌اند ضایع نمی‌کند و تذکری را که به او داده شده  
به دست فراموشی نمی‌سپارد.

مردم را با لقب‌های زشت نمی‌خواند، به همسایگان خود آزار نمی‌رساند،  
در مصیبت دیگران شاد نمی‌شود، در کارهای ناروا دخالت نمی‌کند و از  
دایره حق پا فراتر نمی‌گذارد.

اگر خاموش است خاموشی اندوهگینش نکند، و اگر بخندد آواز خنده‌اش  
بلند نشود و اگر ستمی بر وی روا داشته شود صبر کند تا خدا انتقام وی  
را بستاند.

نفس وی از او در رنج و مردم از وی در آسایش هستند. خود را برای  
قیامت به زحمت افکنده، مردم را از خود راحت می‌دارد

اگر از کسی دوری کند دوری او از روی پارسایی، و اگر به کسی نزدیک

## ساختار روینایی روابط اجتماعی

---

شود نزدیک شدنش از سر مهر و نرمخویی است. از تکبر و خودپسندی دور و نزدیکی او به دیگران از روی حيله و نیرنگ نیست.



## فهرست

### ساختار کلی روابط اجتماعی

#### بحث های مقدماتی -7

- (1) تعریف روابط اجتماعی - 7
- (2) خانواده و نظام ارتباطات - 8
- (3) پای بندی به اخلاق در روابط اجتماعی - 10
- (4) شیوه بحث در روابط اجتماعی - 11

### زیربنای روابط اجتماعی

#### 1. ابعاد روابط اجتماعی - 15

- [1] برخورد باز در روابط - 15
- بهره مندی از برادران - 17
- برحذر بودن از قطع رابطه و کینه ورزی - 18
- مدارا - 19
- عزلت گزیدن از مردم و رهبانیت - 20
- [2] تقویت ساختار اجتماعی - 23
- [3] محتوای روابط: مساوات و برادری - 28
- احترام به انسان در روابط کلی - 31
- [4] سطح روابط - 34

برادری برای رضای خدا - 38

انواع دوستی ها - 41

[5] برخوردهای ویژه - 44

1. خویشاوندان - 45

2. دانشمندان - 49

3. همسایگان - 52

4. ناتوانان - 54

5. ذریه پیامبر اکرم - 56

2. قواعد زیر بنایی روابط اجتماعی - 58

[1] احکام شرعی و عرفی - 60

پای بندی های واجب و حرام - 61

[2] کنترل و جهت دهی عواطف - 62

کنترل احساسات و مسئله مبارزه با نفس - 63

کنترل احساسات و مسئله حسن خلق - 65

[3] پای بندی به انصاف حتی به ضرر خود - 65

1. عدالت در میان مردم - 66

2. جلوگیری از ستمگری - 67

3. از خود گذشتگی در راه رعایت انصاف با مردم - 68

[4] مدارا و خوش اخلاقی - 71

[5] احسان و بخشندگی - 78



- 78 - نیکوکاری عام
- 79 - نیکوکاری در روابط اجتماعی
- 80 - نیکی به خود
- [6] الگو سازی و رفتار برجسته - 82

### ساختار روبنایی روابط اجتماعی

- پیش درآمد - 89
- 1. ابعاد روابط اجتماعی - 91
  - [1] برخورد باز - 91
  - موارد استثنا - 95
  - 1. پرهیز از مواضع تهمت - 96
  - 2. دوری از همنشینان بد - 98
  - 3. دوری از کسانی که دارای حرفه های حرام هستند - 101
  - 4. دوری از اختلاط با مبتلایان به بیماری های مسری - 103
- [2] تقویت ساختار اجتماعی - 104
  - اصول تقویت ساختار
  - 1. برپایی اجتماعات - 104
  - 2. خیرخواهی برای مسلمانان - 107
  - 3. مهربانی، محبت و دیدار - 110
  - 4. ایجاد صلح و آشتی - 111

5. همسایگان و تقویت ساختار اجتماعی - 114

6. اقدامات بازدارنده - 115

مشورت و شرایط و آثار آن - 118

1. اهمیت شورا - 118

(1) توان و پشتگرمی - 120

(2) دوراندیشی و قدرت اراده - 117

(3) بهترین راه شناخت حقیقت - 117

2. ویژگی مشاور - 123

3. وظایف مستشار - 125

[3] مساوات و برادری - 130

[4] سطوح مختلف روابط - 134

1. رابطه تشریفاتی با مردم - 135

2. رابطه آشنایی ساده - 135

3. رابطه خاص دوستی و رفاقت - 138

[5] برخوردهای ویژه - 140

1. آل پیامبر - 140

صلوات بر آل پیامبر - 136

نیکی به ذریه پیامبر اکرم - 142

2. پیران - 145

3. حافظان و متخصصان در علوم قرآن - 146

4. مؤمن - 146

5. همسایگان - 148

2. اصول بنیادین روابط اجتماعی - 153

[1] احکام شرعی و عرفی - 153

پای بندی به تکالیف در واجبات - 154

پای بندی به تکالیف در محرمات - 158

[2] کنترل و جهت دهی عواطف و هیجانات - 164

کنترل احساسات و صفات پسندیده - 164

1. صبر - 159

2. عفت - 160

3. حلم و بردباری - 161

4. مدارا - 162

5. فروتنی - 163

6. خوش نیتی و باطن پاک - 167

کنترل احساسات و صفت های ناپسند - 174

1. مقام پرستی - 168

2. خشم - 169

3. حسادت - 171

4. قومیت گرایی - 172

5. تکبر، غرور و خودبینی - 174

6. طمع، تنبلی و حماقت - 177

کنترل احساسات در معاشرت - 186

1. حسن مصاحبت - 180

2. خنده و مزاح - 183

3. حفظ حریم و عدم زیاده روی در اطمینان - 185

4. کراهت جدل و خصومت - 187

5. حفظ زبان - 187

6. فرو بردن خشم و تحمل حسادت دیگران - 190

[3] عدالت و انصاف - 200

حرمت ظلم و نمونه های آن - 200

1. رد مظالم - 193

2. هدایت پس از گمراهی - 195

3. کمک به ظالم - 196

انصاف و نمود های آن - 206

1. مقابله به نیکی - 198

2. حق شناسی - 201

3. مشغول شدن به رفع عیب های خود و رها کردن عیوب مردم - 201

4. خوب سخن گفتن درباره مردم - 202

مصادیق ستم و تجاوز - 203

1. کشتن و آزار دادن مؤمن - 203

2. اهانت کردن به مسلمان - 205

3. خوار کردن مؤمن - 205

4. سرزنش کردن مؤمن - 207
  5. پرونده سازی برای مؤمن - 207
  6. ناسزا گفتن و بدگویی به مؤمن - 208
  7. غیبت کردن از مؤمن - 209
  8. بهتان - 212
  9. سخن چینی - 213
  10. تهمت - 214
- نمونه های عالی عدالت در روابط - 223
1. نجوا نکردن - 215
  2. تقسیم نگاه ها - 216
  3. قطع نکردن حرف دیگران - 216
- [4] حسن اخلاق و محبت با مردم - 225
- مراتب دوستی و مدارا - 228
- (1) دیدار کردن - 219
- گام اول: دیدار با سلام و گشاده رویی - 231
1. ابتدا به سلام - 222
  2. چهره متبسم در دیدار - 223
  3. خوش سخنی - 224
- گام دوم: مصافحه، معانقه، روبوسی و ابراز محبت - 234
1. مصافحه و دست دادن - 225
  2. روبوسی - 226

3. ابراز محبت - 228
- گام سوم: آداب مجلس و سخن گفتن - 238
  1. آداب نشستن - 229
  2. پاسخ دادن به عطسه - 233
  3. ادب گفتگو - 234
  4. آداب خندیدن - 235
  5. رد نکردن احسان - 237
- گام چهارم: احترام و تکریم - 247
  - بزرگداشت -
  - یاد کردن از مؤمن به بهترین نامی که می پسندد -
- گام پنجم: احسان و نیکوکاری - 252
  - (1) ظوابط نیکو کاری - 244
    1. موازنه میان سود و زیان - 244
    2. عجله در کار خیر - 225
    3. نیکی به شایستگان - 227
    4. قبول مسئولیت نعمت الهی - 249
    5. شکر نعمت و سپاس نیکی - 251
  - (2) ادای حقوق - 255
    1. مدارا با رفیق - 255
    2. بر آوردن نیاز مؤمن - 256
    3. پوشیده داشتن مؤمن و بازگرداندن بدی ها از او - 259

- 
4. خیرخواهی و دلسوزی برای مؤمن - 261  
(3) کوتاه آمدن از حقوق مسلم خود - 262  
1. بخشش و گذشت - 263  
2. پذیرش عذر - 266  
3. مهلت دادن به بدهکار تنگدست یا بخشیدن او - 267  
4. حلال کردن مردگان و زندگان از بار دین - 269  
(4) پیشدستی در احسان - 272  
1. شتافتن به سوی کار خیر - 272  
انفاق - 273  
سفره دار بودن - 277  
قرض دادن به مؤمنان - 279  
خوبی کردن به مؤمنان - 280  
2. پاسخ دادن بدی با خوبی - 283  
[5] الگوها و رفتار برجسته - 297  
الگوها و روابط اجتماعی - 297  
1. ارتباط با خداوند تعالی - 299  
یقین به خداوند متعال - 290  
توکل بر خدا - 291  
حسن ظن به خدا - 293  
امید به خدا و بیم از او - 296

تقش اهل بیت <sup>^</sup> در بنیان گذاری جماعت صالحان 6

---

2. صفاتی که نشان از رفتار برجسته دارند - 309

صبر - 307

پارسایی - 312

قناعت - 317

پرهیز از گناه - 319

حیا - 322

راستگویی و ادای امانت - 324

استقامت - 327

فهرست - 343